

توقیعات مبارکہ

حضرت ولی امر اللہ

خطاب بہ اجنبی مشرق

بجنتہ ملی نشر آثار امری بہ لسان فارسی و عربی
لانگن جاین - آلمان

۱۴۹ بدیع - ۱۹۹۲ میلادی

فہرست

۱	صفحہ	۱- توقع مبارک نوروز ۸۸ بدیع
۳۶	"	۲- توقع مبارک رضوان ۸۹ بدیع
۷۵	"	۳- توقع مبارک نوروز ۱۰۱ بدیع
۲۷۳	"	۴- توقع مبارک رضوان ۱۰۵ بدیع
۳۶۴	"	۵- توقع مبارک نوروز ۱۰۸ بدیع
۴۱۶	"	۶- توقع مبارک نوروز ۱۱۰ بدیع
۵۱۳	"	۷- توقع مبارک نوروز ۱۱۱ بدیع
۵۹۰	"	۸- توقع مبارک نوروز ۱۱۳ بدیع

توقیع مبارک

نوروز ۸۸ بدیع

ممثلین آئین حضرت رب البریہ در بلدان و ممالک شرقیہ و مغربیہ
محافل مقدسہ روحانیہ علیم آلف التحیۃ و التشاء
ظراً ملاحظہ نمایند

یا امانا الرحمن بین خلیقته و صفوته فی بریتہ تبارک اللہ ربنا المقدر
المتجبر المتباهی البهی الأبحی بما کشف برقع الترعن و وجه شرعیہ
السماء و افاض علی اهل البصاء فی مشارق الأرض و مغاربها
بفیوضاتہ المتتابعہ من الرفرف الاسمی و اظهر من خفیات سرہ
الأکتم الاخفی ما عجزت عن عرفانہ اذ رکات العارفين لا الغزوة و اداء
وله الرفعة و التضیاء و له العظمة و الکبریاء بما ظلمہ بدائع و عدہ
و و فی بیثاقہ و انار قلوب اصفیاء و رفع شأن اودانہ و انسانہ
بین الخلائق اجمعین « لن یمنعه شیء عن حکومتہ ولن یصدہ امر عن
سلطانہ و انه لہو الفرد العلی العالی العظیم »

ایہا المتمسکون بالعرود الوثقی حد بقیاس ایزد متعال را شایستہ
و سزا کہ در این روز فیروز و عید نوروز کہ جهان ترابی حد موبہبت
بر نمودہ و بجلئیہ حیات جدید مزین گشتہ تا اثرات حیرت بخش جلوه

ریح آسمی نیز در کل آفاق باشد اشراق ظاهرو باهرو نفحات مسکیه اش
 از محبت ریاض قلوب ستاینندگان اسم عظیم در اکثر بلدان ساطع و متصوّر
 برد قارس شتاب طرف گشت و اشعه ساطعه تا نیند از مرکز انوار بر جمع
 اهل بهبا بناید . اریح لوافح که در مدت هشتاد سال نسبت شجره
 مبارکه را من جمیع الجهات احاطه نموده بود بتقدیر رب قدیر تکین یافت
 و ثورت طغیان و طوفان انقلابش فروشت . غیوم کشیفه هموم
 و کروب لا تعد و لا تحصى از افق آن صقع حلیل دفعه واحده متلاشی شد
 و دلبر آمال بدر شیر سعادت ابدیه از پس حجاب غلیظه اشراق بر ساکنین
 فلک بها کرد . ظلمت تعدیات و تجاوزات که از هیاهل بغضیه و نفوس
 منعیه سنین متوالیه بر خرب مظلوم وارد بوسل غیبیه زائل گشت
 و شجره همیشه ظلم و نفاق بنیسروی ملیک آفاق اریح و بن بر افتاد
 نهال امید اهل بهبا در مزرعه جهان انبات نمود و از زرش باران حفا
 سقایت گشت . سیل جارف بلیات متنوعه را در این سنین عبیده یکیک
 مقاومت نمود و از ریج عقیم و برد زهریر یا مون و مصون بماند . از زوبعه
 امتحان تمرزل گشت و از تذبذب و غضب و جفای اهرمینان معطوع

و متاصل نشد. برشود و نما بنیزود و از هبوب نسائم و کفش ریح
 موعود آن نهمسال نورسته الهی برگ و شکوفه های گوناگون زمین قیمت
 اقصان رفیعه نعیه اش در اقصی ممالک غربیه و اقطار شمالیه سایه
 بینکند و از حقیف اوراق و اهر از افانش و لوله ای محیر العقول در
 اعلی المقامات بینداخت .

تعالی تعالی بنده الشجرة المرفوعة المنبثته فی بحبوحة الفردوس .
 قد علت و اخضرت و تورقت و زاعت و شاعت صیها بین العیان
 احب الذین اتخذوا هذا الامر حزوا بان افول کوکب المیثاق فرق
 جمعنا دشت شلنا و اصل سبین و اضاع آماننا از عموا بان بنده لده
 الالهیه و الدرّة الازلیه قد انقعدت و اغصانها قد میت و اوراقها
 قد انتشرت و زفرها قد خمدت و حیاتها قد انعدت و بطنان امرها قد
 تحققت . لا فورت العما سوف تنفتح از مارها و تصنوع عبیرها
 و تنضج اثمارها و تنشب فرو عها و تمتد ظلها علی من علی الارض جمعین .
 سبحان صانعها و واضعها و مفرسها و منبثها و الحافظ علی
 کیا نهمسال و اننا شر لا ناره القدره من قبل و من بعد و انه لعلی کل

شئی قدیر .

ای اشفکان جمال ذوالجمال . یوم یوم اشراق انوار است و دور
دور ظهور و بروز تجلیات سلطنت حق لایزال . هر چند جهان منتجب
و جهانیان در غزوات بلا یا و تساعب مستغرق ولی هزار شکر حضرت بریح
الأوصاف را که با وجود موانع عدیده و انقباضات ملکیه و امتحانات متناهی
و فقدان وسائل ظاهری نازنین اسم اعظم روح الوجود لفظیه الفداء یوما
فیوما در اتساع و شعله فروزنده اش آنا فنا در ارتفاع . صییش
در اقالیم عالم منتشر و پرچم عزت و استقامت بر اعلی المعامات مرتفع
و تملوج . روح مقدس در عروق و شریان شعوب متمدنه راقیه نبین
و از دلوله آهنگ دلربایش ارواح مؤمنین در طرب و اهتزاز .

نام جهان آرایش در اسن و افواه اعظم امم از قریب و بعید رو ضیح
و شریف تداول و ببادی قیمه سامیه اش قلوب صافیه مجرده ای
در قطعات خمسه عالم متوجه و تمایل . بنیان متین معبد عظیم آتش
در قطب امریک در این بحران عظیم علم بر افراخته و گنبد نعیش
بر بنسبه شاهقه آن قطر حبیب سایه افکنده . ولوله بیت اعظمش

در خطه عراق زلزله بزرگان دولت و ملت انداخته و در مقامات
رسمیه در قلوب زمامداران اقالیم غربیه رعبی شدید و اضطرابی جدید
تولید نموده . رافعان لوایش در بسط فبراء بغرض آهین با نیکی
و ظائف موکوله مفروضه خویش مشغول و به تشدید روابط روحانیه
و استحکام مؤسسات امریه و ترویج مصالح هیئت اجتماعی و تنفیذ
احکام منصوبه الهیه و تهیة مقدمات شروعات عظیمه جدید
مألوف و مانوس . اسرار مکنونه اش که در خطه ایران در پس سجات
غل و بغض، سنین متوالیه ستور بمساعی جدیده جنده اهل بھادر آن
موطن اعلی ظاهر و پدیدار گشت و عروس آمال دیرینه آن ستمدیدگان
رغماً لکل افاک حسود نقاب از رخ بخیلند . ناموس اکبرش تهمت مبارزان
دیر در ممالک فرنگ حجاب شر برید و منصوصات کتاب اقدس
مشهور و مکوز دهن اولوالالباب شد . غبار ظلم اهل شرور خشت و
سدین شبهات مرتفع گردید . حجاب غلیظ تر مات و اراجیف کذبین
و مبطلین امر به بر خاست و حائل تویف و انکار اهل ادبار بر نیجه
قدرت منضم شد . مقامات مقدمه اش در ارض نوراء و تبعه

بیضا، مطمح نظر و هزار و زرتیگاه، فرق و طوائف متنوعه مستبانه گردید و در
 انظار و لاه امور از معابد مشروعه و معابد مستقله دینیّه معتبره محسوب و
 موصوف گشت. قصر مبارکش پس از چهل سال انتظار از تسلط اهل فتور
 برهید و چون لود لود لالا زینت بخش مرجع گشت. قواکم و دعائم دیوان
 عدل عظمش بزمین قدرت در اقالیم متعدده منصوب گردید. وصول
 و فروع شریعت غزایش گوشزد اقوام و ملل از قریب و بعید گشت.
 بتاثیر مدنیت سرمدی الآثار حضرت بهاء الله از افق عزت دیرینه
 باراده از لیه مالک البریه طالع شد و نوامیس و شعائر اسم اعظم با صبح
 اقتدار خیمه و خرگاه برافراشت. سلطه محیطه روحانیّه اش پدیدار
 گردید و وعود مبرمه اش تحقق یافت. علمای رسوم خصم الدّائین
 حضرت قیوم در پنجه تعقیب گرفتار و محافل محبّه روحانیّه و اضعان
 شرع بدیع بر سر عزت و قدرت کلین دستوار. امت بمسوخه یحیی
 در اسفل درکات قنوط ساقط و نام و نشان اتباع و اشیاعش مغفود و منعم
 سردار نقض و سالار نکست در حفرة ظلمانی خرید و چون خفاش در مقابل
 اشراق اشعه تابید در گوشه عزت کور و مایوس طسپیده. از تلاطم

بجای فیوضات طیب آفاق، آن محور ثقیق و قطب شتاق پریشان
 و حیران و از مهابت فریاد ثابان بر عهد و میثاق نالان دهر اسان
 له الغیبه و الیمنه و الاستقلال لاراد الامر و لا یبدل لکلماته و لا یغتر
 من قضائه و تعذیره . هذا ما وعدنا به مولانا فی السرد و الاجمار من
 فمه الدرسی الطاهر الصادق البدیع . قوله عزبایه :

« سیکشف الصاع بأذن الله عن وجه الامر ویطیع هذا الصاع فی آفاق
 البعاد و یعلم معالم الدین و تحفق رایات ربکم المجد علی الصرح المسید
 و ینزل بنیان الشبهات و یشق حجاب الظلمات و ینفلق صبح
 البینات و یشرق بانوار الآیات ملکوت الأرض و السموات . اذا
 تردن اعلام الأخراب شکوته و وجه الاعداء مسوخة و احکام رؤسا
 السوء مسوخة و المؤمنون فی فرح العظیم و المکذوبون فی خسران بسین »
 ای برادران و خواهران روحانی چه مقدار عظیم است

امرائی و چه شدید است سیاط قهر آن محبت حقیقی . فرخنده نفسی
 که در ظل غمیش مشور و مستظل گشت و خجسته قلبی که از شععات
 انوارش مستمد و مستفیض شد . و ای بر نفسی که از الواح نصیحه قلم علی

و نعماء و آلاء این دور انفع ابی رو بتافت و می شاق غلیظ حی لایموت
 را و ابی و موهون بشهر و تطورات و تقلبات لازمه این امر خطیر را
 میزان بطلان و علامت نقصان و انقراض آیین لایزال انیز و تعال
 پیدا شد . امر عظیم است عظیم و حوادثش بس خطیر و جسم صر
 امتحانش شدید است و صراطش اعداز سیف حدید خربال باخه
 و اطواد شامحه مقاومت ریح عظیم نتواند و خیر اقدام ثابته مستقیمه از
 این منبع قویم نگذرد . شعله انقلابش شرر بار است و صاعقه قهرش
 اشد از یب نار . الناس بلكاء الا المؤمنون و المؤمنون بلكاء
 الا الممتحنون و الممتحنون هلكاء الا المخلصون و المخلصون فی خطر عظیم
 ای یاران متحن جمال ابھی و یاوران برگزیده حضرت
 عبدالبهاء اگر چه شوئات و حوادث این امر خطیر مهیج و مخیف است
 و انقلاباتش عجیب و مریب و لکن شمس حقیقت که از ذروه علیین
 برگزیده ثابتن لایقطع مشرق پر توش بینهایت شدید است و
 تاثیراتش در حقائق ممکنات بغایت عظیم . در لوحی از الواح لای
 عظمت باین بیان ناطق . قوله جلّ بیانه : مدد کز فی هذا

انعام من محن لو یظن اقل من سم الأبره لتندک ایجاب و تصیر الاوراق
 و تسقط الاثمار من الأشجار و تحتر الاذقان و توجه الوجوه لهذا الملك الذی
 تجده علی سبیل التبار فی هیئته النور و مرة تشهد علی هیئته الأمواج فی
 هذا بحیر المتواج و مرة تشهد کاشجرة التی اصلها ثابت فی ارض الکبریا
 و ارتفعت اغصانها ثم انخفضت الی مقام الذی صعد عن وراة عرش
 عظیم ، و در مقامی دیگر می فرماید: « چه قدر زلزلای بی شمار که ناسفته
 در صدف قلب مانده و چه مقدار حوریات معانی که در غرزه های حکمت
 مستور گشته که احدی متراخف آنها ننموده . لم یطمئن انس قبلهم ولا جاء»
 قوای جهان مقاومت فیض مدد از نتواند و آشوب و
 غوغای جهانیان تابش انوار را مانع و حائل نگردد بلکه هر قدر این مقدس
 بر شهرت و اتساع بفرزاید و صیحه پیروانش بلندتر گردد و اہت و سطوتش
 در انجمن عالم بیشتر جلوه نماید . انقلاباتش باطل تر و جوش و خروشش
 عظیمتر و فریاد و فغان احدایش مرتفع تر و زفر افتاشش شدیدتر
 شود و هر قدر طوفان انقلاب و غلیان غل و بغضاد قلوب مشرکین
 ترازد جوید و صولت هجوم احزاب و قبائل بر چند انہی شدت نماید

اشعه تا یاید بر اشراق بنفیراید و بدایع قدرت قدیمه و لطائف حکمت
 الهیه و ظلمات غلبه و قهاریت کلمه نافذه جامعه بر مدعیان مشوف تر
 و واضح تر گردد. « سنه الله التي قد خلت من قبل لمن تجد لسنه الله تدياه
 ای حامیان حصین الهی نظری بنده شده این امر
 عظیم اندازید و در حوادث دوره اولیه این قرن مشع الهی تفکر نمایند
 و در حل پیسوده را یک یک بیاد آرید. بعلم بمواقع امره تطلقون و من
 آیات قدرته تذکرون و فی آفاق علمه تتفرون. ظلمی نماند که بر اصل
 شجره نابتة الهیه وارد گشت و طغنی نماند که از نفوس و اهنیه ساهیه سافه
 بر سپردان امر حضرت رب البریه متوجه گردید. از بد و طلوعش از
 آن اقلیم پر بلا آن جسم بازغ هدی طلعت اعلی روح الوجود المنطوقیه
 الفداء، در خلف حجابات محن و در زایای لاتعد و لا تحصى محبوب و روی
 چون مرتابانش در خوف حسد و بغضا مخوف و متنوع. سهام
 مغترین و طعن مشرکین و دسائس مغتیبین آن، مکیل الطف اعز اعلی را
 آنی فارغ و آسوده نگذاشت و از اجرای نوایا و مقاصد مقدسه اش
 ظاهراً مانع و حاصل شد. ایام پر تلاطم حیاتش بی پایان رسید

در انظار محبین آمال دیرینه اش در عرصه شهود جلوه ننشود. کوه نظری
 چند که بظواهر امور ناظر و از حقیقت کلیه محیطه فائضه که در مهویت امر الهی
 مکنون و مندرج است غافل در آن ایام چنان انگاشتند که هر قدمی که
 آن محیی رحم در سبیل اعلا ی امر اعظمش در ایام حیاتش برداشت اثر و ثمری
 جز یاس و حرمان و پشیمانی و خذلان نخبشید. قائم موعود بزعم آن قوم
 محمود و لوله ای در جوار بیت الحرام نینداخت و جم غفیری را از رگکان حجاب
 مکنون امرش نشنود. پیام بسین را که در مکرمه بطلعت قدوسی
 رسول اینش سپرد شریف مغرور اجابت نکرد و در زاویه نسیان
 انداخت و از حقیقت مطلب مستغفرت شد. غوغای عوام آن
 منظر را الا نام را پس از زیارت حرمین از سفر عتبات و زیارت کوفه
 منصرف نمود و از اعلان اینش علی رؤس الأشهاد باز داشت و در
 قلوب عده ای از اصحاب که مترصد ظهور آثار و عدالتی بودند تولید
 تردید و ارباب نجوم. تعلیمات و دستورات کافی و وافیه که خود بنصب
 بحروفات خویش در مدینه شیراز در سنه ستین تلقین و ابلاغ نمود اگرش
 انجام نیافت و از شدت بهیمان استخوان و هجمات عنیفه اهل شرک

و عدوان اشر و ثمری بخشید . ناشر لواء اقدسش که خود از بین نخبه
 اصحابش برنجخت و به تبشیر آئین رحمان در ممالک عثمانیان نامور ساخت
 در اولین وهله اسیر بند استعمار گشت و در دیار غربت جام شهادت
 بکمال مظلومیت نوشید . شیخ هندی که بامر مظهر رحمن در سنه اول ظهور
 به اقلیم هندوستان رهپار گشت پس از تحمل متاعب بکیران نفسی را
 خریدی ضریر در آن سامان مستعد اقبال و اذعان نیافت دعا قبه
 الامر آن سید جدید الاقبال در لرتان طعمه شمشیر بامر حاکم غدار گشت
 معتمد معتد که بکمال فتوت و شجاعت و ثبوت و استقامت بر خدمت
 و حمایت آن مظهر ربوبیت قیام نموده بود و جز خضوع و تسلیم مرکز سلطنت
 تلقاء سریر سلطان احدیت آمال و آرزوی نداشت دفعه واحده هند
 تیر قضا گشت و مخدوم حبیب خود را در قبضه گرگین پرکین بگذاشت .
 وزیر بی تدبیر خبردار شد و سر یار و وفغان بر آورد و بانواع حیل از ورود آن
 ذات مقدس بعاصمه مملکت و وفودش در باب سلطنت که نفس مظهر
 عبودیت از شهر یار عادل تمنا و مسألت نموده بود مانع شد . آن محور
 نفاق مگر ظلم بیست و همت بگاشت و آرام گرفت تا آنکه محبوب

آفاق در بطنی مسین در قلعه ای از قلاع آن سرزمین مسکن و مأوی زاد
 و در ا بعد نقطه ای از قتل آذربایجان محصور و مسجون نمود .
 در توفیقی از توفیقات آن طلعت نواز که با فتح سلطان ایران در آن
 زندان نازل این کلمات دریات مدون و مسطور « الا اننی انارکن
 من کلمه الاولی التی من عرفها عرف کل حق ویدخل فی کل خیر من جملها
 جهل کل حق ویدخل فی کل شر قد جعل کل خیر احاط به علمه
 فی طاعتی وکل نار حصیها کتابه فی معصیتی قد جعل الله کل
 منافع الرضوان فی عینی وکل منافع السیران فی شمالی انا
 النقطه التی ذوت بها من ذوت و اننی انا وجه الله الذی لا یفوت
 و نوره الذی لا یفوت . من عرفنی وراه ایقین وکل خیر من جملنی وراه
 السجین وکل شر قسم بسید الکبر اگر بدانی در چه محل ساکن هستم
 اول کسی که بر من رسم خواهد کرد حضرتت می بود . در وسط کوه ای
 قلعه ایست در آن قلعه از رحمت آن حضرت ساکن و اهل آن منحصر
 است بدون فرستختن و چهار سنگ . حال تصور فرما چه میگذرد
 الحمد لله کما هو اوله دستخسته قسم حق الله که آن کسی که راضی باین

نوع سلوک با من شده اگر بدانند با چه کسی است هرگز فرحناک نشود. الا
 اخبرک بسر الامر کانه اجس کل السببیین والتصدیقین والوصیین...
 در این جیل فسر دمانده ام و بموقفی آمده ام که احدی از اولین عیبها
 نشده و احدی از بدترین متمم نشده. فحمد الله ثم حمدا لا حزن لی
 لانی فی رضا مولائی ورتبی وکافی فی الفردوس تسلذذ بذكر الله الا کبر
 وان ذلك من فضل الله علی و الله ذوالعززا لکبیر.

طولی کشید که در مشرق ایران حادثه موله ما زندان وقوع یافت و سر
 بدو در مان جند رحمن زد. شعله فروزنده اش بعبان آسمان متصل شد
 و در زندان آذربایجان این خبر دشت اثر بر آثار و احزان بی
 پایان آن محبوب امکان بغیرود. نقطه اخری طلعه قدوسی طعمه
 شمشیر سعید شقی شد و حسین شرونی هدف تیر سردار تبه کار گشت.
 اعوان و انصارش بعضی قشیش و جریح و برخی در دست ظالمان سیر
 و جمعی قشقت بی معین و مجیر. عالم خیر و حمید فریدش در واقع
 نیز با عده ای از نخبه اصحابش شربت شهادت نوشید و حسب مظهر
 حجت اکبرش در محاصره زنجان معرض تعذبات و تجاوزات دشمن

بی امان گشت . اعمده آئین گرانهایش در این مخاطرات مجسبه
 و حوادث غریبه یک یک از پا برافتاد و بر گروه پیروانش در کل اطراف
 و کناف مملکت امطار بلیات از سحاب قضای در پی سبارید .
 در بحبوه انقلاب امیر کبیر که بر سنده صدارت جالس در کفر قلع و قمع
 اصل شجره الهیه بنیاد و حکم مبرم شهادت آن مظلوم یکتا را در دیده
 تبریز صادر کرد . آن سیکل نارین را در هوا بیا و بخت و سینه مطهر را
 بر صاص اولوا البغضاء مشتک نمود . در این گرد باد بجا انقلابی اعظم
 در عاصمه مملکت رخ نمود و بر اثر حادثه رسمی شاه بقایای فتنه منسین را
 در آن سرزمین اسیر و دستگیر کرد . آتش غرودی بر افروخت و ظاهر
 زکیده شتعه ثابته بیگانه را زهر جفا بچشاند . کاتب وحی را که حامل
 و حافظ اسرار الهی بود در قعر زندان بنیداخت و عاقبه الامر بدست
 جلاد سفاک بی باک سپرد . نیز آفاق یگانه امید و منتقد آن جمع
 بنیوار چهار ماه در حفرة ظلمانی در متوسارقان و قاتلان مسکن و مأوی
 داد و بر عنق مطهر ثقل فادح سلاسل و اغلال نهاد . بشارکت
 در این امر فظیح و عمل شنیع متهم نمود و عاقبه الامر بدیار غربت منسی

ساخت . حال ملاحظه نمایند که چه همجان و انتقابی و شورش
 و اضطرابی یقیناً بحکمت کبرایش در سنین اولیه کور بدیش اجدث
 فرمود و چه وحشت و درهشتی حضرت معتب القلوب در صد دور
 پیروانش بخیلند . سلطان مغرور ایران که در آن ایام برار کینه
 ظلم جالس و برنوائب و مصائب استولیه بر حزب مظلوم واقف
 و مطلع بزعم باطل خویش چنین تصور نموده که بسیف شاهنشاهی
 لاشرقیه و لاغربیه را از ریشه برانداخت و فدیه قلیده مقهوره روسها
 خاص و عام بنمود . روح آزادش را بر نیچه اقتدار از جریان
 دسریان در عروق دسریان جهان مانع گشت و یگانه امید پیروانش
 بقوه تدبیر از وطن مالوف بحال یأس و ذلت اخراج کرد . غافل
 از آنکه آن رجفه کبری و زندان پر بنای سجد اش ظهورت با شیر اولیه عصر
 اعظم اهی شد و آن حفرة تنگ و تاریک معرض تحسلی شده است
 الهامات نمیبینه آئینه گشت . نسیم سبحان بر مظلوم عالمیان
 در آن زندان از همت عنایت بوزید و ارباب مشیت رحمن بر آن
 مقام ظلمانی مرور نمود . جمال اهی موعود نقطه اولی نقاب

از رخ بپایند و جبرئیل امین با بشارت کبری بین صدران آن سخن
 منظم نزول یافت . اشعه ساطعه ظهور چون برق خاطف بر صدر
 منورش بتابید و در قاء روح الامین در آن قلب مگردند
 داد : الا الا قد ظهر سر الامر و ظهر عن خلف الحجاب من بشر به
 التقطه السببان وعن وراءه كمل النسيين والمرسلين .

در رساله ابن زنب قلم اعلیٰ بنفسه المہینتہ علیٰ الاشیاء شہادت داده
 و باین امر خطیر باجلی السببان اشارہ فرموده . قوله جل سببان :
 « و بعد از توجہ حکایت حضرت سلطان ایده اللہ تبارک و تعالیٰ واقع
 در آن آیام امور منقلب و نار غضب مشتعل . جمعی را اخذ نمودند . از
 جملہ این مظلوم را . لعن اللہ ابد ا دخل آن امر منکر نبودیم و در مجلس
 تحقیق ہم عدم تعصیر ثابت مغذک ما را اخذ نمودند و از نیاوران
 کہ در آن آیام مقرر سلطنت بوده سر برہنہ و پای برہنہ پیاده باز بجز سجن
 طران بردند چه کہ یک ظالمی سوارہ ، سہراہ کلاہ از سر برداشت و
 بسرعت تمام باجمعی از میر غضبان و فرایشان ما را بردند و چہاں شہر
 در مقامی کہ شبہ و شل نہ داشت مقرر معین نمودند . اما سخن کہ محل

مظلوم و مظلومان بوده فی الحقیقه و غمہ تنگ و تاریک از آن فضل بود
و چون وارد حبس شدیم بعد از ورود ما را داخل دالانی ظلمانی نمودند. از
آنجا از پله سر شیب گذشتیم و بمقری که معین نموده بودند رسیدیم. اما
محل تاریک و معاشر قریب صد و پنجاه نفس از سابقین اموال و قاطین
نفوس و قاطین طرق بوده مع این جمعیت، محل منفذ داشت
جز طریق که وارد شدیم. اقسام از وضعش عاجز و در واقع منتهی اش
خارج از بیان و آن جمع اکثری بی لباس و فراس. الله یعلم
ماورد علیسانی ذاک المقام الا تن الا ظلم. در ایام دیالی در سخن مذکور
در اعمال و احوال حزب بابی تغیر سینمودیم که مع علو و سمو و ادراک آن
حزب آیا چه شده که از ایشان چنین عملی ظاهر یعنی جبارت و حرکت آن
حزب نسبت بذات شانند. و بعد این مظلوم اراده نمود که بعد از
خروج از سخن تمام همت در تهذیب آن نفوس قیام نماید و در شبی
از شبها در عالم رؤیا از جمع جبات این کلمه علیا اصفیاشد: انا
منصرک بک و بملکتک لا تحزن عما ورد علیک ولا تحف انک
من الامین. سوف یعبث الله کنوز الارض و هم رجال منصرفونک

یک و با سبک آذی به اوصی الله افئدة العارفين . «
 و در مقامی دیگر می فرماید « در در آیام توقف در سخن ارض ط
 اگر چه نوم از رحمت ساس و رزواح منته قلیل بود و لکن بعضی از اوقات
 که دست میداد احساس میشد از جهت اعلاای رؤس چیزی بر صدر
 میریخت بمشابه رودخانه عظیمی که از قلعه جبل باذخ رعیعی بر ارض بریزد و بان
 جهت از جمیع اعضاء آثار نار ظاهر و در آن صین لسان قرأت می نمود
 آنچه را که بر اصفاء آن احدی قادر نه »

ای برادران و خواهران روحانی ابراق دم مقدس نشیبه اش
 انبات شقایق و سنبلات ظهور عظم ابهی شد و غربت و اسارت
 و مقهوریت ظاهره جمال قدم عاقبتش استقرار عرش اسم اعظم
 در خطه عراق گشت . « و الله یدعو الی دار السلام و یهدی من
 یشاء الی صراط مستقیم . لهم دار السلام عند ربهم و هو ولیم بما
 کانوا یعملون » . جمعی از بهاد و سفرها چنان انگاشتند که این میل
 دیجور را صبح همدی در پی نه و این شام ظلمانی را آفتاب تابانی از
 عقب نبوده دنیست . بیس ماظنوا و ساء ما فعلوا . مر چند تخم

درسی قائم موعود در مغرب زندان سواری گشت و فقه انصار و شاعش
 در دامگاه عصبه غرور بیفاد و اسیر و مقول شد لیکن طولی نکشید که اشرافی
 اعظم و ظهوری اکل و اتم از افق مدینه الله در نجمن بنی آدم حبسونه نمود
 و از خلف خیام غیب صمدانی بکلی مبعوث و مشهور گشت که چون بر ایل
 حیات روح جدیدی در کالبد حزب مظلوم بید و است مقهور مایوس
 گشتت را عزیز دو جهان کرد. کریم اشیم از نیب این قیام انگشت
 حیرت بدندان گرفت و شاه غدار از آثار این نهضت جدیده مبعوث
 و حیران شد. چه مطابق است این وقوعات عجیبه و حوادث غریبه با
 حدیث صحیح نبوی در شان اصحاب این ظهور که شرح آن در وقوعات
 کلیه شیخ ابن عربی مذکور و مسطور است: «و یقتلون کلمه الاده
 منہم نزل فی مرج عکاء فی المادیه الالیمه التی جعلها الله مائده للبعث
 و الطیسور و الهوام .»

پس از استقرار عرش مالک انام در مدینه دار السلام در کتاب مستطاب
 ایقان در وصف مشرکین این کلمات دریات نازل: «در هر چه
 می شنوند که این امر بدیع الاهی و حکم نسیج صمدانی در اطراف ارض ظاهر

شده و هر روز در علو است ناری جدید در قلوبشان مشتعل میشود آنچه
 ما حفظ مینمایند از قدرت و انقطاع و ثبوت این اصحاب که هر روز بعنا
 الهی محکم تر و راسخ تر میشوند اضطراب تازه در نفوسشان ظاهر میگردد .
 در این ایام که بجد الله سطوت الهی چنان غلبه نموده که جرأت تکلم
 ندارند و غریب است که اعلام قدرت الهی در همه بلاد مرتفع
 بینی و آثار غلبه و سلطنت او را در جمیع دیار ظاهر مشاهده فرمائی . «
 طولی نکشید که باراده غالبه محیطه الهیه و حکمت بانغم صمدانیه
 اریاح لوانح استحان و فستان مره آخری بوزید و اریاح مستنه کربیه
 نفاق و شقاق پروان نیز آفاق را از کل اطراف احاطه نمود .
 صوت ناعق عظیم در ارض سر مرتفع شد و عمل سامری بسند آمد
 و ادراق ناریه در دو خطه عراق و ایران نشر نمود . حیدر قطاء وکیل
 اللف اعزابی را تم جفا بچشاید و بغی و فحشای اتباع و اشیاع
 آن خصم لدود ذیل لطمه در املوث ساخت . اختلافات و اخذه بر
 جرأت و جبارت و لاه امور بغیر و دو قوای دو مملکت قوی شوکت
 بر اضمحلال حزب الهی برخاست . و حکم فصل و تبعید و نفی مؤبد

با خرب مدن عالم از مصادر رسمیه در مدینه کبیره صادر شد .
 سلطان ایران و مرکز داره خلافت عثمانیان بالاتفاق در قلع و قمع
 نیز آفاق همت بجاشتند و اینک انقراض و ضمهال منتهی بی گناه را
 هر یک با علی انداخته بخواستند . در این بحران عظیم جمال قدم
 روحی سلطه الفدا ، بمقاد آیه مبارکه « ولما اخذت التظیمه کل المریه
 اظرنانفسنا الحق فضلاً من لدی العزیز الحکیم » حجاب ستر را از وجه
 امر بالمره بدرید و در خطابات قهریه والواح نصیحه و اندازات شدید
 و صحائف بدیعہ لمیعہ منسبہ سرائتم و در منتم را بر ملا کشوف کرد .
 ملوک و مملوک را در خاور و باختر دعوت باعث تفاق آیین الهی فرمود
 و اصول شریعه غرآء و شرایط سلوک در منج بیضار ابر قریب و بعد ثابت
 و مدلل ساخت . انقلابات ارض سر نشیجه اش استقرار عرش قدم
 در عین عظم شد و حوادث فحیحہ مدینه کبیره حاصلش درود فلک بها
 باصل بقعه بیضا گشت . طغیان حزب یحیی باط نعمت بی منتی
 در مرج عکا گسترده و همزات آن سفیه بیوفا اثر و عمرش ایصال سالان
 بها بملوک و امر اگر دید . خود در جزیره شیطان در حفرة یاس نخرید

وعاقبه الأمر بفضل درکات نیران ارجع شد. سلطان سیر لاهوت بر عرش
 کبریا مستقر گردید و ما، حیوان کتاب اقدس خود را بر عالمیان مبذول فرمود. شمار
 کتب مقدسه پدیدار شد و وعود الهیه تحقق یافت. سیقات اعم منقضی شد
 و بهاء کرمل نمودار شد. صهیون بنده آمد و اورشلیم نجات یوم عظیم احیا گشت
 نذازل من ایهی طند شد و اصبح جمال قدم کوس اعظم در آن سخن مرم بلو بیدار :
 قد اتصل نهر الأردن بالبحر الا عظم والابن فی الواد المقدس نیادی لبیک اللهم
 لبیک و التطور بطوف حول البیت و شجر نیادی قد اتی المقصود مجده
 المنسح قل قها، الأب و کل ما و عد تم به فی ملکوت الله ...
 قد اخذنا اهنزاز ارض الحجاز و حرکتها نسمة الوصال تقول یارب
 المتعال لک الحمد بما ایتنی نجات و صلک بعد الذی ماتنی هم ک
 طوبی لمن اقبل الیک و ویل للمعرضین . انارجس الطور من اشرق
 انهور و قال قد و جدت عرفک یا الله من فی السموات و الارین
 ملک ارض فیها بعنا نسیتین و المرسلین قد ارتفع فیها نداء الخلیل
 ثم الکلیم و من بعده الابن کل خبر و او شبر و العباد بهذا النبأ
 اعظیم و دروده فی ملک الدیار . کذلک نزل فی الالواح من لدن

منزل قدیم . « اینست معنی حدیث مشهور : « تَوَقَّعُوا الصَّوْتِ
 یَا تَکَلِّمُ نَفْسَهُ مِنْ قَبْلِ آتَامِ فِیهِ لَکُمْ فَرَجٌ عَظِیمٌ » ، و همچنین حدیث دیگر
 که می فرماید : « خیر المساکین یومئذ بیت المقدس یأتین زمان علی انسا
 یتمنی احدکم انه من سکانه » . گفته دورانی چند چنان تصور نمودند که
 نفسی و تبعید آن مظلوم فرید با ضرب بدن زیبا علت انقراض آئین
 بها گردد و احداث شقاق و نفاق در جمیع پروان نسیه آفاق نتیجه اش
 انحلال و ضحکال امرزوا بجمال شود . اف لهم و تعال لهم . سراپرده این
 امر عظیم بقوه بازوی آن مجبی رزم در سخن عظیم نمودش بلندتر گردید
 و ساقش وسیعتر شد . روح حیات باقیم هندوستان سرایت کرد
 و در ممالک روس علم برافراشت . بر تیره آتام صیت امر مولی الامام
 برسد و بر اقطار مصریه ، دوه الهیه سایه بپسند .
 و چون میقات یثرب پیدا و غروب شمس کعبه از بسط غبار فرارید کوه
 اخری طوفان بلا بر خاست و ناره آسمان شعله اش بعبان آسمان
 رسید . ریج عظیم برسد و الهیه آشد از قبل بوزید و فتنه عمیا
 ظهور یافت . ناقص اکبر حجاب خود بدید و بند حسد و خصومت در قلوب

جمعی از ست عنصران بجاشت . انقلاب اعظم احوادث شد و کابوش
 حمزه محرقه در دلها بیداخت . سهام افترا پران شد و روضه فنا چندی
 جولا نگاه شغالان نقض دریا گشت . طیوریل بحرکت آمد و بدر سیر عهد
 مولی الانام در خسوف اهل طنون و ادغام محسوف و متصوع گشت .
 خصم آله فرحناک شد و امت نایوس کبھی امیدوار گردید . محور میثاق
 در سخن بسته آفاق قلعه بند گشت و عبد الحمید پلید باغواهی آن حزب
 عنید بر آن مظلوم فرید حمد ای شدید بنسب بود . عیون سکنان ملا اعلی
 خون بگریست و یوم « تانسه تفتن کل شیء فی کل شیء من کل شیء
 الی کل شیء بنفس کل شیء » بوقوع پیوست . حال ملاحظه نماید
 که این زود بعه کبری چه بکبار جان افزائی از پی داشت و این فتنه
 صما چه انعکاسی در حیرت ادنی بیداخت . طوفانی اعظم از این منصفیه
 حمرا را از بدایت جریانش در دریای بلا احاطه نسنموده بود و تند بادی
 اشد از این ریح جفا بر نفسال بهمال پرورده دست بهما از بدو نشسته
 در عالم ادنی نوزیده بود . با وجود این طبع کبری طولی نکشید که با اثر
 کلمات دائم الجولان مرکز عهد و میثاق عبارتیره نفاق و شقاق

فروشت و دلبر آمال در خلوتگاه قلوب جلوه ای تمیر العقول نبود.
 صاعقه غیرت نغمه درخشید و قهقهه ناکه متکبران و گردنشان را در
 اسفل درکات قنوط بیداخت. غضنفر میثاق در بیه حقیقت
 غرشی بشود که از نسیب فریادش شغالان نقص فریاد و او یلابر
 آورده
 و در حفرات یاس متفرگزینند. در قاف، ایام عبودیت چنان نغمه و ترانه ای
 بزرگه در اقصی ممالک غربیه، آن رتبه ملکوتیه گروهی از پاکان و صاف
 دلان را از خواب غفلت بیدار کرد و بجز زیارت آن روضه غنا و حدیقه
 غلبا بیداخت. ولوله در امریک بفتاد و پرچم امریکسا در بعضی از
 عوالم اروپ منصوب شد. اولین هیئت مجتبه زوار بقعه اعدیه
 احرام کعبه مقصود بیت و هلهله کنان آهنگ زیارت تربت بها
 بنمود. بساط احزان اهل حرم را در ارض اقدس در هم چسپید و اهل شکوک و
 عدوان را بنار افس شدید بگداخت. رستخیز کبری در نقطه وقوعه
 بین بحسین برپا شد و جالس برار کینه ظلم و جفارا از اوج سر بر سلطنت
 بیداخت و بنجا که مذلت نبشاند. طوق اسارت از عنق مرکز عهد
 سلطان احدیت برداشت و بگردن آن ظالم بی باک نبهاد

هدید و فارتشکنای زندان برسید و با قالیم پر سحت فرنگ پرواز
 نمود و بدایع الحان پیام سلیمان سریر ملکوت ابی را باهل بدان
 آن دیار برسانید . با صبح آقداش حجزاویه اولین معبد الهی در قطب
 آن مملکت گذاشت و بنیاد بنیان متین قصر مشید بهار بقوه ای حیرت
 انگیز در قلوب برگزیدگانش بنهاد . در دامنه کرم الهی، میکل موعود را
 بنا فرمود و بدست مطهر، عرش ربّ اعلی را در آن مقام مقدس کن
 داد . مشروع عظیم اولین معبد پیروان امر الهی در مدینه عشق بر اثر
 تعلیمات بهیه اش اتمام پذیرفت و توجّات روحانیه از آن مرکز انوار
 و مشرق اذکار سرایت با قالیم مجاوره بنمود . نمایندگان ملل و نخل
 از اروپا امریک آسیا و افریک و ترک و تاجیک در ظل سر پرده هم اعظم
 محشور و بر خوان نعمتش وارد و از بدایع فیوضاتش مرزوق دستمه .
 محافل مقدسه روحانیه و اضعان اساس مدنیت بهیه الهیه در
 خاور و باختر بدالات آن بسین آیات رحمانیه تائیس یافت و
 حقیقت فائده کلّیه قدسیه در جمیع آن نمایندگان امر حضرت ربّ
 البریه مجسم گشت . تا شیر یوم موعود که در سوره میکل حضرت مقصود

بآن اشاره فرموده از افق عزت طلوع یافت و علامت اولیه اش پدید
 گردید. قوله عزبایه: «سوف ینخرج الله من الکام القدره ایادی
 القوه والغلبه وینصرت الغلام ویطرن الأرض من ریس کل شرک
 مردود و یعومن علی الأمر و یفتحن البعاد بانمی المقدر البقیوم و یدن
 خلال الدیار و یاخذر عبهم کل العباد نذا من بطش الله ان بطشه شدید»
 ای احبای الهی آواره مردود چون ناقص حسود و
 یحیای حجود و کریم عنود و عن در کھضم کلاب الأرض کلهما چنان تصو
 نمودند که ایجاد انقلاب و احداث فتن و اضطراب و ترویج شقاق
 و نفاق سدره آئیه را از اشراق بازدارد و ما ملح اجاج زفیرو
 لیسبش را بفسرد غافل از آنکه انقلاب بنفسه تمد آئین نازنین است
 و امتحان و فستمان از لوازم ضروریه تقدم و استحکام اساس امر
 حضرت رحمن. در لوحی از الواح این کلمات عالیات از سماء شمیمت
 نازل: «قل یا قوم اتمکرون فی امر الله و تخادعون به فی نفسکم فان
 الله اشد مکرراً لو انتم من العارفين. سوف یاخذکم بمکرکم و یرفع
 امره کیف یشاء و یعین برمانه و تثبت آیاته و لو کبر هونها هولا المنفین»

و همچنین میفرماید: « قد جعل الله البلاء غايته لهذه الذكره انحصاراً
 وذاته لمصابه الذي به اشرفت الأرض والسماء » و اینضا میفرماید:
 « بالبلاء ربنا الامر في بقرون الماضيه سوف تجد الامر شرقاً
 من افق العظمة بقدره وسلطان قد جعل الله البلاء اهتداءً لركب
 البلاء . سوف تستضيء منه الآفاق » و در مقامی دیگر می فرماید:
 « قل ان البلاء ماء لما زرعه في اقصه و سوف تثبت منه
 سنبلات ينطق كل حبه منها: انه لانه الا هو العزيز الحكيم . » و اینضا
 می فرماید « تالله الحق لو يحرقونه في بسبر انه من قطب البحر
 يرفع رأسه و ينادي انه الله من في السموات و الأرض و لو يلقونه في
 بحر ظلمات يحبدونه في اعلى بحبال مينا دى: قد اتى المقصود بسبب
 العظمة و الاستقلال و لو يدقونه في الأرض يطبع من افق السماء و ينطق
 بأعلى النداء قد اتى بهجاء بمكوت الله المقدس العزيز المختار »
 تالله الحق بما فعلوا زاد لبيها و اثمرت اعضانها و ارتفعت نذرها
 و اشتهرت آثارها و استحسنت اصولها و امتدت ظلها على العالمين .
 ای برادران و خواهران روحانی قدری تفکر نماید

در حوادث این سنین اخیره تفرس فرمائید که بعد از انول کوب میثاق
 آن کاذب لعین و فاجر همین چه طوفان عظیمی برپا نمود و چه هجوم عینی
 بر مؤسسات و مقدسات شرع کجس کرد. پرده حیا آن سفیه مجنون
 بالمره بدرید و بر صل شجره بتانی نماند که وارد دنیا ورد. بهام قوی بر
 قلع و تمع و تحقیر و تزییف آیین مقدس برخاست و بنشاط و امید
 زاید الوصف کوس انقراض آتیه امرحی لایوت را بر ملا کوبید.
 بدشمنان داخل و خارج پیوست و چون رشاء زهر جفا بجا میان امر بها
 بچسبید. تیغ بگمگناه فدایان هم عظم زد و سیول رموع از عیون گمان
 ملا اعلی جاری کرد. جند کجس مقاومت نمودند و عتسانی ترات
 وار بصیف و اکاذیب و عجزات و لمزات آن بلیس پردیس نمودند
 در موارد باساء و ضراء بعروة الوثقای توکل و تفویض تمسک جستند و
 کمال ادب و وقار از آن نشاء فساد و فربه شیطانی اقرار جستند و نجس
 نمودند. از حرکات شیطانیه اش بر اسان گشتند و سعی و جدتی خصل
 ناپذیر در ایغای و ظائف روحانیه و استحکام مؤسسات امریه قدم نهشتند
 و ثبات و استقامت نمودند. هزار شکر رب عزت را که بتایدات

لاریتیه محیطه متابعه غیبیه اش آنچه را آن سبحان بجز در موطن
 متجاوز از هشتاد سال است در طلب و انتظارش گریان و نالاندا از
 پس پرده قضا نمودار شد و دلبر آمال در موطن اصلی جمال زو بحال برقع
 از عذار بفریاد . نجیب و او یار از مبارز و مقاعد علمای سود مرتفع گشت
 و فریاد جان فشرای و اطوبی و و ابشری از خنجر جنود منصوره جمال
 ابھی برآمد و خصم الد آئین حضرت بهادرتہ از ادج ماه بقهر چاہ بنقیاً
 و طنطنه و دمدمه کبری مبدل بمقهوریت عظمی گشت . سلسله ملوک
 قاجار در اولین قسطنطنیه دور بهائی منقرض شد و نجسم سلطنت و خلافت
 عثمانیان در مغرب زوال افول نمود . اہل کعبہ در خطہ ایران از زندان
 غم بر مہیدند و در ظل ملک عادل خلاوت آسایش بپسیدند .
 دست تطاول کوتاہ گشت و صبح آمال بدید . معبد صبیح القدر
 در قطب امریک برپا شد و دولہ بیت عظیم بغداد سطوت امریک
 آفاق را در سبع طباق ذائع و شائع نمود . اعلمہ دیوان عدل الہی
 بر اساس زرین مستین محافل مقدسہ روحانیہ منصوب گشت و آثار
 اولیہ ارتفاع گنبد نعیش در ارض صیاد در سایہ مقامات مقدسہ

پدیدار شد. منبج بفضیاء در کل آرجاء نمودار گشت و میزان عدل منصوب
 شد و صراط امر کشید گشت و المونون کالبرق علیه میرون .
 حال ای برادران و خواهران روحانی اگر چنانچه در مستقبل ایام ناعظمی دیگر
 بند آمد و همیا بود و عریده ای جدید بنیاد اخت بر اسان گردید و تقنا کنید
 بیان اصلاهی مولای توانا مگر عهد کعبا حضرت عبد الہبارا بیا و آرید
 کہ در بحسب صحر بلا در سخن پر ابلا خطاباً لافغان سدرہ المنتہی سخلمات دریات
 دار قم فرمود: « در عظیم است عظیم و مقاومت و ہما جملہ جمیع مل
 و امم شدید است شدید . عنقریب نعرہ قبائل افریقا و امریکت و
 فریاد فرنگ و تاجیک و نالہ ہند و امت چین از دور و نزدیک بلند
 شود و کل بحسب جمیع قومی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الہی
 بتاییدی از ملکوت ابی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاہ پیمان
 « جند ہنالک ہزوم من الاحزاب » را ثابت و آشکار کنند .
 و ایضاً می فرماید: « این موہبت عظمی و این منقبت کبری حال
 اساسش بید قدرت الہیہ در عالم امکان در نہایت تانت بنیان
 و بنیاد یافت و تدبیرج آنچه در ہویت دور مقدس است ظاہر آشکارا

گردد. الاّن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیّات. در آخر
این سخن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موت
آسمانی. «

ای برگزیدگان حضرت کبریا، روحی بحکم و خلوصکم و استقامتکم انضاء
وقت آن است که بپاس این عنایت کبری و نعمه عظمی و بشارت اشع
ابنی بریک از جان نخبوشیم و از روان بنوشیم و ازین بکوشیم تا بانچه لازم
عبودیت صرفه محبت تامه است در این کور بدیع و قرن مجید موفق
گردیم « بقضی الله امر اکان مفعولا ». از انقلاب خائف نگردیم
و از تلونات و حوادث این عالم ترابی نیندیشیم و از تطورات این امر
و عمر خطیر مند همش و حیران نشویم بلکه بر ثبوت و استقامت تعاون
و تقاضد بغیرا شیم و بقدر مقدور بکوشیم تا در این چند روز حیات باقیه
بخدمتی که لایق آن آستان است موفق گردیم .

و اتمّ العول بما نطق به لسان العظمة و الاقدار فی لوصه البدیع :
« امر عظیم است و مطلب بزرگ و یوم یومی است که می فرساید
یا نبی انخس ان تک مشال حبه من خردل فکن فی صحرة

اوفى السموات اوفى الارض یا ت بها الله ان الله لطيف خبير
 ای قوی قدير دست تضرع بارگاه قدست مرتفع
 انسانی امرت را تا یوس معسر ما و اسن کائنات بذكر بدایع قدرتت
 ناطق وراثت امرت را پیش از پیش مدو بخش . جمعی از ظهور خفیات
 امرت و بروز لطائف حکمتت و اله و حیرانند . مصداق و عود منصوص
 کتاب اقدست را بر عالمیان ظاهر و آشکار کن . ملائکه تا میدپی در پی
 بفرست و آن موطن اعلی را جنت ابھی نما . صوت رجال امرت را
 گوشزد اقالیم بعیده نما و مدینه منوره طهر ان را مطلع سرور عالمیان
 و مطلع نظر جهانیان کن . عمود دیوان عدل اعظمت را با فصیح اقدار
 بلند نما و امم و قبائل متنازعه را در ظل ظمیش در آور . نقاب از
 وجه ناموس اعظمت بکنین و بر سر از گرم الهی در ارض میعاد سرا
 پرده وحدت عالم انسانی منصوب ساز . نهر افق آئین نازنین را
 از قلعه شاهنشاهی جاری نما و حیات جدید بر عالم و عالمیان مسند
 کن . بیت اعظمت را از پنجه اهل عدوان بر مان و قدر و شرفش
 را بر مدعیان ظاهر و آشکار کن . حزب جائز را از شمال و هم بمین

یقین کباشان و بزرگم دل آن ستمدیدگان برحمت کبرایت مرهم نه .
 مدینه عشق را شور و نشوری جدید عطا کن و اقالیم مجاوره را از چنگ آن
 قوم پرلوم نجات بخش . وراثت را از تحدیدات مطلقه و ثنونات
 آفاقیه و ظهورات ناسوتیه کونیة پاک و منزه نما و خلعت غزقدسی بر
 یک پوشان . از قید عسرت نجات بخش و باب رخا بروجه نساویان
 امر کجاست . اسرار علم لدنی به پیروانت بیاموز و چشمه صنایع
 بدیعه و انکشافات عظیمه از آن قلوب مجروده صافیه جاری نما . توأم
 و دعائم صلح عظیم را بر نیجه اقتدار استوار فرما و محکمه کبرایت بقوه
 تعلیمات بهیه ات در انجمن عالم تائیس کن . این مورد ضعیف را
 بخدمت انسانی امرت موفق دار . و در اجرای وصایای
 محکمه ات تائید بخش و با نیجه مایه سرور و روحانیت عزیزان تو است

در جمع شون دلالت فرما

توئی مجیر توئی دستگیر توئی مقدر و توئی توانا

نوروز سنه ۱۸۸۰

بنده استانش شوقی

توقیع مبارک

رضوان ۱۹ بدیع

حامیان امرائی برادران و خواهران روحانی در میدان
و ممالک شرقیه علیم طیب التیبه و التشاء ملاحظه
نمایند

ای سپاهیان ملکوت . سلطان سریر لاهوت حضرت رب بجزود
در این بیع رحمانی و رضوان خوش روحانی ستایندهگان هم عظمش را
از اعلی رفارف قدس ندایم فرماید : ان یاعشاقی و انصاری
و حمد اناسی بن خلقی ان استمعوا ندائی اناسی فی الافق الابهی ان
یا احبائی ایای فاشهدون . قد خلقکم لأمری و اختصاصکم لنفسی و
واجبتکم لعرفانی و رببتکم لاعزاز همتی و اتمتکم علی اظهار سلطنتی و جعلتکم
امته بین عبادی و جعلتکم الوارثین ان انتظروا یا اخلاقی سارکیم ایای
و ساندکم بتأییداتی و اتمم ما وعدتکم به فی الواحی و انصرکم علی اعدائکم
و احقق آماکم بقدرتی و سلطانی لمهمین علی العالمین . انصرونی
فی ارضی انصرکم من ملکوتی ایشامخ البادع المشعخ الممتنع الرفیح
ان یاخرته اسرارسی اما ترون خفیات امری و بدایع حکمتی و اسرار
شرعیتی قد بدت خالغه العذار عن خلف الحجابات و یسطع شعاعها

فی الآفاق باسراق لم تر شبهه العرون الاوتون ان اشروا فی قلوبکم
 واطمنوا فی انفسکم بان هذه الدوقه الالهیه و الشجرة المرفوعة الازلیة قد
 ثبت اصلها فی قلب العالم و اشدت فروعها و امتدت افانها بین الائم
 و ارتفع حقیف اوراقها و نضجت و انتشرت اثمارها بین الخلائق جمعین .
 کلم بشارة العظمی یا اهل البصائر بما کشفنا الغاب عن وجه امرنا الیهی
 الابهی و ارفعنا برقع استر عن سرنا المستر الا کتم الا خفی و هیلین و سترین
 بذک هی اکل التصافین و الکروبین فی الملاء الاعلی و عن ورا خصم کل
 النبییین و المرسلین فی الرزف القصوی و سوف ترون با عینکم ما
 اودعناه بایدی افضل بکلمة من عندنا و قدرة من لدنا فی هذا الامر الالو
 المبرم الخیر اذا تشهدون اثارنا و تحدثون اخبارنا و تفتخرون ببارنا
 تعالی تعالی بذالاقدر لا تشکوفیه ولا تضطر بوا منه انه کان فی ام
 الکتاب امر مقتضیا محتوما .

کینوتی و اعطانی ربی فداء حکم یا ملا المجهین . چه مقدار مرتفع است
 امر الاهی و چه عظیم است بدائع آثار اولین فترن دور بهائی .
 شععات انوارش را خبر خفاش کو رصفت اصدی انکار نتواند و تصرفات

لاریتیه حیرت انگیزش را جز عیلمان روزگار نفسی شبهه نماید. روح
 طیب سنایش در کل اکناف متضوع. شام فرکومان از شمیمش
 محروم در نه ملکوتیش در سبع طباق نشتر. آذان تکبران از آتش
 مهجور و ممنوع. سیطره محیطه اش را قلوب صلبه ادراک نماید
 و بحق حکمتهای بالغه اش افهام کوله نظران پی نبرد. عقول عقلا
 از کشف رموزش قاصر و عرفان عرفا از تبیین و تشریح قوه جاذبه و
 عاخر. ناموس عظمش با فکر بالیه قاصره نفوس سقیمه قیاس نگردد
 و مبادی سامیه مؤسسات روحانیه اش بقواعد سخیفه و قواعد باطله
 نفوس سافله و اهبیه تشبیه و تطبیق نشود. مدغیت سردی الاما^{را}
 توانگران نابالغ که برو ساند عز شکنند قدر ندانند و سیاست الهیه اش
 بهج رعاع که در دام هوی گرفتارند نشاسند. کلمات جعلیه که از
 نفوس بغضیه چون سیل جارف منهر اساس این آئین بسین را
 تر عزرع نماید و هیاهو و عریبه اهرمیان ست عنصر آوازه
 جان افزایش را از ارتفاع باز ندارد. اریح سموم سراج و آتش
 خاموش نکند و اسادات مبطلین و ارجیف متوهمین حقیقت

فائزۀ نافذہ اش رائیگین نگرداند . ارتداد و طحیدین و انکار مدبرین
 در صفوف مجتہدہ مجاہد اش رخنہ نماید و دسائس مغلیتین روح آزادش را
 از جریان و سریان در شریان امکان ممنوع سازد . دانشمندان ارض
 از سر غلبہ اش حیرانند و حسودان بی امان از حرارت لیبش مالان و
 سوزان . دانایان اہم تعلیمات قیمتی بہیہ اش متوجہ و جوش طائف
 و از انوارش مقتبس .

ولولہ در شہریت جز شکن زلف یار فتنہ در آفاق نیست جز خم ابووی دوست
 قل سیر و افی الارض لرون آثار قدرۃ ربکم الابی قد تجلت و علت
 و استشرت و امتلات منہ الخافین .

ای آشفگان جمال کبریا ، بشارت بادیاران را کہ در این رضوان
 اعز ابھی و کبھار جان افزا در چہل اقلیم اراقالیم دنیا رکبین سفینہ
 حمراء باحتفال این عید اعظم و تہلیل و تکبیر آن اسم مکرم مشغول ما لوفند
 جند بہار وحی لقیامہم الضداء در این اقالیم شامعہ در خاور و باختر
 چون ملائکہ ناشرات منتشر و از تابع تا یید کہ از کمن اعلی متوصل است
 گل شاد و تبشر . اقلیم فزنگ از بوق انوارش در ہمبراز است

و قطعاً آسیا از فوران نار مجتیش در سوز و گداز . امریکت پهلده کنان
 است و افریک از نهیب این قیام حیران . شمال مقبلس از شدت
 شرر بار است و جنوب مستفیض از این امر گهر بار . ندای و اطر با از
 شش جهت بلند است و فریاد و اویدا از خنجر اعدای امر کجا مرفح
 بالکان ندای است را اجابت نموده و پرچم هدایت عظمی برافراشته
 و بساط تبلیغ گسترده . بذک تحقق ما نزل من اعلم الابهی فی لوح
 الرئیس قوله جل بیانه : « قد خرج العظام من بذه الدیار و اودع
 تحت کل شجر و حجر و دینه سوف یخرجه الله بالحق کذکلت انی الحق
 و قضی الامر من مدبر حکیم . »

جزائر محیط اعظم در اقصی جنوب عالم از این رتبه ملکوتی مدیهوش
 و در سابقه روحی با اتم غربیه بدم و مالوف . شجره الهیه بر باور
 البحار سایه افکنده و در ابعدهن دنیا قبائل متأخره مستباغضه را
 در ظل ظلیش مجتمع ساخته . امت چین از خواب کابوسی بیدار و
 بهمت مردان دلاور از نغمات مسکینه ظهور الهی آگاه و پرانستباه
 رسولان اسم اعظم در عوالم اروپ بهنگ استار و کشف اسرار

و اعلان جامعیت و استقلال شریعت ربّ مختار مشغولند و در احتیاج
 حق مظلومین و دفع شرّ فاجبین و استحکام اساس امر حضرت ربّ
 العالمین لیساً و نفیاً راسماً و ساعی و جابداً . با اعلاظم جلال اعلیٰ المقامات
 مرتبطند و بواسطه فعاله متمسک و تثبث . عروس آمال در مجمع نمایندگان
 عصبه امم نقاب از رخ بر انداخته و در خلوتخانه قلوب زمامداران دول
 مقهوره جلوه نموده و رعشی شدید افکنده .

ای اجبای الهی علمای رسوم در موطن اصلی حضرت قیوم چنان
 انگاشتند که زجر و عقوبت و ظلم و اسارت و نفی و شهادت علت
 انقراض آئین گرانهای الهی گردد و سبب تشنگی و ضحکال جمع
 پیروان نیز آفاق شود . تباّلم و تعسّلم انخسّم و عوا نهم نفی عمه
 عظیم . ای بخیران سر از نوم غفلت بردارید و از حضرات یاس
 در این روز فرود قدم بیرون گذارید و خاک سیاه بر سر زبید و نظری
 بر اشراقات این گوکب نوآر اندازید که چگونه این امر معصوم و مظلوم
 که سین متوالیه در پنجه تعلیب گرفتار و محصور بود و در هر یومی بجفا
 جدیدی از عصبه غرور مغذّب ناگاه از چنگ ظلم و جفایان نبات

یافت و روح آزادش از تنگنای آن اقلیم پر بلا برهید و با قایم مجاب
 سرایت نمود و در ممالک پر نعمت فرنگ انتشار یافت و با بعد نقاط
 ارض برسید و در مقامات عالیه خیمه و خرگاه بر افراشت و در نوشت
 جدید و معابد بدیعه و معابد فحیمه و مجلده ای آن روح مقدس مجسم و
 مصور گشت . صدایش را اعظم رجال شنیدند و جلوه اش را
 ملوک و مملوک هر دو شناختند . داستان بالاخره کوتاه شد و شمار
 اقدسان بر خاک مذلت نیفتاد . جمعیان مشت گشت و لوکب
 سعادتان آفل شد ولی این امر الهی هر چند مدتی در آن محیط کدر
 انگیز در کسوف حد کسوف بود و در قناع بغضا ستواری عاقبه الام
 رغماً لانفکم و لمن کان بعینکم در آسمان غرب از خلف حجات غلیظه
 ظاهر و پدیدار گشت و چنان فروغ خورشیدش پر تو بنیداخت که
 که از انعکاساتش کل مرعوب و حیران گشتید .

ای احولهای روزگار آیان شنیده آید که قلم اعلی در این مقام چه فرمود
 و در تالیه الحق لوی کیرقونه فی البرانه من قطب البحر یرفع رأسه و نیادی
 انه الله من فی السموات و الارض و لویلقونه فی سبر ظلماء یبدونه فی

اعلى الجبال ينادى قد اتى المقصود سلطان العظمة والاستقلال ولو
 يدفون في الأرض يطلع من افق السماء ويشطق بأعلى التنداء قد اتى البلاء
 بملكوت الله المقدس العزيز المختار.... ولو سيرون التور في البرانه ينظر
 من قطب البحر ويقول اني محيي العالمين.... ثم اكلوا يا ملأ الاعجام
 بانكم لو تقتلونني يقوم الله احد مقامى وبذه من سنة الله التي قد خلت
 من قبل ولن تجدوا سنة الله تبدل ولا من تحويل «
 اى بخردان اهل بھار بلا شكوه نمايند واز متابع محن وشدت ابتلا
 آزرده ونايوس نگرند . مولای بهیما ارواحا لمطلوبتیه العداء
 می نسرماید: « قتل البلاء یا دهن لهذا المصباح و بهما یزداد نوره
 ان كنتم من العارفين.... بالبلاء ربینا الامر فی القرون الماضیه
 سوف تجد الامر مشرقاً من افق العظمة بقدره و سلطان.....
 قد جعل الله البلاء اكلية لرأس البھاء سوف تستضي من الآفاق
 قد جعل الله البلاء فادیه لهذه الدسكرة الخضراء و ذبالة لمصباح
 الذی به اشرفت الأرض و السماء.... قل ان البلاء ماء لما زعنا
 فی الصدور سوف تنبت من سنبلات تنطق كل حسه منها انه

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . «

ای کوه دکان مهسد نظمستان شجره لا شرقیه ولا غربیه راستی بمود
وجورتان صیت منطومت و بزگوارای آئین الهی را باقصی ممالک عالم
برسانید . این کلمات دریات که از قلم گهر بار مرکز ششاق که در بجهت بنا
مخاطبا للذین کانوا مشکلم نازل سبیا دارید : « از سرشک دیده یتیمان
ستمدیدگان حذر لازم زیر اسیل خیر است و از دود آه مظلومان پرهنر باید
زیر اثر انیزات . والله ولی المظلومین ... قل ما لکم لا تتبهون و
ویل لکم لم تتیقظون . حسبکم انفسکم ایفاظاً کلاً انکم لفی مضاجع جهل
ترقدون . از عظم انکم تبصرون او تسمعون هیهات هیهات بل
انکم صمم کلم عمی فی صقع المیشاق تحشرون و انکم الا خسرون فوف
فی غمرات الذل تغرقون . «

یا نصر الله الرحمن و حلفاء حبه سرشک دیده ستمدیدگان است و
آه عزیزان ایران که قلب ملذذ نیک اختر را متوجه بآئین الهی فرموده
و از کلک ملوکانه اش این کلمات دریات صادر فرموده که کل حکایت
از عظمت امر الله و استقلال دین الله و جامعیت تعالیم الله و

حقیقت رسالت رسول الله میاید و در این ایام اعلان ربیست که بخط
 خود بنام فخر المستغنی و المبلغات حضرت عیسی مارثا روت ارسال نمود
 بمرض اقدس رسیده و قلوب عالمان کعبه مقصود را سرور و امید می طلبید
 بخشیده و آن کلمات نیت: «آئین بهائی منادی صلح و سلام
 است و مروج حسن تعالیم در بین انام. سالکان وادی حیرت را
 که در ره امید پویانند در آغوش خود گرفته و در ظل واحد مجتمع ساخته.
 پیامش مصدق ادیان الهیه است و مبدش موافق معتقدات
 سابقه. هیچ بابی راست ننماید و هر سبیلی را مفتوح گذارد. در صحنی
 که قلم از مخاصمات متنادیه پیروان ندهایب عدیده محزون بود و در رحم
 از حمیه جا بهنیه آنان خسته و آزرده نظرم بتعلیمات بهائی بنیاد دور
 حقیقی حضرت مسیح که با از نفوس ندانسته و شناخته در آن تعالیم
 ظاهر و پدیدار گشت و این تعالیم جوهرش وفاق است نه خلاف.
 امید است نه قطع رجا. هراست نه بغضا. اطمینان عظیم است
 لمن فی الانشاء»

ای برادران و خواهران روحانی در لوح اقدس جمال قدم جلت

عظمته سفیرماید : « انه قد اشرق من جهة المشرق وظهر في الغرب آثاره
 تفكر وافية يا قوم ولا تكونوا كالذين غفلوا اذ جاءتهم الذكري من لدن عزيز
 حميد » و همچنین : در لوحی از الواح این خطاب مستطاب با قمار
 کیزی از کیزران جمال اسی در سنین اولیه ظهور امر الله در ممالک فرنگ
 نازل « یا الله الله انی ادعوا الله ان یعبث نفوساً مقدسه نثره بهته
 نورانیته فی الاقطار الغربیه و الاقالیم الشمالیه حتی تكون ملک النفوس
 آیات الهدی و ریات الملائه الاعلی و ملائکه ملکوت الاهی عند ذلک
 تجدین الغرب اشرق المشرق و الانوار تسلطاً کالاقمار فی ملک الاقطار »
 و همچنین سفیرماید : « ثم اعلم بان المشرق قد استضاءت آفاقها بانوار
 الملكوت و عنقریب تسلطاً هذه الانوار فی مطالع الغرب اعظم من المشرق
 و تحیی القلوب فی ملک الاقالیم بتعالیم الله و تاخذ محبة الله الافضله
 التصافیه » و همچنین سفیرماید : « اگر این سخن در بخیر نبود حال
 حضرت بهاء الله بر افکار عمومی اروپا مستولی شده بود ... اگر
 بهاء الله در اروپا ظاهر شده بود مثل اروپا غنیمت می شمردند و
 و تا بحال بسبب آزادی جهان را احاطه نموده بود » و همچنین سفیرماید :

قطعه امریک در نزوح میدان اشراق انوار است و کشور فلورنسا
و نثار ابرار و مجمع حسرار «

ای برادران و خواهران روحانی قدری تفکر نمایند که در این قرن
اول دور بهائی چه آثار عظمت و غلبه و همینه ای در دو قاره اروپا
و امریک بلکه در تمام جهان ظاهر و پدیدار گشته و این نیست مگر از
تأثیرات نافذۀ علم حقا که چون عسل مصفیّ تعمین بحسب برادران
اقیلم پراستلایان در از دست اولوالعصران چشیدند .

اهراق دما، مطهره شهیدان ایران است که قلبی در علیا حضرت مکه
سوجه باین نخال نورسته آتی نموده و باین خطابه ای نتیجه متاب
عالمی را بیدار و پراستلای ساخته .

اهراق دما، مطهره شهیدان ایران است که فارسان مضمار الهی را
در قطب امریک برفع و اتمام بنیان رفیع ایشان اولین مشرق الاذکار
اظهار غریبه موفق و مستحضر فرموده و حتم غیبری را از اجناس و مذاهب
و فرق و طبقات تباینه شیخته و آشفته آن در زمین و کف این
و همگیل نازنین حضرت رب العالمین نموده .

اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که علمداران حزب مظلوم
را در مغرب اقصی بوستات مجتده و تائیس اوقاف امریه و تحصیل
اعتبارنامه رسمی از مصادر و مقامات عالییه و اجرایی نوامیس شکار
الهییه و وضع دستور محافل ملییه روحانییه هدایت و موفق فرموده .

اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که ولو له بیت
اعظم را در دوار عصبه امم انداخته و افکار و قلوب زبردستان را بحقوق
مسلوبه و مبادی سامیه حزب مظلوم متوجه ساخته و اعضا آن نجمن
محرم را بر آن واداشته که از دولت قوی شوکت احقاق حقوق
مظلومین را از غاصبین مطالبه نمایند . صدق الله ربنا الهی الاهی
« فسوف یظهر الله قوما ینذکرون آیاتنا و کلامنا و رد علینا و یطلبون
حسنا عن الذینم ظلمونا بغير حرم و لا ذنب بین »

اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که شمشکان عبودیه لوثتکما
ایمان را در اقلیم آلمان شیبت و روشی مبعوث فرموده که با وجود
هبوب صرصر امتحان و ریح عقیم هدیانات دشمنان که بجز در یک
باین شدت بر آفاق غربیه نوزیده این اطواد بارضه مقاومت هر

افستانی نمودند و از صراط دقیق مغریند بلکه بر اشتغال و شهادت
و تعاون و استقامت افزودند و در اتساع نطاق امر الله و دائره
نشریات امریه و استحکام مؤسسات امریه در اقلیم خویش بیش از
پیش همت بجاشتند .

اهراق دما، مطهره شهیدان ایران است که بدست باسلان میدان
عبودیت در دیار مصریه علم استقلال شرع بهار را بر اعلی قتل آن قلم
برافراشته و بسطوت و تجرد و کجالت و شهادتی در انجمن نبی آدم
بعوث فرموده که شبه آرزو تواریخ ادوار سابقه ثبت و تدوین ننمونه
اهراق دما، مطهره شهیدان ایران است که رسولان الهی
در مغرب زمین بفتح اقلیم جدیده سوق دلالت فرموده . مبارز
میدان انقطاع به سرداری سرخیل عاشقان امه الله الغریده سر
مؤمنین و مؤمنات کتاب «د بهاء الله و عصر جدید» که یادگار
آن مؤلف شهیر و نفس نفیس است و اخیراً بدو از ده لغت از لغات
شرقیه و جنبیه ترجمه و طبع گردیده بدست گرفته نغره زنان در
دیار الله سائرند و برصفوف والوف غافلان مهاجم . چون

باد بادیه پائید و چون اسرافیل حامل نغمه حیات بدم بنیان عشق
 تعصبات وطنیه و سیاحتیه و جنبیه و اقتصادیه آن قاره پر شور و
 اضطراب متحرک و بدفع استقام فرزند ایران و علمانش مالوف .
 ابراق دما، مطهره شهیدان ایران است که یاران عزیز
 موطن اصلی جمال قدم راز محال بساع ضاریه نجات داده و بر
 مصاعد عزت نشانده و بردشمنان دیرین غالب و مسلط فرموده و سایه
 ملک عادل را بر آن کشور مقدس گسترده و مفاسد قویه مرمنده را از بیخ
 و بن برانداخته و این اصلاحات با بهره جدیده را از خیر غیب بعرضه
 شهود در آورده و آثار عزت و تباشیر مدنیت ابدی القار حضرت
 بهاء الله را در اطراف و کفاف آن صقع جنیل ظاهر و پدیدار فرمود
 ابراق دما، مطهره شهیدان ایران است که عاقبت الام
 آن قلیم را خسته انعم فرماید و بفرموده مرکز میثاق بهاء حضرت
 عبدالبهاء « دولت وطنی جمال مبارک را در جمیع بسیط زمین
 محترمترین حکومتات و ایران را معمورترین بقاع عالم » نماید .
 ابراق دما، مطهره شهیدان ایران است که در این قرن

نورانی و عصر گوهر افشان، عزا بھسانی رومی زمین را بہشت برین
 نماید و سراپردہ و وحدت عالم انسانی را کائنات فی الالواح و قطب انقی
 مرتفع سازد و وحدت اصلتہ را جلوہ دہد و صلح اعظم را تأسیس فرماید
 و عالم ادنی را مراتب خست ابھی گرداند و یوم تبدیل الارض غیر الارض را
 بر عالمیان ثابت و محقق نماید .

در لوحی از الواح این بیان اصلی از قلم ابھی صادر: در حال ارض
 حاملہ مشہود زود است کہ انما رسیعہ و اشجار باسقہ و اوراد محبوبہ
 و نعماء جنبیہ مشاہدہ شود . تعالت نسمة قمیص ربک الرحمن قدرت
 و احیت . طوبی للعارین . «

ای برادران و خواہران روحانی دماء برنیہ مسفوکہ فی سبیل اللہ است
 و سرشک دیدہ مظلومان امر اللہ کہ شجرہ اہل اہل کعبا باین انما
 نیعہ و اوراد محبوبہ و نعماء جنبیہ فرین و مختصر گشتہ و مجرد آیام پیش از
 پیش کجا جنبی لعنوا مرہ و عظمتہ شأنہ و عز مقامہ منتظر خواہد گشت

ای حبیبان یا وفا بیان پر صلوات حضرت عبدالہاء را
 کمرہ آخری در این مقام بیاد آرید در این موبہت عظمی و این منقبت

کبری حال اساشش بید قدرت آتیه در عالم امکان در نهایت مناسبت
بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت دور مقدس آن ظاهر و
آشکار گردد. الان بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات جنیات .
در آخرین تشریح و عصر معلوم و واضح گردد که چه کعبه روحانی بود
و چه موهبت آسمانی .

یا اجبار الله این امر کریم دنیا عظیم اعظم از آن است آنچه را بقول
محدوده خود تصور نموده ایم و اصل از آن است آنچه را با دراکات قافیه
خود پنداشته ایم . بلی ظهور اش محیر عقول است و شئونات و تصرفاتش
عجب از کمال عجیب ولی آنچه را این مشت ضغفان با بحال فهمیده و
ادراک نموده قطره است نسبت به بحر البهار اسرار مکنونه در این زمین
ابهی و ذره است نسبت شمس الشمس لسانی مودعه در این امر گرانها
« هیچ ادراکی سبقت نیابد بر کیفیت ظهور او و هیچ عرفانی احاطه
نماید بر کیت امر او »

در کتاب مستطاب ایتقان در بیان مقامات ظهور قائم موعود رب
موجود و ملک غیب و شهود بان ترانه الهی مترجم: « بعلم سبته و عشره

حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان ولم يعرف الناس حتى اليوم غير
 الحرفين فاذا قام قائمنا اخرج النخسة والعشرين حرفاً .
 وبعد ميغرايد قوله عزباينه : « حال ملاحظه فرمائيد كه علم رابيت و بنت
 حرف معين فرموده و جميع انبسا از آدم الی خاتم دو حرف آن بيان
 فرموده اند و براين دو حرف مبعوث شده اند و ميغرايد قائم ظاهر ميغرايد
 جميع اين بيت پنج حرف را . از اين بيان قدر و رتبه آن حضرت
 را ملاحظه فرما كه قدرش اعظم از كل انبيا ، و امرش اعلى و ارفع از عرفان
 و ادراك كل اولياء است و امرى است كه انبسا و اولياء و اصفياء با
 اطلاع نيافته و يا با مربرم الهى اظهار نداشتند . و همچنين در بيان
 استقامت آن جمال ازلى اين كلمات دريات از قلم ابى صا در :
 « آيا ميشود اين نغير امر الهى و شيت ثبته ربانى . قسم بخدا كه اگر
 كسى فكر و خيال چنين امرى نمايد فى الفور هلاك شود و اگر قلبهاى عالم
 را در قلبش جادوى باز جبارت بر چنين امر فهم نمايد . »
 در بيان مقامات اصحابش قلم ابى باين ذكر اهللى متحرك : « آيا
 برگرد در هيچ تاريخى از عهد آدم تا حال چنين غوغائى در بلاد واقع شد

و آیا چنین ضوضائی در میان عباد ظاهرت ... گویا صبر در عالم
 کون از اصطبارشان ظاهر شد و وفادار ارکان عالم از رعشان موجودت
 و اما آنچه را که خود حضرت در بیان عظمت و احاطه ظهور
 خود فرموده از جمله این کلمات عالیات است : « یا قرة العین انک
 انت النبا العظیم فی الملائة الاعلی و علی ذلک الاسم عند اهل العرش
 قد کنت باحق معروفاً . قل انی انا بیت قد کنت باحق مرفوعاً و
 و انی انا المصباح فی مشکوة قد کنت بالله احق علی احق منضیاً
 و انی انا النار فی النور علی نور الطور فی ارض السور قد کنت حول النار
 مخفیاً ... یا اهل تحة الفردوس قولوا علی اسمی کحوتة الحجرات اخرجن
 من مسکن القدس عریاناً و انصتن علی محن الکظیم بحسب فان اذکر
 قد شارککما شار و لا مرد لا مر الله احق و قد کان حکم فی ام الكتاب
 متضیاً ... و ما ارسلنا من نبی الا و قد اهدناه بالعهد للذکر و یومه
 الا ان ذکر الله و یومه فی المنظر الا علی لدی ملائکة العرش قد کان
 باحق علی احق مشهوداً ... و اما نحن لونساء لهدینا الارض و من
 علیها علی حرف من الامر اقرب من لمح العین جمیعاً ... لواراوت

نمده ان تفسر القرآن من ذكر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأن البسر
التصديقية قد تبلغ في حقيقة الكائنات .»

حال ملاحظه فرمائید کہ صاحب ہجرتیہ مقام اعزاز اجل اسنائی و منظر
ظہور ارفع و منع اعلانی چہ شہادتی راجع بان نور الانوار و جوہر الجواہر
منظر کلیۃ الہیۃ ہی کل مکرّم جمال قدم و اسم اعظم روحی سلطنت
المحیطۃ فذاردادہ . در مقام مناجات می فرماید : « سبحانک اللّٰهم
یا الہی ما اصغر ذکری و ما ینسب الی الا اذا اُرید ان النسبہ الیک
فتقبلنی و ما ینسب الی بفضلک انک انت خیر الفاضلین »

و همچنین در قیوم الاسماء جمال اعلیٰ مخاطباً لمحبوبہ الخفیٰ الجلیٰ الابی
می فرماید : « یا سید الاکبر ما انا بشی الا وقد اقاتنی قدرک
علی الامر . ما اکتلت فی شیء الا علیک و ما اعصمت فی امر الا
الیک و انت الکافی بالحق و اللہ الحق من ورائک المحیط و کفی
باللہ العلی علی الحق بالحق القوی نصیراً . یا بقیۃ اللہ قد قدرت
بجلی لک و رضیت سب فی سبیلک و ما تمیت الا القتل فی
مجتبک و کفی باللہ العلی مقتصاً قدیماً و کفی باللہ شاہداً و وکیلاً »

و همچنین در این سفر کریم مخاطباً لمن بظہیر کلمۃ اللہ الاکبر می فرماید:
 « ہنالک فاظہر من الترسر علی قدر سم الابره فی طور الاکبر لیموت
 الظور یون فی آسیا، عند مطلع رشح من ذلک النور المہین الجماد
 باذن اللہ الحکیم و ہوا اللہ قد کان علیک باحق علی الحق حقیقاً. »
 و همچنین در مقام دیگر می فرماید: « نقطۃ ظہور بعد اقوی از جمیع
 اہل بیان بوده و خواهد بود و قد کتبت جوہرۃ فی ذکرہ و
 ہوا اللہ لا یشار بأشارتی ولا بما ذکر فی البیان مقام او
 صرف ظہور است حتی نفس ظہور در نفس ظہور در ظل او ظاہر »
 اینست ای اجبای الہی نص شہادتی کہ نقطۃ او
 در رب اعلی با وجود عظمت شأن و استناع مقام و احاطہ کلیہ اش
 بر مظاہر قبل از قلم اعلایش در حق مؤسس آئین بھمانی و شارع
 مقدس آسمانی و ظہور کلی الہی صادر فرمودہ و این کلمات عالیات
 و آیات بنیات نجومی اکمل و اتم از قلم ابھی مؤید او حبیباً لما صدر
 من قلم مشرہ الاعلی نازل بعضی از آن تذکر اللہم و انظاراً و
 اعزازاً محتائق امرہ المکتوف المعلوم در این اوراق ثبت میگردد

قوله جلّت قدرته و عزّ بیانه : « و اگر ایوم کُل من فی السموات و الارض
 حروفات بیانیه شوند که بصد هزار رتبه از حروفات فرقانیه اعظم اکبریه
 و اقل من آن در این امر توقف نمایند از معرضین عند الله محسوبند
 و از احرف نفی منسوب » و همچنین فرماید « ایوم فضلی ظاهر
 شده که در یک یوم و لیل اگر کاتب از عهده برآید معادل بیان فارسی
 از سماء قدس ربانی نازل میشود و کذلک شأن الآیات علی لسان عربی
 بدیع » و ایضاً می فرماید « در هذا یوم لو ادر که محمد رسول الله تعالی
 قد عرفناک یا مقصود المرسلین و لو ادر که انجیل لیضع وجهه علی التراب
 خضعاً لله ربک و یقول قد اطمئن قلبی یا الله من فی ملکوت السموات
 و الارضین و اشهدنی ملکوت امرک و جبروت اقدارک و اشهد بظهورک
 اطمانت ائمة المقبلین . لو ادر که الکلیم لیسقول لک الحمد بما اوتینتی
 جمالک و جعلتني من الزائرين » و همچنین می فرماید : « تالله الحق
 ان الامر اعظم من ان ینذروا ظن من ان سیر و اعلى من ان یصل
 الیه اعراض کُل معرض او مکر کُل ما کر عنید » و ایضاً می فرماید :
 « قل ان روح القدس قد خلق بحرف مما نزل من هذا الروح الاعظم

ان نستم تفقهون قد ظهر في هذا الظهور مالا ظهر في ازل لازل
 قد كثر في هذا الغمام من محن لو يظن اقل من ستم الأبره لتذك
 الجبال وتصفرا الاوراق وتسقط الاثمار من الأشجار وتخر الأذقان
 وتوجه الوجود لهذا الملك الذي تجده على مكيك النار في هيئة النور
 ومرة تشده على هيئة الأمواج في هذا البحر المواج ومرة تشده كالشجر التي اصلها
 ثابت في الارض الكبرياء وارتفعت اغصانها ثمانية اثنانها الى مقام الذي صعد من رابع عشر
 اى حاملان امانت الهية از جهتي آوازه امر الهى بلند است

وتباشير عصر حضرت بهاء الله بر عالم وعالميان لأمح . قدرت
 غالبه اش بر مدعيان آشكار است واثار نهضت محيرة اش در آفاق
 نمودار . شامه عنبر نيش در جميع اقطار نشتر است ولسالى بشيارش
 از گنجينه اسرار بر جهانيان نشتر و از جهتي انقلابات عالم ناسوت يوما
 فيوما در ازدياد و قداقل و اضطرابات ملكيه اش انا فانا در انتشار .
 افق سياست تاريك است و بحران اقتصادى بغايت شديد .
 مدغيت ماديه در معرض خطرات عظيمه است و هيئت اجتماعيه اش
 متزعزع و متزلزل . افكار در همچنان است و نظم جهان پریشان

ظلمت عصیان و طغیان عالمی را احاطه نموده و نورانیت عدل و
 وفاق از دیده جهانیان پنهان گشته . در مشرق اقصی نائزه جنگ
 پر اشتعال است و در اقطار غربیه دائره فساد و شقاق در اتساع
 قوای اقوام مختلفه بر اطفال سراج دین بر خاسته و در ترویج قواعد باطله
 ظاهراً استعمال همت بجماشته . شرق در جنبش و هیجان است و غرب
 از نقل قاذح آفات متراکمه نالان و هراسان . حزب شمال تبمام
 قوی برای بجا دفتنه و فساد عقیده و ترویج مبادی سقیمه قائم و در تولید
 بغض و خصومت و بدم بنیان دیانت ساعی و جاہد . مکاید
 سیاسیہ در میان است و مقاصد خفیه در جولان . حکومت عالم
 بمنازعات و ظنیہ و تعصبات مختلفه شدیدہ گرفتارند و بنذیل تعالید
 عمیقہ مشبث . ثقہ و اعتمادشان بیکدیگر سلوب و ارتقاوند و تعاضد
 محروم و نایوس . بصرف مبالغ باہمنہ در تهیه معذات حربیہ و تمام
 عسکریہ و آلات جہنمیہ ترا و جہراً مشغولند و بحال جدیت با استحکام
 اساس استقلال سیاسی و اقتصادی خویش مانوف . سرست با
 غرورند و اسیر دام حمیہ جاہلیہ . دول مقهورہ در قطعہ اروپا تشنه

انتقامند و در تولید صفای و دسائس پرستی و اهتمام . اقلیات قوی
 هر یک مستعد فتنه و فسادند و در توسعه دایره انقلاب و بهم بنیان
 اعتراف متحد و متفق . میرانیه اغنی حکومتات عالم مختل و مشروعات
 تجاری و صناعی و زراعی اکثر طوائف و امم معوق و معطل .
 حسین و ابن نجبرین دو قاره اروپا و امریک بلند است و خسار فاجده
 و بلیات مانده بر سرمایه داران از کل اطراف مهاجم . عده عظیمین
 و محتاجین در اقطار غربیه در این ایام به چهل گرو را و ازید بالغ و
 این جسم غصیر سجدی پریشان و بیسای فسادند که قوای حکومتات
 قاهره مجریه مقتدره از تکلیف و سد احتیاجات ضروریه آنان عاجز
 و قاصر . اینست که حضرت عبدالبهاء در او اواخر آیمش در لوجی
 از الواح صریحاً اخبار فرموده . قوله حل بسیار مد این ظلمات
 منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد بلکه روز بروز سخت تر
 شود و بدتر گردد . بالکان آرام نگیرد از اول بدتر شود . دول متهم
 آرام نگیرند . بهر وسیده تشبث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند
 حرکت های تازه عمومی تمام قوت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری

خواهند نمود. حرکت شامیه خیلی اهمیت خواهد یافت در سیرت
خواهد کرد... در مستقبل حربی شدیدتر یقیناً واقع گردد. قطعاً
در این شبهه ای نیست.

ای یاران روحانی این خطرات عظیمه و مفساد قویه و استقام
مزمه و اغتشاشات مترایده بعضی منبث از نتایج و خیمه جنگ اخیر است
که بر ضغائن دیرینه بغیر و رفته و انقلابی جدید احداث کرد و چنان
بارگرانی از غرامات و تعویضات مایه بر عهده دول مقهوره بگذشت
که کمال از ادایش عاجزند بلکه غالب و مغلوب هر دو از مضرات و عواید
سینه اش گرفتار و متاثرند و بعضی ناشی از اجراءات و تبلیغات مستمره
تواضعه عصبه غرور است که قوی را باها محصور و متوجه در بدم ارکان
دین و ترویج لاندی همی نموده و بعضی نتیجه اشتداد تعصبات و وطنیه و
انهاک در تعالید قومیه و ضنون و ادوات مایه و نمکت مغرط به
استقلال سیاسیه و عدم توجه بوحده اصلیه شریه و قلت ارتباط
و تعاون بین دول شرقیه و غربیه و اهمال در تائیس محکمه کبرای آیه
است ان نظر و او تدبر و انما نزل من قلم القدم فی سجنه الا عظم

عن لسان احد من عباده . « عالم منقلب است و انقلاب او يوماً
 فیوماً در تراید و وجه آن بر غفلت ذلاند هبی متوجه و این فقره شدت
 خواهد نمود و زیاد خواهد شد ثانی که ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر
 این هیچ ایام می رود و اذا تم المیعات یظهر نعبته ما ترعد به فربس العالم
 اذا ارتفع لاعلام و تغرد العادل علی الافنان . »

ای اجبای الهی چه مطابق است حال حاضر بر پلال حکومت و عل
 عالم با آنچه راقم اعلی در سنین اولیه درود بسجده عظیم مخاطبان
 فی العالم اندازد و اخبار و تبیین و تشریح فرموده و در الواح نصیحه و قهریه
 خود بدون شبهه فرموده . قوله جللت قدرته و عزبانه : « تدبروا
 و تعلموا انما یصلح به العالم و حاله لو اتم من المتوسمین . فانظروا العالم
 کیسکل انسان از خلق ضحیحاً کائلاً فاعترته الامراض بالاسباب المختلفة
 المتغایرة و ما طابت نفسه فی یوم بل اشد مرضه بما وقع تحت تصرف
 اطباء غیر حاذقة الذین رکبوا مطیة الهوی و كانوا من الهائمین ...
 و الذی جعله الله الدریاق الاعظم و اسبب الاثم لصحته هو اتحاد
 من علی الارض علی امر واحد و شریقه واحدة بهذا لا یکن ابداً

الآن بلبیب حادثی کامل مویہ عمری ہذا لہو الحق و ما بعدہ الا انضال
المین

یا معشر الملوک انما زاکم فی کل سنۃ تزدادون مصارفکم و تحمونها علی
الرعیۃ ان ہذا الا ظلم عظیم اتقوا زفات المظلوم و عبرتہ ولا تحموا
علی الرعیۃ فوق طاقتہم ان اصلوا ذات بنیکم اذا لا تحتاجون
بکثرة العساکر و ما تقسم الا علی قدر تحفظون بہ ممالکم و بلدکم انکم ان
تدعوا ما نصحتکم بہ من لدن علیم امین . ان اتحدوا یا معشر الملوک بہ تسکن
ارباح الاختلاف بنیکم و تتریح الرعیۃ و من حولکم ان نستم من العارین
ان قام احدکم علی الآخر قوموا علیہ ان ہذا الا عدل مسین .

و همچنین معینہ باید : مد اہل ثروت و اصحاب عزت و قدرت باید
حرمت دین را با حسن بامیکن فی الأبداع ملاحظہ نمایند . دین نوری است
بین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اہل عالم . چه کہ
خشیتہ اللہ ناس را بمعروف امر و از منکر منہی نماید . اگر سراج دین
مستور ماند ہرج و مرج راہ یابد قلم اعلی در این صین مظاہر قدرت
و مشارق اقتدار یعنی ملوک و سلاطین و رؤساء و امراء و علماء و عرفار

نصیحت می فرماید و بدین و تمسک بآن وصیت مینماید. آن است
 سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان. سستی
 ارکان دین سبب قوت جهال و جرأت و جسارت شده. برتشی میگوید
 آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت اشرا را فرود نرستید بالاخره
 برج و مرج است اسمعوا یا اولی الألبصار ثم اعتبروا یا اولی الأبصار
 ایضاً می فرماید: « ایهی عمره شجره دانش این کلمه علیات همه
 بار یکدارید و برگ یک شاخسار. لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن
 یحب العالم »

و همچنین حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیته می فرماید: « در ملی تمدن
 حقیقی وقتی در قطب عالم علم افرازد که چند ملوک بزرگوار بلند همت
 چون آفتاب رخشنده عالم عبرت و حمیت بجهت خیریت و سعادت
 عموم بشر بفرمی ثابت و رای راسخ قدم پیش نهاده مسأله صلح
 عمومی را در میدان مشورت گذارند و بجمیع وسائل و وسائط تثبیت نمود
 عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاهده قویه و میثاق و شروط
 محکمه ثابته تائیس نمایند و اعلان نموده با اتفاق عموم هیئت بشریه فرمودند

فرمایند این امر آتم اقوم را که فی الحقیقه سبب آسایش آفرینش است
 کل سکنان ارض مقدس شمرده. جمیع قوای عالم متوجه ثبوت و بقای
 این عهد عظیم باشند و در این معاهده عمومی تعیین و تحدید حدود و ثغور
 هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات
 و مناسبات دولتی و روابط و ضوابط مابین هیئت حکومتی بشریه مقرر
 و معین گردد و لکن قوه حربیه هر حکومتی بجای معلوم مخصوص شود چه
 اگر تدارکات محاربه و قوه عسکریه دولتی از دیار یابد سبب توهم دول
 سائر گردد. باری اصل این عهد قوم را بر آن قرار دهند که اگر دولتی
 از دول من بعد شرطی از شروط را نسخ نماید کل دول عالم بر اضحلال
 او قیام نمایند بلکه هیئت بشریه بحال قوت بر تدمیر آن حکومت برخیزد
 اگر جسم مریض عالم باین داروی عظیم موفق گردد البته اعتدال کلی
 کس نموده بشغای باقی دائمی فائز گردد....

و بعضی اشخاص که از هم کلیه عالم انسان بخیرند این امر را بسیار مشکل
 بلکه محال و مستعجز شمرند. چنان است بلکه از فضل پروردگار و عنایت
 معبرین در گاه آفریدگار و همت بی همتای نفوس کامله ما بهره و افکار

و آراء فراند زمانه بیچ امری در وجود مستنح و محال نبوده و نیست .
 همت همت . غیرت غیرت لازم است . چه بسیار امور که در این
 سابقه از مقوله تمنعات شمرده میشد که ابداً عقول تصور وقوع آن را
 نمی نمود حال ملاحظه مینمائیم که بسیار سهل و آسان گشته و این امر
 اعظم اقوام که فی الحقیقه آفتاب انور جهان مدنیت و سبب فوز و صلاح
 و راحت و نجات کل است از چه جهت تمنع و محال فرض شود و لابد
 بر این است که عاقبت شاهد این سعادت در انجمن عالم جلوه گر گردد چه
 آلات و ادوات حربیه بر این منوال بدرجه ای رسد که حرب بدرجه ما
 لایطاق نیست بشریه و اصل گردد . . . همچنین معینه ماید :
 « در هر ظهوری که اشراق صبح هدی شد موضوع آن اشراق امری
 از امور بود . . . در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین الله و
 موضوع شریعه الله رافت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع
 ملل و صداقت و امانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نخل
 و اعلان وحدت عالم انسان است . . . در دورهای سابق هر چند
 استلاف حاصل گشت ولی کجای استلاف من علی الارض غیر قابل

زیرا وسائل و وسائط اتحاد مفقود و در میان قطعات خسته عالم ارتباط
 و اتصال معدوم بلکه درین اتم یک قطعه نیز اجتماع و تبادل افکار محصور
 لهذا اجتماع جمیع طوائف عالم در یک نقطه اتحاد و اتصال و تبادل
 افکار مستنع و محال اما حال و سائل اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات
 خسته عالم حکم یک قطعه یافته و از برای هر فردی از افراد سیاحت در
 جمیع بلاد و اختلاف و تبادل افکار با جمیع عباد در نهایت سهولت میر
 بقسمی که بر نفسی بواسطه نشریات مقتدر بر اطلاع احوال و ادیان و افکار
 جمیع ملل و همچنین جمیع قطعات عالم یعنی ملل و دول و مدن و قری
 محتاج بیکدیگر و از برای هیچیک استغنائی از دیگری نه زیرا روابط سیاحت
 بین کل موجود و ارتباط تجارت و صناعت و زراعت و معارف در
 نهایت محکم مشهود. لهذا اتفاق کل و اتحاد عموم ممکن محمول و این
 اسباب از معجزات این عصر مجید و تسرن عظیم است و قرون ماضیه
 از آن محروم زیرا این قرن انوار عالمی دیگر و قوتی دیگر و نور آیتی دیگر
 دارد نیست که ملاحظه سینمایی در هر روزی معجزه بیداری مینماید و عاقبت
 در انجمن عالم شمعهای روشنی برافروزد و مانند بارقه صبح این نور آیت

عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته . شمع اول وحدت سیاسی است
 و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده و شمع دوم وحدت آراء در امور عظیمه است
 آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد و شمع سوم وحدت آزادی است آن
 نیز قطعاً حاصل گردد و شمع چهارم وحدت دینی است این اصل اساس
 است و شاید این وحدت در انجمن عالم بقوت الهیه جلوه نماید و شمع
 پنجم وحدت ذهنی است . در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت
 قوت ظاهر شود جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن شمارند و شمع ششم
 وحدت جنسی است . جمیع من علی الارض مانند جنس واحد شوند و شمع هفتم
 وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند
 و باید گیرم کماله کنند . این امور که ذکر شد جمیعاً قطعی بحصول است
 زیرا قوتی سلوکوتیه مویده ان «

حال ای عزیزان الهی ملاحظه نمایند که چگونه قلم اعلی و کلمات اطهر
 حضرت عبدالبهاء در الواح قدسیه و زبر قیمه مقدسه الهیه تلویحاً و
 تصریحاً اخبار از وقوعات حالیه نموده و تصریح فرموده که این تعصبات
 جاهلیه از یاد یابد و مفاسد قویه شدت نماید و حرکتهای تازه عمومی

برهمنان و انقلاب بنفیراید و غفلت و لاندی درین جمع طبقات
رواج یابد و آفات و بلیات من کل الجهات هیت اجتماعی را احاطه
نماید و عاقبت الامر طغیان این طوفان خستی با انقلابی گردد که شبه آزا
چشم عالم ندیده و در هیچ تاریخی ثبت و مدون نشده .

و این انقلاب عظیم نبضه تمدن الهی است و موسس وحدت
عالم انسانی . تعصبات را از ازل نماید و کافه دول و امم را در سبیط زمین
متوجه و متحد و مروج وحدت اصلیه گرداند . جهانیان را بتائیس
مکمله کبرای الهی دلالت فرماید و رؤسای ارض را برفع لوای صلح
اعظم مطابقاً لما نزل من القلم الاعلی و من مستین آیه الکبری مؤید
و منقخر گرداند . عالم را یکوطن نماید و مصداق اذا تری الارض خسته
الاهی بر کافه انام ظاهر و آشکار فرماید . ملکوت الله را ترویج و
تائیس نماید و بسبیط خیر را آینه ملا اعلی گرداند . کرة آخری
نص صریح و عده الهی را بیا دآرید که می فرسند نماید : مد و مدتی
بر این نهج ایام میرود و اذا تم المیعات یظهر نعبته ما ترعده به
فرائض العالم اذا ترفع الاعلام و تغرد العادل علی الاقنان «

ای عشاق امر مباح و وقت آن است که کمال با پس این عنایات
 عظمی اعزازاً الامرہ المقدس الابی و سریعاً لتحقق کلمۃ الجماعۃ بعین
 متوجہاً الیہ منقطعاً عما سواہ و در بسیل ترویج وحدت اصلتہ و ہدم بنیان
 عمیق تعصبات جنبتہ و سیاستہ و وطنیتہ جانفشانی نمائیم و در
 تولید حسن تفہیم و تعاون و تعاضد بین ملل و اقوام متغایرہ و تحدید
 نطق منازعات آتیہ و تفسیل و تخفیف ثقل عظیم بیات حتمیہ آئندہ
 بہمتی خلل ناپذیر و شجاعت و شہامتی بدیع در انجمن عالم مسعودت گردیم
 و چنان قیامی نمائیم کہ سکان ملأ اعلیٰ ندای و اطوبی برآرند و ہتاشا
 بشری لکم یا ملأ البہائمین و تہنیت نمایند . از زوایع استخوان شدائد
 افتسان خائف و ہراسان نگردیم و از حوادث خطیرہ آتیہ و وقوعات
 ماؤدہ گذرہ مرعوب و مضطرب نشویم . از تحدیدات ملکیہ و شونانات
 آفاقیہ و ظنون و ادومات ناسوتیہ چون برق در گذریم و در وضع قوام
 و دعائم مدنیت جدیدہ بدیعہ الہیہ ہمتی شایان بجا داریم . با احدی
 از جالیسین برو سادہ غرت و منصب مداہنہ نمائیم و با ہیچ دولتی
 سرّاً مرتبط نگردیم . از اقاویل و اباطیل انفس سافلہ لایہ چشم پوشیم

و بنفع عموم پردازیم. از نصوص صریحیه قاطعه آئیه انحراف نودزیم
 در مختصات و مناقشات و مجادلات احزاب ادنی مداخله ای را
 جائز ندانیم. با اغراض شسته نغصیه این پیام الهی را آلوده و ننگین
 نگردانیم و میراث مرغوب لا عدل له را بزخارف این دنیای ذریه
 مبادله ننماییم. از تظاهر و تقیه و تملق برپهیزیم و مجال تسویف اهل
 تدلیس را بر نیچه قدرت و شہامت منقصم سازیم. از مدینه و ہمیہ
 قدم بیرون گذاریم و حجات غلیظہ غفلت را بنا بر محبتش محرق سازیم
 اقالیم شرق و غرب را یک وطن شماریم و ملل و اجناس متباغضہ
 اعضاء و ارکان یک دودمان بنداریم. مبادی سیاست اللہ را
 علی رؤس الاشہاد اعلان و ترویج نماییم و از مداخلہ در سیاست
 رؤسای ارض در کل اقطار احتراز و اجتناب جوئیم. صفوف
 مقلدین و متوہمتین را بقوۃ توکل در ہم شکنیم و جرثوم رقابت و
 خصومت را در انجمن بنی آدم محو و زائل نماییم. مصالح شخصیہ و وطنیہ
 را در بیچ موردی مقدم بر مقتضیات اساسیہ و عدت حقیقیہ
 بشریہ نشمریم و بذریک حب عالم انسانی را در فرغہ قلوب صافیہ

سلیمه بفتیانیم . عزت و زینت ظاهره فانیه را طالب نگردیم و از
 مطامع ارضیه و مآرب شیطانیه ساحت دل را منزه و مقدس گردیم
 فریب اهرمیان را نخوریم در غائب و ایام مستکبرین و مغرضین را
 ترویج نکنیم . ضیاء این امر نفیس را بغبار نفس و هوی تیره ننماییم و
 زمام و مقالید این آئین گرانهارا بنفوس سارقه کاذبه نسپریم . از
 ملامت حسودان و ذم و قبح بخیردان و نابالغان ست و پریشان
 نگردیم و از امتقادات و اسنادات کوتاه نظران اندیشه ننماییم بلکه در
 جمیع موارد یقین بسین بدانیم که آنچه واقع گردد خیر و صلاح امر الله است
 و وسیده تحقق و عود حتمیه مولای بهیما . محمد بسیل است و محمد شریعت
 رب یکتا . چنانچه می فرماید : «لن یظفر فی الارض من شیء الا
 و قد قدر فیہ مقادیر القدر من حکیم علیم و لن یتحرک من ذرۃ الا و قد
 قدر فیها حکمة بالغه و کیف هذا التنباء الا اعظم القویم .»
 و همچنین می فرماید : «ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم
 موجود فی الجمله برضای رضا از جبروت قضا واقع شود و تنگ
 شوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید

و شمارا در جمیع آن ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی
مقرر است البته بجمیع آنها رسیدہ فائز گردید . «

واختم الکلام بانزل من العلم الاعلی فی مقام آخر: «تالله الحق
لو يقوم واحد علی حب البهائم فی ارض الانشاء و یجارب معک
من فی الارض و السماء لیغلبہ اللہ علیہم انهارا القدرتہ و ابرازا
لسلطتہ و من نفتح الیوم شفعاہ لذكر مولاه یؤیدہ جنود
وحی اللہ بالهام بدیع و یجری اللہ عن فمہ کوشرا العرفان و نطقہ
با کلمتہ و البسیان علی شأن من یقدر ان یتکلم بین یدیه احد من
المخائلق اجمعین

رضوان ۱۹ بندہ استانش شوقی

توقیع مبارک

نوروز ۱۰۱ بدیع

اجتہادِ الهی و آثار الرحمن

برادران و خواہرین روحانی در بلدان و ممالک شریفہ
علیہم اطیب التحیۃ و الثناء، ملاحظہ نمایند

الحمد لله אשר دالاً احد الازلی الصمد بحقیقۃ الفانصۃ و الهویۃ الجماعۃ
الغیب لمن یسبح و اکثر انحنی مبداء بفض علقہ الععلل معبث الرسل شرع
الادیان و وحدہ لا شریک لہ فی الملک و لا نظیر لہ فی الابداع کل عباد
لہ و کل ما برہ قائمون و بشیئہ تحسرون و من فضلہ سائلون کل بدوا

منه وكل اليه يرجعون سبحانه سبحانه عما يصفه المسلمون او يذكره الباعون
والتسوية والتسار على اعظم نور سطع ولاح من مطلع الاشراق على الافاق
جمال القدم والاسم الاعظم والرمز المنتم بهم آتاه الافخم الاكرم
حقيقة الحقائق جوهر الجواهر نور الانوار الاسم المكنون والسر المصون
الاصل القديم والتبنا العظيم لمطهر الكلى الالهى مطاف الرسل والموعود
فى الكتب والصحف والمذكور بلسان النبيين والمرسلين رب اجنود مكرم الظهور
باني الهيكل مطهر العلل الجالس على كرسي داود الاب السماوى النفس
واليار ملك الملوك رب الملكوت مالك يوم الدين صاحب العهد
رب الميثاق نير الافاق الظاهر باسم التقيوم الملقب فى الكتاب
المجيد من بطن عيسى الله بقرية الله المنتظر والمنظر الاكبر للبشره مظلوم العالم

ومحي الرمم ورافع بيان يصلح الاعظم بين الامم الذي بظهوره فك التحق
المخوم وامتن الله تحت ايق تنسين والمرسلين وظهرت الطامة الكبرى و
الرادفة العظمى ونفخ في الصور مرة اخرى اذا اشرفت الارض بنورها
وحدثت اخبارها واخرجت افعالها تعالى تعالى عنده وبهاؤه ومجده
وعلاؤه وسلطنته وجبروته وكبرياؤه والحقية والهباء على مبشرة لبيد
قرة عينين تبيين باب الله الاعظم وذكر الله الاكبر الاكرم الاقبح وحجة الله
بين الامم الدرة الاولى والعلية الاعلى والنقطة الاولى الطاهر^ة ثابته
جميع الانبياء وجه الله الذي لا يموت ونوره الذي لا يبوت القائم الموعود المهدي
المستطربح الهداية صاحب الزمان سلطان الرسل الذي بظهوره قامت
القيامة وانت الساعة ونشقت الارض وانفطرت السماء ومرت بحبال

ونصفت الكائنات وامتد القراط ونصب لميزان وسعرت النيران
 ووضعت كل ذات حمل حملها ونفلق فجر الهدى وظهرت البشارة تجرى
 واقرب بزوغ شمس البهائم الساطعة انوارها على اسلايق جمعين والتكبير
 الثناء على انبياء الله وسفراءه هياكل التوحيد وحقائق التجريد لمطالع
 الالهية والمرايا الصافية والكلمات التامة والكينونات المقدسة اليد
 احتارهم الله وحلهم مظاهرة نفسه ومهابط وجهه ومطالع انواره ومسار
 امره وامتناسره ومظاهر صفاته وينابيع حكمته ومكامن الهامه وكناز
 علمه ومخازن بيانه واهلام قدرته وسبح هدايته ومشاغل حبه وحمله امانته
 ومصادر احكامه وبهم اظهر امره وانزل كتابه واستس شرعيته واشت
 برهانه وبلغ رسالته وبشر خلقه بيوم اللقاء يوم الحساب يوم الميعاد

يوم التلاق يوم الله الخفيف يوم يقوم الناس لرب العالمين
 وبصلاة واستلام جلي مركز عهد الله وميثاقه عمن الله الاعظم سر الله الاقوام
 الاكرم وخلق المنشب من حبه القدم امثل الاعلى حضرة من طاف حوله
 الاسما حضرة من اراده الله فتسرة عين البهائم ووديعته بين خلقه وبين
 آياته وكلماته وحصن امره ودرع دينه ومروج شريعته وامين سره وشارح
 اصول نظمه ورافع لواء نصره والمتوج بالكليل العبودية في خدمته امره
 والروح الضياء على اولياء الله واوليائه واصفيائه وانصاريه واولائه
 وشهادته ونقبائه الذين احتارهم النبيون والمرسلون لتنفيذ احكام الله
 وتبين كلماته واستحكام دعائم شريعته ونصرة امره واعلاء شان دينه و
 بسط دعوته واثبات قدرته وحقاق حقه وفتح شرايعه وخصامه

و تسليم التنا على اهل البهار اصحاب الزاوية البيضاء والراكبين في السفينة الحمراء

وعلى اله واوراق دوحته وسروع بدمته وحروفات كتابه واياوى امره

وادلاء صراطه والثابتين على عهدده والمتمسكين بعروته ولايته واملت شهيدين

في سبيله والناشرين لنفحاته والمؤسسين لاركان نظمته البديع وليد شرعيته و

ثمرته شاقه الاعراض الاقدس الممنوع المنعبر به

يا معشر المؤمنين در اين دم که قرن اول انجم کور اعظم جمال قدم که بشهادت مرکز ميثاق

آن محیی رحم آفتاب روشن فترون اولی ویر متور فزون اخروی است در شرف

اختتام است بانگ یا طوبی و یا بشری از اهل ملا اعلیٰ بلند است و صوت پهل

و بخیر و تقدیس و بیح در حول حمم کبریا از اعلیٰ غرفات حبت ابنی متصاعد

تبارک هذا الصخرن الابدع البديع والعصر الدرعی المشعح المبارک لمنع

الذمي مارات شبه عيون الاولين والآخرين

تبارك هذا القرن الابدع البديع الذمي فيه اشياء الله بشيئة الغالبة واراوة
التافدة السدرة الالهية والدوحة الصمدانية في قطب الافاق فتمت وحضرت
واوقرت وازهرت واثمرت وفرغت وامتد ظلها لظليل على العالمين .

تبارك هذا القرن الابدع البديع الذمي في اول ليله منه شق حجاب السر
وعبقت نعمة الله واهتزت ارض الوجود وطوى بساط الاولين وطهرت
الالف القائمة وقامت القيمة وفتح باب الاعظم على وجه الامم وسطع عن
اقن الفارس نور الله العلي الاعلى ورفع القباب عن وجه العلام الابطي العلوي
وبرزت وتجلت النقطة الاولية التي تدور في حولها ارواح المرسلين .

تبارك هذا القرن الابدع البديع الذمي فيه اتى الله في ظلمل من العمام

وقام الروح وخرسج جمال القدم عن خلف الف الف حجاب من النور
كشف عن وجه الغائب وطمسه في ارض العراق رشحا من النور المهيمن
اذا نفع في الصور مرة اخرى واستقر مكلّم الطور على عرش الطور واتي الرب
من ربوات القدس وظهر من طاف حوله نقطة ابيان وغرّ وروح الاعظم
في صدر البهار وكشف برقع استر عن جمال حسين بعد القائم وظهر الالب مجده
العظيم ونزل رب الجنود في ارض الميعاد وارتفعت الصيحة ونادى المناد
من مكان قريب .

تبارك هذا المستر النابغ البديع الذي فيه زلزلت الارض زلزالها
واخرجت اقالها وذهلت كل مرضعة عما ارضعت فتابعت الزواجع
وسفت ايجال وانفطرت السماء وانكثت ارض الوجود واسودت الوجوه

وظهر سر السيليس لرؤس الرئيس وبرزت الفتنة العمياء، الصغار وظهرت الفرقة
 الأكبر ونعم السامع و سقط الصنم الأعظم و نوح الطاغوت و ترزنت
 اركان البحيت و انضعت الطوريون و تبدل النور بالظلمة و ظهرت أيام
 الشداد و تحركت طيور الليل و هبت روائح النقص و اشتدت عواصف
 الامتحان و ميت الأعصمان و اصفرت و انتشرت الاوراق و ضجت
 القبائل و اضطرم نيران الحرب و القتال في الآفاق و ظهر ما
 ارتعدت به فرائص العالم و ارتفع الصبح و العويل و احترقت المدن
 و تابعت صواعق يوم القمه و ظهر انتقام الله الأكبر و هبت
 ارياح كره عقيم .

تبارك هذا المستر ن الأبدع البديع الذي فيه تلالاات انوار اصدق

و اتصفا في وجوه الاولياء و اضطررنا بالحب والولاء في صدور
 الوف من الاصفياء المتسكين بالعبودية النورانية والسالكين في المنهج
 البصير عشاق جمال الابهي و تطلعه الاولى الاعلام الخاتمة والشبه الثابتة
 والتجزم الدرهم والاطواد الباذنة خيرة الخلق وضفوا خصم الذين
 خصصهم الله لهذا الشرف العظيم واجتباهاهم لاثبات حجته بين العالمين
 وتبتم على عهد القويم ورفع بهم رايات امره المبين ونصب بهم اركان
 نظمه البديع والبسم حلل التعديس والتزيين وبلغ بهم رسالاته وارسلهم
 الى مشهد العباد بايات استجذبت منها حقائق التبيين والمركبين
 تبارك هذا العتقن الابدع البديع الذي فيه فك الرقيق المحكوم
 بانامل العتيم وكشف الحجاب عن الحقائق المودودة في كنانة لاصته

وخرجت حريات المعاني من غرفات الكلمات وكنشت الأسرار
وظهرت البشارات وتحقت الوعود والنبوات وانجبت الرموز والآثار^{شاه}
المستورة في بطون الآيات من التوراة والزبور والانجيل والفسحة
وعن ورائهم احاديث سيد المرسلين وائمة الطاهرين وصحف
اولياء الله واخبار امارته ومصادر احكامه من الاولين والآخرين
تبارك هذا العترة الأبدع البديع الذي فيه اقشرت جلود المنكرين
والمعرضين والظالمين من الملوك والسلاطين والخلفاء والامراء والعلماء
والفقهاء والوزراء والسفراء والاعنيار والاعزاء في مشارق الارض
ومغاربها الذين استكبروا على الله في القيمة الاولى ثم في القيمة الاخرى
ثم في عهد مركزه في شاقه الاعز الاثن الأرفع الاسمى واعزوا عنه وجاهدوا

بآياته وكذبوا بسرمانه واقفوا على قتله وتكلموا بستر حرمة وحكموا بغيره
وسجنه وسجن اهله واصحابه واستهزوا برسله وسفرائه وخصبوا حق اوليائه
وحاربوا مع انسانه وحرروا قتله وادلائه واودائه وسفلوا دمار عشاقه
وخدمته امره وشتموا شمل اجائه وعفسلوا عن حجتبه وبنياته وانذاراته
قد خابت آمالهم وحبطت اعمالهم وطوى نسر شهم ومحا الله اناسهم
وبدو شملهم وقطع دابرهم واخذهم بصدرة من عنده وقهر من لدنه و
رجعهم الى مشيهم في قعر الجحيم .

تبارك هذا العترة الابيع البديع الذي فيه طرقت الآيه الكبريه
وسطر الرق المنشور باثر من اعلم الاصلى ونزل الكتاب المكنون الموصوف
بالصيفه الحمراء وتانس البنيان المرصوص في ظل شجرة انيسا عدا

الوثيق وميثاقه الغليظ الذي اخذته الله في ذر البقاء القطاس
الأعظم معنطيس التأييد سفينة النجاة العروة الوثقى اللوار المعهود وبجل
المهدود بين الارض والسماء التي جعله الله مسيرته ان كل شيء وانحصه لهذا
الظهور الظاهر القدرته واشتباها لظلمته واعزاز الشريعة وخطا لكيان
العالم المقدس المهين الاوعرا بخير .

تبارك هذا المستن الأبدع البديع الذي فيه نزل الناموس الأكبر
ورث البحر الأعظم على الأمم ونفع نوح بحسبوان في جسد العالم وجر
سفينة الاحكام ونصب مسيرته ان العدل وترلت اورشليم بجديده من السماء
وصدر الكتاب المقدس الاقدس من يراعه مالك الانام الرق المنشور
واسفرا تديم بصيغة العلياء والمرج الاعلى والتوجه العظمى فترات الرحمة

بين البرية وشكوة الفلاح في ملكوت الأبداع قطاس الهدى بين البرية

وبرهان الرحمن لمن في الارضين والسموات .

تبارك هذا القرن الابدع البديع الذي فيه نصبت دعائم قصره المشيد

ونظمه البديع وليد شريعته السحار الذي بشر بطوره ذكر الله الأكرم و

باب الله الاعظم في كتابه المبارك المجيد وصرح به مؤسسه الفريد في كتابه اللقيس

الاقدم وبين اصوله وشرح منه وعنه عظم الله الاعظم المنصوص من القلم

الاعلى مركزه عند الله وميثاقه في كتابه صيته باثر من قلم المبارك المقدس ^{يضت}

تبارك هذا القرون الابدع البديع الذي فيه تابعت البشارات

العلمي الصادرة من القلم الاعلى والمؤيدة بيرة مركزه الاوفى والناطقة

بقرب تاسيس المدينة الالهيه والسلطنة الازليه وظهور ملكوت الله و

سطوع انوار الصلح والوئام بين الانام ونصب سدق العدل في
قلب الافاق وارتفاع اعلام استقلال الشريعة السماوية وتوشيق عمري الكائنات
والاتفاق والاخوة البشرية والوحدة الاصلية بين العموم من كافة الاجناس
والاديطان والطبقات والاديان وبلوغ العالم الى درجة الكمال بحيث
تبدل الارض غير الارض وتصبح قطعة من الفردوس تنعكس فيها انوار الملائكة
الاعلى اذا ترى الارض حبة الابهي يومئذ ينسرح المومنون

يا يله القدس عليك من التحيات المحلها واهبها يا ومن يصلوا
اطيها وازكها يا فتنة عين الابداع وغرة ايام الله ومطلع عصر الا
الاكرم ومبدأ العترة المباركة الا فخم بجلوك فتح باب الاكتم
على وجه العالم وظهر السر الاكتم وطلع النور الاكتم وامتد الصراط الاكتم

وعبقت روائح الروح على كل الامم بذكرك استفرج الخليل في قلبه و
 استبشر الكليم في ذاته واستجذب الروح بكليته واهتزاز بحبيب طرباً
 في نفسه وفتح وطل اهل طار العالمين من الكربيين والعديسين و
 الملكة المقربين باب انارت الارضون والسموات وفيك بعثت
 الليالي ومنك استضاء الايام وحوك طافت ليله القدر ^{ظهور} بك
 ابسم عن الوجود وشهق طاووس الاصدية في قطب الجنان ودلع
 ديك العرش حول حرم الكبرياء وتموج البحر الاحمر وظهر جمال الورد و
 كشف النقاب عن جمال المعشوق بشأن تحيرت فسدته البنين
 والمرسلين طوبى الف طوبى لمن عرف شأنك وخطرتك
 وشهد انارك واستفاض من فيوضاتك واقترب باسراك واقرب

واعترف بسلطانک و مقامک المتعظم المعتبر المتعالی المشعشع المقدس

الباب الفسید .

ای اهل بهار ملاحظه نمایند چگونه قدرت الهیه مشتق از مستضعفین عباد را که بطایفه

شیخیه مشعبه از فرقه شیعه اثنا عشریه منسوب و در سلاک طلاب محشور و در

انظار جمهور هموطنان از علماء و فقهاء و اودبا و فضلا و مشرعیین و ارباب

مناصب عالیہ بنظر حقارت منظور و افاضتین و محسینین از صراط سید المرسلین

محسوب و در چنگ طغی جاہل و متعصب و متوحش گرفتار و بقره و سخط سلطانی

معدت و از اسباب علیک و زخارف دنیویہ و شوکت و عزت و کثرت

و ثروت ظاهره بی بهره و نصیب مبعوث و مؤید نشود و نصرت و

برکتی عنایت کرد و عزت و سطوتی بخشید که در اندک زمانی متمدن جایا

هجرات عقیقه سلاطین و امرای سلسله قاجاریه و تعرضات شدید ملوک
 و خلفای اسلام و لطامات وارده از علماء و فقههای ملت فسرقان و دسائس
 و مغتربات حزب شیطان و روشهای بیان و تحسیر کلمات و وسوسه ناطقان
 و ناگشایان عهد و پیمان و تزویر و تدلیس مسمومان و بیوفایان و اعتراضات
 و دسائس مشربین ملت روح این فتنه قلیده آوازه اش در سبوح طباق
 گردید و صیت عظمتش جهانگیر گشت اتمی قومی لبسینان ثابت الارکان
 ممتده العسره و در پشتاد اقلیم از اقالیم جهان ایجاب نمود و بتاسیس امنی
 جدید و نظمی بدیع و جامعہ فی مستقل مؤید و موفق گردید در آغاز انتشارش این
 امر بسین از خطه فارس محمد آئین نازنین بممالک مجاوره عراق و هندوستان
 سرایت نمود و در ممالک عثمانیان خمیه و حسره گاه برافراخت در مدینه

کبیره مرکز خلافت عظمی و ارض سررشته ملکوتیش مرتفع شد و زلزله بارگان
 دولت جازه بینداخت سپس در ارض میعاد لانه انبیا و مرسلین مقرو
 ماوی حبت و در مرج عکا طلحه کبری وادی لسنیل مأدبه الله مدینه
 محسنه بقعه مبارکه بیضاء استقرار یافت از جن عظیم ندای مہینش
 گوشزد ملوک و سلاطین گشت و پرچم هدایت کبرایش در برتہ اشام
 و اقیم مصر و قفقاز و ترکستان منصوب گردید سر ابروہ خلقتش در جبل
 کرمل در قرب مقام حضرت ایلیا مرتفع گشت و شریعت خرایش از صیون
 جاری شد صیوہ اش از مکان قریب بلند شد و بسکمل موعود با یادوی قدرت
 حضرت قیوم بنا گشت اندک اندک انوار الہیہ اش در ممالک فرنگ
 سطوع یافت و در قلب امریکہ حمد مدنیت الہیہ جلوه فی حیرت انکیر نمود

و در عواصم قاره اروپا قلوب شیخ و شایب و وسیع و شریف را با برتری
 آورد و قبائل عبیده متباخضه را بوحدهت اصلیه دعوت نمود و در ظل پر
 میثاق مجمع ساخت چین را بمرکت آورد و در اقلیم ژاپان و اقصی جنوب
 قاره افریقا و بلاد شامعه استرالیای و جزائر نایه محیط اعظم نغمه جان پریش
 را بلبوش خاص و عام برسانید در آفاق عنبریه و اقلیم شمالیه و ممالک
 جنوبیه بساطی جدید بگسترانید و قلوب جمعی را از امیر و حقیر نغمه نایس بخش برود
 بر خصم لده و عاقبه الامر غالب گشت و از قیود اسارت و ذلت برمید و صفو
 دشمنان داخل و خارج و قدیم و جدید و دینی و سیاسی را مفسر و متبثت
 ساخت چندی نگذشت عرش مظهر تشریف رسیدش در دامنه کرم کلمی
 استقرار یافت و دو معبد عظیم اشانش در قلب قاره آسیا و امریک

بهمت فدایان بی نظیرش با حسن وجه و اتقن وضع تائیس شد علم
 هدایت کبرایش رفته رفته در شصت مملکت از ممالک مستقله عالم در
 خاور و باختر مرتفع شد و کتب نفیسه و زبر قمیه اش بچهل لغت از لغات
 شرقیه و غنیه ترجمه و طبع و منتشر گشت دشمنان دیرینش از اهل
 سنت و جماعت در تسلیم مصر بحکم روسای شرع حجاب ستر را بدست
 خویش بدریدند و محتاجین مخفیة و اسرار مکنونه شریعت مقدسه الهیة را
 علی رؤس الأشهاد اعلان نمودند و بانفصال و اصالت و استقلال شرع
 مبین خود بنفسه شهادت دادند و حکم صارم قاطع صادر نمودند متعاقب
 این قضیه نظم بدیع جهان آرایش نقاب از رخ براندخت و دعایم
 میشدش بید جامیان دلیرش در نهایت استحکام بر حسب وصایای

محکمہ متقنہ مرکز عہد اخوتش مرتفع و منسوب گردید در خلال این احوال
 مرد و جنین مبادی سامیہ اش در بیض غمرا عبسرمی آہنین و اعطای
 بی نظیر تہشت گشتند و بابعاد ن عالم مہاجرت نمودند و در جہت
 بعیدہ دو محیط اعظم متوکلاً علی اللہ متوطن گشتند قلب ممد و اصفای علیا
 ملکہ معظمہ را بمعنا طیس محبتہ اللہ بر بودند و در اعلی المقامات کس استقلال
 شرح بسیار را بکوفتند و در تشریح و تبیین اصول مذہبیت الہیہ و اقامہ
 شعار دینیہ و تنفیذ احکام الہیہ و اعلان انفصال جامعہ و اثبات صحت
 شریعت سماویہ و تشکیل و تحصیل و تزیید عدد محافل روحانیہ و وضع دسایر
 و قوانین و انظر محکمہ مستینہ و تشیید خطار قدس و معاہدہ دینیہ و توسعہ
 دایرہ مشروعات متنوعہ مفیدہ و تالیف و ترجمہ و طبع کتب و رسائل

تفصیه و تعیین و ابتیاع بقاع مستبرکه و مشاهد مقدسه و اماکن تاریخیه
و تاسیس اوقاف امریه در مدن و قری در ممالک مختلفه چنان
همتی بجاشتند و شہامت و بسالت و تعاون و تعاوض و ثبات
و استقامتی نمودند کہ عاقبہ الامر سراج الہی مشتعل گشت و حبه صغیرہ
خرمنی عظیم تشکیل نمود و حیزب مظلوم بزرگوار شد و فہ مقهورہ تسلیدہ
مبدل بہیت جامعہ و موفق و مفتوحہ بوضع نظمی بدیع و اعلان آئینی
مستقل و تشریح شرعی بین و تاسیس مدنیتی جدید گشت .

تعالیٰ ہذا القوۃ القدسیۃ الدافعۃ الساریۃ فی حقایق الکائنات
تعالیٰ ہذا العتدرۃ الازلیۃ الصمدانیۃ و السلطۃ البارزۃ الالہیۃ
المہیمنۃ علی من فی الارضین و السموات تعالیٰ ہذا الشجرۃ المبارکۃ

المنسبة المرفوعة ثابتة الاصل خليقة الدوحة مشعبة الفروع
 ممتدة الاعضان كثيرة الاثا سرجان من انشاها سبحان من
 غرسها وانبتها وسقاها وحفظها ورفع شأنها ومقاها وجعل ظلمها
 الظليل بلجاً وملاذاً للعالمين .

ای ستایندهگان اسم عظم چه مقدار عظیم است این امر الهی و چه بلند است
 شأن و منزلت این کور امع افخم اکرم اعز مشع صدانی در بیان عظمت
 و اعلیت و قهاریت و جامعیت این امر فخم و علو و سمو این بوم عظیم و
 رفعت و جلال و شرافت این عصر کریم این کلمات دریات از شمار
 رب الآيات البينات نازل قوله تبارک ذکره و حسن بیان و امر و عالم
 بانوار ظهور منور و جمیع اشیا بذكر و شمار و شرح و سرور مشغول در کتب

آلهی از قبل و بعد بیاو این یوم مبارک عیش عظم بر با طوبی از برای نفسی

که فائز شد و بمقام یوم آگاه گشت .

« امروز آفتاب دیگر اشراق نموده و آسمان دیگر ثبوت و سیارات

مزین گشته عالم عالم دیگر است و امر امر دیگر » « امروز یوم الله است و حق

وحده در او ناطق لایذکر فیہ الابهوه امروز سید روزها و سلطان آیامهاست

نوروز امروز است و فی تحتیقه بصر آیام است بلکه بصر عالم بان روشن

عالم زمان بساعتی از ساعاتش معادله نماید « این یوم غیبر آیام است

و این امر غیر امروز یوم یوم الله است و امر امر او طوبی از برای نفسی که از عالم

گذشت و بشرق وحی الهی پیوست « این یوم را مشلی نبوده و نیست

چو که بمشابه بصر است از برای تیره و احصار و بمشابه نور است

از برای خلقت آیام "آفتاب و ماه شبه این یوم را ندیده شکی نبوده و نیست
که آیام مظاهیر حق جل جلاله بحق منسوب و در مقامی به آیام الله مذکور و لکن
این یوم غیر آیام است از ختمیت خاتم مقام این یوم ظاهر و مشهود"
"این ظهور اعظم در جمیع کتب سماوی بذکری فوق الازکار و بامری فوق الامور
و بپوری فوق الانوار مرقوم و مذکور..... این ظهور در جمیع کتب بطراز تخصیص اعظم
مزیّن آرض معرفت را امروز از میان مکرمت انبانی دیگر و ظهوراتی دیگر است
این رحمت مخصوص این آیام است و این کرم لایق این اوقات" ذرة
این یوم مبحث به خورشید مشاهده میگردد و قطره اش مانند دریا اگر نفسی یک
نفس فی حب الله و نخدمته برآرد او از رسید اعمال از قلم اعلی مسطور"
"امروز بانی مقصودت اوسع از سموات و ارض و محاط فضل مقصود عالمیا

متوجه کل عمل بسیار جزئی در مراتب علم الهی کسب از جیل مشاهده میشود
 یک قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مراتب در یادیده میشود
 اگر از عظمت یوم الهی علی ما هو صلیبه ذکر شود البته اکثر نامس منصفی
 شوند بلکه صریحاً مشاهده گردند مقصود از آفرینش ظهور این یوم منع اقدس
 که در کتب و صحف و زبر الهی به یوم الله معروف است بوده برستی
 میگویم احدی از اصل این امر آگاهانه و مفاصل قبل هیچ یک بر
 کیفیت این ظهور تماماً آگاهانه آلا علی قدر معلوم آنچه در این ظهور منع
 اعلی ظاهر شده در هیچ عصری از اعصار ظاهر نشده و نخواهد شد همچون
 محبوب ابنی مالک ارض و سما بلغت فصیحی باین بیان آتم اعلی ما
 قد تخلص فی هذا الظهور مالا ظهرفی ازل الازل قد ظهر ما کان محضراً

في ازل الازال في علم الله عالم الغيب والشهود، قل قد اشرقت الشمس
 باشرقات ما اشرقت بمثلها في اعصار اقبل، قل بشر كل نبي
 بهذا اليوم وناح كل رسول حسب لهذا الطور، ما الله احق تلك ايام
 فيها مسح الله كل البنيين والمرسلين ثم الذين هم كانوا اخلف سرادق
 العصمة وفسطاط العظمة وخباء العترة وكيف هو لآل المشركين .
 " هذا يوم فيه فارت الاذان باصغار ما سمح الكليم في الطور والحبيب في
 المعراج والروح اذ صعد الى الله المهيمن لقتيوم " قل هذا فجر فيه
 ظهر كميونة المكنون وغيب المحزون وفيه اخذ جمال القدم كأس البقاء
 بانامل البهاء وسقى اولاً بنفسه ثم انقصة على اهل ملائ الانشا من كل
 وضع وشريف فباحبذ المن اقبل واخذ وسقى شجبه العسير زايغ

وان ثمره منها نطقت بما نطقت سدرة السينا على بقعه المباركة ايضا
وسمعت منها اذن الكليم ما انقطعه عن الملكات وتتر به الى مقر
قدس مكين فياحبها من جذب الله المقدر العلى العظيم وثمره
اخرى نطقت بما استجذب منه الروح وصعد الى سما عشرين
فياحبها من هذا الروح الذي قد قام لقاء روح الامين بقبيل
من الملكة المقربين وثمره احسرى نطقت بما استجذب منها
قلب محمد رسول الله واستخرج من هذا النداء الاعلى الى سدرة المنتهى
وسمع نداء الله عن وراء سدرة الكبرياء عن سراسمى المعدس اعلى
العظيم فياحبها من هذه السدرة التي ارتفعت باحق لم يتصل في
ظلمتها العالمين هذا هو الذي ارسل من عنده المرسلين وجار من لده

معتسر البستين، ولو يكون مشارق الوجى كلها في هذا الحين الذي فيه
ينطق لسان العظمة ويكسبها، وتوقفت في هذا الامر اقل من ان يسهط عمام
كذلك قضى الامر من لمدى الحق عظام عسيوب... تالله انه لا يقاس
بما اتى ويأتي شهيد بذلك عباد معتبرون، تالله قد اتى من كان
في افسدة الانبياء، مسطوراً من العلم الاعلى في كتب الله رب العالمين.
قل هذا هو الذي لولاه ما ارسل رسول وما نزل كتاب شهيد بذلك
كل الاشياء، هذا هو الذي قد اخذ نقطة البيان عمده في ذر البيان
ومحمد رسول الله في ذر المنقار والروح في ذر النجيل والكليم في ذر التوتية
والنخيل في ذر الامران انتم من العالمين، وظهر منه حجة على ثم برهان
محمد ثم دليل الروح ثم ما اتى به الكليم ومن وراء ذلك قد ظهر سلطان ما

شهدت عين الأبداع شبهه ولا يحون مئنة ألمت تبين مولاه ما شغلت

النار في سدة السينار على بقعة الطور لموسى لكليم وما جعل النار نوراً

لا سمنا نخيل وما ثبت امر الله بين خلقه وما اشرقت عن افق القدس

شمس البقار باسم ربكم لعلى الاعلى "هذا العلام الذي في حبه شفقت

ومارا بنسبين والمرلين" قل بالله قد رقم قلم القدس من حين ايلك

على حبسني البيضاء بخط ابهي ان ياطا الارض والسما ان هذا هو

المجوب الذي ما شهدت عين الأبداع مثله ولا عين الاصرع شبهه

وانه هو الذي قرنت بجماله عين الله الملك العزيز الخيل وقد خلق

في شاطي هذا الحبر سيدار ما احاط احد اولها واخسر با وفيه ارتفع

نداء الله عن كل الاضطار وما مر عليه من نبي ولا من رسول الا وقد اخذته

نجات الله في هذا الواد واذا وصلوا الى قبته الابهي التي خلقت
من نور الذات في وسط هذا الواد حسروا بوجوههم على التراب
خضعاً لهذا الجلال الذي ظهر باحتمى في هذا القميص الذي يجدن ^{المخلصون}
منه راحة الرحمن وكذلك كان الامر مقضياً هذا الظهور لطيفه نفسه
في كل خمس مائة الف سنة مرة واحدة كذلك كشفوا القناع ورفنا
الاحجاب قل ان معبراج محمد قد عرج سبعين الف سنة الى ان بلغ ^{الى}
قار هذا الباب قل ان روح القدس قد خلق بحرف مما نزل من
هذا الروح الاعظم ان كنتم تفقهون لعسر الله لما نزلت الآيات
من سائر المشية سجدة النقطة الاولى وقال آمنت بك يا مالك ^{الوجه}
هذا يوم لو ادره محمد رسول الله تعالى قد عرفناك يا مقصود المسلمين

ولو ادر که انجیل لضع وجهه علی التراب خضعا لله ربک و یقول قد اطمأن
 قلبی بآله من فی ملکوت السموات والأرضین و اشهد تنی ملکوت
 امرک و جبروت اقدارک و اشهد بظهورک اطمانت افئدة این لمقلین
 ولو ادر که الکلیم لبقول لک الحمد بما اریتنی جمالك و جعلتنی من الراریة
 "ان الحیب یادی قداتی المحبوب سلطان مسین و الروح یادی امام
 قد ظفیر ما هو المکنون فی سما مشیه بکم بعلم نخبیر و ابن عمران
 یقول تالله ہذا برکم الرحمن قداتی با مر لا یقوم معہ من فی السموات و الارضین
 و انجیل یقول قداتی انجیل ان اسرعو الیہ بالقلوب و لا تتبعوا کل
 متوہم مریب قد ظہر سید الایام و فیہ استقر مالک الانام علی
 عرش اسمہ العظیم قد اخذ ہتزاز القارطور استیاء و ارتفع نداؤہ الی
 حلق

في ذكر ربه الأبهى ويقول أي رب اجد عرف قميصك كأنك تعرفت
 بالأشمار وشرفت بقدمك تلك الديار طوبى لشعبك لو يعرفوا
 ويحدون عرفك فويل للراقدين قبل قد أتى إيليا وظاف العرش
 في البكور والأصاال "قد تحركت بيت لحم من نسمة الله نسمع بها
 تقول يا ربّي الكريم أين استقر مجدك العظيم قد احتسني نجات صلبك
 بعد الذمى اذا بنى هجرك لك الحمد بما كشفت السجّات وحبت
 مع القوات بجلال مبين "قد اتصل نهر الاردن بالبحر الا عظم و
 الابن في الواد المقدس نيا دمي لبيك اللهم لبيك والطور يطوف
 حول البيت والشجر نيا دمي قد اتى المقصود بمجده المنسبح . هذا يوم فيه
 فازا بكليم بانوار اهدى ديم وشرب زلال الوصال من هذا القدر

الذی بہ سحرت البحر قل تائده الحق ان الطور يطوف حول مطلع بطور
والروح یادی من الملكوت بلتموا و تعالوا یا ابناء العرور هذا
یوم فیه سرع کوم الله شوقاً للقاءه وصاح الصهیون قداتی الوحد و طهر
هو المکتوب فی الواح الله المتعالی العزیز المحبوب «قد تبرک کوم
من نسمة الوصال انه ستمی بکرم یادی قداتی بانی ایسکل مطهر العسل
طوبی للعائین قد احذ الالهتزاز ارض الحجاز و حرکتها نسمة الوصال
تقول یاربی المتعال لک الحمد بما احتسنتی نفحات و صلات بعد الذمی
اما تنی سحرک طوبی لمن اقبل الیک و ویل للمعرضین قد احذ
الهتزاز الوصال شطر الجنوب و الشمال نسمع نداء البطحاء تقول لک الحمد
یاربئی الایبھی بما تصوع عرف قمص و صلات فی تلك الیدار من

جبهه آخرى ارتفع النداء من المسجد الأقصى يقول لك الحمد بما
 نصحتنا
 نفحات قربك بعد اذ امانى بهجرتك يا محبوب من فى الارضين و
 السموات " در كتاب مبارك فتبسم الاسماء ورفار بقار طلعت اعلى در بيان
 اعطاه وعظمت واهبت ظهور جمال اقدس اهبى در قيامت اخرى باين نغمه جان
 اقرا
 مترنم : يا فترة العين لا تجل يدك بسوطه على الامر لان الناس
 فى سكران من السر وان لك الحرة بعد هذه الدوره باحق الاكبر
 هناك فاطم من السر سر اعلى قدر سم الابره فى الطور الاكبر
 ليموتن الطوريون فى السينا عند مطلع رشح من ذلك النور المهين
 الحمرار باذن الله الحكيم وهو الله وقد كان عليك بالحق على الحق خطيا
 در مقام مناجات اين كلمات عايات انسان آن عاشق وداوده خطا بالحبوبه

الابهی نازل "یا سید الاکبر ما اناب شیء الا وقد اقامتني قدرتك
 علی الامر ما اکتلت الا علیک وما اعصمت فی امر الا الیک وانت
 الکافی بالحق والله من ورائک المحیط وکفی بالله علی الحق بالحق القوی
 نصیر ایا بقیت الله قد ذیت بحلی لک وضیت السب فی سبک
 وما تمیت الا اتقل فی محبتک وکفی بالله معصاوت دیا وکفی بالله
 شاهدا و وکیلا سبحانک اللهم یا الهی ما اصغر ذکرى وما ینب
 الی الا اذا ارید ان انب الیک فلتقبلنی وما ینب الی الفضلک
 انک انت خیر الفاضلین" همچنین در ذکر مقامات رفیعہ و مراتب
 شامحہ جلیلہ پروردان جمال اہی و متمسکین بعبودہ و تقای آن جوہر وجود و منظر
 معبود در اول و اعظم و اکبر کتب خود این شہادت علیہ از کلام گہر بارش

ولقد خلق الله في حول ذلك الباب بحوراً من بار الأكسير محسراً
 بالدهن الوجود حياً وناثراً بالثمرة المقصود و قدر الله له سفناً من باقوتة
 الرطوبة المحسرة ولا يركب فيها إلا اهل البهار باذن الله تعالى هو الله
 قد كان عزيزاً وحكيماً و سچین می نماید و قد كتبت جوهره في ذكره
 و هو انه لا يتشار باشارتي ولا بما نزل في البيان و ايضا سچین می نماید
 نطفه فهو بعد اقوى از جميع اهل بيان بوده و خواهد بود در این معتم مویداً
 لما صدر من فمه الدرر الطاهر المنع این کلمات با برات از قلم اعلی
 نازل اگر الیوم کل من السموات و الارض حروفات بیانیة شوند که بصد
 رتبه از حروفات فسرفانیة اعظم و اکبرند و اقل من آن در این امر توقف
 از معرضین عند الله محسوبند و از احرف نفی منسوب و سچین می نماید

اگر نقطه بیان روح ما سوا از فنداده این آیام حاضر بود امام و چه تجسیر مشمول
 میشد در کتاب مبارک ایقان نسیه در این مقام نازل "آن سلطان بیویه
 قادر است بر اینکه جمیع بیان و خلق آن را بحسب فی از بدایع کلمات خود قفس روح
 فرماید و یا بحسب فی جمع راحیات بدیعه قدمیه بخشد و از تفسیر نفس و هوای
 محسوس و معشوش نماید" و همچنین از سلم معجز شمیم مرکز عهد جمال قدم خصن الله اعظم
 دست الاقوم این کلمات عالیات صادر حضرت اعلی روحی له الفداء
 میفرماید: لو ارادت نملته ان تفسر است آن من ذکر باطنه و باطن
 باطنه لتقدر لان سر الصمدانیة قد تلجج فی حقیقه الکائنات چون
 موضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظل فیوضات
 جمال مبارک روحی لاحق به الفداء چه عون و عنایت حاصل گردد و چه نماید

و الهام متصل شود در مقامی دیگر از کلماتک میثاق مطابقاً لما نزل من ام^{صل}
 و مویده الما جری من یراعه النقطه الاولى این کلمات تا مات و اشارت علیا
 صادر: دسترها بگذرد و در برها بر آید و هنر از ان اعصار منقضی شود تا
 شمس حقیقت در برج اسد و خانه حمل طلوع و سطوع نماید... او لیا پیشینان
 چون تصور و تخطی عصر جمال مبارک مینمودند مضعق میشدند و آرزوی دقیقه
 میکردند و همچنین میفرمودند جمیع اولیا در اعصار و قسرون ماضیه گریان
 و سوزان آرزوی آنی از ایام الله را مینمودند و در این حسرت از این عالم فانی
 بجهان باقی شتافتند جمیع ادله و بر این معقوله و منقوله مرجح و مرکزش
 جمال مبارک و حضرت اعلی بود و منتهی شد دیگر من بعد استظاری جائز
 مگر بعد از پانصد هزار سال... و اما المظاہر المقدسه التي تاتی

من بعد فی ظل من الغمام من حیث الاستفاضة هم فی ظل جمال
 القدم
 و من حیث الافاضة تفعل ما یثابیر این ظهور عظم مثلش آفتاب
 است و ظورات ساره در الوار سابقه و لاحقہ نجوم و اقمار مگر بعد ادبار
 و احتجاب که اقل از پانصد هنر ارسال نموده و نباشد "و اگر در این کورید
 و دور جدید بصیر جدید ملاحظه نمائی مشاهده معینر مائی که جهان در این تحسلی
 جمال قدم از مطلع اعظم بحسب خلق جدید فائز گردیده و حقیقت وجود جمیع کمالات
 غیب و شهود مزین گردیده و انوار تقدیس از افق توحید بر مطالع تحسیرید
 گشت و غمام تبیح با مطار تجید با مرشمس حقیقت از برج اسد لامع شد
 و باشد حسرت در اشرف نقطه ظاهر حال بحسب ظاهر آنچه انار باشد
 این طلوع الهی بنامه در خیر شهود مشهود نه اما در حقیقت وجود تحقق یافته و

بمقتضای استعداد این عباد ظاهر و عیان گردید و یا حزب الله فی المدین
 و الدیار در این اوان که ختاسم او تین قرن ساطع الانوار عصر جهان را سی
 جمال کبریاست محبوب است که نظری بحدوث حیرت انگیز این قرن
 عظیم از حسین طلوع فجر بدهی از افاق آن اقلیم پر استلالی یونانها
 اندازیم و در تصرفات عجیبه این امر جلیل نقش نمایم و وقایع جسمیه انقلابات
 باطله و انتصارات باهسته و تاسیسات بدیعه و مشروعات بهیه اش
 را بسازیم و از آنچه واقع گشته و در اثر بروز و ظهور این قوه قدسیه در عرصه
 شود تحقق یافته عبرت گیریم که چگونه انقلابات و امتحانات و بلاایا
 و زاریا و زجر و حرق و طرد و نهب و ضرب و شتم و اسرو غنی و حبس و
 قتل بیچایک مانع از پیشرفت این امر نازنین نگشت و ستوری در حمت

پروان و مدایش در اقطار مختلفه عالم احداث نمود و علت اعتدال و اعتدال
 در نظم بدعش و اشتقاق و انتقام و تفسیر و انشعاب در صنف جنود
 مجذبه اش سرزید بلکه اگر بنظر دستیق ملاحظه شود معلوم و واضح گردد که
 انقلاب و تابع مصائب و نواب و شداید و متاعب و محن و مصائب
 محمد نفوذ ذاتیه اش گشت و بر قوه و افه ساریه اش بینند و در از بهوب
 عواصف و بلا یا داشته اند از رواج امتحان و اقتنان یو ما فیو ما ساحتش و
 و عمودش در تضر و اساسش محکم و جلوه اش شدید تر و سرایش سریرت
 و سطوت و خلبه اش ظاهر تر و ثابت تر گردید هر طهرنی که از دست
 ستمکار بر جامعه پیروان امر پروردگار در خارج دارد گردید علت بروز شیخ
 و طهرنی جدید شد و هر نفلانی که تدبیر و تدلیس خائن تبه کار در داخل ایجاد نمود

مورث حدوث نصرتی عظیم و ظهور جسلوه فی بدیع گشت

طلوع فجر هدایت از افق تسلیم فارس و بعثت قائم موعود در مدینه مطبیه

مسطبه منوره شیراز و فتح باب اعظم بروج اهل عالم در آن سیده مبارکه و

اظهار امر اعز از پنجم در بیت کرم به اول من آمن و صد در آیات مهینه بهیجه

کتاب مستطاب تسیوم اسما خطاباً للملوك و انباء الملوك و نور بر اعظم

و بعموم مل و طوائف در مشرق و مغرب عالم تعیین حروفات بیانیه

که بفرموده جمال قدم بصد هزار مرتبه از حروفات فرقانیه اعظم و اکبر بند

و نزول توفیق منسبح خطاب به شاه ایران و سلطان عثمانیان و علمبرداران رسول

بارض طامع سر سلطنت و طوائف بیت الله و ابلاغ امر الله شریف علیه

و ارتفاع نداء در اقلیم حجاز و قیام حروف حق به تبشیر و اعلان امر بدیع

در بلاد ایران و اقالیم مجاوره زلزله بارکان دولت و ملت بیداحت و
علمای رسوم را بکرت آورد و ناره فساد و بغض و عداوت را مشتعل نمود
و منجر بوقف نفس مطهر ظهور و احضار در دار الحکومه و ضرب و توبیخ و تحقیر
و توهین در محضر حاکم ظالم حسین شعی و جمعی کثیر از علماء و فقهای بلد و حبه و
عقوبت اتباع حضرت و صد و حکم وزیر بی تدبیر بقبیل و سخن منظر مظلومیت
کبری در جمال آذربایجان و بس در قلعه مالو گردید این اسارت و مجبومیت
در مدت سه سال در دو قلعه مالو و چهریق و انفضال از اصحاب و اجماب
تجرباش صدر کتاب بیان و تشریح احکام و نزول آیات بیانات کافیه
الهاطل و تائیس میثاق رب اعلی و بشارت بقرب ظهور من بظیر الله
و کشف نقاب و کسر حدود و نفع صور در ارض بدشت بقیادت جمال الهی

و معاضدت نقطه جذبه ظاهره مطهره و بهت و شہامت جمعی از اصحاب
 و اعلان قانینت بی پرده و حجاب در عاصم ایالت آذربایجان در مجلس
 حکومت در محضر و معیبد و علمای شیخیه و فقہا و مجتہدین عظام بواسطہ نفس
 منظر فلور گشت این ظفر عظیم و اعلان خطیر علت فوران نارعداوت و حسد
 جمال گردید و رعب و خوف را در قلوب حکام و رؤسا میزداخت و
 دولت و ملت را در قلع و قمع حزب مظلوم متحد و متفق نمود ندای
 و اشاعت و واہدہا از منابر بلند شد و قہ قلبیدہ در خنک گرگان
 خونخوار بیفتاد دشمنان از بر بہت دست تجاوز گشودند و بفتک
 دما بریہ و نہب اموال و اسر سار و اطفال بہت بگاشتند در حادثہ
 مولمہ مازندران در مدت یازدہ ماہ و سپس در دو واقعہ ماہیہ نیز در بجان

و فاجحه شهادت شد ای سبعه در مدینه طهران جمعی از فحول رجال و انصاف
 و رؤسا و حروفات بیان علقم بلار ابحشیدند و در دام اشقیاء بقیا و نند
 بانواع بلا یا و زاریا مستدا گشتند و جام شهادت کسبری نوشیدند جوهر تقدیس
 و سازج تنزیه طلعت قدوس اسم الله الاخر که بقلب نقطه اخروی در
 آیه مبارکه کل الطعام ارفتم مالک انام ملقب و بشهادت منزل بیان
 بعد و هشت واحد از مرآت الله بر مقعد خود بوده و ارشادت نامحبت او
 کسی قدرت بر قرب بهم رسانده و در تفسیر صا و صمد پانصد بنابر
 از قلم معجز شمش صا و صمد مظهر چنین نفس مقدسی را اثر از تحریک اشقیاء
 سعید العلماء در مدینه با فروش قطعه قطعه نمودند و در آتش بنیداختند شخص
 شخیص و حید اکبر که سی هزار حدیث از برداشت و در کتاب ایتقان بوحید

عصر و نرسید زمان خود موصوف عامه را از سر برداشته بگردن انداختند
 و با انواع بلا یا معتب نمودند و جسد مبارکش را بار سیان با بسبب بسته در میدان
 نیز چونان داوند و در کوه و بازار نیش اندیدند و سنگبارانش نمودند چو
 صدق و صفا و رافع رایت سودا و آیت استقامت و شہامت انجم
 الساطع و البدر اللامع حضرت اول من آمن که بقلب مرآت او تیره مقلب
 و بشہادت تسلیم اعلیٰ لولاه ما استوی اسمہ علی عرش رحمانیتہ و ما استقر
 علی کرسی صدائیتہ معشور و تربت مبارکش را طلعت اعلیٰ پنج میل در پنج میل
 شفای ہر مریض و تقسیم نرسر مودہ چنین نفس نفسی در مقابلہ ما نذران ہدف
 تیر سردار خدا گشت حضرت محبت کہ از قلم میثاق سخن شاخص و صاحب
 قول نافذ و عالم خیر و دتجر شہیر موصوف در حادثہ زنجان بحال مظلومیت

شربت شادت را بنوشید جسد منورش را بحکم حاکم تریدیس و تلبیس ازین
 بیرون آورده و در میان بگردان انداختند در کوچه و بازار گردانیدند و سه شبانه
 در میدان مدینه بنیداختند در خلال این وقوعات هائله و مصیبات وارده بر
 اصحاب اولیه فاجعه عظمی در تبریز پلانگیز رخ نمود و مصیبتی اشد و اعظم
 برفقه مظلومه وارد گشت امر بر مردم آتابک سفاک و بی باک بر قتل و آدم
 شایع اعظم و هراس و دم مظهر آن سید امم صادر شد بهیكل الطف اغرا علی
 را در هوا او نچیند و صدر مقدس را برصاص اولو البغض مشاکت ساختند و
 اعضای آن جسد سیرا شرحه شرحه نمودند و در کمال تحقیر و توہین بکنار خندق
 در خارج آن مدینه بنیداختند و در همان سنه بشهادت کلاب میثاق میش
 از چهار هزار نفر کشته و جم غفیری اطفال و نسای بی کس و پرستاریشان

و سرشته پامال شده تلف گشتند سپس در آنچه کسب می در ارض طار در ارض حاد
 رمی شاه بر پا گشت و در سخن از عظم پس از انول نجم درمی افق هدایت کبری از
 افق عالم برخاست آتش غضب شاهانه مشتعل گشت و صرصر امتحان با علی
 درجه شدت بوزید خوفا و وضو در اطراف و اکناف آن صقع حلیل شدت
 یافت و شور و آشوبی جدید در عاصمه مملکت و اکثر ولایات احدث گشت
 صدامی عظام ناله آغاز نمودند و روسا و حکام بالاتفاق بر استئصال شجره ای
 و اضمحلال اصحاب باقیه و روسای محدوده است مقهوره مکریمت بستند و فرمان
 سلطانی بحکام و قلعین در قلع و قمع طایفه بایته عهد و ریافت و حکام ولایات
 و روسای ملت در نهب اموال و هتک ناموس و قتل نفوس و تعرض بر
 سار و اطفال گوی سفت را از یکدیگر بر بودند و در قدزیه طایفه بطیبه مطهره که

بفرموده مرکز میثاق جمال اہبی در تقریر آفت دوران بود و در احتجاج فتنہ
 جهان و در سلاک حروفات بیانیہ محشور و سہ حلقہ سار دورہ بیان محبوب
 و در ارض بدشت بصرتی محیر العقول مشخو در مدینہ طہران پس از توقیف و محبوبت
 در چنگ سپاہ خونخوار گرفتار گشت و جان دریل جانان باخت سید عزیز
 کاتب وحی و انیس و حلیم باب اعظم در حلیمین شامخین در همان ایام طعمہ شمشیر گشت و
 کاتب دیگر کہ رکن عظیم امر مبین و محل وثوق و اعتماد آن سید ابرار بود نیز بر تہ
 شہادت کبری در این فتنہ عظمی فائز شد در این اثناء یگانہ ناصر امر و تاج و
 مقتدای حقیقی اصحاب و احباب و روح اعظم امر حضرت رب الا یاب جمال
 اقدس اہبی بعتہ ہدف سهام عموم شد و در تحت توقیف درآمد بدستور
 امیر سفاک و امیر شاہ غضبناک آن وجود نازنین و یگانہ ملجاء و ملاذ منین

و عظیم حقیقی پروان امر رب العالمین را از یادوران در قلب ال‌استدین
 حافی الاقدام مکشوف الرأس در تحت سلاسل و اخلال بانبار طهران
 حرکت دادند و چند مرتبه در راه ان‌شیران تا طهران بر می‌اجار و قدح ذم
 از لسان اشعار مبتلا نمودند و در سیاه چال جمال ذواجلال را مدت چهار
 محوس نمودند و در تخیر قراکهر برگردن مقدس نهادند و با مجرمین و عاصین
 و یاعین محشور نمودند در این مقام مظلوم عالم در ساله ابن ذنب سفید
 شهادت داده و این کلمات دریات را از قلم اعلاش صادر فرموده
 قوله عربیانه و عظم کبریاوه در آن آیام امور منقلب و نار غضب مشتعل
 جمعی را اخذ نمودند از جمله این مظلوم را ... از یادوران ... سر برهنه و پایی
 برهنه پیاده با بنجر مسجن طهران بردند چه که یک ظالمی سواره همراه کلاه

از سر برداشت و سبعت تمام با جمعی از غیر خصمان و فرآشان مارا بردند و
چهار شهر در مقامی که شبیه و مثل نداشت مقرر معین نمودند اما سخن که محل مظلوم
و مظلومان بوده فی الحقیقه دخمه تنگ و تار یک از آن فضل بوده و چون
دارد حبس شدیم بعد از ورود مارا داخل دالانی ظلمانی نمودند از آنجا از سه پله سترایشه
گذشتیم و بمصیبت نیکه معین نموده بودند رسیدیم اما محل تار یک و معاشره و رتب
صد و پنجاه نفس از سارقین اموال و قاتلین نفوس و قاطعین طرق بوده صح
این جمعیت محل منفذ نداشت حسنه طریق که دارد شدیم اقلام از و صفتش حاج
در رواج منتهی اش خارج از بیان و آن جمیع کتبی بی بی باس و فرآش
الله یعلم ماورد علینا فی ذاک المقام الا اننا لا نعلم و همچنین معین نماید
چهار شهر در مقدمه حضرت سلطان بعد از بی معذب که ذکر و شرح آن از سلم

و مداد بر نیاید و لسان از ذکرش عاجز و قاصر است و در مناجاتی نیز این
 کلمات عالیات در وصف مصیبات وارده نازل ^{شکو} لم ادر من ایتی بلائی
 الیک استو یا الهی عن سجنی فی اشد معلومات او عماد و رد علی قینه
 من سلال الذی کسرت عقی من ثقلها او حدید الذی کان علی ربی حامیاً
 اکتبت ایدی الا شقیار... او او ذکر یا الهی حسین الذی اخذونی و اذهبونی من
 قریه الی مدینه و کان رأسی عریاناً و رجلی متخافاً و عقی معلولاً و یدیک
 مشدوداً ثم اجمعوا علی العباد و منهم عرفونی و منهم الذین ما عرفونی و
 الذین هم عرفونی فمنهم کانوا قانمون و تحسیرون فی امری فمنهم کانوا ان
 یستونی و الذین ما عرفونی رموا کلهم نحوی ما تیسر لهم من بحر و خشب
 کانهم ما شربوا خمر الانصاف و ما شتموا ارواح الاسلاف فوجابت

القديمة و انوار و جهاب البديعه و رد و اعلیٰ ما استیحیٰ ان اذکره بین یدیک
 و اعلم ان محرک علیہ و المداد لن یجری بہ و اللوح لن یحل و النفس لن
 یطیق و در ساجاتی دیگر این کلمات از محسنن قلم اعلیٰ صادر گردنی را که در میان
 پرند و پرنیان تربیت فرمودی آن خرد غلهای محکم بستی و بدنی را که بیاسیر
 و دیار است بخشیدی عاقبت بر ذلت حبس مقرر داشتی قلده تنی قضا و ک
 قلاید لا تحدد و طوق تنی اطواقا لا تغتک .

در این هنگام در حسنی که فحول اصحاب حضرت نقطه اولی مقبول و پیروان ایشان
 اکثر منحنی و مشتت و مرعوب و نجم درمی هدایت الهی خارب و جمال اهی
 بمخاطرات عظیمه محاط و تحت سیاست شدید و واقع و در اعماق آن مقام
 اتن بسجون و مخلول لغت صاعقه غیرت الهی درخشید و مستغاث العیالین

فریاد و استغاثه متضرین اہل بیان را اجابت نمود در سر سفر مودہ مکمل
 موعود نفوس مقدّسہ مطہرہ زکّیہ تکمیل گشتند و میقات اہل بیان منقصد شد
 دورہ اولامی متن اول عصر عظیم منتهی گشت و سرسند تسبیح آشکار شد
 روح عظیم بر قلب الطف ارق اصغامی عمر و سلطان قدم تجلی نمود و چون
 بمقام حسن التعمیم رسید و ہمدہ فقبارک اللہ احسن الخالقین و احسن
 الابدین در اعلیٰ عرفات جنت علیا مرتفع گشت مصداق و آن یکم بعد
 حین امر استعملون تحقیق یافت و فرق قائم و تسبیوم و عظیم و عظیم واضح
 و معلوم گردید و مقصود بیان طلعت اعلیٰ انشی انما حی فی الاقی الابھی
 خطاب بآول من اعرض عن اللہ ظالمہ و پدیدار گشت انوار صبح ہدایت
 مرہ احسنی بر افاق عالم پر تو انداخت و عہد اغزا فخم اقدس مجال قدم

و اسم عظم نقاب از رخ بر انداخت و بشارت در موزات و ولادت
 کتاب مجید آشکار شد و وعده صریح نقطه اولی و فی سنده التبع کل خیر کون
 تحقق یافت قلم اصلی در رساله مذکور در اثبات این امر و مقیات آن بیان
 بیان اصلی ناطق قوله غر غر انزه در شبی از شبها در عالم رویا از جمیع
 جهات این کلمه صلیب اصفا شد انا تنصرک بک و قبلک لا تحزن
 عما ورد علیک و لا تخف انک من الامین سوف یبعث الله کنوز
 الارض و هم رجال یصفونک بک و باسماک الذی به احیی الله
 افئدة العارفين و نیز میفاید قوله جل کبیر یاوه در آیام توقف
 سخن ارض طار اگر چه نوم از رحمت سلاسل و رواج منسته قلیل بود و لکن بعضی از
 اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت اعلامی رأس چیزی بر صد

میریخت بشابه رودخانه عظیمی که از قلعه جبل باونخ رسیعی برابر ضلع بریزد و بان
 جهت از جمیع اعضا، آثار نارطافه و در آن صحن لسان قرانت مینمود آنچه را
 که بر اصفا، آن احدی قادر نه بطول کنی نشید که زو بعد احسنی شمس طالع از
 افق ابهی راد پس ابرهای تیره و تاریک متواری نمود و در سنین معدوده از
 فیض و اشراق بار داشت پس از خروج جمال قدم از آن صحن مظلم فرمان
 رئیس الظالمین با خبر ارج آن محیی رحم از خاک ایران و هجرت و غربت
 آن جمال مبین صادر گشت پس از یکماه مهلت در اواسط رنستان با
 جمعی از عیال و اطفال پس از نوب املاک و اموال مظلومیت عظمی بعبراق
 عرب مشوجه و حزن مظلوم بی ناصر و معین در چنگ ظالمان مسترک و
 گرفتار در مناجاتی که در آن ایام از قلم سلطان ظهور صفا در این کلمات

حزن انگیز و وصف بلا یابی وارده و مصائب متواتره نازل قوله تبارک و تکره
 عاقبت حکم قضا نازل شد و امر امضا بجنس خروج این بنده از ایران در رسید
 با جمعی از عباد ضعیف و اطفال صغیر در این هنگام که از شدت برد
 امکان تکلم ندارد و اکثر تیغ و برف قدرت بر حرکت نیست بعضی از
 اطفال از مفارقت احباب آیات فسراق قرائت مینمایند و برخی بعلت
 یأس از وطن و دیار کتمل اسلیم ناله میکنند و در میانان حسرت سرگردان میگرددیم
 و در صحراهای حسرت رجای تو را میطلبیم که شاید نسیم رحمت تو آید و احسان
 قدیم تو در رسد .

در خلال این احوال انقلاب داخله منضم بطلمات خارج گردید و باعث
 ضیبت و هجرت جمال اهبی و حیدر افرید ابعبال کردستان در مدت دو سال

گشت علامات اولیه محاربه با اصل شجره الهیه مدبرجا آشکار شد و ایام
تشابهات در هر گوشه و کنار مرتفع گردید و رانحه حسدی بوزید که بشهادت قلم
اصلی از اول بنامی وجود عالم تا حال خن خن و حسد و بغضانی ظاهر نشده
نخواهد شد اعلام نفاق مرتفع گشت و اخلاق حزب بانی بدرجه بی مدنی نمود
که اغیار جورگشتند و مدعیان محبت ذیل امر الله را باعمال نالایقه ملوث
نمودند بغیر موده جمال ابهی بر نفسی محلی بست و بهوای خود خیالی نمود
بشهادت مرکز عهد و میثاق بیت و پنج نفر از اصحاب و احباب جورانه
در عراق عرب و ایران علم استقلال برافراشتند و ادعای مقام من بظهور
نمودند . شخص موهوم که خود را جالس بر مسند امر نقطه بیان مینداشت
در این طوفان جدید مضطرب و هراسان و سنسزوی و مخنی از انظار و باغوا

و اتفاق سید نسیم صفهانی که اورا شهید اعظم نامیده در بغداد و کربلا اعمال
 شنیعه قبیحی را حاصل که تمام از نفسش عاجز نفسی که خود را وصی نقطه اولی
 میدانست و بلب مرتب از تیره مفتخر زپده صحت علی اعلی را بدرید و آن نجات
 اعظم را در ضیبت جمال قدم مرتکب گشت ابن عم حضرت را شهید نمود و خادم
 را بتمهیدات شیطانی بطهران اعزام نمود و قتل ملک ایران مقصوم گردانید
 و حکم رقت نفسی داد که نقطه اولی مخزن امانت حق و کلمن بسالی علم الهی و
 حرف ثالث مؤمن به من لطیفه الهه فرموده و علم کلنون محزون بابا
 تعلیم نموده ناحب الهی در سنین اولیه اقامت جمال قدم در عراق عرب
 در نتیجه این فضیاح و اعمال و هجرت و ضیبت آن منظر حلال بکلی محمود و امراته
 مجبور و دشمنان مسلط و اصحاب در اشد اضطراب و در نهایت ذلت و

مسکت و مورد طعن و شتم و دشمنان و بیگانگان. جمال قدم در لوح مریم
 در بیان حال اصحاب پس از رجوع بدار اسلام خود شهادت داده قوله بسیار
 ذکرة: نفسی چند مشا بده شد بی روح و پشمرده بلکه معقود و مرده حسرتی از امر آتیه
 مذکور نبود و قلبی مشو نه در ایران بشهادت نبیل اعظم که در آن ایام در آن دیار سیاه
 بود سراج امر خاموش و ارباب دواعی در جوش و خروش و نظم امر الهی
 پریشان و مجتنب و مخلصین سرگردان و نالان و در دیده قرزین مومنین بچاره
 منقسم و از صراط بیان منحرف در کتاب ایقان این بیان جانگداز در وصف
 بلا یای و آورده و حسرت آن شدید بقلم اعلی ثبوت: این عجب در اول ورود
 این ارض چون فی الجمله بر امورات محدثه بعد اطلاق یافتم از قبل مهاجرت انصیاً
 نمودم و سر در بیابان های منداق نهادم و دو سال و حده در صحرا های بحر سیر کردم

و از عیون جاری بود و از قلمم بجز دم ظاهر چه بیای که قوت دست نداد
 و چه ایام که جسد راحت نیافت. قسم بخدا که این مهاجرت را خیال مبرحت
 نبود و مسافرت را امید موصلت نه و همچنین در لوح کمال الطعام که در آن ایام قبل از
 مهاجرت نازل این بیانات از قلم مولی الانام صادر قوله عز وجل ان یا
 کمال اسمع نداء تلك النملة الیسیه المطر و ده الی تخفی فی و کره
 و یرید ان یخرج من بیتم و یغیب عنکم مما اکتبت ایدی الناس
 فاه آه هو الذی قد استکف و رقا المحزون فی صدر البهاره
 کل ما شئت من اول یوم الذی شربت لبن المصفی من ثدی امی
 الی حیث یندب الکتبت ایدی الناس و ایضا در لوح مریم جمال کسبه
 باین ترانه حزین مترجم قوله عز و کلمه ای مریم از ارض طابعد از ابتلاهی لایحیی

بعراق عرب با بر ظالم عجم وارد شدیم و از غل آعدا بغل احب مبتلا گشتیم
 و بعد آنکه تعلیم ماورد علی تا آنکه از بیت و آنچه در او بود و از جان و آنچه متعلق با او بود
 گذشته فرود او احدی هجرت اختیار نمودم و سر صبح راه می تسلیم نهادم بعضی
 سفر نمودم که جمیع در غربتم گریستند و جمیع اشیاء بر کرتم خون دل بیاریدند با طیب
 صحرا مواسس شدم و با وحوش عراق مجالس گشتم تا آنکه حملت ما لایحمله البحار
 و لا الأمواج و لا الأثار و لا ماکان و لا ما یکون و نیز در قصیده
 در قایمه که در ایام مهاجرت از قلم محبوب ابی نازل این آیات مسطور:

فطوفان نوح عند نوحی کا دمی و ایقادی سران اخیل کلوعتی
 و حرنی ما یعقوب بث اقله و کل بلا ایوب بعض ملتے

در صینی که اثری از تجرد و انقطاع و استقامت و استعناء و شہامت اصحاب اولیہ

حضرت اعلیٰ بالاخص اصحاب قلعه مازندران و اصحاب حضرت وحید در
 نیریز و اصحاب حضرت حجت در زنجان باقی مانده بود و حزب الله در شرف
 انحلال و اصطحلال بدیضی اجیب اقتدار برون آمد و از مصدر امر الهی حکم رجوع
 صادر گشت نسیم عنایت مره اختری بوزید و مدینه الله بخلعت جدیدی مقلع و مطرز
 گشت خطه دار اسلام از ورود و قیام محیی الانام شده فی جدید یافت و روح
 حیات در کالبد سرگشتگان بادیه فراق و گمگشتگان وادی ضلال جاری و ساری
 شد عزم الهی بر استحکام امر جدید و دفع مفاسد و تزکیه اخلاق و تربیت نعوس
 و انتشار آثار و ارتفاع شان جامعه ابرار و تشییت شمل اعداء و اظهار امر اعز از
 انعم ابهی تهراریت بیت اعظم محل توجه عموم از خاص و عام و اعراب و اعجم
 و اکراد و علماء و شاهزادگان و ارکان دولت و اجله اصحاب منتسبین نقطه بیان

گردید و نازره محبت الهی در قلوب افشوده بغور ان آمد و توقعات منسیعه و
 رسائل مختلفه و تفاسیر حدیده و ادعیه متنوعه و الراح الیه در اثبات وحدت
 الیه و وحدت مطهره مقدسه تبیین و تشریح تعالیم سماویه و مبادی ساسیه
 و منع از تعرض و فساد و جدال و نزاع و ترویج اتحاد و اتفاق و تحریر تنبک
 بذیل صداقت و امانت و دیانت و تقدیس و تنزیه و صبر و انقطاع چون غیث
 هائل در یسالی و ایام نازل گردید کتاب سطاب ایقان و صحیفه فاطمیه در سائله
 سلوک متابعا رستم اعلی جاری گشت و مراتب سلوک سالکین معلوم و واضح
 شد و تکلیف متمسکین عبروه و شقی و مستظلمین در ظل سدره قسوی معین گردیدم
 انار مسکت احدیه بید قدرت ربانیه مفتوح گشت و حوریات معانی که
 در حجرات کلمات الیه مقنع نقاب ارزخ بر انداختند اخلاق تعدیل گشت

و افکار روشن شد بنیان امر مستحکم گردید و صفتش ارتفاع یافت و نفوذ کلمه پدید
 آمد و پدیدار گشت و دشمنان جسور و عنود که در کاظمین مجتمع و تخریبی شیخ خمیث و
 خان پرتلیس جسورانه بر اطفا نار موقده قیام نموده بودند مغلوب و مقهور
 و نجل و شر مسار گشتند جمال قدم بنفسه المقدس الاکرم در این مقام باین بیان
 ناطق قوله عزه بآ و نه بعد از ورود باعانت الهی و فضل و رحمت ربانی ایستاد
 مثل خمیث نازل و باطراف ارض ارسال شد و جمیع عباد را مخصوص
 این حرب را بمواعظ حکیمانه و نصیاح شفقانه نصیحت نمودیم و از فساد و رذایع
 و جدال و محاربه منع کردیم تا آنکه از فضل الهی غفلت و نادانی نیرو و انانی
 بدل گشت و سلاح به اصلاح حضرت عبدالمجید، مؤید الماصد من العلم ^{علی}
 نیز شهادت داده مسیئره بیده بعد از رجوع بعبادت و تربیت و تعلیم و ادب

و تنظیم و اصلاح احوال این طایفه جهد بلیغ نمود بیتی که در مدت قلبه جمع
 این فساد و فتن خاموش گردید و نتهای تیرا و سکون در قلوب حاصل شد
 و اینها میفرماید: «چون این اساس در قلوب این طایفه استقرار یافت
 بستی در جمع بلاد حرکت نمودند که در نزد اولیای امور سلامت نفس و سکون
 قلب و نیت صحیح و اعمال حسنه و حسن آداب مشهور گشتند و همچنین میفرماید
 زلزله در ارکان عراق انداخت و اهل نفاق را همیشه خائف و هراسان داشت
 سلطتش چنان در عروق و اعصاب نفوذ نموده بود که نفسی در کربلا و نجف
 در نیمه شب جرئت نداشت نغمه شود و جبارت بر شاعت میکرد و ناعشق
 در قلوب صافی زکیه چنان مشتعل شد و کلمه الله بدرجه بی در ارواح نافذ گشت
 و محبت الله در افکار طائفان کعبه رحمن تجدی غلیان نمود که ذبح کعبه و وفا

بدست خود سر خود را از تن جدا کرد و جان خود را فدای نمود و جمعی از طایفین
 نیز در این فکر و خیال افتادند که خود را در مناسی قربت سربانی نمایند و
 رجال دولت از این التماس متحیر و مضطرب و امر مبارک صادر که مهاجرین
 بایران بدینار خود مراجعت نمایند در کتاب نعل اعظم که خود در آن ایام
 حاضر و ناظر بود این شهادت در وصف حال اصحاب در صفحات تاریخش
 مشبوت و مرقوم اینفحات نسحات صبح ظهور چنان همه را سر مست نمود
 و از دست برده بود که از غم خاری دامن دامن گل در بر در و از هر دانه خاک
 خرم خرم نعل در ظهور... چه خوش اوقات و خوش ایامی بود پیرو فیض عظیم
 که خرابه بی بود از دست افتاده همین مقدم محبوب ابھنی غیرت فردوس علی
 گردید با آنکه دیوارش کوتاه با مهر و ماه همسری می نمود و با آنکه جزئیک سریر

شانه نخل خرما که محل جلوس سلطان اسما بود چپیزی از اسباب و زخرف دنیا
 در آنجا پیدا نبود و لهای انبامی ملوک را میر بود... چنان شاربان کاس وصال از حق
 جمال شاه مند که در نظر شان تصور ملوک را بعد بیت حکومت دوام و ثبوت نبود...
 هشتاد و عشرتی داشتند که ملوک ارض در خواب ندیده اند و اکثر شهبازان و نرسک
 قمری خرما می میگزیدند و معلوم نبود که کفش و عب و قبانی که در آن منازل است
 صاحب کسیت بر کس که در بازار کار داشت کفش باو تعلق داشت و هر کسی بحضور مبارک
 مشرف میشد عب و قبای و تعلق داشت حتی اسما می خود را فراموش کرده بود
 و جز هوای جانان چپیزی در دل و جانشان باقی نمانده بود... و اکثری
 از نفوس که طائف حول کعبه جمال بودند چنان در مقام تصفیه و
 تزکیه نفس مراقبت می نمودند که کلمه فی بغیر ما اراد الله تکلم میکردند... و هر دو

نفس با هم هم قسم و هم عهد شده بودند که یکدیگر را متذکر نمایند و اگر یکی از
آن دو نفس بکلمه فی از روی هجوی در مابین روز بستلا میشد هنگام شب
هم عهد خود را مطلع مینمود و از او استعدای جریان آن حد را که با هم عهد نموده
میکرد و تا آن حد جاری نمیشد از طعام و شراب ممنوع بود . .

این نهضت حیرت انگیز و فوران نارا الهی در قلوب و قلب نفوس و تحسین
اخلاق و ترقی افکار و تعدیل مسکات و رفقا و صدور الواح و انتشار آثار و
و خدایان دشمنان تبه کار منتفی بکشف نقاب زوجه جمال ذوالجلال گردید
در حین حرکت از زور ابرو بدینه کبیره در باغ نجیستیه پس از انقضای سنین
در میقات معلوم جمال مستور نقاب از رخ بر انداخت و سلطان قیوم پر
سلطنت آئینه جالس گشت و محکم طور بر عرش ظهور استقرار یافت روح

روح متضوع شد کون بحکمت آمد و جمیع مکانات در بحر طهارت منغمس گردید
 و کل اشیاء بقبض اسماء مزین گشت و سفینه حمراء بر بحر احمر جاری شد معنی
 هزار و دویست و نود که حضرت و انبیاء در اصحاب اخیر کتابش بان اشاره نمود
 در رسیدن سلطان ظهور بر جمیع اشیاء بر جمیع اسماء حسنی تجلی فرمود و مصداق
 بیان نقطه اولی و ان تمن علی بلقانک فی الرضوان و نفاک فی
 ارض السلام تحقق یافت حسین موعود از خلف الف الف حجاب
 من النور قدم بیرون نهاد و در شخی از نور همین حمراء بر عالمیان مبدول
 داشت و مالک یوم الدین بعنه موده بشهر امر رب العالمین در اسباب
 واحد و ابتدای شانین ظاهر و با هر گشت جشن عظیم و بزم اتم برپا شد و
 ناقور انشم در گره اخری های کل وجود را با هزار آه و نسانم عفران از محبت

عنایت بر سیاه کل اکوان مرور نمود و هیهات کل مکانات از تضرع این نغمات
تجدید گشت و حوریات بقار از عرف حمر ابرون دویدند و ما را حیوان را بر
حالیان مبذول نمودند

طوبی نشید که این نهضت روحانی و اظهار امر صدانی و کشف نقاب از وجه
جمال لایزالی باعث حدوث فتنه کبری و عظم انقلاب قرن اول عصرایی
گشت در مدینه کبیره خلیفه اسلام و دو وزیر اعظمش عالی و فواد و وکلای
ملت با سفیر عجم متفق و پس از چهار ماه اقامت در آن مدینه جمال موعود را با
آل و اصحاب مرتبه اخروی بذلت کبری در موسم زمستان بسجن بعید در خلف
جبال در قطعه روسی سرکون نمودند مظلوم عالم خطاب بخلیفه اعظم چنین
شهادت داده قوله جل ذکره: «و اخرجونا عنهما بذلته التي لن تقاس به ذلته»

فی الارض ان انت من المظلمین واذهبونا الی ان حسلونا فی بدیہ التی
 لن یدخل فیها احد الا الذین هم عصوا امرک وکانوا من العاصین ...
 ومارحموا علینا وفعلوا بنا ما لافضل مسلم علی مسلم ولامؤمن علی کافر
 وکان الله علی ما نقول شهیداً وعلیم وحصین اخراجنا عن مدینتک حملونا علی
 خدور التی تحمل علیها العباد واثقالهم واوراھم فلما وردنا ما وجدنا فیها
 من بیت لنسکن فیها لذا نزلنا فی محل الذمی لن یدخل فیہ الا کل ذمی اضطراب
 غریب ولم یکن لابی ولذینهم کانوا معی من کسوة تقییم عن لیس
 فی ہذا الزمیر .

در این اشعار سنین اولیہ و در دو جمال ابی بارض ستر مطلع اعراض و منسج اعراض
 یحیی بی جیا کہ بشہادت قلم اصلی در ابداع شبہ این نفس در حبت ریاست

و جاه دیده نشده و جمیع اهل ابداع از احصای حسد و بطنای نفسش عاجز و خجسته
 را در فتنه بدرید و چون حیه رقابته جمال کسبه یا را بگریزید آن طیر قبیح با نسر سمار
 علمین دعوی همپری نمود و بخلافت مجبور شد کشت و بر نفسی که خلافت
 و ولایت در رسالت و ما فوق آن با شماره صعبش تحقق یافت بحاجه به قیام
 کرد فتنه عمیاً صمما بر پاشد و ضحیح و انین کرد بین و اهل ملایر عالین بلند گشت
 و عمیون طلعات فرود کس بر مظلومیت جمال مبین بگریست تحریک و ولایت
 آن و سوا کس خناس ناقص عهد جمال علی اعلی علم اختلاف را بر افراخت و
 هر یک اغرابی را مسموم نمود و یکی از خدام را بر قتل مظهر معبود بگماشت متحداً
 متفقاً بشتر ارجیف و باطل نسبتهای نالایقه و مفتریات عجیبه و ایقاً
 تازه فساد و فتنه در آورند و مدینه کبیره مشغول گشتند و افکار دولتیان را

متوسل نمودند آتش حرص و طمع افروخته گشت و الواح نازیه در بلاد
 منتشر شد آنچه از قلم ابی در حین مهاجرت از عراق در الواح شتی نازل
 تحقق یافت سامری ظاهر شد عمل ندادند نفاق ناعق اعظم مرتفع
 گشت فصل اکبر واقع شد سنین شد و چهره بگشود مجال قدم از کفل
 عزت اختیار نمودند و اصحاب خون گریستند و دشمنان فرخاک
 و امیدوار گشتند و بر جرئت و جسارت افتادند و یوسف بهار در حب
 سعد بیاید و نیر آفاق پس از اشراق از افق عراق بکسوف مبتلا گشت
 و ارکان امر متزلزل گردید در این مقام مظلوم عالم خود باین بیان دهر اش
 ناطق: «قسم با قباب معانی که از ظلم این ظالمان قائم خم شده و موکم پی
 گشته البته اگر بین یدی العرش حاضر شوی مجال قدم را میثناسی

چه که طراوتش از عظم مشرکین تبدیل شده و نصارتش تمام شده تا آنکه قلب و
 فؤاد و حشا جمع آب شده تا آنکه یا اعرابی لو تنظرونی لن تعسرونی
 وقد بیض مسک السود من سابع البلیا یا و طهرت الف الامر علی مہبتہ
 الدال من توالی القضا یا تم اصفر بذ الوجہ المحمر المنیر و چنین مفریاد
 و فیالیت کنت فانیاً و ما ولدتہنی امی و ما سمعت ما ورد علیہ من اللہ بنیم
 عبد و الاسما وقتلوا منزلہا و خالقہا و محققہا و مرسلہا ... یا صین ابکی
 لضرّی و بلانی و یا قلب صبح باورد علی نفسی قسم بذکر علم کہ بلانی بران
 عبد وارد شدہ کہ مظلومان عالم از اول دنیا الی صین بر مظلومیستم نوحہ مینمایند
 فاه آہ ثم آہ آہ لو کان نقطۃ الاولی فی تلک الایام و شہد حرنی
 لیرحم بی و یلطف علی و یثوقنی فی کل صین و یویدنی فی کل آن فاه آہ

ليتنى مت بعده قبل تلك الأيام ام كنت سيئاً مستيماً ^{مقام}
 ويكرهين ما يذو كان قد امدى شعبان القهر وفتح فمها ليلعنى وعن
 وراى غضنفر الغضب ويريد ان شقنى وعن فوقى يا محسوبى سبحان ^{لقضاً}
 وميطر على امطار البلاء وعن تحى نصب رماح السقا ليرج اعصافى
 وبدنى "ويحنين مينه ما يد" انك لو تسع سمعى لتسمع بان علياً ينوح
 على نفسى فى الرقيق الابنى ومحمداً يهوى فى الافق الاس على الريح
 يضرب على راسه فى سما القضا بما ورد على عند المظلوم من
 كل فاجر اشيما قلم على خطاب بان ناقض امر حضرت رب الارباب بين بيان
 ناطق قوله عليه سلطانه: "ما لله تحى عه روج الامين راسه عن ظلمك
 وحس حوريات العرفات على الرما د من ظلمك وانك تكون

في نفسك من الفرصين أن يا أخى فعلت بأخيك مالا فعل أحد
 بأحد ووردت عليه ما بكت عنه عيون ملا البقا على عرفات غر منيرا...
 تآتد باجرى من قلمك قد خرت وجوه العظمة على رماو السواد و
 شقت شر حجب الكبر يا فى الحجة الماوى وتشبكت ألبا والمهرين
 على مقاعد القصوى واضطربت أفدة كل فطن بصيرا... تآتد ما بقتى
 من جسدى من محل الآوقد ورد على رماح تديرك وانك لو سخر يشهد
 بذلك قلم لسان صدق عليما وبعين ميف مايد: أنا حفظنا الحجة ^{قطا} الر
 فى الشتاء تحت جناحى فلما اشرق شمس الصيف تحركت ^{عنتى} ولد
 اول مرة يشهد بذلك عبادا مكرمون: «وايضا ميف مايد: ار كلب مالا ارب
 نفس من الديثم كفروا بالرحمن فى كل الاعصار: لو اذكر ما فعل لمن ستمه

بحور الأرض لو يجعلها الله مداً ولن تنفذ الأشيار ولو تعلبها الله
 اقلاماً...» متعاقب این بلیه عظمی در خجسته کسب منی وقتنه صما، بعاود آیه مبارکه
 قل ان القصار موتید لهذا الامر والسبلاء مضمن لهذا الظهور آثار نصر
 مبین و نظر جدید متدرجا نمودار گردید سقوط ضم غلم نتیجه اش اعلان امر اتم فخم
 جمره بابل عالم در دسای اویان و امم در خاور و با خسر گردید شمس حقیقت که از برج حمل
 در سنه ستین طالع شده بود در سنه ثمانین از برج اسد از اعلی افق عالم اشرق
 نمود و در نقطه احتراق بدر خشید و فائض بر آفاق گشت با وجود بلا یابی لا تعد
 و لا تحصى جمال ابی با نزال الواح و سور و رسائل شتی در لیل و نهار قیام نمود قیام
 تحیرت و استجذبت منه افئدة النبیین والمرسلین جمال ابی
 این مقام نغبه المهیمنه علی الموجودات شهادت داده قوله تبارک ذکره؛ بشانی

از غلام فضل امریه و سحاب فیض احدیه باطل که در یک ساعت معادل نصف
بیت نازل و همچنین معنی یزید الیوم فضلی ظاهر شده که در یک یوم و لیل اگر کما
از عهد برآید معادل بیان فارسی از سار قدس ربانی نازل میشود و کذا
بشان الآیات علی لسان عربی بدیع ، و ایضا منبر ماید ، و حال معادل صد هزار
بیت در این ارض (اورند) موجود است سوز سواد نشده تا چه رسد بجلد و همچنین منبر ماید
از اهل بیان نفسی نه که اثر الله بر دوش موجود نباشد و من دون ذلک آنچه در
این ارض (اورند) موجود کتاب از تحریرش عاجز مانده اند چنانچه اثر بی سوادمانه
بلوک ارض و خلیفه اسلام و ملوک مسیحیه و ناپلئون سوم و شاه ایران
و صدر اعظم عثمانی و وکلای سلطان و سفیر ملوک پاریس و سفیر عجم در مدینه کسبه
و شیخ مدینه و حکام و اهلالی آن و ملا اجمام و فلاسف ارض خطابات همینیه شدند

چنانچه قهریه مستجاباً ازیرا چه مظلوم عالم صادر و در نصیحت و عقاب و انداز
 و کشف اسرار و بیان حقایق و اقامه دلائل و اتمام محبت قلم اعلیٰ لیسلاً و نهراً
 متحرک در نه سنین در دینیه طیبه شیراز قائم موجود در قیوم اسما، معشر ملوک
 و انبار ملوک را بنده ای جافنه ای انصر فواعن ملک الله جمیعکم علی تحقیق
 بالحق جمیلاً و بخطاب مستطاب اتقوا الله یا معشر الملوک عن البعد
 بالذکر بعد ما قد جا علم الحق بالکتاب و الآیات من عند الله مطب
 ساخت در نه شانین در ارض سیر سلطان قیوم در سوره ملوک معشر سلاطین را
 باین کلمات حالیات و آیات باهرات تذکره بود قوله تعالی خلقت
 و علم استعلا له: ان یا ملوک الارض اسمعوا ندا الله من بیده الشجره الممشره
 المرفوعه التي نبتت علی ارض کثیر الحمر ابریه القدس و تعقن بانہ

لا اله الا هو العزيز المتعذر الحكيم... اتقوا الله يا معشر الملوك ولا تحرموا
 انفسكم عن هذا الفضل الاكبر فالتقوا ما في ايديكم فتمسكوا بعروة الله اعلى
 العظيم وتوجهوا بقلوبكم الى وجه الله ثم اتركوا ما امركم به هو يعلم ولا تملكون
 من الخاسرين ان يا عبد فاذا ذكر لهم نبأ علي اذ جاءتم بالحق ومعه
 كتاب عز حكيم وفي يديه حجة من الله وبرهانه ودلائل قدس كريم و
 انتم يا ايها الملوك ما تذكركم بذكر الله في ايامه وما اهدى تم بانوار
 التي طهرت ولاحت عن افق سماء منيرة... اياكم ان لا تتحلوا من
 بعد كما فعلتم من قبل فارجوا الى الله بآياتكم ولا تملون من العافلين...
 اياكم ان لا تمنعوا عن قلوبكم نسمة الله التي بها يحيى قلوب المتقين
 وان لن تستنصوا ابانا نصحاكم في هذا الكتاب بلسان مدح مبين بآياتكم

العذاب من كل الجهات وياتيكم الله بعد له اذن لا تقدرون
ان تقوموا معه وتكونن من العاجزين... ان يايها الملوك
وقضت عشرين من السنين وكننا في كل يوم منها في بلار جديد وانتم
سمعتتم الكثرها وما كنتم من المانعين وان لم تفعلوا بما امرتم في كتاب الله
لن يذكر اسماءكم عند بالعدل وان هذا الغبن عظيم... دعوا ما عندكم
وخذوا ما امركم الله به ثم اتبعوا الفضل من عنده وان هذا سبيل مستقيم
ثم اتقوا اليأس وباستنا البأساء والضراء ولا تغفلوا عنا في اقل
من ان تم احكموا بيننا وبين احدنا بالعدل وان هذا خير مابين...
ان يا عباد ذكر العباد بما القيناك ولا تخف من احد ولا تكن
من الممترين ف سوف يرفع الله امره ويعلو برأيه بين السموات والارضين

فمؤکل فی کل الامور علی ربک و توّجّه الیه ثم اعرض عن المنکرین
فأکف بالله ربک ناصر و معین انما کتبنا علی نفسا نضک فی ملکک
و ارتفاع امرنا و لو لن یتوّجّه الیک احد من السلاطین -»

و همچنین بجز اعظم و ملکه لندن و امپراطور روس و امپراطور المان و امپراطور هند و روسا
جمهور در امریک و روسای کنیه ملت روح از بطارقه و مطارنه و اساقفه و قسّین در
و همچنین ملّا انجیل و ملّا تورات و علمای اسلام از سنی و شیعه و ملت مجوس
در روسایان و ملّا حکما و شعرا و ادبا و عرفا و تجار و صدر اعظم و وزیر خارجه عثمانی
و اصحاب مجالس در ممالک و یا مجالس تحت ربّشیر دین الله و ابلاغ کلمه الله و اعلا
امر الله و نصیحت و انذار در ایام اخیره اقامت در ارض سر و سنین اولیه در و بدینه
محضه حکما مشغول گشت و الراج الیه و توقیعات منیحه بمقامات عالیّه و جهات

مختلفه مستتابعاً مترادفاً فرستاده شده و آوازه اش تقصیراً
 و دیار مصریه و سودان و بریه اشام رسید فرائض حج بیت اعظم و بیت
 مکرم از قلم محیی رحم در الواح مخصوصه نازل و تعیین گشت و الواح صیام
 ازیراعه مالک انام صد دریافت و سوره فخن بشارت و هنده کتاب
 عهد و کتاب بدیع در اثبات امر رفیع منیع و سوره مبارکه رئیس مترادفاً
 متواتراً از قلم عزیزول یافت تحت الله اکبر تحت الله ابنی مبدل شد
 و اهل بهاء جالسین سفینه حمراء و سائرین بر قلم کبیر یا از طایبان دست
 مسوخه محیی بی وفامت از و مفصل گشته شیگان جمال احدیت و باستان
 و مبارزان میدان خدمت بعزمی آهنین تاسی بحال مبین نموده در کشف حقایق
 مستوره مورد من رد علی الله و بسط دعوت الهیه و لغت و مدح مظهر احدیه رسائل

استدلالیه و خطب بدیعه و قصائد متعدده تألیف نمودند و حزب شیطان
را مایوس و مخذول و مجول و مسکوب نمودند اذ اتحقق ما ابابہ قلم نیر الافاق
فی ارض العراق قوله غرثانہ اذا سمعت بان سراج البحار ترک
مشکوٰۃ العراق لا تحسن لان فیہ اسرار عظیم فسیوقد فی بلور اخری
و هذا تقدیر من عزیز قدیم... قل ان فی اسراج الروح عن جسد العراق
لایات بدیعا لمن فی السموات و الارض فسوف تجدون هذا الفی اللمحی
راکباً علی براق النصر اذا نیت لرزاقی قلوب المعلمین و یحین قلم سید شوق
چنین شهادت داده آن جوہر وجود در محل منعی بعدتی علمی و عوتی کسب خطای
شد کہ خوف و ہراس قلوب اہل آن سامان را استولی شد کہ مبارک این شدہ
در آن خطہ (اورند) جہان انس و زکروہ متعاقب این قضایا فرس پرده قضا

انقلابی جدید ظاهر گشت و لطمه فی دیگر بر جامعه جدید اناسیس اهل بااوار شد
 سلطان عثمانیان با اتفاق سلطان عجم و تبریک دوزیر بی تدبیر و سفیر پرسیس
 و وزیر سنی مخصوص خطاب بشیر مخم در و ساسی دیگر در تعبید و نعی موبد و
 سجونیت سلطان ظهور و طائفین حوش در اخر ب مدن عالم که برد است آب و
 هوا موصوف و منفای بحرین و سارقین و قطاع طریق محسوب بود صا در کرد و از
 معاشرت و اختلاط با اهل آن مدینه نمی آید نمود ضباط حاکمیه بقعه بیت الله را
 محاصره نمودند و بدلت کبری جمال امینی و آل و اصحاب را حرکت دادند چنان
 دلوله فی برپا گشت که اغیار بر حال اجباب گریستند و یکی از اصحاب در مقام
 محبوب امینی سخن خود را بدست خود برید در لوح رئیس این بیان اغراض علی از قلم امینی
 نازل قوله عز وجل لا زحف الناس حول البیت و کبی علینا الاسلام

و النصارى و ارتفع نجيب البكار بين الارض و السماء بما اكتسبت ايدي الظالمين
 دشمنان دیرین فرصت را غنیمت شمرده دست تطاول گشودند و جمعی از مظلومان را در
 ایران و عراق عرب و مصر دستگیر و پریشان و اسیر و شهید نمودند در صین درود
 بخص عکا پس از آنکه سه مرتبه در عرض راه سفینه را تجدید نمودند در حرف مخروبه
 قشده نظام مالک نام و آل الله و مهاجرین را محل و مأوی معین نمودند و
 بدست اولاد افاعی سپردند و باب قشده را بر وجه کل مسدود نمودند شب
 اول بهادت آن مظلوم عالم کل از اکل و شرب ممنوع گشتند آب طلبیدند
 اجابت نمودند باب تقاسد و گشت و بهادت قلم اعلی ظلمی با سراسر
 و غرباء وارد شد که شبه آن از اول دنیا دیده نشده و شنیده نگشت مقارن
 این احوال خصن ایبی المخلوق من نور البهائم و کسنزه و ودقیه فی بزه الدیار در

سبیل حیات عباد و اتحاد من فی ابلاد فدا گشت در رفیق اعلی اسیراً
 مظلوماً صعود نمود نجیب بکار بفرموده سلطان ارض و سماء از اهل سر اوق
 ابهی متفنگ گشت و کمال مظلومیت آن غصن شهید بدست ایثار در خارج مدینه مد فون
 گردید سپس فتنه داخله منظم به انتخابات خارجه و احزان وارده وزیر ایامی
 متابعه گردید و جمال نجیب و ابلیس پریدیس که بفرموده جمال ابهی از هوش اثر
 جحیم طامس و از نفس راحه اهل سخن که بار تقایش بجاسوسی مشغول و با
 موظفین دولت مرتبط فساد می برانگیخت و عرصه را بر مهاجرین تنگ
 نمود که عده فی ارا صاحب بقتل پنج نفر از آن نفوس خبیثه با وجود نسی اکید
 سراً اقدام نمودند و لوله عظمی بر پاشد و جمال ابهی در مقر حکومت انحصار گردید
 و غصن عظمش در لیان اسیر غل و زنجیر گشت و بیت و پنج نفر از اصحاب در زندان

محبوس گشتند صرصر امتحان شدتی بوزید که جمال اسی در مناجاتی که در بحبوحه
انقلاب سخن عظیم نازل باین بیان ناطق قوله جلّت عظمته: «وقد تبیل اجساد الاصفیاء
علی ارض البعد این بحر قربک یا جذاب العالمین قد قام المشرکون
بالاعتساف فی کل الاطراف این تسخیر قلم تقدیرک یا مسخر العالمین قد
ارتفع نباح الکلاب من کل الجهات این غصص غیاض سطوتک یا
قهار العالمین... قد بلغت البلیه الی النجایه این ظهورات فرجک یا
فرج العالمین قد طالت الاعناق بالتفاق این ایساف اشفاق
یا مملک العالمین قد بلغت الذلّه الی النهایه این آیات عزتک یا
عز العالمین» این است که در مقام دیگر در بیان عظمت بلا یابی واروده در آن
ارض که مرکز میثاق به بر مغظم تشبیه نموده درزایابی واروده را بسببای مبرم موصوف

داشته قلم اعلیٰ چنین مرقوم فرموده و ثم اعلم ان فی ورودنا هذا المقام سمیاً
بالسجن الاعظم ومن قبل کنا فی ارض احسنه می تحت السلاسل و الاغلال و
ما سمی بذلك قل تعکروا فیه یا اولی الاباب .

ولی طریقی نشاید که از عین قوت خضعه قدرت قدم بسردن نهاد و دلیل مدغم نت
و بلا بطلوع صبح عزت و رخا منقضی شد تضییقات شدید بتدیرات الهیه و
وسائل غیبیه اندک اندک تخفیف یافت و عظمت و اشتهار و قدرت و غلبه
ظاهره منظر مظلومیت کبری و خصن بر و مندریدش در انظار بیکانه و
آشنا جلوه نمود ام کتاب کتاب مقدس اقدس از قلم آن سانج روح مویدا
لما صدر للملوک و الامراء و العلماء من قبل و ما سماها شرع فی البیان
و مما لما نزل علی النبیین و المرسلین نازل گشت مدینه مقدسه و اورشلیم حیدر

از آسمان نازل شد و سماء جدید و اراض جدید که در مکاشفات یوحنا بعروس
اراسته تشبیه گشته ظاهر و باهر گشت و مرکز عهد الله و محور مشاق الله
و همین کتاب الله بلوچی ابلغ از تصریح تعیین شد و احکام و مبادی نظم بدیع
جهان آرای الهی که نقطه اولی بان در کتاب بیان شبارت داده صادر گشت
در صدر این رزق منشور سلطان ظهور شارع عظم باین کلمات اکمل و اتم ناطق
قوله عربیانه: *بما ملأ الأرض علما ان او امری سرح عنایتی بین*
عبادی و منافع رحمتی لبسری کندک نزل الامر من سماء مشیت
ربکم مالک الا دیان لا تحسبن انما نزلناکم الا حکام بل ففتحنا
ختم الرحیق المنخوم باصابع القدره و الاقدار شهید بذکات نازل من
قلم الوحی تفکر و ایا اولی الافکار و همچنین خطاب بسلاطین عالم سفید

قوله جل اخرازه : يا معشر الملوك قد اتى المالك والمالك لله المهين
 القيوم الا تعبدوا الا الله وتوجهوا بقلوب نوراً الى وجه رحيم مالك
 الاسماء هذا امر لا يعادله ما عنت لكم لو انتم تعرفون ... يا معشر الملوك قد
 نزل الناموس الاكبر في المنظر الانور وظهر كل امر مستتر من لدن مالك
 القدر الذي برات الساعة ونشق لستمر فصل كل امر محتوم يا معشر الملوك
 انتم المماليك قد ظهر المالك باحسن الطراز ويدعوكم الى نفسه المهين
 القيوم اياكم ان يمنعكم الغرور عن مشرق الطور او يحجبكم الدنيا عن فاطم السماء
 قوموا على خدمته المقصود الذي خلعتكم بكلمة من عنده وجعلكم مظاهير القدر
 لما كان وما يكون تالله لا يزيد ان تتصرف في مالكم بل حبنا تصرف
 القلوب ... انما اردنا منكم شيئاً انما نتحكم لوجه الله ونصبر كما صبرنا بما

ورد علينا منكم يا معشر السلاطين رؤسای اديان را قلم اعلى در این کتاب
 مستطاب باین خطاب مخاطب ساخته قل يا معشر العلماء لا تزوا کتاب الله
 بما عندكم من القواعد والعلوم انه لقطاس الحق بين الخلق قد يورث
 ما عند الامم بهذا القطاس الاعظم وانه بفضله لو انتم تعلمون تسبيحكم
 عين جنائتي لانكم ما عرفتم الذي دعوتوه في العشي والاشراق وفي
 كل اصل وكبور توجهوا يا قوم بوجهه بوضار وقلوب نوراً الى البقعة للباركة
 الحمراء التي فيها تنادي سدره المنتهى انه لا اله الا انا المهيمن اليوم
 يا معشر العلماء بل بعد احد منكم ان ستن معي في ميدان المكاشفة و
 العرفان او يحول في مضمار الحكمة والتبسيان لا وربى الرحمن كل من جلسها
 وهذا وجه ربكم العزيز المحبوب لو عرفتم الافق الذي منه اشرق شمس الكلام

لنبتتم الأنام وما عندهم وابلتم إلى المقام المحمود. إنا خرقنا الأسماء
أيألم ان تجبو الناس بحجاب آخر كسر واسلاسل الاوامم باسم مالك
الأنام ولا تكونن من النخاوصين، ويخين خطاب بعوم من في العالم اين بيان
اتم ازقلم سرور اعم نازل يا ملا الانشاء اسمعوا نداء مالك الأسماء
انه يناديكم من شطر سجنه الأعظم انه لا اله الا انا المقدر المتكبر المتعز المتعالي
العليم الحكيم انه لا اله الا هو المقدر على العالمين لو يشاء ياخذ العالم
بكلمة من عنده أيألم ان تتوقفوا في هذا الامر الذي خضع له الملا على
واهل مدائن الاسماء اتقوا الله ولا تكونن من المحبين احرقوا ابجبات بنار حبي
والسجيات بهذا الاسم الذي به سخرنا العالمين "و الواح مقدسه درو
اعطيت واعطيت اين ريق منيع اين كلمات حيايات نازل قوله جل احسانه

ان عمل ما عیب بما نزل فی الكتاب الا قدس تاقد انه لم یسرن الہدی
 بین الوری و برہان الرحمن لمن فی الارضین و السموات... طوبی تعظمت
 بما نزلہ الرحمن فی کتابہ الا قدس الذمی تزیین بالاحکام قل ان الكتاب
 ہو سما قدر نیبا ہا بانجم الاوامر و النواہی یشہد بذک من عندہ ام الالواح
 قل ما حد فی الكتاب لیس لاحد ان ینظرہ کما ینظر الی حدود الی ظہرت من
 طہومات المسوہین... کتاب اقدس شبانی نازل شدہ کہ جاذب و جامع جمع شریع
 الہیہ است طوبی للعارین طوبی للعارفین طوبی للمتفکرین طوبی للمفسرین
 و بانساطی نازل شدہ کہ کل را قبل از اقبال احاطہ فرمودہ سوف ینظر فی الار
 سلطانہ و نفوذہ و اقتدارہ ان ربک لہو العلیم الخیر .

طوبی نکشید کہ جمال ابنی پس از نہ سال مجوسیت در آن دینہ پر بلا مرج حکما قدم نہا

و در قصر فیح المقام الذی جعله الله المنظر الاکبر للنبی جالس و مستقر گشت با
 نقاب بر وجه زائرین از دیار مختلفه مفتوح شد و علم سلطان اسلامین در خطه هندوستان
 و بریا و ترکستان بدست رسولان جمال رحمن منصوب گردید از اعم بعید از
 کلیمی ذر دشتی و بودائی در سلاک اهل بهار داخل شدند و ایادی امر الله بر ایضا
 و طایف مفروضه مقدسه مرجوعه قیام نمودند و مبلغین و رافضین لوای امر
 مولی العالمین و اقدار الاقدارین در اطراف و اکناف مبشر نجات الله مشغول شده
 و بطبع کتب و رسائل پرده خستند خیام عذر و صبح جبل کرمل مرتفع شد و کوم الله
 بصهیون بشارت داد و لوح کرمل از انامل محبوب نازل گشت و عد الهی ظاهر
 شد و بهار کرمل نمودار گشت و بر او دیده و اتلال ارض صلیل و عن در آنها دیده اویم
 و مسجد اقصی پر تو بنیادخت محل استقرار عرش رب اعلی بر حسب تعلیمات

صادره از قم مطهر تعیین شد و اراده نافذ الهیه بر انتقال رس مطهر از ارض
 مقدسه طران بارض اقدس تعلق گرفت اراضی مجاوره مقرر بعثت حضرت
 روح مطابقا لما اراده الله بهت غصن اعظم ایهی ایتساع شد و نهر اردن بحرام
 مثل گشت و صحف قیمه و رسائل حدیده و اوجیه مختلفه و الواح قدسیه از قبل اثرا
 و بشارات و کلمات و طرازات و تجلیات در ساله ابن ذنب که بعضی متمم حکام
 منصوصه کتاب اقدس است از شمار وحی الهی سرادفانازل گردید و وحدت
 عالم انسانی و عدم کفایت حب و وطن بیان احلاهی همه بار یکدارید و برگ
 یکش خسار لیس الفخ من حیب الوطن بل لمن حیب العالم در الواح الهی
 بعالمیان اعلان گشت و عظمت و جامعیت امر الله و غلبه و نفوذ دین الله
 رحما لائف ناصر الدین ظالم و عزیز جبار و یحیی بی شرم و حیا بر کل ظالم

و مبرهن گردید جمال قدم خودیومی از آیام باین بیان ناطق شاه ایران چون
 از دست جاها ان آسیب دید آنچه کرد راه بجائی داشت ولی سلطان آل عثمان
 بدون سبب و جهت بر ظلم قیام نمود و ما را بجهنم عکاسرستاد و در فرمان شاهانه
 مقرر داشت که احدی پیش ما نیاید و بشدت تمام مبعوض خاص و عام شام
 لذا دست قدرت ربانی برودی استقام کشید و سیرین و وزیرین بی نظیریش
 عالی و قواد را اول یاد فنا داد و بعد از آن دست قدرت پرچیدن مباطعت
 عزیزگشاد و اخذ خزیمت در به شهادت قلم می شاق و سخن مبارک نماید
 اعظم شد و ایران از برزخی سیرزخی منتقل گردید و همچنین این بیان از فم مبارکش صا؛
 این شخص حبل در سخن اعظم امرش را بلند کرد و نورش مابهر شد و صیتش جهاگیر
 گشت و آوازه بزرگواریش بشرق و غرب رسید و الی یومنا بد چنین امری

در عالم وجود واقع نشده و این شهادت از قلم مبارکش صادر و عظمت او
 بقسمی در سخن اعظم ظاهر شد که هر کس حاضر میشد گمان سلطنت مینمود در سا
 اقدسش جمیع احقاق خاضع بود و کل رقاب ذیل جمیع طوائف و علل خضوع
 تام قائم و کل قبائل و امم بسیررگوار می و عظمت و جلال منزلت و سمو مرتبت
 جمال قدم قائل و معترف این است که از قلم اعلی راجع بدینیه مبارکه حکایت
 بیان اصلی در لوحی از الواح صادر: هذا المقام الاعلی الذی سمی مرتبه بالسجن الاعظم
 و آخری بسما السما و قبل از انقول شمس حقیقت از مغرب این زندان کتاب
 عهد با شرمین قلمه المبارک الشریف انما للنجمة و اکمالاً للنعمة نازل گشت
 و جمال تسیم عهد وثیق از پیروان امر مقدسش بگرفت و میثاقی خلیط بنهاد عهدی
 را که قلم میثاق شهادت داده که از اول ابداع نظیر و مشیل نداشته و آن کتاب

بین را شایع امر اقوم بغضن عظمش سپرد و مظفراً منصوراً پس از قیادت جنبد
 الهی در مدت سی و نه سال بممالک اخری المقامات الّتی ما وقت علیها
 عیون اهل الاسما که ذکرش در لوح رویانازل گشته عروج نمود و در عالم ترابی هزار
 نفوس از عشاق مجالش و پرورده ید عنایتش و متمسکین بجل و لایش از خود یادگار
 بگذاشت .

غروب شمس بهار از افق عالم ادنی و اعلان و انتشار کتاب عهد و صحیفه حمرا
 و تبیین مرکز و مقرّ امراته و ارتقا و جلوس مرجع منصوص بر سریر خلافت عظمی
 و حلول دوره ثالث قرن عظیم فخر انسی بر حسب حکمتهای مقننه بالغه البته
 بهبوب اریاح قضا و حدودت خطوب و کروب توأم و تقارن گردید سفینه
 حمرا را امواج بلا مّرة اخری احاطه نمود و اریاح سموم از شش جهت بوزید را بکجه

و فراموش گشت و طوفان نقض شجره الهیه را حرکتی شدید داد و تند باد مسکات
 زلزله بارکان جامعه اهل بهای میزداخت و بدیشاق در خسوف حسد و بغضای
 ناقصین عهد المهی متفوع و محجوب گشت خصن اکبر نابت از سدره رحمانیه و مخصوص
 کتاب عهد مولی البسریه و پرورده لبین عنایت الهیه در سنین متوالیه قصد مبارک
 بالیث عربین میثاق نمود و تیشه بر تیشه سدره منتی زو امانه الله را بدزدید و ایست
 المهی را تحریف نمود و در هدم بنیان مرصوص و هتک حرمت امر الله همت
 بجماشت و اسم مبارک مرکز میثاق را با اسم شیطان تطبیق نمود و بسبب عهد
 را رئیس المشرکین نامید و سر یاد بر آورد که مدعی ظهور جدیدی پیدا شده و بدای
 انی انا الله مرتفع گشته و مرکز منصوص تفوق بحال قدم و اسم عظم و منظر ظهور
 اکل و اتم نموده احسان دیگر در نشر این اراجیف و اباطیل باو گرویدند و او را

شجره از اهل حرم و آل الله با و پیوستند و کاتب وحی الهی و بعضی از ائمه
 مشبه از سوره ربانی و عده فی ازها حسین و مجاورین را منحرف نموده خصمه
 تشکیل داده در قصر مبارک در حوال مرقد مطهر متمرکز یافتند و در غضب خلافت و
 بهم بنیان الهی و زینب و اذیت بکل میشتاق لیل و نهار اجد بلوغ مبدول
 داشتند و فتنه و فساد می عظیم در ارض اقدس برانگیختند و عبد البها را در بیت
 حکام مجبور و فرید بی ایس و معین بجز درقه مبارکه علیا و ثمره سد غمگینی گذاشتند
 امت مایوس یحیی را امیدوار نمودند و دشمنان خارجه را فرخاک و جسور
 گردانیدند روح مطهر را در ملکوت ابهی بیازدند و قلوب ستم دیدگان و نامرگان
 را در ایران و اقالیم سائره بگدختند بطبع و انتشار اوراق شبهات بکمال بید
 و منتهای تزییر اقدام نمودند و بتجدیش اذیان و القاب نفس مرکز عهد و پیمان در

قلوب بیگانه و آشنا بکمال سعی و اجتهاد پرداختند یوسف بهاچندی
 درجت حسد متواری و در لیالی از وقوع این نخطب جسم و بلیه جدید و زوابعه شدید
 بچنین اینین دمسازد در آتش حسرت سوزان و در بهان نقض و تعالی نکت
 در جولان جمعی متزلزل و پریشان و مخلصین نالان و سرگردان و علامات ظهور
 تابوت عهد از برق و اصوات و عود و زلزله و برد عظیم که در مکاشفات یوحنا
 بان اشاره گشته در اطراف و اکناف ظاهر و نمایان در لوحی از الواح که
 در بجهت آن انقلاب نازل مرکز میثاق حی لایموت باین ندای خیرین مترنم
 الهی تری وحدتی و غربتی و کربتی و شهادت محول جسمی و ذهول نفسی و جسد
 بدری و کسوف شمسی و ضعف ارکانی و زلزله اعضائی و ترعرع وجودی
 و تضییق صدری و خفقان قلبی و زهاق روحی و عدم شهودی و شدة

بلاني في سبيك وكثرة ابتلاني في محبتك امي رب استصليت
 الرذواع ووحشي الناشئة وقلعت الزلازل ارومسي النابتة و
 اخذتني اعاصير البلوى واهلكتني شدايد الباساء والضراء يا محبوبي
 انجني ظهري وبيض شعري وذاب كحلي وعل عظمي وتقطعت كبدي و
 احترق قلبي واتقدت نار الالاسي بين اضالعي واحشاني ودرتامي دكر
 ميفر مايد تراني بدفا لكل سهام وعرضا لكل نصال وخانصافي غمار بلا
 وغريقافي بجار المصائب والارزاء ارحمني بفضلك وجودك يا ذا الامثال
 العليا ورحمني عن كل كربة وبلاء ورحمني بدار الرجوع الي جوار رحمتك الكبرى
 وارفعني اليك لان الارض ضاقت علي واهيما مريرة لدي والام
 تتموج كالبحر والاحسب ان تجم هجوم الطيور على الحبت المنشور فهناري من الالام

ليل بهيم و صباحي مساء مظلم بهجوم عظيم و عذبي خداب و شرابي سراب
و غذائي علقم و فراشي اشواك و حياتي حسرات و مياهي عبرات و دقاتي
سكرات و بعثتكم تعد ذلت عن كل شي و لا اكاد افوق بين لسلي و نهاري
و غذائي و عشائي و سهري و رقادي بما اشتدت الازرار و عظم لي البلاء و
عرض دار ليس و اجمال قدم بنفسه المحيط على ما كان و ما يكون در لوجي از الواجه
باين رزية كسبري حنين اشاره فرموده تا نهد يا قوم سخي عيني و عين علي في الريق
الاعلى و يضح قلبي و قلب محمد في اسراروق الابهي و يصيح فوادى و فده المير سلين
عند اولي السني ان انتم من الناظرين لم يكن حسره في من نفسي بل صلى الذي
ياقني من بعدى في ظل الامر سلطان لاجع بين لان هو لا لا يرضون
بطوره و يكرهون آياته و يحدون بسطانه و يحاربون بنفسه و يخادعون في امره

كما فعلوا بنفسه في تلك الأيام وكنتم من الشاهدين، وأيضا ميفرناية بل يمكن
 بعد اشراق شمس وصيتك من افق الكبر الواحك ان تنزل قدم احد
 عن صراطك المستقيم قلنا يا قلمي الاعلى ينبغي لك ان تستغل بما امرت
 من لدى الله العلى العظيم لا تسأل عما يذوب به قلبك وقلوب اهل العرش
 الذين طافوا حول امرى البديع .

دیری نگذشت که صاعقه غیرت الهی کرة احسری بدخشید و این استغاثه
 مولای نسیرید و حید اجابت گشت خمیوم کشفیه متر که متلاشی شد و قرمشاق
 در آسمان از تیر آفاق جلوه فی حیرت انگیز نمود و بنا دایه مبارکه قل البلاء و من
 المصباح و بهجایزد او نوره شجره لاشرقیه و لا غربیه نابت گشت و قلم
 میثاق اجاد میسته را بر ساحل دمار میزدخت و اخصان یابسه و اوراق مصفره از

سده الهیه متصل شد خصن اکبر بعزت انحراف بعض قاطع الهی تا آمدن حق لونا
عنه فی اقل من یحین فیوضات الامر لیسفر ویسقط علی التراب ساکت
و بطلب اکبر مبدل گشت و بزرگ عذاب برکشندگان عهد پیمان مالک التراب
بیاید اهل بهاد و اصحاب و فاجون سد قویم مقاومت یل منهر اراجیف فتنه
را بنمودند و مشورت و استقامتی محیر العقول مبعوث شدند و صفوف مارقین و
ناکصین را در هم شکستند و در مرکز نقض و قطب شقاق رسائل حدیده متعنه
تیسنه تألیف نمودند و انتشار دادند سدره منتهی اصلها ثابت و فرعها فی السماء
بر آفاق غریبه بنیادخت و سرعوش بمالک نایه فیحیه ایالات متحده امریکه
و ماوراء البحار امتداد یافت آوازه امراتہ در قاره اروپا مرتفع شد و علم همیشه در
دو حاصمه از حواصم عظیمه غریبه مضروب گردید جمعی از مؤمنین و مومنات اروپا

و امریکت احرام کعبه مقصود بستند و بساط احزان را در ارض اقدس در هم
 پیچیدند و بزبارت مطاف ملا اعلیٰ خاضعاً خاشعاً متذکراً مفتوحه و نائل
 شدند و در حول سراج میثاق مجتمع گشتند و از انوارش استفاضه نمودند و پس از
 کسب تعلیمات عالیہ کاملہ و دستورات متعنه و افیہ کافیہ با وطن خود مستطعاً
 عن الجهات با شور و جذبی بدیع و غرمی بی نظیر و جہتی بی عدیل مراجعت نمودند و بیشتر
 دین الله و تائیس ملکوت الله پرور شدند و با وجود حدوث امتحان و فستمان
 و انحراف و سقوط اولین مؤسس بنیان امرالمحی در خطہ امریکہ در تائیس مرکز
 جدیدہ و مشروعات بہیہ تشکیل محافل روحانیہ قیامی خاشعانه نمودند
 اذا ظہر ما شہر بہ العلم الاعلیٰ قوله عز و جل انه اشرق من جهة الشرق و
 ظہر فی الغرب آثارہ در کتاب قیوم الاسما نقطہ اولیٰ باین خطاب بدیع

اهل غرب را مخاطب ساخته و آنان را باین عنایت عظیمه منحصر داشته
 قوله عز وجل: «يا اهل المغرب اخرجوا من دياركم لنصر الله... فاصبحوا في دين الله
 الواحد اخوانا على خط السواء قد احب الله فيكم ان تكون فتوبكم مراتاً
 لاخوانكم في الدين انتم تتعلمون فيهم وهم يتعلمون فيكم هذا صراط الله العزيز
 بالحق وكان الله بما تعملون شهيداً هو محبين و كتاب اقدس روسای جا بهر
 آن قاره مبارکه باین شرف عظیم و دستور فخرم مفتخر قوله جل احسانه:

يا ملوك امريكا وروسيا انجبروا فحينئذ زينوا ميثاق الملك بطراز العدل
 والتقى وراسه باكليل ذكر ربكم فاطر السموات والارض يا مكرم مطلع الاسماء
 من لدن عليم حكيم... اجبروا الكسرية يا ادمي العدل و كسر و الاصح الظالم بسياط
 او امر ربكم الامرا بحكيم و اركلكم ميثاق اين كلمات باهرات راجع بمالك

غریبه و آن قاره وسیعہ علی الخصوص ایالات متحدہ و ملت مستعدہ آن نازل
و عنقریب ملاحظہ خواہید کرد کہ از انوارِ بجا آمدنِ غرب شرق میشود ابر
پروردگار بسیار جمیع قلوب سبز و خرم میشود همیشه از ابتدا تا حال چنین واقع
شده کہ نور الهی از شرق بغرب تابیده لکن در غرب سطوع شدید یافته
امر حضرت مسیح روحی فداه از شرق ظاهر شد چون پرتو نورانی بر غرب
انداخت نور ملکوت در غرب آشکار گشت نمود و ایضا میفرماید : ثم اعلم بان
الشرق استصانت افاقها بانوار الملکوت و عنقریب تسلطاً بذا
الانوار فی مطالع الغرب اعظم من الشرق و یحیی القلوب فی ملک
الاقالیم سبحان اللہ و ماخذ محبہ اللہ الافسدة الصافیة و ایضاً میفرماید :
" امید افضل و موہبت رب جلیل در این عصر جدید چنان است کہ اقلیم غرب شرق

شمس حقیقت گردد و اجسامی الهی مطالع انوار و مظاهر آثار شوند و همچنین منفریاً
 "قطعه امریکت در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و نشا
 ابرار و مجمع احرار و ایضاً در لوحی از الواح منسبه خطاب بجمهور مؤمنین و مؤمنات
 در ایالات متحده و اقلیم کند این کلمات دریات از قلم میثاق صادر :
 « ای حارون بن حسن بن زوی کرم الفداء... ملاحظه نمایند که حضرت بهار الله
 چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلی مقدر نموده است و
 چه موهبتی میسر کرده است و ایضاً خطاب بان مؤمنین و مؤمنات میفرماید :
 "اذا جمعتم الکلمة و تقفتم علی المقصد الاصلی و التحبة المتحده و حق من فلق
 التحبة و برء التسمیة تتللاً الانوار من وجودکم الی عنان الابرار الرفع
 الاعلی و یسع صیت حلوکم و ینذیع آثار سموکم فی جمیع الارجا و تنفذ

تو کلم فی حقایق الاشیا، و تو نثر نوایا کلم فی الأمم العظيمة الکبری و تحطی
ارواحکم بالکائنات کلها و ترون انفسکم ملوکاً فی اقالیم المملکوت و متوجاً
با کلیل حلبیة من عالم اللآهوت و تصحون قواداً بحجوش السلام
و امرار بحنود الحیات و نجومانی افق الکمال و سرجاً موقدة ساطعة
الانوار بین الانام، و ایضا خطاب مجبور مومنین و مومنات در آن سامان مضراباً
حال معرفت شما بسوز معلوم و مفهوم کلمتة محقریب خواهد دید که هر یک
مانند ستاره های درمی درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات
ابدیه اهل امریک شدید این ندای الهی چون از خطه امریک باروچ و آسیا
و افریک و استرالیا و جزایر پاسیفیک رسد اجامی امریک بر سر سلطنت
ابدیه جلوس نمایند و صیت نوزائیت و هدایت ایشان با فاق رسد

آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردید، مقارن این احوال و انتشار امر حضرت ذوالجلال
 در اقالیم غربیه و ارتفاع رتبه الهیّه و نغمه ملکوتیه در بلدان نایه ایالات متحدّه
 عرش مظهر نقطه اولی طبعا ما اراده الله و بر حسب تعلیمات نخصن عظمی الملی
 پس از آنکه پنجاه سال مخفی و متواری بود و از محلی بجزای متقل از ارض طار محفوظاً سالم
 باصل ارض اقدس و اصل گشت و تسلیم مرکز عهد جمال ابریه شد ارض علی
 و جبل کرمل و مخالفان آن قضین اسیاع گشت و حجر زاویه اش بدست
 حامل امانت الهیه و مرکز میثاق رب البریه گذاشته شد و بنامی مقدّس
 شروع گشت و صندوق مظهر بان جبل مقدّس انتقال یافت .

طولی نمانشید که این انتصارات عظیمه و فتوحات باهره علی مخصوص درود
 زائرین و زارات دسته دسته بیدینه مبارکه بیضار و بقعه نور را محرک عرق

عصبت دشمنان له و دونا مقصین جهول و عنود گردید نارحده خلیان جدید
نمود و ناره بغضا فرانی شدید کرد حزب فتور و عصبه غرور فکری جدیدی نمودند و
بوسائل دیگری تثبت نمودند ناره فساد را اشد از قبل در دواورد و لسی افروختند و
بترتیب لوائح و ارسال آن بمقامات رسمیه پرداختند بحکام و ولات بلاد و
عبد الحمید پدید و روسای اسلام و بشترین ملت حضرت روح متوسل و مرتبط
گشتند و کمال تزلزل بدیل دشمنان تثبت شدند و بزور و خدعه و تدلیس در شوه
بایجاد فتن و فساد مشغول گشتند و در اعدام عبد البها لکر همت بستند آیات و
کلمات الهیه را تسلیم حکومت نمودند و بتفصیح مکاتیب و مراسلات اقرائیه
پرداختند عبد الحبا را اعد و حکومت گشتند و نسبت فساد داوند و بیاب عالی
نوشتند که علم حسیان را بر افروخته و بایسیان و اهل امر یک سرانگشته

و در جبل کرمل قلعه‌ای بنا نموده و رایت اختلاف و فساد را در قسطنطنیه و مدین
 مرتفع ساخته و عشایر و قبایل را تحریک نموده و خود را ابن‌الله نامیده و مبالغه‌آمیز
 اندوخته و اراضی وسیع مالک گشته و معدنات جزیره حاضر و آماده نموده و در
 حسب مقام سلطنت و تائید حکومت مستقله مقیم گشته در اثر این دسائس و
 دسائوس فرمان از طرف سلطان جاریه تجدید سخن مرکز عهد و پیمان و اجاب
 الملی صادر گشت و بهیت تقشیه تعیین گردید و بعد بنه حکما اعرام گشت پس از
 ورود از مرکز حکومت اعضاء آن بهیت با مرکز نقض و احوان و دستاورد
 مرتبط گشتند و در ارسال لوائح حدیده بمقرسیر سلطنت اقدام نمودند و با قضین ناکشن
 وعده دادند که قتل و صلب عبدالبهار بر سر و محموم است بفرموده مرکز میثاق
 نفس مدعیان و مغربان در حقوق تقشیش با ما مورین سهیم و شریک نشوند و مدعی حاکم

و شاه بنوعسن واحد کردید خطر عظیم مبرج مضمون مشو بگشت و مدت هفت سال
 طوفان شدید مرکز امر الهی را احاطه نمود و غموم و هموم بر قلوب یاران در ارض اقدس
 ایران و اقایلیم دیگر مستولی شد در کتاب و صیایا که در بحبوحه آن بلا یا نازل گشته
 این کلمات حزن انگیز از قلم میثاق در مقام مناجات صادر است و محبوبی
 و مقصودی آنست تعلم و ترمی ماورد علی عبدک المذلل سیب اتک
 و ما حنی علیه اهل البحار النا قنون لمیثاق فردانیتک النا کتون لعهد
 حضرة رحمانیک انه ما من یوم الا رمونی بسهام البغضار و ما من
 لیل الا ویتوا یشاورون فی ضرری فی السرو الخفی و ما من صباح
 الا ارجوا ما نوح به الملاء الاعلی و ما من مساء الا ان سلوا علی سیف
 الاعتراف و رثقونی بنضال الاقرار عند الاشیقا رب ورجائی

و معیشی و منائی و بحیری و معینی و ملاذمی ترانی غریقاً فی بحار المصائب
 القاصمه للظهور و الرزایا المصیقة للصدور و البلاء المسمیة بالشمل
 و المحن و الآلام المفسدة للجمع و احاطتني الشدايد من جميع الجهات
 و احقت بی المخاطر من كل الاطراف خائضاً فی غمار الطامة الكبرى
 واقفاً فی بر لافترار لها مضطهداً من الأعداء و محترقاً فی نيران البغضاء
 من ذوی القربى... ترمی یا الهی سکی علی کل الاشیا و یفرح بسلامتی ذو القربى
 فو عزتک یا الهی بعض الأعداء رثوا علی ضرری و بلامتی و بکوا بعض الحساد علی
 کربتی و غربتی و استلانی .

در صحنی که سیل بلا سحر و اضطراب عظیم قلوب را اخذ نموده و طائفین حول مشتت و

پریشان و اهل حرم حیران و نگران و جاسوسان در حول بیت موعظ و مراقب و

سفینه درین حیفا و حکا در حرکت و حاضر و مستعد که بیکل شایق را بصحرا می فریزان

انتقال دهد و هیئت نقیضیه در مدینه حیفا و اطراف مقام اعلیٰ تنفخ و تحسین مشعل

و ناقصین سبک معز در وجود سوره که ناگاه بفا و آیه مبارکه قل ان انقصا

نوید لهذا الامر و البلاء معین لهذا الظهور ابراهیمی تمسکه که دفعه واحده

منقش و مشتت شد و پرتو نماید ساطع و با هر گشت افق تیر و مار یک روشن شد

و بهر شایق که سینین عدیده بخسوف حسد و بنضامبتلا بود اشراقی جدید نمود

واقعه هائله و حادثه خظیره زلزله بارکان مدینه کبیره پسنداخت و توپ خدا

بفرموده حضرت عبدالبهاء صد نمود و شهر یاز ظالم را بجدی مرعوب و مضطرب

ساخت که از تحقیق و تعقیب قضیه منصرف شد .

طولی نماند که شورش عظیم در حاصمه آن اقلیم بر پا گشت و مشروطیت در تمام

آن مملکت اعلان گردید مفتون سیاسی کل از قید اسارت برهیزند و سلطان
خود متلا و گرفتار شد و مخلوع و منفی گشت در قاضی ایگه عبودیت از قفس سخن
اعظم پس از چهل سال محبوسیت رهائی یافت و در دامنه کرم المهی ایامی چند لانه
و آشیانه اختیار کرد و در همان سنه که سلطان عثمانیان از اوج عزت بخصیضت
بقیاد حاصل امانت الهیه بدست مبارک خویش میل مقدس نقطه اولی و عنصر اعز
الطف اطراصلی را پس از آنکه مدت شصت سال از محلی بمحلی منتقل در صندوق
مقدس بنهاد و در حضور جمعی از باریان شرق و غرب در مقام اعلی در قلب کرمل
مقابل قبله اهل بهار روضه غنا و بقعه مطهره مقدسه علییه و محله حال ملا اعلی
و در قرب مقام حضرت ایللیا استقرار داد اولین معبد بهائی در مدینه عشق بنا گشت
و اراضی اولین مشرق الاذکار امریک آتم المعابد غرب امتیاع شد و اولین محفل روحانی

بهائی در ممالک غربیه بر حسب دستور مرکز عهد مولی البستره اشخاب و تائیس
 گشت سپس اولین مؤثر ملی بهائی در امریک در مدینه شیکاگو تشکیل شد و بهیت
 تقذیه مشرق الاذکار از طرف عموم و کلهای بهائیان آن دیار اشخاب گشت و از منی
 معبد رسماً با اسم آن بهیت منجبه انتقال یافت مدارس بهائی در عاصمه اعلیم ایران و نقاط
 دیگر مستتبعاً تائیس گشت و عدد و محافل متعدده روحانیه در موطن اصلی جمال قدم
 در اثر کلک دائم ابحولان مرکز عهد اقوم تزیید یافت مجاهدین امریک از رجال و نساء
 دامن محبت بر کمر زدند و لسان تبلیغ گشودند و با قایلیم بعیده و جزایر محیط اعظم
 مسافرت نمودند و در کشور معدس ایران اقامت اختیار کردند و بتقویت معا به
 جدیداً تائیس آن اعلیم پرده پختند آوازه امر الهی بممالک المان و چین و ژاپان و عربستان
 و جزایر محیط در مشرق اقصی رسید و دایره نشریات و مطبوعات امریه در دو قاره آورد

و امریک اتساعی عظیم و سریع یافت الواح عدیده و صحف قیمه الیه بلغات
 مختلفه ترجمه و طبع و منتشر گردید و برشته‌ها را این الهی بیغزود در خلال این احوال پس از
 استقرار عرش مطهر و انجام این مشروع خطیر و تأسیس بی نظیر مرکز عمد رب قدر
 آهنگ آفاق غربیه نمود و در مدت سه سال در دیا مصریه و انگلستان و فرانسه و آلمان
 و مجرستان و منہ و در قریب چهل مدینه از مدن عمده ایالات متحدہ و اقلیم کندهاریا
 گشت و در مجامع علمی و انجمن نامی لاتعدہ و لاکھی و دارالفنونهای عمده و کنائس مسیحیان
 و معابد کلیسیان و مجامع زناده و دانشتر اکیون و صلح جویان و فلاسفه و ماود و محققان
 با وجود ضعف مزاج و تقدم سن نمره یا بجز آرا الاهی بر آورد و با ثبات حقیقت
 الوهیت و وحدت نظام مقدسه و ابلاغ امر بدیع و بسط مبادی سامیه آسیا
 و کشف اسرار دینیت الیه و حل مشاکل اقتصادی و اعلان وحدت عالم انسانی

و انداز بوقوع بلای ناگهانی بی پرده و حجاب لیلای و نهار را بپرده نخت حجر زاویه
 اولین مشرق انوار امریکت را در آیام رضوان بنهاد و مقصد اصلی حمد و شوق و
 میثاق خلیفه جمال الهی را در مجمع پیره و ان امر عزیزش در مدینه میثاق مکشوف
 و مدلل ساخت در انجمن شور و روحانی نمایندگان مرکز امریه آن اقلیم وسیع سفینه
 حاضر شد و روح حیات در کالبد مشروعات بهیبه جدید التاسیس علمداران حزب
 مظلوم بدید کتابت نماید مستتابعا نازل شد و لوله عظیم در آن قطر کریم در دها
 بیعتاد آهنگ تسبیح و تقدیس در مجامع عقلی بلند شد و فریاد یابهار الهی و
 یا علی الاعلی قلوب جم غفیری را با بهت ساز آورد و او صاف و نوت انزایی
 و مرجع اهل بهار در جرائد و مجلات و کتب و صحائف لائقه و لاصحنی منتشر گردید
 بلایای وارده بر جمال قدم و مظلوم عالم و شهادت تبشیرانسم اعظم و دهر اوق دما

برینہ پسر وان امر اعزافخم اثر و اثرش پدیدار گشت و شدت و ذلت علمی
 بر خار و عزت کبری تبدیل شد در لوحی از الواح کہ در ایام توقف در اقطار غربت
 ازیراعہ میثاق صا در این کلمات عالیات مسطور و عدہ ہائیکہ از فہم مطہر
 شنیدہ بودم کل تحقق یافت و ہذا من فضل ربی الابیہی در سخن نامہ مبارک مدون
 و مذکور کہ یومی از ایام ہر برای مجلس ثالث تشریف میبردند از شدت مسرت
 صدای مبارک چنان بلند بود کہ ہنگام تاخت و تاز کا سکہ حابرین صوت
 مبارک رامی شنیدند میفرمودند ای بہار اللہ چه کردہ فی ای بہار اللہ بقرابت
 ای بہار اللہ بقرابت ایام را بچہ مشقت و بلا گذرانیدی چه مصائبی تحمل
 فرمودی آخر چہ اساس مستینی نہادی و چہ علم مبہنی بلند نمودی و ایضا در آن سخن
 مذکور اذوقتی حسین مثنی و کردش در ذکر یاد جمال مبارک ناطق و عباراتی حزن انگیز

ذکر ایام سلیمانیه و وحدت و مظلومیت طلعت قدم میفرمودند با آنکه طریقه
 حکایت را فسه کرده بودند ولی آن روز بقیه حال مبارک منقلب شده های ای
 بنای گریه گذاردند بستی که صدای مبارک تا دور میرفت و جمیع خدام جزیه در آن
 وزارت استماع بلا یای جمال قدم و رقت قلب سر اکرم که درت و اندوه شدید روی نمود
 متعاقب این نصرت عظیم و اعلان امر معدس در آن قطر کریم و مسافرت و
 قیام حیرت بخش فرج منشعب از اصل قدیم که در ادوار سابقه و حضور خاربه سابقه
 نداشته دولت و عدلان خصم خصیم و حد و نیم و ناقص ایم الذی روح کیده الی نحو
 و با بغضب من الله ناره جنگ بین المللی بقیه مشتعل گشت و اندازات صحیح
 قلم مضم می شاق تحقق یافت ارکان بیعت اجتماعه متزلزل شد و سیل بلا بر حالین
 مندرگشت و انقلاباتش با عرض احدس سرایت نمود و در مدت چهار سال مقامات

مقدّمه را در مجرای حکایت و جمل کرمل در مخاطب عظیم بنیادخت مقالید امور بدست
 جمال سفاک و بیباک سپرده شده و فتنه فی جدید بر پاشت محاسبه غرور و اصحاب
 فتور که از تابش انوار تائید و جهابت غرش شیر میشه میثاق مرعوب مشتت
 و مایوس و متفرق گشته بودند مره اخروی امیدوار گشته فرصت را غنیمت شمردند
 و بتولید فساد و نشر ارجیف و تخدیش اذنان پرداختند بایگانان مرتبط شدند
 و در اجرای مقاصد و تحقق نوایای سینه خوش همت بگماشتند ابواب مخاره
 و مراسله با مرکز امریه در شرق و غرب مسده گشت و بیم و اضطراب بر
 قلوب جمعی از یاران در خاور و باختر مستولی شد سالار خدا بر خاصانش صریحاً
 اظهار نمود و کرا را تهدید کرد که پس از فتح اقلیم مصر شکست و مغلوبیت دشمنان
 خارجه بدفع ضرر معضدین داخله و اعدام مرکز میثاق علی روس الا شهادت تمامه

نماید و مقام مقدس را منهدم سازد و با خاک یکسان نماید شده اند و زاریا در خل
 و خارج مرکز امر بجا را در مدت چهار سال احاطه نمود و اشتعال با رخک و
 قتل و حدودت آفات و ورود انبار مو حشه و سد سبل و انقطاع انبار بر خزان
 مستولیه بر قلب مرکز امر کرد و گار بچین زد و در مناجاتی که در ایام جنگ از قلم
 میثاق صادر این کلمات مسطور: «الهی الهی تری قد اشتد الظلام الحاکم
 علی کل الممالک و احترقت الآفاق من نار العناق و اشتعلت سیران
 الجبال و اتعال فی مشارق الارض و معارجها فالدمار مسفوکه و
 الأجساد مطروحه و الرؤس مذبوحه علی التراب فی میدان الجبال
 رب رب ارحم هولاء الجبال و انظر الیهیم بعین العفو و العفوان و اطفأ
 هذه السیران حتی تنقش هذه العیوم المتکاثفه فی الآفاق حتی تشرق

شش تحقیقه بانوار الوفاق و نیکشف هذا الظلام و یستنصی کل الممالک
 بانوار السلام رب قد طالت المحروب و اشتدت الکروب و تبدل
 کل معمور مطمور رب اعث فی بلادک نفوسا خاضعة خاضعة منورة
 الوجوه بانوار الهدی منقطعة عن الدنیا ناطحة تالذکر و الثناء مباشرة لتغایت
 قد سکت بین الوری .»

طولی نمشید که باثر این مناجات جنگ جهانسوز پایان رسید و مرکز امر آینه
 دو دو بقعه مقدسه مطهره نوزاد از خطر عظیم بر بهید سپاه انگلیز غالب و منصور گشت
 و جمال پر وبال مغلوب و مقهور شد و بیعت تمام فرار اختیار کرد و خائب و خاسر
 گشت دولت قاهره در ارض مقدسه علم بر افراخت و سالار انگلیز بر حسب
 تعلیمات و سفارشات اکیده وزیر خارج به شرف مشول فائز گشت و در حضور مرکز

میثاق بزبارت مرقدنیه آفاق فائز و نائل شد مخاطرات حلیمه که در مدت
 شصت و پنج سال در اثر تعدیات و تجاوزات حکام و مأمورین عثمانی در عراق
 عرب و مدینه کبیره و اراضی بنه و حصن حکما جمال ابی و مرکز میثاق را احاطه
 نموده بود بکلی زائل شد و سه منبع مرتفع گشت و صدق آیات کتاب اقدس
 ظاهر شد و جنین برلین مرتفع گشت و امپراطوری آلمان و نمه منقرض شد
 و وسائل هجرت و توطن انبار خلیل و وراثت کلیم در اراضی مقدسه منسوخ گشت
 باب لغا بر وجوب شتاقان و سو حکان آتش حرمان منقوح شد و دایره محاورات
 و مراسلات وسعت یافت الواح عدیده در مسائل متعدده از قلم میثاق
 نازل و سیرعت تمام و بحال آزادی در اطراف جهان منتشر گشت فرمان
 الهی خطاب بفارسان مضامین خدمت در امر یک رسماً ابلاغ گشت و بر لیغ

بلیغ تبلیغ که بصورت الواح مخصوصه از قلم میثاق خطاب مجبور مؤمنین و
 مؤمنات در آن دیار صادر انجمن روحانیان در حیدر ضوان در آن سامان
 ملاوت گشت و اعلان شد نقشه بیع بعد عظیم ایشان بایران را در آن سامان
 بهیئت نمایندگان با اتفاق آراء انتخاب نمودند و بوضع اساس آن بنیان قومی^{کان}
 پرداختند و در قزیه شهره مخبر المبلغین و المبلغات قدم بمیدان تبلیغ نهادند
 باستقامت عظمی بر خاست و پرچم موهبت کبری را با نقطاع و شجاعتی بی نظیر
 مرتفع نمود جمعی از مؤمنین و مؤمنات با قایلیم بعیده مسافرت نمودند و بفتح
 قاره استرالیا و ندای مملکت هند در اقلیم برازیل در قاره جنوبی امریکا و افریقا
 جنوبی و ممالک ایتالیا و سویس و هلند و مجرستان و تونس مغتخر گشتند در عرض
 اقدس صیت عظمت و قدرت و بزرگواری طلعت میثاق یو ما فیو ما برابر ارتفاع

بیفزود و معنای طیس حبش قلوب جمعی را از وزیران و اماران و علماء و ادبای آن انگلیز
 و عرب و عجم بر بود کل از خاص و عام بزبانش معترضه و از انوار بدایتش مستفیض و
 بر خوان نعمتش جالس و از بحر وجود و کرمش مستمد و بجد و ستایش و شکرانه نعم و الایش
 ناطق ناقصین حسود و مجود چون موش کور در حرات خود خرنیده و از تلالو انوار
 گوگب میشتاق حیران و پریشان اذاتم ماصد من قلم المیثاق این بصورت
 بمنزله بعضند چندی در گل و کثافات خویش می غلطند یکت عربده فی میانداز
 و عاقبت گمان لم یکن شیئاً مذکوراً معدوم کردند و دسترون آن الاشته
 الساطعة من شمس المیثاق احاطت الافاق و زلزلت ارض الشباعت
 و فاض غمام الحمد و خیف خدیر النقص یومئذ ترون جمال الحمد مستقراً
 علی کرسی الجلال و آیات المیثاق تتلی علی الافاق ؛ و همچنین در لوحی از انوار

از قلم مرکز عهد در بیان خلقت میثاق الهی این کلمات عالیات صادره ای
یا زبان الهی سراج میثاق نور آفاق است و حقیقت عهد موهبت اشراق کعب
پیمان مه تابان است و اثر قلم اعلی بحسب ربی پامان رب مجید در ظل شجره انیساء
جدید بست و میثاق عظمی نهاد آیا در بیح عهد و عصری و زمان و تشریف چنین عهد
تحت یافته و یا میثاقی با اثر قلم اعلی دیده شده لا والله « و همچنین میفرماید: قوه میثاق
مانند حرارت آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه را تربیت نماید و نشوونما
بخشد همچنین نور میثاق عالم عقل و نفس و قلوب و ارواح را تربیت نماید و
همچنین میفرماید: «العهد الذمی اخذه الله فی ذر البعار المکرر المیشاق
و در مقام دیگر میفرماید: «هذا المیشاق الذمی اخذه الله تحت شجره انیساء یوم
ظهوره و اشراقه فی ذر البعار ثم تحتم و مثل فی ملکوت الایمان علی صور

لوح منقوش بالقلم الاعلی سبحان ربی الابهی؛ وایضا میفرماید سبب اتوی
 و ذیل ردای کبریاء عهد پیمان حضرت یزدان است ... بدان عروه و ثقی که از او
 ابداع در زبر و الواح و صحف اولی نازل عهد و میثاق است و ایمان و پیمان مختماً
 علی الاطلاق؛ ایضا میفرماید این گوهر گمانه در انعوش صدف ملکوت ابهی
 پرورش یافته و در سلک قلم اصلی در آمده و از اول ابداع نظیر و مثیل نداشته و چنین
 در لوحی از الواح این بشارت عظمی مسطوراً قد رجح حدیث یوسف فی نفس
 عبد الجبار و القوه فی السبر الظلماء اهل البحار و سیر در ابد البقار و یدلی
 دلوا الوفار و یقول یا بشری هذا غلام البهار و یعرضه فی معرض مصر^{العل}
 و یحلی سبور المیشاق عن مطالع الافاق و یخومن سجن او هام اهل الشبهات
 و یحمله الله عزیزاً بعد ما منی ذلیلاً بین متبعی المتشابهات و علی المحکمت

و يقول المتكبرون تالله الحق ان الامر مشرق لاسخ سبحان من احدا
 وجعلت منظر التأييد و مركز العهد الجدي « و ايضا در بيان عظمت ميثاق طه
 اين كلمات صادره اليوم ميزان كل شي و معناطيس تاييد عهد و ميثاق رب مجيد
 است و اگر روح القدس مجسم گردد و فضا اذني توقف نمايد قسم بحال قدم
 روحى لاجبائه الفداء كه جسم معوق و جسد معطل گردد و بالعرض طفل ضعیف ثبات
 در سوخ تمام قيام نمايد جهنم ملكوت ابهى نصرت او نمايد و ملا اعلی افاضت
 او كند عنقریب این تسعیر اشكار گردد .

رجه كبرى و مصیبت دهم ، افول نجم درى ميثاق جمال ابهى و صعودي كانه مرجح
 مخصوص و پشتیبان اعظم اهل بها و انفعال خصم بر مندا اعراض اعلی از عالم ادنى
 و فقدان اب خون و مولای بهیت بساط احزان رامة اخری گسترانید و

انقلابی جدید و وحشت و دشتی عظیم احداث کرد و خفاشان بحرکت آمدند
 و از حضرت یاس بیرون دویدند و جولانی نمودند و عریضه فی ابدان
 سالانه نقض که سر در حیب غمخوار بود برده بود فقدان درع اعظم امر الهی را
 فنیت شمرده علم بر افراخت و پای بفرستد و بکلمه قد صطفینا متمسک گشت
 و بشر ارجیف و تحریک و تدلیس و تخدیش از زبان مشغول شد تا بنیان الهی
 را که بقوه باروی همایون غصن یزدانی و سلوک در فتار و بیان معجز شمش
 در عالم امکان محکم و استوار گشته از بنیاد براندازد و امور مستقیمه را معوج نماید
 در حیات بیت و نه ساله آن مولای منیر در راه در دهد و عالمی را بخسرن
 اندازد و دشتی از نفوس موهوم و راهی سافل باو گردیدند و در ایجاد رخه و اشتقاق
 در جامعه بین المللی پیروان تیر افاق همت بگماشتند ز غیم ثانی و جمعی از

بلهار و بلدا، از خویش و اعوان در حول مقام مقدس مجتمع گشتند و بجزارت
 تمام مفتاح آن مقام را از پاسبان و باغبان روضه مبارکه خصب نمودند
 و بولایه امور و رؤسای شرح مؤسسه گشتند و بشر ارجیف و هدایات و
 کلمات لایسمن و لایعنی مشغول شدند و ادعای اولویت در تولیت مطاف
 علا اعلی و قبله اهل بها نمودند فائق امری باعده فی از جهلا در دیده قاهره
 جمعیه علمیه را بهانه نموده و تجزیه بنیان محل روحانی و تثبیت شمل یاران و
 استحکام اساس ریاست خود قیام نمود و فساد عظیم بر پا کرد زنی در امریک
 خود سران و جسورانه فسر یاد بر آورد که وصایای مقدسه مرکز عهد رب البریه
 بی اصل و محول است و از وجه اعتبار ساقط و کمال جدیت و عناد در
 امریک و انگلستان بر اثبات مدعای خویش برخاست و مبالغی در این

بیل مصروف نمود و حکومت فلسطین ملحق گشت و وجهی فرستاد و
 اصرار و ابرام نمود که ولایة امور خود در این امر خطیر تحقیق نمایند و اقدامه دعوی
 کنند و این تزویر و خدعه را در جمیع اطراف اعلان نمایند نفسی که از مؤمنین
 امر آنه در اقلیم آلمان محسوب و در سلاک مبلغین محشور در دام این نفس خافله محجبه
 گرفتار گشت و از منبج قوم منحرف شد و بعضی را با خود همسرا نمود و بدلت
 در این مبتلا گشت قطره آسنه آواره پیچاره بر اظفار نار موقده الیه بهمت تمام
 و بعضای عظیم و مسی دوری کامل قیام نمود و بقاومت امواج ططام عظیم
 برخاست بلجی شدید و عباراتی شنیع و تاویلاتی رکیک و کلماتی قبیح بر تحقیر
 و تزییف و توہین امر اعظم در تالیفات متابعه اش قیام کرد و بشرا را با
 و بیانیات مدتی مدید مشغول شد و بر عزم باطلش کشف الخطا نمود و امین نارین را

رسوای خاص و عام کرد و شریعه سمحه بفسار از بس یاد بر انداخت با علمای
 سوء و تبشیرین ملت حضرت روح و دشمنان دیگر مرتبط شد و روی اعدای
 پیشین را سفید نمود و از افترا و بهتان چینی باقی نگذاشت و بخود و عده داد
 که در اندک زمانی امر الله را مستأصل و نظم الهی را پریشان و حرب الله را
 مفضل گرداند و اثری از دین الله در خاور و باختر نگذارد و دشمنان دیرین که در عراق
 عرب مدتی مواظب و در کمین بودند و از اشراق انوار امر جهان آفرین در الهی
 و اقدامات مرکز حمد یزدانی در تقسیم و ترمیم بیت اعظم در مدینه الله در سین ایبره
 بر آشفته و در آشفته همچنان صعود مرکز پیمان را غنیمت شمرده دست تطاول گشودند
 و آن مقر مقدس را جارانہ تصرف نمودند و اولیای اموری را با خود متفق ساختند
 و دوله و آشوبی انداختند و با استحکام تعدیات و تجاوزات خویش بهت تمام

پروا نهند اذ اظهر ما اخبر به القلم الاعلى في السنة الاولى في ارض السمر
 قوله المبارك المنسوع ثم اعلم بان ليس هذا اول ومن نزل على بيتي وقد
 نزل من قبل بما اكتسبت ايدي الظالمين ويستل عليه من الازل ما تجرئ
 به الدموع عن كل بصير كذلك اتقينا اليك بما هو المستور في
 حجب الغيب وما اطلع عليه احد الا الله العزيز الحكيم ثم تمضي ايام ربيع^{السه}
 بالحق ويجعله علما في الملك بحيث يطوف حوله ملا العارفين .

اين سخن ان شهيد و همچنان عظيم پس از احوال كوكب مشتاق و اين لطافات
 متابعه و قيام دشمنان داخله و خارجه و تعديات و تجاوزات احد اديني
 و سياسي و دسائس و وساوس خصما قديم و جديد بمغاد آيه مباركه اقل ان
 الاعراض من كل معرض منسا و لهذا الامر و به انتشار امر الله و ظهوره بين العا^{لمين}

براشتها را امر الله و استحکام بنیان زمین و زمین معین زد و شعله اش افروخته
 گشت و صیقلش مرتفع تر شد بشهادت قلم میثاق خرق علت التیام و منع
 باعث تشویق گشت اهل و فایز پرورده ی دعنا یت حضرت عبدالبها گشته و
 قیامی عاشقانه نمودند و در حصن حصین و صایای مقدسه متحصن گشتند و موکلا علی
 تاسیس نظم بدیع قیام نمودند و بانفای وظایف مقدسه مفروضه موجوده
 مشغول گشتند طولی نکشید تا یه شدید متابعان برسد و قوه قدسیه نبغانی جدید
 نمود و در صیحه الهی وزیر کیم من اقصی الابھی و نصر من قام علی نصره امری بخود
 من الملأ الاعلی و بیل من المملکة المقربین ظاهر و آشکار گشت دشمنان
 مره آهنی منسوب و مخدول گشته و امر الهی نافذ و غالب گشت معاص
 آن مقام مقدس پس تحقیقات کامله از طرف مقامات رسمیه بواسطه

حاکم انگلیز در جواب آن مرقد منور تسلیم بمان پاسبان و باغبان گردید و مقبره
 و وساوس جهلا و بلها بر دلاّه امور واضح و مبرهن گشت و مجهودات و مساعی
 خائنین و مغرضین و متکبران و طالبین ریاست کل به در رفت بلکه نتیجه باعکس
 بخشیده بیت اعظم جمال قدم شرفی عظیم یافت و از محکمه شرعیّه جعفریه
 بحاکم اهلیه و سپس بحکمه علییه در آن ارض منتقل گشت و اخیراً در بساط جمعیت امام
 مطرح مذاکره و مناقشه در بین نمایندگان ممالک مختلفه و وزراء و مشرکان و
 وکلای دول شرقیه و غربیه واقع گردید و عاقبتاً الامر پس از تحقیقات کامله ظلم
 و تعدی شیعیان ثابت و مبرهن گشت و نظّم بهائیان معتبول واقع شد و
 شهادتی خطیر رسماً صریحاً از طرف عصبه امم اعلان گشت و نصّ شهادت در
 نشریات رسمیه و بساط مختلفه در شرق و غرب منتشر گردید و حکومت بریتانیا

از طرف نمایندگان حکومت مختلفه سفارشات اکیده کتبا و رسماً ابلاغ گردید
که حکومت عراق تعلیمات لازمه در محافظه حقوق مسلوبه مظلومین و دفع شرخای
صادر کرده در خلال این احوال بحسب تعلیمات الهیه و مطابق وصایای و اوقیه متقنه
اکیده صریحه نظم اعظم و لیسد میثاق جمال قدم با حسن ما یکن فی الابداع بدست
حامیان امر الله و بانیان قصر مشید دین الله تا نسیس گشت و قوا هم و دعائم دیوان
عدل الهی در خاور و باختر متدرجا منضوب گردید قوه قدسیه که در مدینه طیبه شیراز
نقطه بیان در سنه شستین بان بشارت داده و در سنه تسع در ارض مقدسه در زندان
طهران متولد گشته و تصرفات اولیه اش در مدینه الله نمودار گشته و در ارض سر
سنه شانین بمنستی در جبهه قدرت در تحایق کائنات سربان و نفوذ نموده و در ایام
قیادت مرکز میثاق از سخن عظیم بجهان فرنگ سرایت کرده و اقالیم عربیه را

بجزکت آورده پس از آنکه گوید میثاق این قوه ساریه و افعه نافذ در مشرعات
 و مناسبات بیه پیروان امر خداوند یگانه حلول نمود و مجسم و مشخص و مشخص گشت
 در کتاب بیان که در سخن آذربایجان در بدو شاه امر حضرت رحمن نازل این شب
 علمی از سلم مشر جمال کبری صادر قوله الاصلی: بطوبی لمن نظیر الی نظم بهایه
 و شکر ربه فانه نظیر و لا مرد له من عند الله فی البیان الی ان یرفع الله ما
 یشاء و ینزل ما یرید انه قوی قدیر پس در کتاب اقدس شایع قدیر بیان نظم
 بدیع خود اشاره فرموده قوله عز بهاء: قد اضطرب النظم من هذا النظم اعظم
 و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت حین الابداع شبهه
 اغمسوا فی بحر بیانی لعل تطلعون بما فیہ من لسانی الحکمة و الاسرار
 این نظم بدیع را که شبه آن چشم عالم ندیده و در هیچ یک از ادوار سابقه و ادیان
 صحیح

مثل نظیر نداشته و حضرت اعلیٰ بصراحت تمام بآن بشارت داده و با هم
 مبارک موجود بیان مرتب فرموده و اصول و احکامش را جمال ابی خود در کتاب
 مقدس اقدس که مرجع اهل عالم است نازل فرموده کیفیت تائیسش را طلعت
 میثاق در کتاب وصایا تبیین و تشریح فرموده و جالسین فلک بها متمسکین بحر حقیقت
 و ثابتین بر عهد اونی و بانیان این نظم اعراضی بوضع اساسش و رفع قوائم و قواعدش
 متحد استقامت خاور و باحقرتیام و اقدام نمودند محافل روحانیه که اس اساس این نظم
 بیع است متابعان دردن و قرنی در اقالیم متعدده تائیس گشت و تعمیم یافت
 و بجهت های امریه که ایادی و اجزای آن محافل مقدسه اند تشکیل شد و صند و قهای
 خیریه در تحت اداره متجین جمهور مومنین و مومنات کا ملا ترتیب یافت در کتاب
 اقدس این امر الیذ از قلم شایع قدیر صادر قوله غراجلاله انقد کتب الله علی کل

مدينة ان يجعلوا فيها بيت العدل ويجمع فيه النفوس على عدد البهائم
وان ازداد لابس وبيرون كأنهم يدخلون محضر الله العلي الاعلى وبيرون
من لا يرى ويمنع لهم ان يكونوا امسار الرحمن بين الامكان ووكلاء الله
لمن على الارض كلها وشيا وروا في مصباح العباد لوجه الله كما يشاء ورو
في امورهم وحيث اروا ما هو المتعارف كذلك حكم ربكم العزيز الغفار
« في الواح مركز شياق راجع باين محافل روحانية اين كلمات دريات نازل
افهذه المحافل الروحانية مؤيدة بروح الله وحاميه عبد البهائم وشيخه
عليها فحل من موهبة اعظم من هذا وهذه المحافل الروحانية سرج نورانية
وحدات ملكوتية تنتشر منها نجات القدس على الافاق ويشرق منها
انوار العرفان على الامكان ويسرى منها روح الحيات على كل الجهات . »

پس از وضع اساس این نظم بدیع محافل مرکزی که من بعد بیوت عدل خصوصی معروف
 و معروف خواهند گشت بواسطه دکلمای مؤمنین و مؤمنات در اقلام مختلفه تاسیس
 گشت و ارکان و اعمده این قصر شید منسوب گردید بجنه های ملی پی در پی تشکیل
 و انجمن های شور روحانی و صندوق های خیریه مرکزی مرتباً تاسیس یافت و دستوار
 بهائی و قانون اساسی جامعه بهائیان بکمال دقت تدوین گشت و بلغات مختلفه
 ترجمه و منتشر گردید و بر انتظام دوائر امریه و ارتباط مراکز بهائیان سبکدگر و تقویت
 وحدت جامعه بین نمود سپس نمایندگان ملت باب مخاربه با اولیای اموات
 گشودند و تسجیل محافل معدسه روحانیه پرداختند و اعتبار نامه های رسمی اردو اردو
 تحصیل نمودند محافل مرکزی بهائیان امریک و هندوستان و مصر و استرالیا و انگلستان
 و همچنین عده ای از محافل محلی در اقلیم هندوستان و آلمان و برما و کنده او قاره استرالیا

و جزایر محیط اعظم و چهل محفل از محافل محلیه روحانیه در قاره امریکای جنوبی
 جاریه متبوعه در این ممالک مختلفه رسماً تبسیل گشت و صفت شرعی یافت و
 نظراً و لیای امور از دوایر مشرود معتبره محسوب گردید طوئی نکشید که اوقات
 بهائی در نهایت مسانت تائیس گشت و اماکن متبرکه و اراضی وسیعه و معابد
 خطا مختلفه بنام این محافل معتبره مرکزی و محلی در دوایر ثبت اسناد در این ممالک
 مختلفه رسماً اشغال یافت در ارض اقدس قلب العالم قبله الاظم تیاج و ترا
 مشروع رفیع غنیمت که جمال قدم نبغه الاعز الاکرم در آن ارض پس از خسر و ج از
 سجن اعظم تائیس فرسوده پس از ابتیاع ارض اصلی و بنای آن مقام استنی
 و استقرارش نقطه اولی متدرجاً ظاهر و پدیدار گشت اراضی مجاوره آن مقام
 محمود در قلب جبل کرمل بهبت یاران جانفشان الهی ابتیاع گشت و بارضی

موقوفه قبل منضم شد و قیمت کافه موقوفات جامعه بهائی در آن بقعه مقدسه
 بنیم طویون جیسند برسد و شعبه دو محفل مرکزی بهائیان امریک و هندوستان
 بحسب قوانین حکومت فلسطین تاسیس شد و قسمتی از این اراضی جدیده الابیتاع
 پس از اجراء و اتمام سی معامله قانونیه در اداره ثبت اسناد و رعایا لائف انجمن
 الالکسبره وابنه باسم شعبه محفل علی بهائیان امریک استعان یافت طولی کشید
 که این اراضی وسیعه بتماها از رسوم دولتی معاف گشت و از اوقاف ^{الدینی} بین
 جامعه بهائی محسوب شد حجرات آن ضریح معدتس مطابق اراده نافذه بانی آن
 مرقد منور تکمیل گشت و طبقات آن مقام مطهر امتداد یافت محفظه آثارین ^{الدینی}
 بهائیان تاسیس شد و آثار نفیسه مشتمه در سه حجره متصل بان رس مطهر جمع و منظم
 گشت گلزار مقام اعلیٰ نرنبگاه عموم از طبقات و طوائف مختلفه گردید و برایشتهار

و عظمت آن مقام رفیع بسینزد و موقوفات جدیده در مرجع علما و جنوب
 فلسطین و ماوراءالنهر ارون تأسیس گشت و قصر رفیع جمال قدم پس از آنکه چهل سال
 مرکز و مسکن شخصی ناقصین ناکثین بود رعماً لانهتم نخلیه گشت تعمیر و روشن شد
 و از مالیات معاف گشت و از موقوفات بین المللی جامعه بهائی محسوب گردید
 و زیارتگاه عموم از یار و غیا گشت اماکن متبرکه که در کشور مقدس ایران در ایالات
 مختلفه و عاصمه آن مملکت ایتماع گشت و اراضی وسیعه که مساحتش حال از
 سه طویون متر مربع متجاوز در خاج عاصمه آن استلیم در دامنه جبل البرز مشرف بر
 ارض مقدسه جهت بنامی اولین مشرق الاذکار بهائیان ایران ایتماع شد
 و موقوفات علی بهائی در آن سامان منضم گشت حطائر قدس علی و مرکز اداری
 نمایندگان جامعه بهائی در مدینه ائمه و اراض طار و در جوار اتم المعابد غرب و عاصمه

بندوستان و عاصمه اقلیم مصر و اولین مرکز امرالله در قاره استرالیا پس
 گشت و مدارس تابستانه و معاهد مختلفه متعدده جهت ترویج مصالح امار الرحمن و جوانان
 و اطفال جامعه تاسیس یافت دفتر بین المللی بهستانی در قلب قاره اروپا
 و مرکز جمعیت احم تشکیل شد و الواح اصلیه بر حسب تعلیمات محافل روحانیه
 در محالک شرقیه استنساخ گشت محافل جدید التاسیس بهاسیان با انجمن های
 متفرقه عمومیه در امور عام المنفعه و ترویج مصالح بهیت اجتماعیه و مساعی خیریه اشتراک
 نمودند و باب مخابره و مراسله جهت تبشیر امرالله و احقاق حقوق مظلومین گشوده
 بلوک و امراء و وزراء و علماء و اادبا کتب قیمیه و صحف الیه را تقدیم نمودند و در
 اثبات عمومیت و جامعیت امر الهی کمال شجاعت و متانت من دون ستر
 و خاجه بلخ مسندول داشتند .

در این اثنا بطرفی دیگر جامعه قومی الأراکان پیروان جمال حرم و ارگشت
 و از ناحیه غیر منتظره دشمنان دینی و سیاسی هجومی عظیم بر مقدسات و مؤسسه
 امر بهائی نمودند تا بنسب نظم بدیع و ارتفاع قواعد و نصب احمد و قصر شید و دشمنانی
 جدید مبعوث نمود و محرک عرق حبیبیت اعدای قدیم گشت علمای سنت و
 جماعت در اقلیم مصر مرکز عالم عربی و اسلامی حجاب اعظم را بدریند و حجاب
 مکنونه مستوره که در مدت هشتاد سال در خلف حجاب حکمت متفوح بود بصراحت
 طبع اعلان و اثبات نمودند محکمه شرعیة اسلامیة در اثر تأسیسات جدیدة بهائیان
 در دیار مصریة حکم قاطع انفصال بحب بیان را رسماً و کاملاً از شریعت محمدیة و احراق
 آمان را از جامعه اسلامیة صادر کرد و عقد ازدواج را بین بهائیان و مسلم نسخ نمود
 و زوج را از زوجه منحل کرد و ازداد و کفر و الحاد متمسکین بشریعت سماوی را اعلان نمود

و باستقلال امر اعظم الهی شهادت داد و بدلائل متقنه و آیات کتاب اقدس
 و الواح منتهه صادره از قلم اعلی و کلمات مشتاق اصالت دین مبین را
 اثبات کرد و این حکم شدید و صریح را معنی دیا مصریه و قاضی القضاة درین
 قاهره هر دو تصدیق و تائید نمودند و در جرائد و مجلات در اعلام مصر و محاکمات
 مجاوره انتشار دادند و باین شهادت اعظم اولین قدم را دشمنان دینی امر
 جمال قدم در سبیل استقلال آئین اعز اقدس اکرم برداشتند در این حکم مبرم این چهار
 صریحه مسطوران البهائیه دین جدید قائم بذاته له عقائد و اصول و احکام
 خاصه به تغایر و تناقض عقائد و اصول و احکام الدین الاسلامی
 تناقضاً تاماً فلا یقال للبهائی مسلم و لا العکس کلا یقال بوذمی او برهمی
 او مسیحی مثلاً مسلم و لا العکس للتناقض فیما ذکره و از برای سد باب مراجع بهائیان

خواش وزارت عدلیه صادر گشت و نص آن فتوی در جراید منتشر شد.
 این فتوای خطیر که متمم حکم محکمیه شرعیّه محسوب این عبارات بدون و مسطور:
 «ان هذه الطایفه لیست من المسلمین - ومن کان منهم فی الاصل مسلماً اصح
 باعتبارها لم اعم هذه الطایفه مرتداً عن دین الاسلام و خارجاً عنه بحرمی
 علیه احکام المرتد المقرره فی الدین الاسلامی القویم و اذا كانت هذه
 الطایفه لیست من المسلمین لایجوز شرعاً دفن متاهم فی مقابر المسلمین
 سواء منهم من کان فی الاصل مسلماً و من لم یکن كذلك» این حکم
 شدید علمای دین و احسن ارجح صریح از جامعه مسلمین و تولید مشاکل عظیمه و وقوع اتحانات
 شدید از برای مومنات و مومنین در آن سر زمین و اقالیم دیگر در ممالک اسلامیّه
 منضم بطلمات دیگر از طرف سیاستیون و حکام گشت محن و بلا یای سپردن

شیخ و دیسہ جمال اپنی درکستان و ققازیا در این اثنا شدت یافت و مخر
 بتوقیف و استنطاق نمایندگان بہائی و منستی بالغا، محافل روحانیہ و بحثہ ہائی امریہ
 و معاہدہ دینیہ و منع مجاہدہ با مراکز خارجہ و ضبط کتب و اوراق و الواح الہیہ و نہی از
 تبلیغ و ابطال دستور بہائی و بستن مدارس و حجر و استملاک مشرق الاذکار و
 جس و زجر و تبعید گشتہ مؤمنین و مومنات در آن دیار گشت

در خلال این حوادث جائگہ از دو قوحت خطیرہ و اظہرہ ازہی اشعہ تائید ساطع گشت و فیما بین
 توفیق بر جانان امانت الہیہ در سولان حضرت رب البریہ نازل شد بمغایہ
 شریفہ قد جعل اللہ البلاء خادیۃ لہذہ الذکرۃ الخضرۃ و ذبالبہ تلصبا سہ
 الذی بہ اشرفت الارض و السماء قیام امرار و حکام و وزراء و حکم حسنہ حج
 و نسبت کفر و الحاد از طرف رؤسای شرع و تعدیات و تجاوزات رؤسای وزراء و ممالک

پر شوکت و اقدار باعث نصرتی جدید و فتحی مبین گشت اعلان یوم مجید فصل
 و تولید مشاغل مستنصره جدیده و حدوث امتحانات عظیمه و تضحیقات شدید و پروان
 اسم اعظم را دقیقه‌ی از ایضای و طائف مقدسه خویش باز نداشت و عربده
 و بیابوی جهال حلت فتور و اضطراب و احتمال گزودید حسب هدی حامیان امر
 المهی علی الخصوص نواب جامعه بهائی و حضرت راضیت شمرده علم مبین را علی
 روس الا شهاد بر او داشتند و در اعلی المعامات کوس استقلال امر بهار را بگفتند
 و امن بمت بر کمر زدند و با اعلان حقایق مستوره و کشف اسرار مخزون و تغذی حکام
 الهیه من دون کتمان و تعقیه بکمال صراحت و شجاعت و ممانت اقدام نمودند
 باب مخابره را رسماً با ولایه امور در اقالیم مختلفه گشودند و در احقاق حق مظلومین
 و رد مغترین و مبطلین و دفاع از شریعت حضرت رب العالمین و کشف اصول

واقامه حدود و تنظیم شعائر و شهرنساب و نوایس دین مبین و ترتیب و تدوین
 احکام کتاب اقدس و ترجمه مجموعه مندرجات معتمدان کتاب مستطاب بلغات
 مختلفه و طبع و انتشار و تقدیم آن با ویلای امور جهت بگماشتند از دو اثر غیر
 و کائنات و معابد ادیان عقیده جامعه را رسماً منقصل ساختند و عدم قبول وظائف
 شخصی را در معابد و مؤسسات دینی از مسیحی و کلمبی و اسلامی و بودائی و زردشتی
 و نشریات خود من دون تردید و عداوت در شرق و غرب اعلان نمودند تهید
 و توقیف و حبس و تبعید و تحقیر و تزیین و ضبط اوراق و حرق کتب تعطیل
 دوا و بستن مدارس ادنی خلی و یافتوری در عزم و استقامت نمایندگان
 جامعه بهائی ایجاد نمود و علت انحراف گروه مجاهدین از صراط مستقیم و منج گویم
 میزان عدل الهی منسوب شد و مضمومات کتاب اقدس را صحیح بصوم و صلوة و

از دواج و طلاق و میراث و تجیز و تکلیفین و تدفین اموات و احترام از مشروبات
و محرمات دیگر تعمیم و تنقیذ کشت تعطیل عمومی دوازده امریه در ایام مستبر که محرّم
در ممالک شرقیه و غربیه اعلان گردید و رسمیت آمین مولی البسه به تحقیق یافت
و حکم انفصال اداری متمدین و مخسرفین از جامعه بهائی و محرومیت آنان از حق
اشتاب و عضویت محافل روحانیه در اقلیم مقدس ایران و اقالیم دیگر جاری شد
در ارض اقدس شعار امریه بی پرده و حجاب مجری کشت و تسجیل عتدنامه بهائی
در دوازده حکومتی و معافیت مقامات مقدسه و توابع آن از رسوم دولت از
طرف اولیای امور تصویب گردید اجازه رسمی از طرف ولایه امور در قطر مصر
جهت تاسیس مقابر بهائی پس از مناقشات طولانی و مفاوضات رسمی حاصل
شد و زمین از طرف حکومت مصریه تعیین و تحویل و تسلیم اسامی محل مرکزی در آن

اقلیم گشت در قاره امریکای پنج ایالت از ایالات متحده محافل روحانیه محلی
 باخذ تصحیح کتبی رسمی از برای اجرای عقد بهائی و عدم مراجع به محاکم مدنی و دوائر
 دینی و ثبت عقد نامه امری در دوائر دولتی موفق و منتظر گشتند و از طرف وزارت
 جنگ در وسای شکر محض مرکزی آن اقلیم به ثبت اسم اعظم بر مرقده بهائیان
 در متعابر حکومتی لاجل امتیاز از متعابر مسیحیان و کلیسیان مازون گشت رفته رفته
 شرعیه عزاد طریقه سحر بیضیا شهره آفاق گشت و سر مصون و کثر محزون
 ظاهر و پدیدار شد و مسکن اهل محب اعمال کل افاک ایشیم بر بدعیان در مادیاران
 مکشوف گردید اعلان انفضال شریعت حضرت ذوالجلال توأم با قبل
 ملکه نیک طینت خوش خصال با مرطیک متعال گشت و بر اشتها امر الهی
 بیفزود و قلب محمد آن ملکه فرخنده اختر سفیده ملکه انگلیز و امپراطور روس

که با قناریه هر یک از قلم جمال قدم در دین درود و سبحان عظم توقع مکرّم فخر
 نازل گشته در اثر مطالعه کتب امریه و مکالمه و مذاکره با آن نفس منقطعه زکّیه و قبسه
 ناز محبت الهیه مجذوب تعالیم سماویه گشت و آثار بیه اش در عالم اشراق نمود
 و در بیض غبر انتشار گشت طوری ناشیده که بعرفان طبع با بشا اعلانهای
 متتابعه در جبهه متعددّه در تعالیم شرقیه و غربیه پرداخت و با وجود نفوذ روسا
 کنیه و ارتباط به بطریک عظم در خاصه مملکت علناً با سلو بی بدیع و بیانی
 فصیح و طبع و شجاعتی بی نظیر شهادت بتمام جمال قدم در رسالت رسول اکرم
 و علویت و جلالت امین اسم اعظم داد و در مکاتیب متعددّه بدوستان و
 متعلقین خویش و بأم روحانی خود ستایش از تعالیم الهیه نمود کتب امریه
 را از لندن خود را سا طلبید و سنن متواتره بمطالعه و تخرّس در آن آثار نفیسه مشغول

و از سر چشمه آب حیات نصیبی و انس برود سپس با صبیحه خویش عزم زیارت
 و طواف مقامات مقدسه نمود و در جراید شرق و غرب خود این نیت را
 اعلان کرد و وارد مدینه مبارکه حیفاشد و از حصول مقصد و مراسم ممنوع و محروم
 گشت و از منع سیاحتیون در نامه‌ای مخصوص بخواخوش سگایت و اظهار استغاث
 و تحسّر نمود در نامه‌ای که بخط خود این ملکه ادیبه فاضله مرقوم نموده این عبارات عالیه
 مسطور: پیام حضرت بهار الله و حضرت عبدالباقا، نورانی عظیم در من احدث
 نمود این بشارت چون تخم پاک در ارض دل مملنی تام یافت که چهرترین صبیحه
 من نیز تقویت روح و تسلیت خاطر موفوری از تعالیم این دو مولای محبوب احسا
 مییابد و من حسد و این پیام را از فم میرسانیم و بهر نفسی که ابلاغ میگردد
 فی الفور طمع انوار در وجهش لامع و نمایان میگردد بعضی از به خطاران من تعجب نمایند

و این جرئت و اقدام مراد اعلان کلماتی که نفوسش از عادات تاجداران
 عالم نبوده تصویب نینمایند ولی محرک روحی مرا چنان تحریک باین اقدام نماید
 که معاومت نتوانم در اعلان اولش خطاب بجموم اهل عالم این مکتب بندگان
 باین نصیحت عظمی ناطق گشته بهر هنگام نام محبت باشد یا عبد البها، سمیعان رسید
 از تمن در آثارشان غفلت نمایند در آثار و کتبشان تعمق نمایند و بگذارید کلمات
 و تعلیمات بهیه صلح آورنده محبت و بندگان در اعماق قلوبشان چنانچه در اعماق
 قلب من متراکمه گشته اند و همچنین در اعلانهای دیگر او این شهادت کبری
 مسطور و مرقوم: «این بهائی منادی صلح و سلام است و مروج حسن تفاهم در
 بین انام پیامش مصدق او یان العیة است و مبداءش موافق معتقدات سابقه
 هیچ بابی راست نماید و سبیلی را مفتوح گذارد در حینی که قلم از محاسنات تمیاز

پروان نذاهب جدیده محسرون بود و روح از حتمیه جاہلیه آنان خسته و آزرده
 نظرم تعلیمات بهائی بنیاد و روح حتمی حضرت مسیح که بساز نفوس نداشتند و شناخت
 در آن تعالیم ظاهر و هویدا گشت برای هدایت نفوسی که طالب روشنائی
 هستند تعالیم بهائی مانند نجم درمی است بسوی معرفت کامل و اطمینان و صلح و
 خیر خواهی نوع انسان آئین بهائی روح را اطمینان بخشد و قلب را امید عطا نماید
 طالبان سبل ایقان را کلمات اب آسمانی چشمه است که در پی آن گمشدگان صحرا
 طلب بادیه با پیووده و بنمیش مرزوق و تنعم گشته است سرار و اعتراف با استقلال
 امر الهی و انضال شریعت آسمانی و اقبال علیا حضرت ملکه باین یزدانی
 و صدور اعلانهای تاریخی در نعت و تسائش جمال لایزال و دعوت طوکانه بموم
 عالم انسانی مصادف با قیام عاشقانه خادمان برارنده جمال جمن در سنین

اخیر قرن اول بهائی گشت فارسان مضار آلمی علی الخصوص یاران امریک پس از
 اشطام امور امریه و تاسیس و استقرار نظم بدیع سمن سمیت را در میادین تبلیغ حقا^ق
 جولانی دادند که پس از انقضای سنین معدوده امراتہ کرہ ارض را احاطه نمود و پیش
 جاگیر گشت امر اعظم که انتشارش در دوره اولی منحصراً با علیم ایران و ارض عراق بود
 و در ایام قیادت جمال ابینی به دوه قلم از اقالیم شرقیہ سرایت نموده بود و در عهد مرکز میا^ق
 رایش در بیت مملکت از ممالک شرقیہ و غربیہ مرتفع گشته بود حال دایره اش
 بہت رسولان اسم اعظم و ثابتین بر عہد اقوام چنان اشاعی یافت کہ قبل از
 اقسام ستم اول انجم نچاہ و شش مملکت از ممالک مستقلہ در شرق و غرب
 عالم و بیت و دو قلم از اقالیم تابعہ در قارہ امریک و آسیا و آفریک مسخو^د
 از شرادای مختلفہ از عرب و ایرانی و ترک و ہندی و زنگی و برمانی و صینی و ژاپانی

و کردی دارمنی و انگلیزی و آلمانی و فرانسوی و ایتالیائی و روسی و مجری
 و سربی و بلغاری و اسوجی و نروجی و ازنوپی و هلندی و ایرلندی و فنلندی
 و اسپانیولی و پلندی و ماوری و اسکیمونی در ظل سرپرده اش وارد وزارت
 معده اش مستفیض و مستمگشته شریات امریه بصرحت تمام در اقالیم جهان
 منتشر گردید و کتب و صحف قیمه از طرف حاملان امانت الهیه بملوک و امرار و
 ادبار و علماء و وزراء و سفراء تقدیم گشت و در کتابخانه های خصوصی و عمومی در
 ممالک مختلفه گذارده شد تا لایف و طبع کتب و انتشار رسائل و ترجمه آنها بحدی ^{ترویج یافت}
 که در ایالات متحده امریک در مدت یازده ماه متجاوز از نوزده هزار کتاب
 بفروش رسید و یا آنکه مجاناً توزیع شد و صد هزار جزوه انتشار یافت کلمات مکنونه
 بهشت لغت و کتاب ایقان به هفت لغت و کتاب مفاد ضات بهشت لغت

و کتاب بهاء الله و عصر جدید به سی و هفت لغت ترجمه و طبع گردید و طبع این
 کتاب اخیر نه دفعه بلغت اصلی تجدید شد و متجاوز از سی و هفت هزار نسخه در شرق
 و غرب منتشر گردید در ایالات متحده امریکای یاران کتب امریه را متجاوز از هزار
 کتابخانه عمومی تقدیم نمودند و از برای محصلین و محصلات در دارالعلومهای متمدن و از
 برای کوران و سخنین نیز و سائل استفاضه از الواح و کلمات الهیه فراهم ساختند
 ام المعبود عرب رفیرد نیت الهیه که عین موده حضرت عبدالبهاء برزبان مشرق ^{کاد}
 از آن تولد خواهد یافت با وجود بحران اقتصادی در آن اقلیم بیانش در قطب امریه
 مرتفع گشت و اجتماع اول در آن معبد عظیم نوزده سال پس از وضع حجر ^{اش} زاویه
 بدست مرکز عهد مالک انام منصف گردید و تزیینات خارج اش در ایام پراقتلا
 جنگ یک سال قبل از میعاد معین انجام و اتمام یافت رسین اطهرین خصن شهید

اهلئی و مخدّره کسبه بی ام حضرت عبدالبهار در قد مقدّسه علیاً از جوار مقبره
 اسلامی بجوار پرانوار مقام اصلی و حدیقه خلیبا قرب ضیح خانم اهل بهار انتقال یافت
 و قدم اول در بیل تائیس مرکز بین المللی اداری جامعه سپه روان امر اقدس اسنی مطابقتاً
 لما نزل فی لوح الکدر من اعلم الاصلی برداشته شد مرحله اولی در تنفیذ فرمان
 حضرت عبدالبهار خطاب باجای امریک که در آیام جنب در الواح مخصوصه
 منقّضی گردید و نقشه هفت ساله آن مجاهدین فی سبیل الله در آن قطر کریم با کلیل فتح
 و ظفری بسین مکل گشت محافل روحانیه بکمال انتظام در کافه ایالات متحده امریک
 و ولایات اعظم کنند که بفرموده حضرت عبدالبهار مستقبلش بسیار عظیم است و
 حوادثش بی نهایت حلیل تائیس یافت و عده نقاط امریه از مدن و قری در آن
 دو قطر حلیل که در آن یاران با وفا متوطن گشته از هزار و سیصد تجاود نمود علم هدایت

کبری در هر یک از جمهوریات مرکزی و جنوبی مرتفع گشت و در عواصم مازده جمهوریت
 از این جمهوریات محفل روحانیه تأسیس شد در جمهوریت ملیت که اهالی آن معصب
 مذهبی معروف و در دریای تعالیه مستغرق شوستین نظم بدیع الهی تشکین محفل روحانی
 و تأسیس حفیظه القدس مرکزی و تجمل محفل روحانی در عاصمه آن مملکت مومنین گشتند
 در جمهوری پنا که در میان دو محیط اعظم واقع و بفرموده حضرت عبدالبهار در آنجا
 اهمیت کبری خواهد یافت هر تعالیم که در آنجا تأسیس یا بد شرق و غرب و جنوب
 و شمال را بیکدیگر ارتباط دهد نجات قدس منتشر گشت و در دینیه بهیه که در ساحل اقلیم
 برازیل واقع و شهادت قلم میثاق بالهام روح القدس باین اسم مبارک دسترو
 ماضیه موسوم گشته محفل روحانی تأسیس شد در دو جمهوری سیامان در محیط اطلس
 که در آن الواح مخصوصه مذکور یاران امریکت سراج الهی روشن نمودند و ندای مملکت است

را بسامع اسکیموهای شمال که نینس ذکرشان در آن الواح نازل گشته رسانند شمع
 هدایت کبری را در قضی شمال امریک در قلم السکا که مخصوص آن الواح مبارک است
 برافروختند و هندیهای امریک را که امانی اصلی آن دیارند و قلم میثاق امان را با
 قدیمه جزیره العرب تشبیه نموده از نعمت کبری بهره مند نمودند زنگیان را بیدار
 نمودند و بوجد و حرکت آوردند و در مجامع و مدارس و معابد امان ندای روان بخش
 الهی را مرتفع ساختند مرکزی مخصوص جهت طبع کتب در عاصمه جمهوری از جنسین
 تاسیس نمودند و ترجمه آثار الهیه و تالیفات عمده یاران پرداختند در جزیره ایسند
 که در بین دو قاره اورپ و امریک و در قرب مدار قطب شمال واقع نفعه حیات
 میدند و بطبع کتب و انتشار مقالات در صحف و جرائد اقدام نمودند و در مدینه
 نایه مبلانیس که در اقصی جنوب قاره جنوبی امریکا واقع و ابعد مدن جنوبیه عالم از خط

استوارست متوطن گشته و متوکلأ علی اللہ بقیشیر دین الله قیام نمودند و حال که
 ختام قرن اول ذہبی عصر بہائی و هنگام احتفال اعظم در جامعه سپیروان امرالهی است
 و از حسن تصادف پچاہ سال بالتمام از سنہ تاسیس اولین مرکز امرالہ در دیار عربیہ
 منقضی گشته جو خود مجبندہ ابھی در آن قارہ و اسعہ الارجا بہ ارتک اولین مؤثر
 محلل بین المللی بہائیان کہ مسک الختام قرن اول عصر شمشع رب الانام است
 مشغول و دعوت سہمی از طرف امنای محل مرکزی ایالات متحدہ صادر نامانداگان
 بیت و یک جہوریت از جہوریات شمالی و مرکزی و جنوبی امریکا دریل بعثت حضرت
 نقطہ اولی در اشرف نقطہ جهان فرنگ در ظل قبہ بیضی اولین مشرق الاوکار
 رفیع البنیان جدید التاسیس باریان غرب مجتمع شوند و دو قطعہ شمال و جنوب دست
 در اغوشش بیدگر گردند و در وضع اساس بدنیت الہیہ در آن قارہ مستعد

جسیه عظیمه مذکره و مشورت نمایند و در این سلسله مبارکه کل متفق و هم عهد شوند که
 که با وجود بعد مسافت و اختلاف جنس و مشرب و لغت کتف و احدی قیام نمایند
 و در قرن ثانی عصر اعظم مراحل باقیه را طی نمایند و کجا امر هم محبوب هم و مولا هم امر مبین را
 اعلان و شرع تویم را تاسیس در اقالیم باقیه عالم نمایند طوبی لهم بشری لهم من هذا فی
 العظیم و الشرف المبین در لوحی از الواح ازیراعه میثاق این عهد الهی و بشری
 کبری صادر قوله الاصلی : یا امة الله انی ادعو الله ان یبعث نفوساً مصلحه
 منزهة روحانیة فی الاقطار العربیة و الاقالیم الشمالیة حتی تكون ملک
 النفوس آیات الهدی و رایات الملائ الاصلی و ملکة المملکوت^{الاصح}
 عند ذلک تجذب العرب اقع الشرق و الانوار تسلسلا کالاقار فی ملک
 الاقطار منها لک تصبح الارض قطعاً من ریاض المملکوت تفيض علیها

اصلی که از محسن قلم ابی‌صادر قوله عز‌عزازه و تبارک و تعالیٰ «انما لم نزل انما
 سدرات الامر بما، الاعراض و الدم ان انتم من العالمین» و همچنین فرموده
 «قل تالله ترتفع هذه السدرة بما اعراضکم و لکن انتم لا تشعرون فی انکم
 و تلوون من العافلین» و ایضا فرموده: «بالبلایه علامه و سنا ذکره»
 در مقام دیگر این آیه مبارکه نازل: «لو یسترون النور فی البراقه ینظر من قطب الحجر
 و یقول انی محیی العالمین» تا بیخ حیرت انجیز این متن عظیم برده عیان در کل
 اقطار کاملاً ثابت و برهن نمود که هبوط عوصف شدید و علت تقویت ریشه
 شجره الیه گشت و حدوث امتحان و اقصان بر استحکام بنیاد و بنیان حضرت
 رحمن بیغزو و ذلت قیس عزت گشت و باسار و ضراء و هین مصباح امرالمی شد
 تشدد و تعرض سبب رنج و ثبوت گشت و زجر و منع باذمی توجه و اقبال و اشتها

گشت محبت و مقربیت و مغلوبیت با مال نیت و اش سلع انوار غلبه و قهاریت
 از نارین شد و انقلاب و پیمان برور ایام باعث تطهیر و تقویت بنیه امر رب قدیر
 گشت نفاق ناصحن و عربده مبطلین و ضوضا معترضین قمد و مساعد ارتفاع زنه ملکوتی
 شد و خرق احجاب و بتک استار بادی جلوه و ظهور حقایق و اسرار مودعه درجه
 امر حضرت پروردگار گشت این است که قلم اعلیٰ میفرماید: **بظلمهم رفعنا الامم**
و انشرذکر اسم ربک فی البلاد بمنعم ظم الاقبال و بظلمهم طلع نیر
العدل تشکر و التعرفوا یا اولی الالباب «و همچنین میفرماید: **مره با یادی**
الظالمین یرفع امره و اخرمی با یادی اولیاءه الذین یرون العافلون
ککف تراب و یطعون بما نطق العلم الاصلی فی الافق الابسی حال دریه
 این ادواق نظری بحال پر وبال فیه ضلال از مشرکین و معرضین و خادصین و خائنین و

و منافقین و مغنّین و مفسدین و مستکبرین اندازیم که در مدت صد سال مسبب این انقلابات
 باطله و محرک این فتن و دساس شدیده و علت حدوث این امتحانات مظلمه و نزول
 این بیات و زاریای عظیمه گشته اند قلم اصلی در این مقام در ذکر ظالمین چنین شهادت
 داده چنانچه این ظهور و مظاہر اثباتیه آن اعظم مظالم است کذلک حروفات
 نفی این آیام هم از جمیع ازمنه قبلیه و بعدیه اعظمتر و در اعراض ثابت تر و استحکمتر کذب
 قدرنا الامر فی لوح خفیض، سلاطین پر قوت و احشام در خاور و باختر بعضی دست تطاول
 گشودند و حکم اسارت و مجوسیت شایع و مبشر و مبین این امر اقدس را صادر نمودند
 و در قلع و قمع شجره الهیه همت بگماشتند و برخی نذارات الله را اجابت ننمودند و
 دعوت الهی را نپذیرفتند و انکار و استکبار نمودند و از نصیاح مستفغانه و مواعظیه حکیمانانه
 ناصح امین رو بافتند و از نصرت منظر نفس الله و ابلاغ کلمه الله کما امرهم العلم الالهی

استماع و زرزیدند و بعضی دیگر اندازات صریحه و خطابه‌های شدید صادره در توقیعات
 مخصوصه را اعتنا ننمودند و عرشان مطابقاً ما صدر من استم الاعلی اخذ شد و عذاب
 از کل جهات بر آنان نازل گشت و آثار سخط و عدل الهی ارکان سلطنتشان را در شرق
 و غرب متزلزل و متزعزع نمود بعضی مستول و معزول و گروهی در ممالک خود ایستاد
 و مقهور و کوشی پریشان و مستوب و حیران گشتند .

خلافت عظمی خنیم خصیم جمال ابھی بمقامت قیام نمود از بنیاد برافتاد و کجا خبر بر آن
 الا ولی فی قیوم الاسماء باشد عذاب و باس نکال در قیامت احسن می
 معذب گشت و بیلای ادهم نظیر غلبت عظمی و فادحه کبیری که برکنند و رؤسای
 ملت کلیم در قرن اول میلاد نازل گشته گرفتار شد علمای اسلام که بخطاب
 همین بکم نوح الرسول و صاحت البتول و خربت الدیار و اخذت ^{لظلمة}

کل الاقطار مخاطب و بشادت قلم الاعلیٰ حکم دین مبین اسلام را منکوس و ملت
 بیضی را مخدول نمودند و بهمت تمام در کمال مضامین و کفیر و تدسیر و تعذیب جزا
 مظلوم قیام نمودند عریشان کما خبر به مرکز المیشاق مبدل بذلت کبری شد
 و سلطت و شوکتشان منقلب بمقهوریت عظمی گشت و نعمه و الطوبی و اطوبی منقلب
 بفریاد و ادویا و دوا ساگر دید آفات و بیات آن قوم علوم و جهول را از شسخت
 احاطه نمود و ارکانشان تزلزل گشت و علمشان منکوس و نفوذشان زائل و نجم
 سعادتشان غارب شد دشمنان داخله علم اختلاف و نفاق را برافراختند
 و از آل الله و مستبین شجره مبارکه و اخسان مشعبه و اوراق افسان سدره الیه و اصحاب
 اولیه و اقطاب جامعه و کتاب کلمات الیه جمعی از صراط مستقیم منحرف گشتند
 و در تولید فساد و ایجاد رخنه در جامعه پدید و ان حضرتت البریه نظیر اعداء خارج

همت بگماشتند کل از زوده استماع بخاک مذلت بیفادند و بخران ابدی گرفتار
 گشتند قدر و هم الله و آخر حرم من ملکوتہ و اخذ علم بعقبرہ و جعلہم عبرۃ لکلین
 امرار و وزراء و حکام و عنہ اعلیٰ اختلاف مرا ہم دست تعدی گشودند و بدسائس
 مختلفہ و مسائل متنوعہ متمسک شدند و با علمای شرع ہم عهد و ہم داستان گشتند
 و بر حزب الله هجومی صیغ نمودند نظیر تاجداران جهان از مسند عزت بخصیض ذلت
 بیفادند .

افراد ملت ایران که بقساوتی محیر العقول و شقاوتی مبین بتنفيذ احکام و لاء امور و
 روسای شرع اقدام نمودند و ظلم و اعدائی ترکب گشتند که بشهادت قلم شایق
 و بیخ تاریخی از فسترون اولی و اخصار وسطی از ستمکارترین اشقیاء حتی برابره افریضند
 بجزای اعمالشان رسیدند و در سنین متوالیه آسایش و برکت از آن ملت مستحب حاصل

ستمکار با نمره معطوف گشت و آفات گوناگون از قحطی و دو باره و بیایات اخری کل را از
 وضیح و شریف احاطه نمود و بدین مقصد قهار چندین بسند از نفس ایستاد و قواد عالم انسانی
 از تعالیم جان پرور الهی رو برفت و خلعت وزرید و اجابت دعوت الهی نمود و گوشت
 بضایع مشفقانه و وصایای محکمہ تسلیم اعلیٰ نداد و تجذیرات صریحہ مستتابه صادره
 از فم مرکز میثاق اقتدار نمود و ارکانش متزلزل و فرأش مرتعد و نظمش پریشان شد
 تا جهان سوز مشعل گشت و جنگ و جدال جهان را زیر و زبر نمود بلائی ناگهانی نمود
 جمال قدم نازل گشت و برج و برج راه یافت بدن محرق گشت و نجات غذا
 از کل اشطاب نوزید عتاب عظیم رخ نمود و مقام کبریا که در احسن القصص صدسال
 قبل با صرح بیان از تسلیم بشر امر رحمن اجبار گشته تحقق یافت .

همایکل بطنیه و نفوس شریره از سلاطین و امراء و علماء و فقهاء و وزراء و وکلای و سفراء

و منتسبین بسبزه منتنی که هر یک بقدر قوه و استطاعت خویش در ازمنه مختلفه و بوسل
 متنوعه در خاور و باختر تشریف برشته شجره الهیه زدند و اعراض و اعتراض نمودند بسیاط
 قهر الهی معذب گشتند و خایباً خامراً بعبت خود راجع شدند قل سیر وافی الارض
 فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین ظالم ارض شین حسین پر کین اول من عاربتم
 و انس اساس الظلم که در اولین سنه ظهور نقطه اولی حبیب و محبوب را بحسارت تمام
 اذیت و تحقیر نمود و مرتب آن عمل شنیع شد معزول و مردود گردید و از باس عزت
 عربان گشت و زیر بی تدبیر که مظهر نفس الله را بحال آذربایجان نفی و تبعید نمود حسب
 وعده صریح خطبه قهریه در اندک زمانی گرفتار شد و نفی بعراق عرب گردید و در آتش
 غم و اندوه بسوخت و بمقر خود در اسفل عجم راجع شد اما بک عظمتی سفاک و پیا
 که حکم اعدام سید عالم را صادر نمود و جمعی از اصحاب را در ماندران و نیز در تبریز

و طهران شربت شهادت بنوشانید دو سال بعد از آن واقعه هائمه بسط شهریار کین
 مبتلا گشت و در حمام فین با سفلی اب فلین راجع شد برادرش که در این عمل قطع ستر
 و سهیم گشت در همان ایام بدار البوار راجع شد و قائم مقامش که در فتنه نه حسین ندب
 عظمی را بر ما نمود عاقبه الامر معرول گشت و از دار الخلافه تبعید شد و مخدول و منکوب
 بمقرش راجع گشت سعید شقی که مسبب فتنه هائمه مازندران و شهادت طلعت قدس
 گشت بمرض عجیب مبتلا گشت و از بروشید یحیی متالم که فتنه یار و وفانش
 مرتفع گشت و در این حال پروبال باشد حرمان و خذلان بسقر راجع شد محمود و محمود که
 طاهره زکته را در بیت خود توقیف و محبوس نمود پس از سین معدوده بخصب
 سلطانی معذب و در ملا عام مقول گشت شیخ الاسلام خمیث که بدست خود
 در دینه تبریز تبعیر طلعت اعلی اقدام نمود بمرض فلیج مبتلا و بدلت کبری ایام قیه

حیات را بگذرانید فوج ناصری که مهیکل اعزاز علی را تیس باران نمودند و سده اول
 در همان سده شهادت در اثر زلزله شدید بین اردبیل و تبریز هلاک گشتند و دودسته
 دیگر پس از دو سال در اثر حصیان و طغیان تیس باران شدند و بیس آن فوج
 در حرب محمده هدف گلوله توپ گشت و بانان طحی گردید ما نم در هیجا جهل عینی
 کریم ز نیم بساطش منظومی و نورش نطفی گشت و مساعی و مجهوداتش در اطفا
 سراج الهی بدر رفت و در اسفل در کات حجم مقه گزید حاجب خدا در خنک
 قومی سناک و خونخوار گرفتار گشت و باشنع حقوقات مُعذَب و مبتلا شد سلطان
 ایران که بخطاب یا ملک المسلمین در دستیرم اسما و مخاطب و تطهیر ارض مقدسه و
 حضرت امر الهی مأمور و با وجود توقعیات مستتابعه نقطه اولی حضرت از ورود
 بان ارض مانع گشت و حکم تبعید را بجمالی آذربایجان صادر نمود و زمام امور را بدست

وزیر پر تلمیذش سپرد قریب یکسال و نیم پس از صدور حکم تبعید بمقبری که در آن کتبت
 مستطاب علم علی اعلیٰ مقدر فرستاده بود. راجع گشت مرکز خلافت عظمیٰ و مجالس بر
 اریکه ظلم و حاکم که بدون سبب و جهت سه دفعه متتابعاً جمال امینی را سرگون نمود و
 بحسن عکاظ حرب اقلج مدن دنیا فرستاد پس از انقضای سنین معدوده معزول
 و مقتول گشت و بساط عرش مطوتی شد و سمرین و زرین بی نظیرش عالی و فواد در بگان
 ایام بجز اعمال قبیحه خود رسیدند ارض سربلغز نموده جمال ابھی منقلب گشت و لرزه
 بارکان دولت جازه میآید و اضطراب عظیم ظاهر گشت و ندای اراکل و قبائل
 از دیند کبره مرتفع شد ملک پاریس الذمی استکبر علی الله و نبد اللوح عن وراثه
 اشهر معدوده پس از صدور ترویج ثانی از قلم علی و انداز صریح و شدید دفعه واحده
 در جنگ آلمان مغلوب و مقهور گشت و ولعهدش بدست قبائل افریقا منقرض شد

و سلطنت بجهتیت مبدل گشت و بشهادت قلم اعلیٰ ذلت از کل جهات
 آن ملک مغرور را احاطه نمود و بخبر آن عظیم مبتلا گشت و در دیار غربت
 بتراب راجع شد مهدی مکار که بفسه موده جمال مختار از فعلش ناله روح القدس
 مرتفع در قبضه اقتدار گرفتار گشت و بمقر قهرد اسفل سقر راجع شد جبر اعظم که
 بخطاب فهمین یا رئیس القوم دع ما عندک من الرئیة المرخرفة ثم نفقتا
 فی سبیل اللہ مخاطب متعاقب صد ورتوقع منسبح اسیر و مقهور و منکوب و
 مسجون گشت و سلطه زنیّه اش محدود شد و دیدینه رومیّه که همه ارسال مقر^{سلطنتش}
 بوده در تصرف خصم الدش درآمد کاذب ارض طار که فتویٰ بقتل عام سروا
 جمال ابهی صادر نمود بسلامی عظیم مبتلا گشت و باسفل جحیم راجع شد مردود
 داین و مغرض ثقلین شیخ عبدالحسین بشهادت قلم میثاق معزول و منکوب و

پشیمان و پریشان گشت سفیر عجم که بعبه موده جمال قدم کان ان شیب
 انحر ویر تکب الفخار و فسد فی نفسه و افسد العراق مخدول و گرفتار گشت
 اسامش ویران گردید و بنیادش برافت و ذوب خو خوار که قلم اعلی بر بقیة اثر الشمس
 صلی رؤس بحبال آن جاہل مرتاب را تشبیه فرموده مخدول و معدوم گشت
 و بساط ریاستش منطوی شد و از شدت توہین رحلت بعقبات نمود و در آتش
 حسرت و اندوه بسوخت و قسار که بشہادت جمال ابھی از غلش انین اشیا
 مرتفع گشت و فرائض اولیا بر تعد شد و چند مرتبہ از ظالم ارض طف شقی تر
 بود بیلا و ادہم در او حسرت آمیش چنان معذب گشت کہ اہلس از او اجتناب
 نمودند و بدلت بی منتی بادی درک سجین راجع شد ناریش کما انجر اللہ فی لوح
 البرہان محمود گشت و نجات حداب آن طاعنی باغی را نشانی احاطہ نمود کہ

در اجرت عظیم گشت ظل زائل سلوت و اقتدارش معدوم شد و شوکت و جلالش

بخسارن و وبال تبدیل یافت .

مطلع اعراض یحیی بی شرم و حیاء که بخطاب عزروح الامین رأسه عن فعلک

و جلس حواریات العرفات علی الرماذ من ظلمک مخاطب گشته از اعلی المقام با سفل

در کات مهبوط نمود و بذلت کبرنی ایامی را بسر برد و صی اولش تائب و راجع

گشت و وصی ثانیش در ملاء عام از نقطه اولی و من انتسب الیه تبری حبت و

شهد ایش اکثر پشیمان و بیاب محبوب انام ملتی و خود در جزیره شیطان بنا بر حساب

راجع سید نسیم خبیث اصفهانی که آن مشرک با تله را اخوا نمود در همان آتش که

بدست خود در سخن اعظم مشعل نموده بود بیقار و بسوخت و در قعر حجیم مسکن و مادی

حبت ظالم عجم ناصر جائر که قلم اعلی بلعبت رئیس الظالمین ملقب و سر نمود

و شهادت داده بازه طلق بیکل الامر فی الهوار وقتله بظلمت علی کل الاشیا
 هکامیکه ستمیه و تدارک جشن خیره تمام دوره پنجاه ساله سلطنتش مشغول بود در
 بقعه شاه عبدالعظیم بعتهد فرف تیر پاک گشت و آرزویش را بجاک برد و جزای
 اعمال قویه شنیعه خود را یافت پاشای عدار که جمال محنت را را خود سرانه در دیده
 حکما بدار الحکومه احضار نمود و حسب روانه زبان بعباب گشت و مشکوب و معزول گشت
 و مانند ولایه و متصرفین دیگر که تعرض به جمال ابھنی و اولیای الهی نموده بودند
 خوار و ذلیل گشت عبدالمجید علیه خصم الد خصن وحید و فرید آخر الامم بحسبان مین
 افتاد و مقهور و معزول و سجون تبعید گشت اعضای مهیت خاسره تقیثیه که
 ببعض مجسم و ظلم مصور استم میناق بر صوف ریشیان مقتول و دیگری منعی و
 دو نفر دیگر محتاج و مغلوب و مشکوب گشتند جمال ستمکار که بنخود وعده اعدام مکرر کرد

کردگار و بهم بقیعه نوار را داده بود در جنگ انگلیز مقهور و مغلوب گشت و بگریخت
 تمام فتنه را اختیار نمود و آخر الامر بضر ب رصاص مقبول گشت سید افغانی عدو
 لدود و حدود بمرض سرطان مبتلا شد و زبانش مقطوع گشت و عاقبه الامر با بر این دانه
 و بیل شربت هلاکت را بنوشید پیر گفتار جمال تبه کار که با بیل شرور پیوست و
 ناقص محمود را تا سید و تشیع و تقویت نمود و وعده نصرت داد محل سیاط قهر و غضب
 الهی گشت و بذلت بسین بنیاد و بحسرت تمام با دست تسی بمقر خود را بجم گشت
 سید و همی که نرسد در بهم میثاق الهی کمال جدیت و وقاحت قیام نمود خوار و
 ذلیل شد و با ابانش بخیبران بسین و چار گشت و در غایت حقارت ایام آخره اش
 را بسربود ابراهیم زیم اول من نقض عهد الله و میثاقه فی العرب و اتحاد مع القاص
 الاکبر و ابنه و رفع علم الاختلاف فی تلك الاقطار دفعه واحده از مسند غرت بجا

ذلت بیفتاد و وحید آنسرید اخاباً خاسراً معموماً مهموماً در اقلیم امریکت تبراً
 راجع گشت و نفعه با لکین ملحق شد بدیع بدخصال فاصب مفتاح ضریح مظهر حضرت
 ذوالجلال در اندک مدتی مغلوب و محروم در سواد مقهور گشت و با جمعی از منسوبین و
 احوانش از اصحاب فتور در حجره یاس و قنوط بخرید سید متمد الدیمی اقمی علی مرکز لیبیا
 و اراد قتل خواری و ذلیل و وحید و فرید در ارض با بدار البوار راجع گشت و ابن ایش
 برضش گرفتار شد و متعاقباً با ملحق گشت فائق ارمی خود بخود خاموش شد و جمعیه
 علمیه اش منحل و فساد و عریبه اش زائل گشت طیر طیریح آواره سفینه مخدول و مردود
 طرفین گشت و جناسش معروض و نقاش خاموش شد نفس فحله سافله که وصایا
 محکمه مرکز میثاق رب البریه را موهوم و مجبول شده رسوای خاص و عام گشت و
 در حجره یاس و حرمان و ذلت و خذلان بطسید خلافت عظمی عدو صائل حال با

سقوط یافت و دویسم و افسرش و آرگون گشت و بطلانش بر جهانیان ثابت و عیان
گردید سلطنت مبدل بجمهوریت گشت و سیاست از شریعت رسماً کاملاً انفصال
یافت و ابطال و الغاء احکام شرعی و شعار اسلامیه در مرکز خلافت در مدینه
شهره از طرف روسای دولت و ملت اعلان گشت .

سلسله قاجاریه منقرض گشت و امپراطوری روس و آلمان و نمسه هر سه سقوط یافت
حنین برلین مطابقاً لما نزل من القلم الاعلی فی الکتاب الاقدس مرتفع شد
و عمر بنیش بدلت کبری مبدل گشت قبه الاسلام و آرگون گشت در نیتخانه
نقطه واقعه فی شاطی الجسرین زائل شد و در این سینین اخیره مرکز نقص و قطب شقاق
که بجهاتی مستابعه و دسائسی متنوعه عمیه سنوات عدیده قصد مقاومت و
انعدام میثاق حتی لایموت نموده بود پس از چهل سال انتظار از کل جهات مایوس گشت

و از قصر منیع مطرود و در گوشه انزوا مفلوک و خاموشش و مرض فلج مبتلا و از
 صولت باس و لطیفش حشیم مریضش در میادین خاور و باختر حیران و پریان
 خائبا و خاسرا با سفل در کات نیزان راجع گشت قد اخذته زمانیه القهر من
 لدن معتد رقهار و بقت قصه عبره لنا طهرین و موعظه و ذکر می ^{للمتصیر}
 ات نکشت کجا و عدنا سیدنا و مولانا مسوخ شد و هتده نقض مفسوخ گشت
 و کلمه نفی مسوخ گردید و حال در این ایام که ختم قرن اول عصر بهائی است
 ملاحظه میشود چگونه در این انقلاب اعظم اهل عالم از ملوک و مملوک در شرق و غرب
 و جنوب و شمال اسلامی ادهم گرفتار گشته اند و مرج و مرج راه یافته و ارکان
 اجتماعی متزلزل شده و اختلال و اعتلال در نظم جهان آشکار و پدیدار گشته اقالیم
 ویران و گردباد و بطن در هبوب و قصور سلاطین منهدم و بدن محترق و سیل دمار مخدر

و ناله اغشیا و تو انگران مرتفع و فرج کسب بر قلوب ز ما داران مستولی و ملوک
 ارض باشد عذاب معذب بعضی در ممالک خویش اسیر و بعضی در بلاد غربت
 حیران و پریشان و بعضی دیگر در معرض مخاطرات بی پایان لقمیم ما خبر به
 اقلیم الاعلیٰ فی ارض السمر خطاباً للملوک و السلاطین قوله عز و جاوه
 و جل سلطانہ و عظم کبریا و هو ان لن تستصوا ابداً انصحاکم فی هذا الکتاب
 بلسان مدح مبین یاخذکم العذاب من کل الجهات و یا سکرم اللہ بعد
 اذا لا تقدر و ان تقوموا معہ و تلو من من العاجلین و یخین در
 آن سورسیه مبارکه نازل: ان یا ملوک المسیحیہ... لم ما تقرتم به له تقفروا
 ببقائه و تلو من من الفارین... و ما استقبلتم الیه و ما حضرتم بین یدیه لستم
 آیات اللہ من لسانہ و تطلقوا بحکمہ اللہ العزیز الحکیم فکیف اذا سمعتم

امرنا ما استفسرتم من ان يظفر لكم الحق عن الباطل وتطلعوا بما كنا عليه و
 تعرفوا بما ورد علينا من قوم سوء اخسر من دور كتاب اقدس نازل ايام مشرك
 انتم المماليك قد ظفر المالك باحسن الطراز و يدعوكم الى نفسه المهين
 القويوم اياكم ان يمنعكم الغرور عن مشرق الظهور او يحكم الذنوب عن فاطر السما
 انا ما اردنا منكم شيئا انما نتصالحكم لوجه الله ونصبر كما صبرنا بما ورد
 علينا منكم يا معشر السلاطين تعالى تعالى اسمه المبارك المهين الهني
 الباعى الابحى تعالى تعالى جماله لا ظفر الا ظفر الابدنى الازلى المشع
 الاعز الاقدس الاسنى بتعالى تعالى امره القاهر المبرم الغالب
 المستر الاوعر المتلاطم المتبجح الاسنى تعالى تعالى عمده الارفع الامم الحكم
 الابدع الاوفى له الغلبة والهيمنة والاستقلال والعزة والاقدر الاحب

وامنار امره والمستظلمين في ظله واثابتهن على عهد المرحوم حسين شيعته

والناطقين بشانه والمؤتسين لاركان نظمته البديع والرافعين للواء

دينه المبين بين العالمين .

در خانه این اوراق تمتد و خواش این عبد از باران صحن جمال قدم و هوطن

اسم عظم در این بیت مکرّم علی بخصوص انسانی محل مرکزی آن کشور مقدّس

آنکه در این لیلۀ مبارکه که نمایندگان جامعه جهانی از ولایات مختلفه در مدینه

طیبه شیراز جمع و بر باریت آن مقام مقدّس نائل و فائز و ارتشحات انوار

آن مقرر اعراض مستغنی مادی از این عبد مستمند نمایند و بالنیایه حسین را بر

سامیه آن حجره مطهره بنهند و از صاحب آن بیت از صمیم قلب عون و صلوات

و نمایند و فوسق مسلت نمایند و همچنین از برای مجاهدین فی سبیل الله که در میادین

شرق و غرب مستخیرہ اُن قلوب مشغولند اداوات متابعتہ الحقیہ را علمتس شوند
 تا مراحل باقیہ را بقوۃ رب الجود یک یک طی نموده امر عزیز الهی را کہ در پیش
 صدر مقدس مثبت گشته و ہنہ از ان نفوس خون خویش را خدایمودہ بسر سرتل
 مقصود رسانیم و ثمرات بہتہ بدیعہ لطیفہ طیبہ قدسیہ خدیۃ سدرہ النہر را بر جہان
 ایثار نمایم .

یا ربنا الا علی نسالک بحق دمک المرشوش علی التراب بان
 تجب دعائنا و تحفظنا فی صون حمايتک و کلماتک و تظہر علینا
 سحاب جودک و احسانک و تؤیدنا و توہنتنا علی السلوک فی
 سبیلک و التمسک بحبل ولائک و اثبات حججک و انتشار اثارک
 و دفع شراعدائک و تخلیق باخلاقاتک و اعلان امر محبوبک الالبھی

الذی قدیت نفسك فی سبیلہ وما تمیت الا اتقل فی محبتہ اشدنا
 یا محبوبنا الاعلی واشد ازورنا وثبت اقدامنا واعز لنا دنوبنا و
 کفرنا سیاتنا واطلق السنننا بحامدک ونعتک وکلل اعمالنا و
 مجهوداتنا باکلیل قبولک ورضائک واجعل خاتمہ حیاتنا ما قدرته
 للمخلصین من ربیک واجرننا فی جوار رحمتک وادخلنا فی فضاء انوار
 قربک واحشرنا مع المقربین من اجبتک وقدرت الوجود علیک
 ورتبنا بصہبنا لقاءک واخلدنا فی حدائق قدسک وارزقنا کل خیر
 قدرته فی ملکوتک یا معیش العالمین .

نروز ۱۰۱ بندہ آتاشس - شوقی

توقیع مبارک

رضوان ۱۰۵ بیع

اجتبابی‌الهی امار الرحمن برادران و نحوها حسن روحانی

در اقطار و ممالک شرقیه طراً ملاحظه نمایند

ایها المصطفون فی سبیل الله و الثابتون علی عهدہ الاولی و الموسوسون

لدعائم نظمه الأبدع الالسنی در این صحن که سنه اولای عهد ثانی عصر دوم

نخستین دوره مقدس کور مشع اعظم الهی اختتام یافته نظر این مستند بسوی

بازان ارحمبند متوجه و جان و روان این درموند از روایح مسکینه و نغمات

قدسیه که از شطران نفوس نفیسه و وجودات زکیه و فیه ثابته را سنج و حصبه نوریته

ملکوتیه در محبوب و مرور است مستبشر و مستمد و قلب این مشتاق از نوران نار
 محبت عشاق نسیه آفاق در احراق و روح این معتکف آستان حضرت رحمن
 از شدت اشتیاق مشایده روی و بجوی اهل وفاق مساجح و طهیب و از وقوع حوادث
 ناگوار و استمرار داشتاد باران بلا در این سنین اخیره که از سحاب قضا در وطن
 اصلی جمال قدم بر تمسکین معبره و شقی باطل و نازل مسالم و مسلم این میواد مساجح
 بحر بلا خسته تیر جفای منتسبین و متعلقین بی وفا بذاکره اوصاف و نعوت معربان
 حریم کبریا که بشرافت نسبت حقیقیه مشرف و در میادین مختلفه و اقطار متعدد
 در ظل لواء معمودیت بخیزیدن و قح دیار و حراست حصن حصین یگانه بجا و ملاذ
 جمهور ابرار و انجبار و نصب قواعد نظم نوین جهانی ساطع الانوار حضرت
 کردگار در لیل و نهار مشغولند متحرک و جوارح و ارکان از ظهورات و بروزات مجسبه

که از تابشیر حلول مستر شانی سبتی الانوار کور جهان آرای جمال ابهی محسوب و
 کل مدل برعمم مبدوله و مساعی مشکوره و اقدامات با بهره و مشروعات بهیه و
 تاسیسات بدیعه و فتوحات جلیله جنه بدی است مهتر و لسان باین مناجات
 که از اعماق قلب حزین بدرگاه قاضی الحاجات رب الایات البینات متصاعه
 ناطق که ای محبوب ابهی سپس تو را که از بد و اشراق امر اعز اعلامیت و
 تاسیس بنیان قوی الارکان مقدس نانینت و صد و بشارت جان و نسبی
 جلوه نظم بدیع جهان آرایت این مشت ضعفا را با وجود مطول امطار زریا و علیا
 و محبوب عواصف و قواصف لائقه و لائقی و تنای محن و مصائب از جز
 و حبس و نهب و نفی و اسارت و سفک و ماء و تسویلات و تعذبات و دسائیس
 اولو البیضا و مهاجمه صیف ملوک و خلفا و علما و امرا و ظل جنات مقروما و

بخشیدی و وحدت جامعه منادیان امر اعظمت را و سالکان سبیل اقومت
را از اشتقاق و انقسام و انشعاب محافظه نمودی و لولؤ امر گرانمایست را

در هدف میثاق از سارقان فحاشان و اهرمیان صیانت نمودی و پرچم

استقلال شریعت عزرا بدست باسلان و مبارزان امرت در محالک غریبه

و اقلیم شمالیه و اقطار جنوبیه برافراشتی جالسین براریکه ظلم و اعتساف را بجا

ذلت میزداختی و صفوف ناقصین و ناکصین عهد بی مثل و حدیث را در دوره

اولی و عهد ابهی و یوم منیشاق و پس از افول کوكب پیمان از افق عالم

امکان در هم شکستی و آثار بهیه صادره از مخزن قلم اعلیایت را بید ملاءکونما

برازید از پنجاه لغت از لغات شرقیه و غربیه در بین عالمیان منتشر ساختی

و بنیاد لایزال عروج نظم اجل مخمس اعلیایت را در نمود اقلیم در حاور و با حصر استوار

فرمودی و نمایندگان سی هزار نفر را در تمامی مملکتها جهان را در ملک مستظلمین را
جنایت محسور نمودی و اعظم و اشرف دول قاهره و ارض را و جمعی از اجله
و دانشمندان با احترام بر تحلیل و تخریم و تشریب مبادی و تعالیم امرت برایت
و با عتراف با اصالت شریعت صحیح و راست بر برهمنیت مهیبت متوجه جامعه
پیروان امرت و نصرت مستضعفین عبادت در اقطار شرقیه بگماشتی و از قلم ملکه فی
الملکات در قلم فرنگ خطابه های قبیحه مستابعه در سایش و نیایش تعالیم معده
و مبادی سامیه امرت بصرافت طبع و طیب خاطر صادر فرمودی نقاب از
وجه شریعت عزایت بر انداختی و سرکمون و رمز مصون را شیره آفاق نمودی کس
استقلال دین مبین را در اعلی المعامات بدست دشمنان دیرین علمای رسوم بلند
نمودی و بسج قریب و بعید رساندی و مرکز خلافت علمی خصم خصیم و عدو له و دشمن

امرت را از اوج عزت بخصیض ذلت بینه اختی مصداق وجود حتمیه کتاب اقدس
 و فطاس اعظمت را مستر امتراد فامست با عا ظاهراً نمودی و قبله اهل بهار در قلب
 عالم ارض معیاد لانه انبسیاء و اصفیا در مرجح حکما و بقعه احدیه نور اوجوار مدینه منوره
 بیضا مستقر فرمودی و اس اساس قصر مشید نظم عظم حجر زاویه دیوان عدل
 را در اشرف ممالک ارض در دامنه کرم مقدس الهی بید قدرت بهنادی ای قوی
 قدیر این نهال بهمال را که در مرز جبهان با صباغ اهدت دار و اراده غالبه و مشیت
 نافذ است عرس نمودی و بجزارت محبت بی منتهات پرورش دادی و بدما
 بریه بیت هنر انفس از شهیدان امرت سعایت نمودی و از سیل منیا^{کن}
 صحن آفات گوناگون متجاوز از صد سال محافظه نمودی و هوش را در ارض کبریا
 ثابت فرمودی و فرو عرش را در ماوراء البحار با قالیم شاسعه نایه در قطعات خمسه

عالم رساندی از شو و نما باز مدار و در ظل رعایت و صون حمایت خویش از ضرر
 امتحانات شکر و انقلابات آید و منازعات کونیة صیانت و نفع و از
 مدار پر بار و شکوفه نما و از اشعه ساطعه تائید استبرازی جدید بخش و از اقطاف
 ثمرات جنبه بهیه قدسیه از لیه منبعه بدیع اش جهان و جهانیان را بر و آیام
 بهره مند نما و عود باقیه که در ام الکتاب تلویح و تصریح است اصحابی است
 نمودی ظاهرا و حرب مظلوم را در موطن اصلیت از قیود و سلاسل صد ساله
 بران دست تجاوز و ستمکار را کوتاه کن و قوم مظلوم و جوار را بعد از ابد هم در تمام
 کبریا کبریت مغرب فرما غیوم کشفه از افق آن استلیم پر استلا مستلشی کن و بیایه
 و عریده جملاد و بلهنا و سغمارا سکین ده اهل فتور را حبره لنا طرین نما و حصه علی
 و ساکین منج سقیم را بشاهراه هدایت کبری دلالت نما گمشگان وادی

شوات را در این بحیران عظیم بحمل تقدیس و تزیین مزیّن کن و فقه مشکبرین و
خادعین و منحرفین و منفصلین از جامعه پیروان امرت را تقلیب نما و بتلافی
مافات عنهم موفق دار دول و ملل عالم را که در پیما، ضلالت با تم و در تولید
نفاق و کشتن بذر شقاق مداوم و در تسعیر نار حرب و قتل ساعی و جاهد
به ایت فرما و از این سبات عمیق و کابوس ثقل نجات ده و از خطر محقق
که سقوط و مهبوط با سفل در کات است محافظه فرما من علی الارض را کما و
فی زبرک و الواحک از ادیان مختلفه و مذاهب متفرقه و اوطان متبعضه
و اجناس متنوعه و طبقات متضاده و احزاب متنافره در ظل سه پرده وحدت
اصلیه حقیقه مجتمع فرما و برقع ارکان صرح میشد رفیع المنار محکم که برایت بکار
سلطت آئینه و غلبه طاهره و سلطه قاهره و سیطره محیطه اسم علمت را بر

تدعیان کاشمش فی رابعه النهار ظاهر اشکار فرما و وحدت سیاسی و
 دینی و شرادی و اقتصادی و اجتماعی نوع بشر که از علامات بلوغ و
 از اعظم شارات مصرحه در صحف الهیه نازله در ادوار سابقه و محور تعالیم معصومه
 در این یوم عظیم است و اشرف ثمره عصر ذهبی دوره اولامی کور بهائی محسوب
 و مقدمه تاسیس مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه است در انجمن بنی آدم بر اساس
 ستین و زین تاسیس کن تا عالم پر شور و آشوب با سایش حقیقی فایز گردد و
 غلب از قید جهوم و غموم برهد و از محنت عظمی و بلیه کبری نجات یابد و
 عالم ناسوت بنیروی اسم عظمت که در حقایق کائنات و بهوت مکنات
 جاری و ساری جلوه گاه ملا و اصلی و آئینه عالم بالا و قطعه ای از فردوس الهی
 گردد توئی معیشت و توئی مجیر و توئی شنونده و مینا و مقدر و توانا .

یا معشر المحبتین وقت آنست که بپاس این مواهب جلیله و انصارات
 بایره و عنایات مبذوله و فیوضات کامله که از بد و ظهور مکمل طور الی یوسن
 بنادر بسط غیر امتداد فائستما بعاطا ظاهرو پدیدار گشته و تمهید الما یظرن
 بعد من خفیات امره و اسرار حکمته و اشرف اوقات انواره و منصوصات
 کتابه نظر قاصر را علی قدر استعداد و کیفیت و عظمت و امتداد و انبساط
 و ابهت و جلال عدیم المثال این کور مقدس اعز ابلی مستوجه بنائیم و بمقام
 منظر نفس اندامهینه علی العالمین که موجد و محرک اصلی و مبداء و منتهای
 این کور است علی قدر مراتب سنای بریم و بعرفت شمه لی از این تجلیات
 بدیعه همیشه که اعم ماضیه در قرون اولیه و از مننه سابقه و عصور خالیه مشاهد
 بل نظر و تصور آن را ننموده موفق گردیم . چه مقدار عظیم و بزرگ است این

ظهور آن صحنه انی وجه مقدمه ارفع و بلند است این کور مکرّم مقدّس منعم مغرّز
 رحمانی اگر بنظر حدید ملاحظه نماید و در آنچه از قلم اعلی و کلاک نقطه اولی
 ویراده مکرّمه جمال اسی نازل گشته تدبّر و تعرّس نماید معلوم و واضح گردد که
 این تصرفات عجیبه غریبه و وقایع بائمه خطیره که از سیر بیان و سیر بیان قوه
 محیطه ازلیه و افعه الهیه در حقایق ممکنات در سینن اولیه این کور مقدّس در عالم
 امکان ظاهر و نمایان گشته کلّ از تیاج سحر است که بفضله بشارت میده
 اشراق شمس سلطنت آتیه الهیه و مقدمه طلوع آفتاب جهاتاب سعادت
 و رفعت و عزّت موعوده عالم انسانی است که در قرن های لاحقه و
 ادوار آتیه این کور مجید بسطی خاک را نورانی و مستلکاً نماید و خلعت
 جدید پوشاند و یک وطن نماید و بدرجه بلوغ و اوج کمال رساند و مدیّت

لا شرقية ولا غربية الهية رانائیس فرماید و ساکنین کره ارض را من اقصاه لی
 اقصاهما بتفید مشیت ازیله رب البسریه و تحقق و عهود و بشارات مظاہر
 الهیه و عروج بمقامات سایه که غایه قصوای اوجب دو تکوین سببت اجماع
 و خلقت بشر و بعث رسل است موفق و مقدر گرداند مرکز میثاق حقیقی
 در لوحی از الواح در وصف این قوه محیط الهیه که در سلسله تصرفات محیر العقول
 هنوز مرحله اولی را طی نموده باین بیان ناطق حضرت اعلیٰ منیر فرماید لو اراد
 نملک ان تفسر القدر ان من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لان السر الصمد
 قد تجلج فی حقیقه الکائنات چون مورد ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل
 دیگر معلوم است که در ظل فروضات جمال مبارک روحی لا تجابہ العذار
 چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تاسید و الهام متواصل شود . «

این کور اعظم پنجم شاترش در متون صحف و زبر و کتب و اسفار و الواح از
 آدم تا خاتم مدون و در تاریخ شرایح و ادیان از اول نسبتین الی خاتم این
 بی نظیر و عدیل و مشیل و سابقه است شانی بزرگوار است که امتدادش پانصد
 هزار سال است و محلی و محور و ستوش منظر نفس اند جمال قدم و اسم اعظم
 قیوم الارض و السموات مالک الوجود و معبث الرسل مکلم الطور رب الجنود
 اب سماوی مالک یوم الدین که در توراته و انجیل و سوره ان مجید تسلیم و
 تصریح مذکور و بابع نعوت منعت و باعظم و اشرف اوصاف موصوف
 این کور مقدس شانی منیع و رفیع است که نسبتش بحق داده شده و انبیاء
 اولو العزم و مرسلین مستظلمین در ظل آن شارعین و تدبیر معاقبا متزایدا
 بمقتضای نشو و ارتقایی اهل ارض و استعداد روحانی عباد بان شاتر و

ولی بر کیفیت آن بجا بجا آگاہ نگشته و بر حسب ادراکات خلق شمه فی از
 عظمت آن رایان منہ مودہ و خود را در ساحت اغراض علوی مؤسس بر لواریش
 احقر الوجود شمرده و آرزوی دستیقی فی از آرایش را نموده نیست کہ در طلب
 و اثبات عظمت و بحکمت این کور الہی مؤسس آن بذاتہ میفرماید :
 « امروز یوم اللہ است و حق وحدہ در او ناطق لایذکر فیہ الا ہو... امروز
 سید روزہ و سلطان ایام ہست.. بصر ایام است بکہ بصر عالم بان روشن
 عالم زمان بساعتی از ساعاتش معاودہ نماید... آفتاب ماہ شبہ این یوم
 ندیدہ... از حتمت خاتم مقام این یوم ظاہر و مشہود اگر از عظمت یوم
 الہی علی ما ہو علیہ ذکر شود بہستہ اکثر ناس منضق شوند بکہ صریحاً مشاہدہ
 و ایضاً میفرماید: « قد بشر کل نبی بحبذا الیوم و نوح کل رسول حیاً

لهذا الظهور ہذا یوم لو ادرکہ محمد رسول اللہ تعالیٰ قد عرفناک
 یا مقصود المرسلین و لو ادرکہ انخلیل لمضع و جہہ علی التراب خصما للنتہ
 ربک و یقول قد اطمئن قلبی یا الہ من فی ملکوت السموات و
 الارضین ... و لو ادرکہ انکلیم لبقول لک الحمد بما اریتمنی جلالک
 و جلالتی من الزائرین ... ہذا یوم فیہ سرع کوم اللہ شوقاً للقاء و
 صاحب الصیون قد اتی الوعد و ظہر ما ہو المکتوب فی لوح اللہ العالی
 العزیز المحبوب «

در بیان عظمت ظہور خویش کہ بسیار و مطلع این کور مقدس است جمال قدم منبرنا
 « قد ظہر فی ہذا الظہور بالاطہر فی ازل الازال ... مظاہر قبل ہیئت
 برکتی این ظہور تبارہ آکا نہ الاصلی تدر معلوم ... و لو کیون مشارق

الوحى كلها فى هذا الحين الذى فيه منطق لسان العظمة والكبرياء و
 يتوهم فى هذا الأمر اقل من أن يسهط اعمالهم لذلك قضى الأمر
 لدهى الحق علام الغيوب ... انه لهو الذى فرقت بحاله عين الله
 الملك العزيز الجليل ... هذا هو الذى ارسل من عند المرسلين
 وجار من لده معشر البتسين ... هذا هو الذى قد احدثت البيا
 عمده فى ذر البيان ومحمد رسول الله فى ذر الفرقان والروح
 فى ذر الانجيل والكليم فى ذر التوراة والنجيل فى ذر الامران اتم من العيان
 ودر مقامى وغير در اثبات قهاريت وامتناع و جباريت اين ظهور اعظم منفرد
 « تا الله الحق تملك ايام فيها امتحن الله كل البتسين والمرسلين ثم
 الذين هم كانوا خلف سرادق العصمة وفساطح العظمة ونبهار العزة

وكيف هو لارالمشركين « وجمنين مؤيد الماصد من محسنن قله الاعلى
اين كهات ديات نازل : « قل ان الروح القدس قد خلق بحرف
مانزل من هذا الروح الاعظم ان اسم تفصون ... قل ان معراج
محمد قد عرج سبعين الف سنة الى ان بلغ الى فنار هذا الباب
لعمركه لما نزلت الايات من سماء المشية سجدة النقطة الاولى
وقال انت بك يا مالك الوجود « ودر مقامى ديكر در بيان ابطال
استداد اين كوجيم از علم اعلى نازل « هذا الظهور نظير نفسه فى
كل خمس مائة الف سنة مرة واحدة كذلك كشفنا القناع ورفعا
الاحجاب « وجمنين از هلك شياق تماما ماصد من اعلى متينا
لما نزل من سماء المشية مالك العرش والثرى در بيان اكلت واصلت سن

ظهور مقدس کور کرم نازل : « قرنها بگذرد و دهرها بسر آید و هزاران اعصار منقضي
 شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانه حمل طلوع و سطوح نماید ... اولیا پریشان
 چون تصور و تخطیر عصر جمال مبارک مینموندند مصعق میشدند و آرزوی دقیقه فی میگردیدند
 جمیع اولیاء در اعصار و قرون ماضیه گریان و سوزان آرزوی آنی از ایام تیره
 را مینمودند و در این حسرت از این عالم فانی بجهان باقی شتافتند - این ظهور عظیم
 شمس آفتاب است و ظهورات سائر در الوار سابقه و لاحقه نجوم و اقمار مگر بعد
 او بار و احتجاب که اقل از پانصد هزار سال نبوده و نباشد »

ای برادران و خواهران روحانی ملاحظه فرمائید که چگونه در یک مقام
 نفس منظر کلی الهی تصریح فرموده که این کور اکرم امتدادش پانصد هزار سال
 است و در مقامی دیگر مبتین مضموم آیتش همان صراحت در لوجی از الواح

شهادت داده که در این مدت که اقل از پانصد بسنه ارسال نموده و نباشد مظان
 آئیه که از شطر احدیه در بین بزمیه مبعوث میگرددند کل بمنزله نجوم واقمار و مؤسسین
 کورده چون آفتاب درخشنده و تابان یعنی انبسیای الهی مظاہر مقدمه که بمن
 در این کور جلیل مستجاب مبعوث میگرددند و بعضی از آنان مانند انبسیای اولوالعزم
 از پیشین صاحب کتاب و شاعر شرع جدید و بعضی دیگر مانند انبسیای نبی ابراهیم
 که در ظل شامین شریعت آئیه مستظلمند کل من دون استنسا، بمنزله قمر محبتس از
 نور آن آفتابند و مستغنی از فیض نیر اعظم قطب این کور مغنم و طائف حول
 آن نور الانوار نیزه الافاق حقیقه احتیاق الاصل العتیدیم و النبای العظیم
 مضاف الرسل "من کان محسنه و نافی ائمه الانبیاء و مسطور آمن اعظم
 الاعلی فی کتب الله رب العالمین" و ایضا در لوحی دیگر مستین آیات

و مرکز همه و میثاق در تبیین این مبدا اساسی و تشریح این لطیفه ربانی
 تأکید آلهما ذکر من قبل باین بیان صریح اطفاحی که فصل الخطاب است تا
 « و اما المظاهر المقدسه التي تأتي من بعد في ظل من العمام
 من حيث الاستفاضه هم في ظل جمال القدم ومن حيث الافاضه
 يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد ، یعنی هر چند در این کور مقدس که امتدادش
 بفضای کریمه اقله پانصد هزار سال است انبیای الهی و مهابط^{وحی}
 آسمانی و منبرهای رحمانی که از جانب حق مبعوث میگردند و با مقتضای
 زمان و مکان و بحسب تغییرات و تطورات و تبدیلات بیست اجتماعیه
 که از لوازم ذاتیه ضروریه نشود ارتقای عالم انسانی است بر سالتی جدید و
 کتابی جدید و شرعی جدید ظاهر میگردد و احکام و سنن و شعار و قوانین و

انظمه یکدیگر را تعدیل و نسخ نمایند و تغییر و تبدیل میدهند و در افاضه بر عالمیان
 یفعل مایش و حکم مایریند و بدیخت از انبیا می اولو العزم محسوب ولی کل
 الی ان منشی ذوالکبر الاعظم لعظیم استمد از یک مصدرند و مستفیض از یک فیض
 و متوجه یک وجه و مرتبط یک مرکز و طائف حول یک قطب که آن جمال
 قدم و مشرق از مطلع اعظم و شایع دور و بستانی و مؤسس این کور الهیست چنانکه
 از آدم تا خاتم انبیا می اولو العزم مانند موسی بن عمران و عیسی بن مریم و محمد بن
 که بر یک بکنایه جدید درازند مختلفه در میان قبائل و طوائف متنوعه و غنچه
 مبعوث گشته و در وضع احکام و تشریح شریعت و اقامه شعائر و تاسیس سنن
 مختار علی الاطلاق بودند ولی کل در عین حال مستفیض و مقرب از مقام محمود و فانی
 در ساحت مالک الوجود و مبرر بیوم موعود و تاسیس ملکوت و نزول رب بجزود

یوم یقوم الناس لرب العالمین مظاہر آئینہ نیز کہ پس از اشراق شمس الشمو
 از مطلع عظمیٰ بجہی در این عالم ادنیٰ مبعوث میکردند در مدت پانصد ہزار سال
 او ازید کل با وجود اختیار در تشریح و نسخ احکام و تبدیل سنن و شعائر مانند نظام
 قبلہ مقتبس از آن نور الانوار و طائف حول آن حقیقہ الحقائق و ستمد از آن
 بحر البحر خورشید بود الی ان یتیم اللہ نورہ و یخرج من بطون ہذا الکوا
 الامع الامع الخیر ما ارادہ و یخیر فی حیر الوجود کل ما قدرہ
 من خبیات ہذا الامر الاعظم الا و عرفنا رب ید تعالیٰ
 ہذا الکوا الاقدس الابدع الاعز المشع المبارک المسع الذمی
 لم یبقہ کور فی الابداع والذمی نسبہ اللہ الی نفسہ و اخصصہ
 بعظیۃ و موہبتہ و زینتہ بطراز التخصیص و توجہ بظہور جمال القدم

والاسم العظيم والرمز المنتم بهم من في السموات والارضين
 تعالى تعالى بذالكور العظيم الذي بشر به سفر اراته وامانه و
 نوح جبالظوره اصفيار الله واوليائه وامحن الله في كل الانبياء
 والمرسلين والمتبشرين لديه المبين من آدم الاول الى خاتم النبيين
 تعالى تعالى بذالكور العظيم الذي خضعت لسلطانه اعناق المرسلين
 في اعترافهم الاوليه والادوار السابقه وتخضع له اعناق النبيين
 في القرون الآتية والادوار اللاحقه امر آمن لدى الله المقدم الفاعل
 الامر الحكيم واعزاز اوجب لالمقامه التسامح الباطح المتعظم
 المعزز المنيع .

يا مناء البهار وعلفاجبسه وعلته امانته وهداة خلقه يعقن مبين بدانيه كه امن ادوار

الهیه که در آینه درازنه مختلفه قنایا با قسلسا حسب مشیت الهیه در بین بریه
 تجدیہ میگردد و کل مانند شرایع قبلتیه چون حلقه های یک سلسله بیکدیگر مرتبط و از
 اقسام واجبیه این کور مقدس محسوب و هر یک منتسب بمطبری از مظاهر
 الهیه و خاضع و تابع سنن و احکام مخصوصه صادره از شارع آن دور مقدس است
 اول اشرف و اعظم این ادوار دور اعزسی الانوار جمال اقدس ابی که بلسنته
 علی العالمین هم شارع دور بهائی و هم مؤسس این کور تعالیت مرجع این دور
 کتاب اقدس الصحیفه العلیا و الحجۃ العظمی و قطاس الہدی بین الوری بدیش
 سنین که بفرموده نفس منظر ظهور مسدود تاریخ بدیع است امدادش سخن
 آن کتاب سحاب افلاک سنه ارسال ما به الامیازش تاسیس بیان در صوص
 عهد سنین و پیشات غلیظ حضرت اب العالمین در رفع لوازم معقود و نصب حمل مجدد

بین السموات و الارضین میخانه کافل و ضامن استقام و استحکام اساسش نظم بدیع
 الهی و لید میشتاق یزدانی آغازش در ظهور متعاقب و اشراق شمس حقیقت متعاقباً
 از خانه حمل و برج اسد مسک انتماش جلوه سلطنت قاهره الهیه و اعلان
 امر مبرم احدیه و استقرار ملکوت الله در بین برتیه و استحکام وحدت اصلیه
 اجتماعیه و ارتفاع علم صلح عظیم و تاسیس بدینت لا شرقیه و لا غربیه آئینه
 در این دور مقدس که غزه کو عظیم الهیت نقره ناقور و نغمه صافور مطابقاً لمازل
 من اعلم الاعلیٰ مترادفاً مرتفع گشت در ستیخیز اعظم بر باشد کون بجزکت آمد
 و عالم عالم دیگر گشت و جشن عظیم و عیش اکمل اتم اهل طایفه اعلیٰ را با همساز
 آورده جمیع مکانات در بحر طهارت منغمس گردید و کل اشیا بقیمین اسما مرتین
 گشت نسائم عفران بر بیابان اکوان بوزید و عالم و ما فیها را منقلب نمود و

و استعد او بلوغ در سبک عالم انسانی ایجاد گشت مکلم طور سلطان سیر لاسوت
 بر عرش ظهور مستقر گردید و ما حسیوان از شطر حمن بر عالمیان مزدول گشت در
 این مقام از ریاضه مرکز عهد الله این کلمات حایات نازل: «در اگر در این کور بدیع
 و در جدید بصیر جدید ملاحظه نمائی مشاهده سینرمانی که جهان در این تختی جمال قدم
 از مطلع عظم خلیق جدید فائز گردیده و حقیقت وجود جمیع کمالات غیب و شهود
 گردیده و انوار قدیس از افق توحید بر مطالع تجرید ساطع گشت و عظام سبحاناً
 تجیه با شمس حقیقت از برج اسد لامع شد و باشد حرارت در اشرف نقطه عالم
 حال بحسب ظاهر اگر چه آثار با بهره این طلوع الهی بنامه در خیز شود مشهود
 آثار حقیقت وجود تحقق یافته و بمعنای استعداد این عباد ظاهر و عیان گردد»
 یا معشر المؤمنین این دور الهی که حلقه اولای کور مقدس محسوب و مبداءش مولد

شریعت بهائیّه و منقایش ظهور نتیجہ و ثمره آن در عالم امکان است بینه عصم

منقسم و این اعصار ثلاثه بر چند از یکدیگر ممتاز و هر یک با سببی موسوم و صغنی

موصوف و بشوئی محض در کیفیت مختلف و در امتداد متفاوت ولی سلبه

کاملاً مرتبط زیرا ارتباط حقیقی هر یک از این اعصار ثلاثه بنظم بدیع الهی و ایجاد

نشود و ارتقایش در عالم وجود ثابت و محقق اگر بنظر مستقیم و بصیر حدید خطه

نماید معلوم و واضح گردد که این نظم بدیع که در هویت این دور الهی منبج و

حقیقت فائضه امر اخرا بهی با حسنهما و احکما در آن تجلی نموده و بمبرور آیام گام

در تاسیسات بدیع اش مصور و مشخص خواهد گشت وصیت بزرگوارش و لوله

در بین عموم دول و ملل و نحل و امم و قبائل ارض خواهد انداخت و قواعد و ارکان

در کل اقطار مرتفع خواهد شد و جهان و جهانیان را احاطه خواهد نمود و لید مباحث

جمال قدم و اعظم اعظم است زیرا از اقرآن معنوی بین تو و فاعله فاعله فاعله
 شریعت الله که از شارع قدیر منافع و مندفع گشته و لطیفه میثاق که در حقیقت
 مرکز عهد الله و مبین آیات الله مستور و محسوس و مندفع بوده و ظاهر گشته و وجود
 آئده تا و پود این نظم الهی احکام مقدسه متعالیه مصرح در کتاب اقدس که از محرن
 قلم اعلی صادر و مبادی سامیه روحانی و اداری که در الواح و خطابه های مرکز عهد
 میثاق و مبین آیات نسیه آفاق و کتاب و صحایف مدون و مسطور بشمار
 فاتحه حصرا اول و ثلوثین و تاسیسش در عصر ثانی و تصرفات کامله اش مسکلت تمام
 عصر ثالث در مقدس الهی مبرشش حضرت نقطه اولی و اضع احکامش جمال
 اقدس ابی هندس و مبین کیفیت تاسیسش مرکز میثاق اتم او فی حضرت عبد الباق
 و بانیان صرح مشیدش جمهور سالکین بسبیل هدیمی اهل بهار و اکبیر سفینه جمعی

این نظم بدیع از انظمه باطله سقیمه عالم ممت از در تاریخ ادیان فسرید و بی مثل
 و سابقه بنیادش بر دو رکن رکن استوار رکن اول و اعظم رکن ولایت الهیه
 که مصدر تبیین است و رکن ثانی بیت عدل اعظم الهی که مرجع تشریح است
 همچنانکه در این نظم الهی تعلیقات بین احکام شارع امر و مبادی اساسیه اش
 که مرکز عهد و میثاقش تبیین نموده ممکن نه انفصال رکنین نظم بدیع نیز از یکدیگر
 ممتنع و محال عصر اول دوره اولای کور معدس الهی که بصیر رسولی موسوم
 و بعثت امتا بش بد و منظر ظهور و مرکز میثاق رب غفور بمراتب اعظم
 و اتم و اشرف از عصرین آخرین امتدادش بعثت و هفت سال بدیش
 بعثت نقطه اولی در سنه ستین در مدینه شیراز و انتهایش صعود مرکز عهد
 الهی در ارض اقدس در عهد ثامن مستن اول بهائی در این عصر نورانی که

فخر جمیع اعصار است قوه محیطه غالبه الهیه که در نبوت امر عظیم و بطون این دین
 بسین و شرح مجید مکنون و مستور و مخزون بوده بر عالمیان فائز گشت و در
 عروق و شرابان عالم امکان چون سیل جارف سمر حاری و ساری شد و نهال سبیل
 بدم اظرف نفس مظهر ظهور و خون بیت هزار شهید ارشیدگان جمالش و پروان امرش
 سعادت گشت شاعر امر بسین حمد می تمین با جمهور سپه روان آئین نازنین بست
 و بنیاد می شاق غلیظ با اثر قلم اعلیٰ در کتاب عهدش بنهاد شجارت نظم بدیع اعلیٰ
 بقلم مبشر نسردیش در کتاب مجید صریحاً داده شد و احکام و اصولش از قلم
 اعلیٰ شاعر قدیر در کتاب اقدس نازل گشت و کیفیت تاسیس بنیانش در
 کتاب وصایا از قلم مرکز عهدش تبیین و تشریح گردید آواز امرش و لوله در قطار
 غربیه میذاخت و نفوذ آئین مقدسش بشمال و جنوب سرایت نمود .

این عصر مشعشع بنفیه مانند دور اعجاز اجل ابعی بنیه قسم منقسم عهد اول این عصر
 مبارک عهد اعلی و منتب نقطه اولی و مرکز بر احکام بیان صادر از قلم آن
 قره عین انبیاء و اصفیا آمده اوش نه سال ابتدایش طلوع فجر بهی ارا
 اقلیم فارس در سنه ستمین و انتهایش بزوغ شمس حقیقت در سنه تسع در زندان
 طهران که خاتمه دور بیان است و حلول عهد موعود من نظیره الله در این عهد
 اول نخستین عصر دوره اولای کور مقدس بساط اولین دفعه واحده منطوی
 گشت و نسیم الهی از شطرنجینه منوره منطلقه شیراز بوزید باب اعظم بر وجه
 اهل عالم مفتوح گشت و نغمه اولای صور فحشم من علی الارض را مضعق
 نمود شیخ قدیم منسوخ گشت حروفات بیانیه باراده غالبه از لیه تعیین شده
 و ندای جانفندای طوبی لمن یظیر الی نظم همبار الله مرتفع گشت

خطاب مهین در تسبیوم اسما، اندازا للملک و الامراء و العلماء و الوزراء

و عموم طوائف عالم از قلم قائم موعود صادر شد و رایت سودا در ارض خا

مرتفع و ارض مازندران و فی ریز و نجان و سایر ولایات محمد آمین حضرت

یزدان از دمار بریه شهیدان ریان گشت در ارض بدشت بهمت و شهادت

جمعی از انصار و اصحاب خرق احجاب و کشف نقاب گردید و در حاصمه

ایالت آذربایجان اعلان قائمیت از فم محبوب انام بسع و لیعد و

علمای اعلام و حکام عظام برسید منظر مظلومیت کبری پس از تبعید و

اسارت و محبوسیت بامر مبرم امانت خدار در مدینه تسبی ز کاس

شهادت بنوشید و ندیجه کبری در ارض طابرا اثر حادثه رمی شاه بر پاشد

و جمال ابنی یگانه مجا و ملاذ اصفیا و اولیاء البقرتزدان امتن اعظم بنید خست

واجده اصحاب و انصار و سنن اران از اجاب راطعه شمشیر و اسیر و عبیر و
سامان نمود .

عهد ثانی این عصر مبارک منتب بهیکل مکرم فخرم جمال قدم و اسم اعظم
و طائف حول آن مظلوم عالم و موعود و مقصود کتل ملل و امم و مستند بر شرع
اشرف امجد اعز اقدس آن محیی رحم امتدادش سی و نه سال ابتدایش
حلول سه تسع و دعوت سزای مظلمه کلی الهی و تجلی روح اعظم بر قلب اصفا
مرد سلطان قدم در سخن مظلم و انتهایش صعود آن منجی امم و افول آن کونکب
در می مشرق بر آفاق عالم در مغرب سخن اعظم .

در این عهد مشعشع مستاز ساطع الانوار سرمدی آثار عدیم الهی شال ارفع اکرم
افخم که براتب اعظم و اکبر و اشرف از عهد سابق و عهد لاحق این عصر نورانی است

و بشا به بصر است در این دور اغرض مدانی و تاج و تاج و متن اول بهائی و ب
 اعظم کور الهی جمال و باب رب الارباب متدرجا در ارض مقدسه افق نور علم
 و مدینه الله دار السلام و مدینه کبیره و ارض سر و مدینه محصنه حکما سخن عظم سمارا
 نقاب از رخ بپوشد و سلطان قیوم بر سر سلطنت قاهره ابدیه از تیه ایسه
 مستوی گشت اسرافیل حیوة مره اخسری در صافورا فخم بد مید و سر سنده
 آشکار گشت و در سر تر نفوس مقدسه مطهره زکیه تکمیل شدند جنین امر بمقام
 احسن تقویم رسید و مصداق « ان الحكم بعد حین امر ستعلمون » و
 « ستعلمن نباه بعد حین » تحقق یافت دعوت سری مظهر کلی الهی بدعوت
 جبری پس از خروج از بیت اعظم در حین هاجرت از مدینه الله بمدینه کبیره
 مبدل گشت و سنین مملکت منقضی شد و مکلم طور بر عرشش ظهور و اصحا مشهور

جالس گشت سفینه حمرا بر بحره احمر جاری شد و مصداق بیان نقطه اولی
 «وان تمن علی بقائک فی الرضوان ونفحاتک فی ارض السلام»
 تحقق یافت و سلطان ظهور مالک یوم الدین بعنه بوده آن مبشر فرید اعظم
 در انتهای واحد و ابتدای شانین از خلف سبعین الف حجاب من النور قدیم
 بیرون نهاد و از سر مستر علی قدر ستم الابرہ از طور کبره ظاہر و مکشوف نمود
 فتنه عیای صما اعظم انقلاب قرن اول بهائی ارض ستر را متزلزل نمود
 و صنم اعظم را بجاگ بیداخت ارکان حیت متر غرغ شد طور یون منصف
 گشتند قمر مشر گشت فصل البر تحت یافت سر شانین آشکار گشت حجاب
 مهین در سوره ملک و الواح اخیری ایتم قیوم الارض و السماء ملک
 و سلاطین جمعا و منسردا و خلفا و امرا و علماء و فقہا و وزراء و سفراء و اعیان

و فقره ششم او ادباً و حکماً و عرفاً و همچنین بحیرة عظم و معشر بطارقه و مطار
 و اساقفه و قسین در بهان و ملوک مسیحیه و مشایخ مدینه کبیره و روسای جمہور
 در قارہ امریکہ و روسای مجوس و ملای انجیل و انبار خلیل و وارث کلیم در روسا
 بیان و اصحاب مجالس در دیار کالغیث الہا ظل نازل گشت و نفوذ امرائے
 از عهد آئین مقدس و اقلیم مجاور عراق عرب بختہ فقاز و در اقلیم ہند و
 برما و مصر و ترکستان و سودان و ارض شام سرایت نمود سراج حجاز
 کہ بفرمودہ ربّ بنی انبار از مشکوہ عراق خارج و در بلور خسری بتقدیر
 مالک عرش و شری در ارض ستر مشعل گشته بود در عملاً لائف الاعداد و
 انحصار من الملوک و الامراء و العلماء و الوزراء و الوکلاء در مشکوۃ سجن عظم
 روشن و مسللاً لگشت و بشارت کتب مقدسہ و وعود الہیہ کہ در تورات

و بخیل دست آن مجید مصرح کا بیان تحقیق یافت صحیفہ علیا و مرجع اعلیٰ
 و ذات الرحمة و مشکوٰۃ الفلاح و قسطاس الہدی کتاب مقدس اقدس
 ام کتاب اور اعزاز قدس الہی باوجود بلای مہر م کہ در آن بے مظلم بریکل
 مظلوم عالم وارد فرخند قلم اعلیٰ نازل گشت و ختم حقین مظلوم با صبیح سلطان
 قیوم برداشته شد مدینہ مقدّسہ اور شہیم جدیدہ نازل گشت و سماہ جدیدہ و ارض
 جدیدہ مصرحہ در کتب مقدّسہ پیدا گردید و اصول و احکام نظم بدیع الحی در این
 سفر قدیم از قلم اعلیٰ ہدایہ و تمہید التائیس قواعدہ و رفع دعائمہ و ارکانہ
 نازل گشت خیام غرور دامنہ کرم اللہ منصوب شد و بہار کرمل نمودار گردید
 صہیون برقص آمد بیت لحم ندای و ایشہ می بر آورد ارض اور شہیم تجلیات انوار
 رب مزین گشت ہتاف این در وادی نہر اردن مرتفع شد خطہ حجاز اہترازی

جدید یافت حسین بطحا از تضرع عرف قمیص بها مرتفع شد و بهیله طور سنا از
 از جلوه مکلم طور بنده گردید و مسجد قصی بنی امی و اطوبی و انس و حاد و مساکت
 جمله انبیاء و معشر اصغیا و کافه اولیاء و عن در انهم بسا کل الصافین و الکبریین
 فی المذا الاعلی و طلعات الفردوس فی البحته الماوی از این جلوه حیرت انگیز
 ابی مدیه پوشش و باین نعمه جان انس را سرمه تعالی تعالی جماله البهی
 الباهی المتباهی الابهی تعالی تعالی امره الغالب المبرم الاول
 المهبین علی من فی الانسار تعالی تعالی نوره الابدی الازلی
 القدی الملاح المشرق علی من فی الارض و السماء تعالی تعالی
 کوره الاعظم الاشرف الاسمی تعالی تعالی دوره الاکرم المتعالی الاعد
 تعالی تعالی عصره المشعشع الالامع المتسلا الاعلی کل الارحاء تعالی تعالی

شرعه المبارک الاکمل الاتم الاسنی تعالی تعالی عمده المتعالی الفخیم

الامتن الاوفی تعالی تعالی نظمہ الدرعی السامی الابیدع المتجلی علی

بسیط الخبر له القدرة والبقا، وله الرفعة والضمیما وله العزة والسناء

وله العظمة والكبریا، وله الهمیمة والسیطرة والاستقلال .

عهد ثالث این عصر پر انوار منتسب بفسح مشعب از اصل قدیم غصن ^{عظم} اللہ ال

وسرہ الاکرم و مستند بریشاق و شوق جمال قدم و منجی امم امتدادش میت و

سال اقتحاش جلوس منین منصوص و حافظ میان مرصوص بر کرسی خلافت

عظمی و خامش عروج حماد میشاق بر زلف اسمعی و جنبه علیا و ملکوت

ابنی در این عهد ثالث و اخیر نخستین عصر دوره اولای کور مقدس اریاح قضا

بر مرکز اعلی و مقر اسنی قره اسنری مرور نمود و در جنبه کبری مانند فتنه عمیاً

که در ارض شمس مشعل گشته بود ارکان جامعه جدید التاسیس سپردان بهاء
 متعش و متزلزل ساخت و راجحه و فساد از ناحیه بقعه بیضا بوزید و طوفان
 شدید نقص بدرمیشاق را در سنین معدوده بخوف حسد مخسوف خست
 و آل اندر احرار و اعصاب و اوراق و افغان اصهار از سدره مننی ^{میفضل}
 نمود و بجا ک مذلت بیداخت و بجدلان سردی گرفتار نمود ^{شیرازی}
 که از دو ظهور مقدس مستتابع در عهد اعلی و عهد ابعسی مستدر مخالف ^{قصدین} دنیا
 بر آفاق فرنگ ساطع گشت و علم بیدیش در قلب ایالات متحد امریکه
 عهد بدعیت الهیه که بجهت موده مرکز عهد « میدان اشراق انور است
 و کشور ظهور اسرار » منصوب شد امانت الهیه عرش مظهر نقطه اولیه از لیه
 سالماً آمناب ساحل ارض مقدس و اصل گردید و بیان ثابت الارکان ^{معامله}

مطابقاً اراده الله و بحسب تعلیمات مرکز عهد الله در دامن کرم الهی
مرتفع شد و بدست بانی مقدس در عید نیروز نوروز پس از آنکه شصت
از انظار محض و پنهان بود در ارض اعلی در حیطه غنا در جیل کرمل مقابل قبه
اهل بها و جوار مقر حضرت ایلیا استقرار یافت .

زوبعه ثانی این عهد نورانی بعهه بیضار احاطه نمود و یوسف بهار را در بر بلا
بمیداخت و طوق مسجوتیت برگردن یگانه سهیم و شریک مظلوم عالم در
سجن عظیم بناد صاعقه غیرت بعهه بدخشید و واقعه بائعه در مرکز خلافت
عظمی رخ نمود و مشروطیت اعلان گشت سلطان جابر عبدالمجید پیرین
از سر سلطنت بخصیض وقت بیقادر و رو بهان نقض در حفره یاس بجزیدند
و عصبه غرور بصیت خاسره تفتیشیه بجزای اعمال سیئه خود برسیدند بنیان

رفیع الشان اولین مشرق الاذکار جامعه بهائی در مدینه عشق بدستور مرجع
 امرها مرتفع گشت و اراضی اتم المعابد غرب بشوق مرکز عهد او فی در جوار
 نخستین مرکز جدید التاسیس امرالمحی در قطب امریکای اقیانوس غربی از تقو
 منقطع زکوة در اقطار غربیه صلامی جانفرد می ریای اهل المغرب اخرجوا
 من دیارکم نصر الله که در سیوم اسما در سنین اولیه نخستین عهد عصر
 ابینی از قلم نقطه اولی نازل اجابت نموده علم مبین را در دو عاصمه عظیم الشان
 فرانسه و انگلستان و صفحات چین و ژاپان و قاره استرالیا و آلمان
 و ممالک نهمه و مجرستان و افریقای جنوبی و جمهوری برزیل در قاره جنوبی
 امریکای برافراشتهند حماسه و فاجرت زانگان جفا بر مید و آبنگ ریاض
 غربیه نمود و در مدت سه سال نهمه سده ای مشغول گشت آن منادی ملوکوت

اسی وقد وہ اہل بہا، در مجالس و معابد و میاں گل و کنائس و صوامع و دار ^{تقوتها}
 عظیمہ در ممالک انگلستان و فرانسه و آلمان و نمسہ و مجرستان چل
 مدینہ از مدین امالات متحدہ و اقلیم کند ابا اعلان و تبیین و اثبات حقایق
 آمین حضرت رب العالمین ہمہ گلی مدیع و قدرتی محیر العقول لیلًا و نہارًا
 مشغول گشت و حجر زاویہ اولین معبد بہائی را در اقطار غربیہ بدست مبارک
 بنیاد و عظمت کیفیت عمدتہ آفاق را در مدینہ میثاق در مجمع اہل وفاق
 ثابت و مدلل فرمود .

زو بعد ثالث این عہد پر شور و آشوب کرۂ خسری ارض اقدس را در
 مدت چہار سال در مخاطرات عظیمہ بیدخت و مارہ جنگ بین المللی
 مشغول گشت و جمال پر وبال دست تجاوز گشود و غالب نقض اجہرا

نایس بیرون دویدند و جلانی جدید نمودند باب لغامسد و دوشده جل نجارت
 و مراسلات منقسم گردید و اضطراب شدید بر قلوب اهل بهامستولی گشت
 سپاه منصور انگیز با احتمال اراضی مقدسه موفق گردید و بدو میثاق که بحسب
 محن و بلا یا محسوف و محجوب بود در آسمان امر الله جلوه فی جدید بنمود و بیخ
 بیخ فرمان الهی خطاباً للذین احسبهم الله لتسخیر المدین و الدیار و رفع
 علم الاستقلال و حمایت المستضعفین فی ابلاد شامل تعلیمات کافیه و افیه و
 متضمن دستورات خطیره منسیعه در الواح مسعوده مخصوصه از قلم معجز شمش
 صادر گشت و مصداق خطابهایی قهریه و اندازات شدید در سوره طوک
 و الواح سلاطین و کتاب اقدس مستابعا متدرجا تحقق یافت امور
 در ارض طامتلب گردید و دینه کبیره مره احسنه فی مضطرب گشت

سلطان جابر الجالس علی کرسی الظلم مانند خلیفه سابق معزول شد و بحسب
ابدی گرفتار گشت حسین برین مرتفع شد و ملک مغرورش بمن کان عظم
منه شاماً و کسبه منه مقاماً محو گشت و برابر راجع شد امیر اطوری روس
و آلمان و نرسه پرتیه مبدل بجمهوریت گشت و ملک عجم ناصر خدای الملقب
من العلم الاعلی بر رئیس الظالمین بدستیر هلاک گشت و مطلع اعراض جفا
اعظم الذمی استکبر علی الله در جزیره شیطان بدار البوار راجع شد یوسف مصر
المهی پس از قیادت امر اعرضه انی در مدت بیست و نه سال مغرراً مظفراً
منصوراً غالباً علی اعدائه و خصمائیه بجهان جاودانی جوار اب آسمانی عروج نمود
و الواح و صحایا احسنین زنه ملکوتیش را در عالم ادنی بدست ابل و فاو
رافین رایت بیضا و پرورده دید عنایت کبرنی و حامیان حصن حصین ابی

و ثباتان بر عهد ادنی و بانیان نظم بدیع اسنی بسپرد .

حلول عصر ثمانی عظیم الشان دور مشتع کور مقدس در عهد ثامن قمر اول

بہانی و واحد خامس تاریخ بیانی کہ موسوم بعصر تکوین و موصوف بعصر اتصال

و حلقہ اتصال بین عصر رسولی و عصر ثالث و اخیر دور بہانی کہ بعصر سہمی مہوم

است و عصر ظهور و جلوہ اعلی و ابہنی شمرہ نظم بدیع جہان آرامی جمال ابہی در

عالم ادنی است معارف باعلان کتاب و صایا منشور مبارک مقدس مرکز

عهد جمال ابہی و سردمان سالار جذبہ با و وثیقہ مقدسہ عظمی و کاشف کیفیت

تاسیس نظم بدیع در بیضہ غیر او متمم کتاب مستطاب اقدس مہمین برکت و

و صحف ادنی است ادش محبوب و در علم الہی محسن و ن انتہایش استعار

این نظم اکل امن اتم در شرق و غرب عالم و جلوہ وحدت اصلتہ در

انجمن نبی آدم و استحکام اساس صلح اصغرین دول و امم مولد این نظم
 اعظم الهی که بفرموده جمال قدم از سطوت ظهور برورش در عالم امکان
 نظم جهان مضطرب و ارکانش متزلزل خواهد گشت مصادف با تقدیر
 عظیمه و حوادث خطیره و امتحانات شدید و لطافات متابعه جامعه پروان
 امر مولی البریه و قیام دشمنان داخل و خارج از قدیم و جدید و دینی و سیاسی
 و شرقی و غربی گردید کوتاه نظرانی چند از فترت با و مستقیم سده منتفی
 و ارکان و اقطاب جامعه اهل بها و فقها و علما و روسای ملت روح فرماداران
 از امراء و وزراء در بقعه بیضا و مهد آئین جمال الهی و اقالیم مجاوره مصر و عراق
 و در قاره اروپا و امریکا افول گوئد میثاق و عهد ان حامی و حاکم
 امر نیز آفات را نصبت شمرده در تشیت شمل پروان امر حضرت ائمه

و تزیین و تحقیر شعار امریه و انکار صحت و اصالت و صایای محکمه متقدمه در
 سنین متبادیه بهمت بگاشته در ارض اقدس ناقص کسب بشر ارجیف بهی
 عظیم مشغول گشت و بدیع بخصال بکمال جبارت مفتاح ضریح مقدس را
 غضب نمود و لوله علمای شیعه در دیده الله بلند گشت و بیت عظم بدست
 خالصین بقیاد گروهی از بهادر دیار مصریه تخریب اساس جامعه و استبداد
 آن بجمعیه موموم به کمال تیس بردختند و در عهد امین ذوالکمال مشتی از
 سفهار و علی راسم الناعی الاکبر نهایت وقاحت برتک حرمت دین تبه
 قیام نمودند در امریک زنی بشعور خود سرانه فسه یاد بر آورد که الواح و صایا
 غضن بر روند شجره به با و منقوش بقلم گهر بارش بی اصل و محمول است و ثانی
 مؤسس جامعه پیره و ان امر رحمن در خطه المان را اغوا نمود و با جمعی از ضعفا

از ضراط مستقیم منحرف ساخت عده فی ازمشترین ملت روح در او روپ و
 امریک بقبح و ذم دین الهی در نشریات خویش پرداختند و بعه ضلالت و ستمنا
 دیرین از دو حزب سنی و شیعه افتد نمودند امین سر عیضن الهی بکال غرور مشهور
 در خط امریک عربده فی بیداخت و بکال ذنانت در تفریق کتاب و صیای
 و ایجاد رخنه در میان مرصوص امر بهای پی بفرستد و کتاب وحی و ترجمین که
 در عهد های سابق با فضل السافلین ساقط گشتند محقق گشت کتاب تایید
 بحکایت و نصرت بانسان این نظم بدیع هجوم نمودند مفتاح مرقد منور بواسطه
 و لایة امور پس از تقسیم کامل مسرد گشت صحت و اصالت و صایای
 الیه بر مدعیان ثابت و مبرهن گردید تعدی و اغتصاب رؤسای حزب
 شیعه پس از مناقشه در بساط بجه انتداب جمعیه امم مدلل گشت جمعیه علمیه

منحل شد و انفصال منتسبین و متعلقین بی وفا شروع مشعبه از سده هفتمی
 و انحراف مثنوی از کتاب و مترجمین و امانت سر عرصه دوحه بقا و ارتداد بعضی
 از اقطاب و شاہیر مبلغین و مؤسسين آئین جمال اہنی علت تظہیر و تصفیہ
 نازنین و باعث تقویت بنیہ جامعہ پیر و ان امر حضرت رب العالمین
 گشت ساکنین بسیل و فاکہ در حسن حصین امر بہا متحصن و بحیل المثنوی و صایا
 عرصه دوحه بقا متمسک و از شدید القومی مستمد متوکلین علی اللہ منقطعین
 عن الحجات متوجہین الی نیہ الآفاق مبتعدین عن اہل الشقاق باوجود
 اختلاف مشارب و مسالک و عادات و اجناس و اوطان و لغات
 و طبقات کتله واحدہ بتاسیس قواعد و نصب دعائم و در رفع اعمدہ نظم بدیع
 قیام نمودند نظمی را کہ در عہد اعلی نقطہ اولی بان بشارت داده و در عہد اہنی

جمال کسبه یا اصول و احکامش را نازل فرموده و در یوم شایق مرکز عهد^{سه}
 نقشه بدیعی را ترسیم فرموده نظمی که ولید شریعت است و میثاق نیر آفاق
 است نظمی که رکن اولش ولایت است و رکن ثانی آن دیوان عدل الهی
 است نظمی که کافل ظهور و وحدت اصلیه در هیئت اجتماعیه و وصول عالم
 بدرجه بلوغ و کمال در ارفع علم صحیح اعظم و ضامن تأسیس بدینیت الهیه در عصر
 ذنبی دور اعراض است کور الهیت نظمی که عیال و نظیرش نه در شریعت موسوی
 و نه در شریعت عیسوی و نه در شریعت محمدی و نه در شریعت دیگر ارادم تا
 خاتم ظاهر نگشته نظمی که نه از قوانین و انظومه و دستاویز سقیمه عالم معتمس
 و نه با فکار و اصول شعوب و امم شرقیه و غربیه متماثل نظمی که از دسائس
 احزاب و مخاصمات دول و منازعات امم در کنار نظمی که دارای بعضی از

مرزیا و عناصر صالحه و حقایق سلیمه انظمه عالم و از حیوب اصلیه نظریه آنان
 عاری و مبرا رفته رفته قوه قدسیه ساریه جاریه دافعه الهیه که در سنه ستین
 بان بشارت داده شده و در سنه تسع در عالم وجود احوادث گشته و تولد یافته
 و در سنه ثمانین سرمایش بنتهای درجه قدرت رسیده و در یوم میثاق
 تعزفات اولیه اش جهان فرنگ را با هسته از آورده در این عصر نورانی
 در موسسات نظم بدیع الهی حلول نمود و بحکم یافت و در قنوت و مجاری
 معینه منصوصه از قلم اعلی و کلک مبین آیات جمال الهی جاری و ساری
 گشت . محافل محلیه اس اساس قصر مشید رسماً منظم در قنات خمس
 عالم از طرف جمهور سپه و ان اسم اعظم از مومنین و مومنات اشخاب گردید
 و بر این اساس اقوام اعده دیوان عدل الهی بیوت عدل خصوصی در ایالات

متحده و هند بریتانیا و کشور ایران و اقلیم آلمان و خط هندوستان
 و قطرین مصر و عراق و قاره قاصیه استرالیا مرتفع گشت بجهت های متعدده
 متنوع محلی و مرکزی که بشابه ایادی و اجنه محافظه مستابعا تشکیل شده و ضد
 خیریه تاسیس گشت و دستاورد انظمه متعدده که مقدمه وضع ناموس اعظم
 و مضمین قانون اساسی جامعه در اقلیم مختلفه است بکمال اتقان تدوین
 و طبقات مختلفه ترجمه و طبع و منتشر گشت انجمن های شور و روحانی ملی و ایالتی
 بنیاد انتظام در ممالک مختلفه در خاور و باختر تاسیس یافت و متجاوز از
 هشتاد و فصل روحانی مرکزی و محلی در ایالات متحده و هندوستان و آلمان
 و انگلستان و مصر و بلوچستان و برما و قاره استرالیا و دو اقلیم کند او اسکا
 و هشت جمهوریات از جمهوریات مستقله مرکزی و جنوبی قاره امریکا رسماً در آورده

حکومت تجل گشت و اعتبار نامه رسمی صادر شد و اوقاف بهائی بحسب
 شرع اعتزله صدقاتی تاسیس یافت تشیید خطا ر قدس علیه و محلیه محرر نظام
 اداری و مراکز بیوت عدل خصوصی و محلی در عواصم بلدان مختلفه و ایالات تابعه
 در شرق و غرب و جنوب و شمال انجام یافت و ثانی مشرق الادکار عالم بهائی
 اُمّ المعابد غرب رمز دینیت الهیه در قطب امریکت تاسیس گشت تشکیل
 مدارس و معاهد علییه متنوعه و مؤسسات بدیعه جوانان و امار الرحمن و اطفال
 تحت اشراف انسانی متوجه بر استحکام و ارتفاع شان بنیان الهی معینند و
 اراضی وسیعه که مساحتش از سه میلیون و نیم متر مربع متجاوز لاجل تشیید معبد
 ثالث بهائی در ارض طایبایع گشت اراضی مجاوره ضریح مقدس نقطه اولی
 در دامن جبل کرمل بصرف اهل بهادر آمد و باوقاف دیگر در مدینه منوره بنیاد

و مرجع عکا و ساحل نهر اردن و جنوب اراضی مقدسه که قیمت مجموعش از نیم ^{میلیون}
 جینه تجاوز منظم گشت قسمتی از این اراضی که وقف ابدی مطاف ^{علا}
 است پس از اجرای سی معامله قانونیه با سم شعبه محفل ملی امریک و محفل ملی
 هندوستان منتقل و بتوقع این ناقص کسبه در اداره ثبت اسناد تصدیق گشت
 باب مخابره بین انسانی منتخبه جامعه و اولیای امور رسماً مفتوح شد و مشار
 رسمیه محافل روحانیه در امور عام المنفعه با طبقات مستنوعه در ممالک مختلفه
 تعلیم یافت الواح اصلیه استنسخ گشت محفظه آثار الهیه در جوار مقام علی و در
 حظائر قدس علیه تشکیل شد و اماکن متبرکه ممتعه در موطن اصلی مولی البریه ابعیاع
 گردید و لوله عظمی بر اثر تشیید ارکان نظم اعزاسنی در مدینه قاهره مرکز
 عالم عربی و اسلامی نقاب از وجه حقایق و نوامیس و احکام و شعائر شریفین

بیعند و حکم محکم محکمہ شرعیہ و فتوای مفتی دیار مصریہ تباہ قاضی القضاة و
 شیخ جامع انفس و تصدیق وزارت عدلیہ در اعلان و اثبات اصالت
 و استقلال شریعت بہائیہ و انفصالش از شریعت محمدیہ و انفصال زوج از زوجہ
 و عدم جواز دفن اموات بہائی در مدفن اسلامیہ صادر گشت و این حرکت
 مبارکہ بمہد آئین حضرت رب البریہ و اقطار مجاورہ عراق و ہندوستان
 و براتنام سرایت نمود و انعکاسش در اقصی ممالک غربیہ ظاہر گشت
 حجاب اکبر خرق گردید رانہنسان پدیدار شد یوم ربیب فصل اشکار گشت
 خروج ارنائس مسیحیہ و معاہدہ ادیان عدیقہ در اقطار غربیہ و شرقیہ و انفصال
 از شریعت اسلامیہ و امتناع از قبول و طائف در دوائر شرعیہ اعلان گشت
 ایام مخصوصہ تعیین گردید و تعطیل دوائر امریہ در ایام محترمہ عمومیت و رسمیت

یافت نتجات احکام همد کتاب اقدس تدوین و ترجمه و تعمیم و تقدیم و تالیف
 امر گشت و عقد نامه و طلاق نامه بهائی تهیه و طبع و منتشر گردید مقابله با
 ریاض ابدیه مستتابعاً تأسیس شد و اعتبار نامه رسمی در ثبت اسناد از دواج
 بهائی در پشت ایالت از ایالات متحده امریک و عدم مراجعه بحاکم مدنی
 از طرف ولایه امور صادر گشت و اجازه کتبی در معافیت مقامات متعده
 و معابد و اوقاف بهائی از رسوم دولت در مرکزین المللی و اقالم دیگر بر جلوه و
 استحکام شرح مقدس سینزد و حواریون حضرت بهار الله فارسان مجلس کسبیه
 و حامیان حزب مظلوم و مشعلداران مدنیت الهیه و علی را سهم امه الله بمنقطع
 فخر المبلغین و المبلغات بتسخیر مدن و دیار و تنقید دستور انجم اکرم که از قلم مرکز
 عهد جمال قدم در الواح مخصوصه در سنین اخیره عهد ثالث صادر و طرح نشود اولی

هفت ساله که اعظم مشروع مسترن اول بهائی محسوب مبادرت نمودند و
 باقطاعی مبعوث گشتند و چنان نمئی بگاشتند و وصولتی نمودند و در جمهوریات
 مرکزی و جنوبی قاره امریک جولانی نمودند و شوروی انگیزتند و دوله فی ایداختند
 که ملا اعلی با بستر آراد و ندای بشری کلم بشری کلم یا نصرار الرحمن و حماة دینه
 اهل عرفات حنت اعلی و سگان فرسیق ابی را بوجه و طرب آورد . ملکه
 نیک خصال فرخنده فال ندای امرزد و الجلال را البیک گفت و در
 اعلان از اعلانهای مستابده مهیجاش امر امد راستایش نمود و عقیده راسخه
 را بطور اب سادوی و حقیقت رسالت سید المرسلین بی ستر و خاسمع
 جهانیان برسانید و امره امر امد در قاره امریک از اقصی شمال خطه آلاسکا
 در قرب مدار قطب شمال الی اقصی جنوب جمهوریت شیلی مدینه نایه مجلس

که اقرب ندن دنیا بظبط جنوب است امتداد یافت امر مبرم که
 نطقش در عهد اعلیٰ منصر عهد آئین مقدس و خطه مجاوره عراق عرب بود و در
 عهد ابهی به ده اقلیم از اقلیم شرقیه و در عهد میثاق به بیت اقلیم دیگر در
 شرق و غرب سرایت نموده بود در این عصر نورانی پرچمش در پنجاه و یک مملکت
 دیگر از ممالک مستقله و اقلیم تابعه مرتفع گشت در ایالات متحده امریکه
 که بفرموده مرکز عهد کردگار میدان اشراق انوار است و کشف ظهور سراز
 قعد او مرکز امریه که در یوم میثاق از سی و نه تجاوز نموده بود و در آغاز بنفید
 مشروع اول بعفت ساله یاران در آن دیار به سیصد رسیده بود در خاتمه
 قرن اول از هسزار و سیصد تجاوز نمود قیمت مجموع اوقاف علمی و محلی
 جامعه یاران در آن خطه مبارکه قریب به سه میلیون دلار و مخارج معبد رفیع انشا

تا بحال بالغ به دو ملیون و میرانیه محفل مرکزیش ثلث ملیون و عدد مطبوعا
 در یک سنه از صد و شستاد هزار متجاوز در قاره نائیه استرالیا متجاوز از سی
 مرکز و در کشور پر انقلاب آلمان بیش از چهل مرکز و در اقلیم وسیع هندوستان
 بیش از شستاد مرکز و در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریک بیش از
 صد مرکز متدرجاتاً تاسیس گشت و کتب امریه به متجاوز از هشتاد کتابخانه
 عمومی سمیت حاملان امانت الهیه تقدیم گشت و یکی از این کتب نفیسه
 که از تالیفات عمده قلمیه محسوب به پنجاه لغت از لغات شرقیه و غربیه
 ترجمه و طبع گردید و بیش از پنجاه هزار نسخه در خاور و باختر انتشار یافت
 در این شور و آشوب مطابقاً لما صدر من یراعه نقطه الاولی و المستلم الاعلی
 و قلم مرکز عهدانته الاوفی گرفتاری ناگهان و عقاب عظیم و عذاب کبیر فرا

عالم را مرتد نمود و اول مقهوره بجهت موده مرکز میثاق آتش جنگ را شعل
 نمودند و انقلاب اکبر برپا گشت مخاطرات عظیمه در سنین عده ارض آید
 را از طرف غرب و جنوب و شمال احاطه نمود و مدن بجهت موده جمال
 محترق گشت و ملوک ارض مطابقاً اندر هم مولا هم و ما کلکم بعد اب الهم
 مبتلا گشتند اندازات و خطابه های قهریه که در عهد جمال قدم باعث سقوط
 ملک پارس و انقراض سلطنت ناپلیون و مسجودیت و ذلت حبر اعظم در ریه
 روتیه و ضلع و قتل خلیفه اعظم سلطان عثمانیان و در یوم میثاق موجب قتل
 ملک عجم و عزل و نفی خلیفه ثانی و مدینه کبیره و انقراض امپراطوری روس و
 آلمان و نسه و ارتفاع حنین برلین و تبدیل سلطنت بجمهوریت در مملکت پرتغال
 و کشور چین گردید و این عصر نورانی اثراتش متعاقباً ظاهر و پدیدار گشت

سلسله قاجاریه منقرض گشت، سلطنت آل عثمان سزگون شد خلافت عظمی
ساقط گشت و دلت و خزلان روسای شیعیه نمودار شد سریر ظلم در نقطه واقع
فی شاطلی البحرین منهدم گشت و زینت قبه الاسلام زائل و شرع اسلام
از دوار سیاسته در دیده کبیره منفضل گشت و محاکم شرعیه در مملکت ترکیه
بمحاکم مدنیه گردید و بر اثر جنب جهانسوز گروهی از ملوک معزول و منکوب و
اسیر و مقهور و پریشان گشتند و عاقبه الامر در ممالک اسپانیا و سرب و البانیا
و مجرستان و ایتالیا و بلغار و رومانیاستعاقباً مترادفا اساس سلطنت
مترعرع گشت و جمهوریّت مُبدل گردید و بیان صحیح جمال قدم سلطان اسپانیا
مظلوم عالم که «عزت اردو طایفه اخذ شد از ملوک و علماء» تحقق یافت
حرکت‌های تازه عمومی در این انقلاب اعظم بفرموده مرکز عهد جمال قدم کمال تنور

و ظلم و اعتساف تمام قوت را در تنقید مقاصد خویش مجرب می‌داشتند و حرکت
 شمالیه اهمیت یافت و تعالیم مادیه منتشر گشت و با قایلیم اروپا سرایت
 نمود و اسباب عجیبه غریبه که در ارض موجود و از انظار مستور و در الواح الهیه
 مذکور ظاهر گشت اریاح عدلیه بوزید و آثار فرغ کبیر مرتبه آخری در جهان
 نمودار شد و یوم « فیه یستغیثون و لایغاثون » و « نعشیم العذاب من قومهم
 و من تحت ارجلهم » نزدیک گشت ،

ایما انصارون که درین آنده حال که مرحله اولامی عصر ثانی نخستین دوره کور مقدس
 غنشی گشته ملاحظه نمایند که از جهت چه انقلابی در عالم ادنی احداث گشته و چه غنشی
 دول و ملل را مبتلا نموده و چه خطر جسمی کرده ارض را احاطه نموده و چه اسباب
 عجیبه غریبه بی در عالم کون ظاهر و نمودار گشته و چه فرغ شدیدی بر قلوب

جانیان مستولی گشته و از جہتی دیگر اولین تجلی نظم بدیع مشعشع جمال ابہی بر سطح
 غیر اوجہ و لولہ فی درجہ انداختہ و پیام عاشقانہ شکر حیات و سپاہ بجا
 در تائیس و ترویج و تنقید مشایخ مہتممہ متقنہ بروفق اصول و مبادی این نظم
 بی ہمتی نہضتی ایجاد نمودہ و خطوات اولیہ در سبیل احرامی فرمان عظیم ایشان
 صا و از قلم سالیار جہند پدی غصن اعظم ابہی بعد از ان شریعت سبحا و در
 دو قارہ اورپ و امریکا چہ شور و آشوبی در قلوب افکندہ و چہ نصرتی از طلکو
 ابہی ظاہر نمودہ ظلمت ضلالت بفرمودہ مرکز عمد حضرت احدیت
 بانور بہایت در جنگ و تیز است و سهم و سنانش بسی تند و تیز اصحاب
 یمن و شمال در میادین مختلفہ در خاور و باختر مہاجم و قوامی مادیہ و معنویہ متصادم
 از جہتی معدمات حدودث انقلاب عظیم اعظم و وقوع عذاب کبیر اکبر

در عالم فساد هم و آثار نفاق و ضعیفه و بغضا و اشتقاق در مجمع نمایندگان ملل
 و اعمم پدیدار رقابت و خصومت در بین دول و اجناس و ادیان و طبقات
 آنافاناً دراز و یاد و مکاید سیاستیه و دسایس خربیه و منازعات دینیه و محاصمات
 جنسیه در امتیاز محدمات خربیه و آلات جهنمیّه و وسائل سف و حرق و بوار
 و دمار در اکثر ممالک و دیار همیا و سیل محن و آفات گوناگون از هر سوئی متحد
 بحران اقتصادی شدید مشاجرات بین رنجبران و سه مایه داران مترزاید
 نیزان تعصبات جنسیه و دینیه و سیاستیه مشتعل و چه عالم متغیره و نظم جهان مخنطن
 دارکان بد نیت مترغرج دول غافل و ذاهل و اعمم بر صنام او هام کف
 سراج دین مستور و خان فساد متصاعد افکار مشوش آراء متناقض عقاید مترزل
 نجم اقبال ر دسای ادیان عمیقہ آفل نفوس در غمرات شهوات مستغرق مفاسد

اخلاقیه منتشر عرش سلاطین مهندهم و خنین اغنیا مرتفع و نامه و فغان ایام ابراهیل
 و قرار و عنبر باد اسرار بغیان آسمان متواصل افراد و اوم در دام حرص گرفتار
 امم شرقیه در آشفته بیجان و خطه اروپا بدو شطر منقسم و بعسرت و محنتی شدید
 بدو کشور هند منقلب ارض اقدس قلب العالم و قبله الامم در بیجان و بنحاطت
 عظیمه محاط و عهد امر الله در پنجه تقلیب گرفتار و حزب مظلوم بر اثر این حرکت
 جمعیه در مخالف فقه ضالّه اسیر و مقهور توازن بین المللی مختل حرکت شمالیه
 در قارات خمره در تقدم فرائض اهل امر یک مرتبه قابل افریک مضطرب
 دول ضعیفه حیران و بهراسان حقوق اقلیات دینیّه و جنسیه مسلوب تنذاب
 عصیان و مانسره مانی در بهبوب در یایی سخط الهی پر جوش و خروش و کلمه گشایش
 ارض از امیر و حقیر و صغیر و کبیر و حاکم و محکوم در رئیس و مرئوس از باد غفلت

سرست و مدبوس .

و از جنبی دیگر ملاحظه میگردد چگونه اهل با و برگزیدگان حضرت کبریا در مقسمین
از نور هدی در آبین سفینه حمراء و متحصنین در حصن عهد اوفی با وجود ریش باران
نواب و زایای بی خوف و هراس و ستر و خفا بشاطی عظیم و غمی متین و روحی
پرفروغ و اتحادی کامل و نیتی خالص و قلبی مطمئن و قدمی راسخ بشعید ارکان بایه
نظم عدیم نظیر قوی الارکان جهان آرامی الهی مشغول و از عریده دهبی بهر مکار
و مفاسد و مآرب و مقاصد و نزاع و جدال اهل ضلال در کنار و ارشئون انکاسه
و کدورات و علومات دنیای فانیه مقدّس و تبر او با بشار مشایخ مختلفه طرح
نقشه های بدیعه و ترسیم خطط مختلفه مستنوعه در اقطار شرقیه و غربیه که تا بشیر
افتتاح عهد ثانی دو مین عصر دوره اولامی کور مقدّس است مانوس و مالوف

دور استقرار اساس این نظم بدیع که از جهتی محدث زلزله عظمی در ارکان هدایت
 ضالته فاسده بلکه حاضره و از جهتی دیگر بشارت دهنده تائیس بدینیت سایه
 الهیه است لیلًا و نهارًا سعی و جاهد تا بتدریج قوه قدسیه الهیه که در عصر ربوبی
 دور بحبائی تولد یافته و در مرحله اولای عصر تکوین در شکلات و مؤسسات
 این نظم بدیع متدرجاً حلول نموده و تجسد گشته در این مرحله ثانیه این عصر نورانی
 تصرفاتش بوسیده این ادوات و قنوات مشخصه معینه که حامل واسطه یصال
 فیض نامتناهی الهی باین جهان پر حشمت و انقلاب است در انفس و
 آفاق نمودار گردد و نتیجه و ثمره حلول و تجسد این قوه الهیه در عالم کون ظاهره
 عیان گردد در ایالات متحدہ هند بدینیت الهیه جنود مجتهدہ منصوره بتنفیذ
 مشروع ثانی هفت ساله که مرحله ثانیه در سبیل تحقیق نوایمی مقدمه مرکز عمده الهیه

محسوب قائم و در خراز بر بلیانیا ناصران امر جمال اسی بمشروع شش ساله و
 کشور بندوستان یاران راستان بمشروع چهار ساله و نیم و در خطه ایران عهد
 آئین جمال قدم بموطنان اسم عظیم بمشروع چهل و پنج ماهه و در قاره استرالیا
 شیفتگان جمال کسبه یا بمشروع شش ساله و در اقلیم عراق پیروان سیرافا
 بمشروع سه ساله مشغول و مالوف و در اجزای این نقشه های بدیعہ کل علی قدر
 استعداد هم و مراتبم لیلیا و کف اراساعی و مداوم مؤتسین این مشروعات
 جلیده انسانی مجلدہ محافل مرکزی در شرق و غرب عالم بهائی مجربانش محفل
 محلیہ و بجنہ های تابعہ و انفرادی جامعہ پیروان امر اعزاز منع صدانی اعزاز
 مقارن بانتهای جنگ ثانی بین المللی و فتوح قرن ثانی بهائی و حلول عهد
 ثانی این عصر نورانی پایش در بعضی از این ممالک توأم باحتفال عید موسمی

حلول سه تسع میباد رسالت و دعوت سترمی جمال قدم و افتتاح عهد عظم
 و در بعضی دیگر بعد من سال شهادت نقطه اولی مشرک این جمال قدم و موعود مل
 و امم و ابدانش تنقید آخسین وصیت مرکز عمد رب البریه و شکت حاملان
 امانت الهیه در میادین مختلفه در اقطار شرقیه و غربیه و تاسیس محافل روحانیه
 در عوالم ده مملکت از ممالک مستعده قاره اورپ و اتمام و اكمال تزینت
 داخله ام المعابد غرب در ایالات متحده و اقامه سه رکن از ارکان بیت عدل
 اعظم و تشکیل سه محفل مرکزی در اقلیم کنده و جمهوریات حسنوبی و مرکزی قاره
 و ایجاد نوزده محفل روحانی در عوالم جزیره ایرلند و ویس و اسکاتلند و مراکز دیگر در
 جزائر بریتانیای عظمی و اعاده تشکیل محافل متحد و تاسیس نو و پنج مرکز در ایالات
 و ولایات موطن اقدس جمال ابهی و مضاعفه عد و محافل روحانیه موجوده در کشور

هند و برما تشکیل می‌دهند و بهشت مرکز در قاره استرالیا و استحکام اساس دین مبین
 و اروپا و مراکز امریه در شط العرب و الویه تابعه خط مُسَبِّح که عراق و اشاع
 دایره جامعه جدیده التامیس در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا و تاسیس
 محفل روحانی در امارت بحرین و ارض حجاز و عاصمه افغانستان و تشکیل مراکز
 جدید در یمن و احسا و امارت کویت و عدن و عمان از اقالیم عربستان
 این قیام عظیم الهی در سال رسولان آمین ذوالجلال در غرب و شرق و جنوب و شمال
 در سنین اولیه قرن ثانی منتهی شده فال نخبه مقدمه تحقق نبوت انبیاء و بشارت
 مصرحه در کتاب حضرت دانیال که در تبیین و تفسیرش از کلمات اطهر مرکز عهد
 رب معال این بیان جان فسر اصاحار: «هزار و سیصد و سی و پنج مذکوره بدایتش
 از یوم هجرت حضرت رسول محمد المصطفی علیه الصلوٰه و السلام است که در آن تاریخ

آثار علو و امتناع و سمو و اعتلا از برای کلمه الله در شرق و غرب حاصل کرده.»

و همچنین میفرماید «بذلك التاريخ ينقضي قرن من طلوع شمس الحقيقة

و تعالیم الله تکلمن فی الارض حق التکلمن و تکلم الانوار مشارق الارض

و معار بها یوسد یفرح المؤمنون «

ای ستایندهگان اسم اعظم ملاحظه نمایند که در سنین معدوده اولیه قرن ثانی نبائی

که معارف بافتتاح عهد ثانی دومین عصر دوره اولای کور مقدس و آغاز ظهور عمرات

طیبه شهبه این مشروعات علیه بیه عظیمه تاریخیه پیروان جمال اقدس الهی است

نیروی اسم اعظم و فیوضات آن سافج قدم چه نفوذی در شرق و غرب عالم

نموده و امین آن محیی رمم چه اشتها ری یافته و در جامعه پیروان یگانه منجی عالم چه

قدرت و شجاعتی و بهت و انقطاعی و صولت و بسالتی و ثبات و استقامتی

و تعاون و تعاظمی از ان سراد و نواب و دولهای جامعه ظاهر گشته و چه نماید

از ملا اعلی شامل کرده منادیان امر بر سرش در اقصین علم مبیش و حامیان حسن

حصینش و مروین شریعت سجایش و مؤسین نظم بد بعش گشته در قلب قاره

پر بجان او روپ فیه ثابته را سنج در کشور آلمان سیل جارف بیات را آزمو

و تشدید و تحریف و تهدید در جبر و غضب و ضبط و حجز در سنین متوالیه مقاومت نمودند

و در آتش استخوان چون زهب ابریز رخ بر افروختند و مظفر منصور اسپ ازین تسکین

انقلاب اعظم قدم بمیدان مجاهدت گذاشتند و چنان تمهتی بگماشتند که

پس از انقضای شهر معدوده عده مؤمنین و مؤمنات در آن خطه پر شور و آسایش

مضاعف گردید و تعداد مراکز امریه در مناطق مختلفه آن استیلم از چیل تجاوز نمود

و در قلب آن کشور خطیره القدس علی تاسیس گشت و همچنین در جنوب شرقی قاره

آسیا در اقلیم بر ما و جزایر محیط اعظم و شرق اقصی مجاهدین فی سبیل الله که سنین عدید
 از ارض اقدس منقذ تاسی بتمهیدگان در کشور آلمان نموده در اعاده تسکلات
 امریه و اثبات و دفاع از حقوق مسلوبه و تقویت بنیه جامعه وار و یاد عدد محافل
 روحانیه و ایجاد روابط مستینه با همکاران خویش در اقلیم مختلفه سعی بلیغ مبذول
 داشتند - در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا سپاهیان ملکوت
 با استحکام بنیاد حسن حصین که در سنین اخیره مشهورن اول بردن نقشه اولای
 هفت ساله یاران امریکای تاسیس گشته قیام نمودند و در تهیه وسائل حجت
 تاسیس دو محفل بین المللی مرکزی در آن سامان که مقدمه تشکیل محافل طریقه حجتیه
 در آن جمهوریات خواهد بود مهت بگاشتند در این جمهوریات مرکزی و جنوبی
 که در عهد میثاق نطق امر الله منحصر بحدیه بنیه در جمهوریت برزیل بود و در آنها

قرن اول بهائی بر اثر سیم عالیه و اضغان نقشه اولای مہفت سالہ تعداد مراکز
 امریہ در کافہ این جمہوریات از پنجاہ و مہفت تجاوز نموده بود بہ صد و چہار دہ بالغ
 و در شش جمہوریت از این جمہوریات محافل محلّیہ روحانیہ رسماً تسجیل گشت و اعتبار
 رسمی از طرف ولایہ امور صادر شد و قطعہ زمینیں بالغ بہ نود ہند ہزار متر مربع
 بہت کمیزی از کنیزان جمال اہبی در عاصمہ جمہوریت شیلی وقف اولین معبہ
 بہائی و محققش در قارہ جنوبی امریکا گشت و در مدینہ نایبہ مجلس در اقصی جنوب
 قارہ جنوبی محفل روحانی تائیس شد و مدارس تابستانہ در دو جمہوریت ارجنتین
 و شیلی تشکیل گشت و اولین کنگرہ بہائی در عاصمہ ارجنتین و جمہوریت پاناما
 تائیس یافت و نمایندگان مراکز امریہ در جمہوریات مرکزی و جنوبی قارہ امر
 در این دو مؤثر تاریخی مجتمع گشتند و در تشیید روابط روحانیہ و ترویج امر تبلیغ و اعجاز

مبلغین با یکدیگر مشورت نمودند و با اتخاذ تصمیمات مهمه موفق گشتند در ایالات
 متحدہ نشاء و مبدأ این حرکت مبارکه و عهد بدینت الهیه تمهیدات اولیه در سبیل
 اتمام تزیینات داخله آمم المعابد غرب انجام یافت و اولین اتفاق مبارکی
 از مشاهیر مهندسین پس از مشاورات و تحقیقات دقیقه از طرف انسانی معبد
 امضاء گردید و مسیئرانیه این مشروع جلیل القدر که از نیم ملیون دولار تجاوز
 شد و عده محافل روحانیہ بہ صد و نود بالغ گشت و مجموع عده زائرین معبد مطہر
 از ممالک مختلفہ از ربع ملیون تجاوز نمود و عدد زوار در یکروز بہ ہصد بالغ
 و موقوفات علیہ از دو ملیون دولار تجاوز نمود و عده محافل روحانیہ کہ رسمائیل
 گشته و اعتبار نامہ رسمی از طرف روسای دولت بنام آنان صادر گشته
 از چهل و پنج متجاوز گشت باب مخابرات رسمیه بین انسانی محل مرکزی آن

اقلیم جلیل و شخص شخص رئیس جمهور و وزارت خارجه و وزارت معارف در
 عاصمه آن مملکت مفتوح گردید و روابط مستقیمه با هیئت نمایندگان امم متحده
 در مدینه میثاق و بجهت های متفرقه آن از قبل بجهت وصایت و بجهت حقوق نساء
 و بجهت امور اجتماعی و اقتصادی ایجاد گشت و بیان نامه های مختلفه متضمن تعالیم
 الهیه راجع بحقوق انسانه و در هیئت اجتماعیه و حقوق نساء صادر و بواسطه هیئت
 متجه تقدیم این مقامات رسمیه و مراجع عالیله گردید .

در اقلیم کنداکه بمنبر موده مرکز میثاق جمال الهی مستقبلش چه از حیثت ملک
 و چه از حیثت مملکت بسیار عظیم است و حوادثش بینایت جلیل حرب
 نقشه ثانی بیعت ساله رکن رکن بیت عدل الهی تاسیس گشت و عده مراکز
 امریه از صنعت تجاوز نمود و انجمن شور و دعائی ملی در اولین مرکز امر آمده که بقدم

مبارک من طاف حول الاسماء مشرف گشته منعقد گشت و اولین محفل مرکزی
 آن قلم تسلیل شه و استقلال و انفصالش از محفل مرکزی بهائیان ایالات
 متحدہ اعلان گشت در خطہ وسیعہ ہندوستان یاران متحدیدہ جمال حرمین نواب
 و بیات و مصائب و مصاعب متنوعہ را مقاومت نمودند و در میدان تبلیغ
 و مجاہدت و نشر آثار و کشف اسرار امرتبخانہ چنان تمہیتی بگاشتند
 کہ عدہ مراکز امریہ کہ در عمدہ ثالث او تین عصر دور بحسانی ارزش مرکز تجاوز
 نموده بود و در خاتمہ تین اول ارزشت تجاوز نموده بود بہ ہشتاد بل ازید
 بالغ گشت و دائرہ نشریات بحال سرعت و وسعت یافت و خطیرہ القدس
 ملی جدیدی در عاصمہ آن تسلیم مبلغ پانصد و ہفتاد و پنج ہزار روپیہ بہت
 یاران رستان ازادیان و اجناس طبقات مختلفہ ابعیاع گشت مبالغہ باطن

متجاوز از بیست هزار جینه لاجل احانه شمه به مکان در کشور نرسد و آلمان و برنج
 امر بلیغ و اتساع دائره نشریات امریه و استحکام اساس جامعه از طرف محافل
 روحانیه و افراد جامعه در شرق و غرب جمع آوری گردید و کتب امریه مهبت
 کنیز می از کنیزان مولی البریه در اقطار شمالیه بکتابخانه های عمومی مستعد در جامعه
 و مراکز مختلفه جزیره گرین لند و مدینه نائیه اوپرنادایک که ما در مدار قطب شمال
 واقع ارسال گشت اولین مجل روحانی در اقلیم الکما تشکیل شد و از انکمیوهای
 آن بلاد که ذکر شان از قلم میثاق در الواح مصرح عده مفتون تعالیم الهیه
 گشتند و جمعی از هند بیامی سرخ پوست امریک ایالی اصلی آن دیار که قلم
 میثاق رب مختار بابالی قیدیه جزیره العرب تشبیه نموده و استعداد فطری
 آنان راستایش فرموده دفعه واحده اقبال با برزد و اقبال نمودند و در دریج

دین الله بابر ادران و خواهره ان روحانی از جنس ابض و اصفر و اسود که از
ساکین در آن دیارند مشارکت نمودند .

در ارض اقدس با وجود انقلابات مترزیده سیاسته اراضی وسیعہ با سبب
غیبیه در دامنہ جبل کرمل که قیمتش از چهل هزار جینہ متجاوز شد رجاء ابتیاع گشت
و منظم با اراضی موقوفہ مقام اعلیٰ گردید و قسمی از این اراضی بنام شعبہ جدید التاسیس
محل مرکزی علی روحانی بنزدستان رسماً منتقل گشت و این معاملات خیر
کافی السابق بتوقع این ناقض الاسب در دائره ثبت اسناد تصدیق گشت .
عقد نامه بهائی مقدمه تائیس محکمہ شرعیہ بهائیه در سه ایالت دیگر از ایالت
محدوده رسماً تسجیل گشت و اعتبار نامه رسمی در اجرائی حکم محکم المصلی و عدم مجامع
بمحکم مدنیہ و روسای کنیہ از طرف ولایه امور و حکام ولایات صادر شد .

در قطر مصر و خطه عراق با وجود محظورات و مشاغل جدیده مدارس تائسانه تائیس
و نشریات امریه ترجمه و طبع و منتشر گردید در عاصمه حبشه و عاصمه سودان
بهجت مهاجران و مسادیمان امر حرمین محفل روحانی تائیس گشت و هزار
نسخه از جزوه فی که متضمن تعالیم الهیه و عقائد بهائیه است ببلغت تکرینیا که
در بین قبائل حبشه و اقوالیم مجاوره منداول ترجمه و طبع گردید - در اقوالیم طلاشه
ایرلند و ویس و اسکوتلند بنیاد نظم بدیع بدست محبسه بان نقشه شش ساله
تائیس گشت و اولین محفل روحانی در عاصمه هریک از این اقوالیم تشکیل شد
امراته که در عهد اول عصر رسولی نطاش محدود و منحصر بد و مملکت و در عهد ثانی
انوارش برده مملکت دیگر ساطع گشت و در عهد ثالث علش در بیت مملکت
دیگر از ممالک شرقیه و غربیه مرتفع گشت و از صعود مرکز میثاق تائیسامی

قرن اول به چهل و شش مملکت دیگر از ممالک مستقله و اقالیم تابعه سرایت نمود
 در این سنین اخیره اساس نظم بدعیش در سیزده مملکت دیگر تاسیس یافت
 و نشریات امریه که در ختام قرن اول به چهل و یک لغت ترجمه و طبع و
 منتشر گشته بود به نه لغت دیگر ترجمه و طبع و منتشر گردید و به دو از ده لغت دیگر
 ترجمه اش مباشرت گشت طبعه حسن و مجذبه الهیه و مشعلداران شریعت
 بیه بنامیه در این دو سنه اخیره بر حسب دستور و فرمان امیر اقدس صادر از قلم
 مرکز میثاق رب البریه و بر وفق تعلیمات و اضعین نقشه دوم هفت ساله
 از ایالات متحدہ مشار این حرکت مبارکه هجرت نمودند و در اقطار شمالیه و جنوبیه
 و غربیه و مرکزیه قاره منقلبہ اورپ اقم جامعہ مسیحیہ و مہد بدینت غربیه و
 قاصم شو کہ جیوش اسلامیہ در اعصار خاربه منقطعین عن ابجات متوکلین علی

رب الآيات البينات مستمدین من مولا هم وحب و بهم بهار الاضنین و السما
 قشت گشتند و بتسخیر بدن و بلاد قیام نمودند و بسرعتی محیر العقول در حاصه
 اسپانیا و پرتغال و ایتالیا و سویس و هولند و بلجیک و لکسمبورگ و دانمارک
 و اسبوح و نروج اساس نظم بدیع را بنهادند و بمقامات تسکین اولین نخستین شورا
 تبلیغی تاریخی در مرکز سابق عصبه امم در یوم بعثت بشر امر جمال قدم پرده کشند
 و جمعی از مبلغین و مروضین این مشروع فخرم برادران و خواهران روحانی خویش
 را در اقلیم مجاوره بحضور در این مجمع محترم دعوت نمودند و در بدین رومیه مرکز خلافت
 جبر اعظم و حصن حصین اتباع اعظم و اقدام کنائس مسیحیه نشریات امریه منتشر
 ساختند و به تجاوز از سیصد کتابخانه ارکنا بخانه های عمومی و خصوصی در بدن
 مته کشور ایتالیا تقدیم نمودند و در دار الفنون حاصه آن اقلیم اولین خطاب

در تبیین حقایق امریه و تشریح تعالیم الهیه القا نمودند و آوازه امراتہ را بہ ن ممتہ

دیگر در آن کشور رسانند لیطہر ما صدر من قلم المیشاق مخاطبنا ایم

واعوانہم و من سبقتہم فی ملک الدیار « این ندا الهی چون از خطہ

امریک باورپ و آسیا و افریق و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسید

اجتہادی امریک بر سریر سلطنت ابدیہ جلوس نمایند وصیت نورانیت

و ہدایت ایشان بافاق رسید و آوازہ بزرگواریشان جہانگیر گردید .»

ای برادران و خواہرہان روحانی این بود شہ فی از انتصارات باہر

کہ بر اثر مساعی مشکورہ و ہم عالیہ و مجہودات سامیہ یاران جمال ازلیہ درین

اودیہ شدن ثانی بہائی و بدایت عہد دوم عصر تکوین در این عالم پرورش

و اضطراب ظاہر و پدیدار گشتہ این آثار عظیمہ در سنین معدودہ پس از

ختام تمدن اول بهائی در سیطره زمین ظاهر و آشکار گشته دیگر معلوم است
 چه آثاری بر در آیام در این تمدن عظیم که قرن جلوه نظم بدیع جدید انسانی
 جهان آرای الهی است و قرون آتیه در این عصر مبارک شامی دور بهائی و
 عصر ذهبی که عصر اخیر دوره اولای کور مقدس است در عالم کون مشهود و نمایان
 گردد و اقصای در پیش است و حوادث جسمیه جلیله از عقب بجنبه نمود
 مرکز عهد جمال ابی « بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات نبیات »
 بهنگام نصب و استحکام دعائم دیوان رفیع المنار عدل الهی است و زمان برهان
 اتمام و انجام مشایخ مختلفه عمده متعدد سپردان امر اعراضه انی و یوم یوم
 جهاد کبیر اکبر در سبیل تحسین اهداف سامیه و تنفیذ وصایای محکم مرکز امر جمال
 لایزالی . در سنین آتیه این دور بهائی دوری که استه ادشش بخش قاطع الهی

اقتباس از رسال است قبل این قصر مشید بر این اعهد مجلله مرتفع گردد و
بیت عدل اعظم الهی مطابقا اراده المحبوب استقرار یابد و تشید این
بنیان مجید انجام پذیرد .

ناموس اعظم نظامنامه و قانون اساسی اعظم بهیت تشریعیه جامعه
بهائی کمال اتقان تدوین گردد و مرکز اداری امرالله در جوار قبله اهل بهاء
و مقام اعلی مرکز روحانی جامعه پیروان آمین حضرت کبریادر کمال عظمت
و جلال تانیس شود و مصداق آیات لوح کرمل کاطلا پدیدار گردد تا اثبات
عظیمه فرمان صادر استلم مهین سالار جندبها خطاب بانصار دین الله و
علمداران شریعت سمحار در قاره امریکاد لوله در قارات خمه دنیا و جزائر
و محیط اعظم اندازد و بشارات کتاب حضرت دانیال تحقق پذیرد احکام کائنات

مستطاب اقدس با سلو بی بدیع تدوین و اعلان گردد و اقامه شعائر مقدسه نامین

بریه کلاماً ظاهر آبی خوف و تقیه در بسط زمین شرفی عظیم یابد .

تشیید مقام سبی الانوار نقطه اولی در قلب کرمل مطابقاً و عهداً مولانا و محبوبنا

انجام پذیرد و قبه و نسبتیه اش شهره آفاق گردد و سائل سببی توابع و محتققات

اولین مشرق الاذکار عالم بهبائی در دینه عشق و آم المعابد العربی در قلب

قاره امریکت بکمال اتقان و نظام فخر هم گردد و معابد متعدده بهبائی در

ارض طام العالم افق نور و جبل مقدس کرمل قلب العالم و مطاف الأمم

و مرکز عالم عربی و اسلامی و دینه الله و عواصم ممالک اخری در شرق و

غرب تائیس شود . جامعه پیر و ان امر اعزاسنی در موطن اصلی جمال

ابنی و ممالک اسلامیة و اقطار شرقیه از قید اسارت و معتورتیت ربائی یابند

و انفعال شریعت الله از ادیان حقیقه کائما تحقق پذیرد و علم استقلال دین
 علی رؤس الاشهاد مرتفع گردد و بیت الله الاعظم و کعبه الامم از خنک
 خاصیان و ظالمان مستخلص گردد و زیارتگاه عالمیان شود محکمه شرعیه بیات
 بحال عظمت و متانت تشکیل گردد و علم یا بهار الابهی بعنه موده عفن عظیم
 سده منتهی در قلب اولین جامعه اسلامی در مدینه قاهره منضوب گردد
 حنین رؤسای کناس و ادیان عتیقه در هند و چین و ژاپان مانند حنین مبارک
 و ناله علما و فقهای شریعت اسلامی از دور و نزدیک بلند شود اعلان صلح
 اصغر عالم را از بلای عظیم و دار و بیل نجات دهد و مهبت و وحدت عالم انسانی
 رخ بکشد و قطعات خسته حکم یک قطعه یابد و وحدت اصلیه در مهبت جهانی
 تحقق پذیرد محکمه کبری تاسیس شود دوره صباوت عالم انسانی منتهی گردد

دعوات بلوغ عالم که در الواح الهیه مصرح ظاهر و پدیدار شود ملک عادل
 بر سر سلطنت در ارض ظاهر جالس گردد و صوت رجال اراض خاوند گردد.
 عنی متعال گوشند قریب و بعید گردد هیکل امراته در انجمن نبی آدم جلوه فی
 محیر العقول نماید و صیحه ایادی غالبه اش مرتفع شود و سطوت اعضا د
 قاهره اش واضح و عیان گردد رایت صلح اعظم بر اعلی الاعلام موج زند و بد
 لاشرقیه و لاغربیه الهیه مباطی جدید در جهان گستراند عالم بدرجه کمال رسد
 و جلوه سلطنت بهایه و غلبه ظاهره شریعت الهیه من علی الارض را
 با هزار آرد و طوک و سلاطین را در ظل سبطه محیطه کلمه الله مجتمع گرداند مملو
 کما بشره الابن فی الابلیل در عالم شهود تاسیس شود و سطوة رب اجنود چیز
 بجشاید و مجد باب سماوی عالم را متورن نماید عالم ناسوت جلوه گاه عالم

لا ہوت و عالم ادنی مرآت علما اعلیٰ و تصویر عالم بالا و قطعہ فی از ریاض ملکوت
 ابھی گردد۔ شکیک یا علی الاعلیٰ و یا بحسب الارہی از قطب آفاق بلند گردد
 و نہ از کلمن استی از خلف عرش کبری یا خطاب باین عالم ادنی من علی الارض یا
 من اقصا؛ الی اقصا؛ بوجد و طرب آرد بان یا ارض بشری لک بشری
 لک بما الت علیک شمس البہا، و یل شعاعہا و شمکات
 ایداب رواہا بشری لک بشری لک بما استونی علیک
 عرش البہا، و یلج فیک سر البہا، و نطبع فیک جمال البہا، بشری
 بشری لک بما حبات البہا، قطعہ من الفردوس الابی و مرآت
 فیہا انوار الملک، الاعلیٰ تعالیٰ تعالیٰ نہ اضع الام ابداع الا کمل المبارک الا قدس
 الرفع الاستی فسبحان ربنا العلی الاعلیٰ فسبحان ربنا البہی الابی .

رمضان ۱۰۵ - بندہ آتش شوقی

توقیع مبارک

نوروز ۱۰۸۱ بیع

اجتامی‌اللمی و امار الرحمن در کشور مقدس ایران و ممالک مجاوره
هندوستان، افغانستان، عراق و عربستان و مصر و سودان
و سوریه و لبنان طراً ملاحظه نمایند

ایها المحرقون من نار العراق ایها المضطهدون فی سبیل امر
نیر الآفاق مرده باد مرده باد که در این روز فیروز و نوروز سینه شامون
ثانی کور بدیع جهان اسروز تصمیم قطعی در تهیه معدمات اولیه و لوازم ضروری
تشیه قبیه رفیعہ منسیعه بدیعہ و بهیسه ضریح مقدس رب اعلیٰ قطعه اولیه ازین
و شجره لا شرقیه ولا غربیه متوکلا علی الله و متوسلاً بابہ اب فضلہ و کریمہ و عظیماً

عونه و تائید و پدایه اتحاد گردید و این بشارت عظمی بمرکز امریه در شرق
 و غرب عالم بهائی رسماً ابلاغ گشت و بوضع اساس قواعد و ارکان گنبد
 رفیع الشان این بنیان اعراض ارفع ابدع اعلی در این آیام که افتتاح عهد ما
 عصر دوم اولین دور کور مشعشع بهائی است مباشرت گردید جمال قدم و
 شایع امر مجسم که فی الحقیقه مؤسس این مشروع اتم اقوم است و من بعد
 عفتنه الاعظم و مرکز عمده الاکرم که اراده قاهره غالبه الهیه را تنفیذ فرمود
 و عرش مطهر را از محمد امراءه باحل ارض اقدس برسانید و حجرات مرقد
 مطهر را بید قدرت بنا فرمود و در قلب کرم الهی امانت الله را مقروء و ماوی
 داد از طایفه اعلی ناظر و شاه و عن و در آنها معشر الشیخین و المرسلین که بیوم ظهور
 صاحب این مقام بشارت داده و تجلیل و تکریم آرامگاه ابدی آن منظر منظر
 است

کبری در کتب مقدسه پرداخته و در آرزوی تعایش در حضور غایبه بآه و
 حنین دمسازگشته و در این حسرت از این عالم بجهان باقی شتافته بتبلی
 و تسبیح و تحمیر ناطق و ارواح قدسیین و کربوبین و ملائکه مقربین حول این مهرا
 طائف و از کمن اسنی بتلافی ملاء علی مرتفع که آن یا مظلوم العالم علیک
 من الصلوات اکلهما و ابهاها ان یا باب الله الاعظم علیک
 من التحیات اطیبهها و ارنکها سبحان من احتارک بعشاک
 سبحان من جعلک نبشراً الامر و الذبح الاکبر لیدینه تعالت
 قدرتک یا قسرة عین البقیین و عدت سلطنتک یا سلطان
 المرسلین و لاح کبریاتک یا محبوب من فی السموات و الارضین و
 ظهر یوم اتقماک یا من فدیت بروحک و بشرت العالم بویا

يقوم الناس لرب العالمين .

ای ستایندهگان اسم عظیم چه مقدار رفیع است شأن و منزلت این دو بیه ریا
و چه بلند است مقام این بگل اعز صدهائیه که بدار او بخت و بچون آخسته و بنهار کلمه
مشک گشته و در این ضریح منور مطابقا لما اراده المحبوب در مقابل قبله اهل بهار و
روضه مبارکه علیا مطاف ملا اعلی مدینه منوره بیضا آرمیده و از سمت یسار ش
مقام حضرت ایلیا و از پیش اقبال جلیل حضرت عیسی و در خلش مسجد اقصی واقع
گشته اقسام از وصفش عاجز و عقول از ادراکش قوه مکنونه نافذ و سیطره غالبه
محیطه اش قاصر در بیان ثانیه و نفوذ تراب نسبت بان مضع منور از قلم میا
در حین تسمیه ابواب خمه آن مقام مقدس در لوحی مخصوص این کلمات در یافت
نازل : « بذا ما الهمنی تراب مطاف ملا الاعلی ، این حقیقت از لیه و نقطه

اولیه و مفروضه نیت الهیه همچنانکه در عوالم غیبیه بفرموده حضرت رب البریه
مطاف ارواح مرسلین است در عالم کون نیز مرکزیت مقام اعلایش است
و محقق در مس معطرش بطایر طاهره مرکز دوار تسعه ناسوتیه واقع دایره اولی کوزه
ارض عالم ادنی و در قلب این کوزه ارض اقدس قلب العالم قبله الامم لانه
اشیانه انبیا و در قلب این ارض کرم الله کوه خداجبل الرب مقام حضرت
ایمیا و در قلب این جبل حرم اقدس ارضی تسعه موقوفه آن مقام مقدس
و در قلب این حرم فردوس اسی و جنه علیا حدائق وسیعه متعدده
تابعه آن مقراسنی و در قلب این فردوس بنیان بدیع رفیع اربنا مقام
اعلی و در قلب این مقام که بمنزله صدف است لولولالاقدس الاقداس
ضریح مطهر که حجرات آن در یوم میثاق تشید گشته و در قلب این ضریح

وگوهر گرانها مقرر آنست و در قلب این مقرر تا بوقت معده س که بفرمود

حضرت عبدالبهاء در تفسیر آن مصحح و کتاب الله بان بشارت داده

و در قلب این تا بوقت سکینه الله رس مغرب منور معطر رب اعلی و نقطه اولی

تعالی تعالی اسمہ العلی العالی الاعلی تعالی تعالی شأنہ الاعظم

الارفع الالاسنی تعالی تعالی مقدره الابدع الالامنع الالاسمی

تعالی تعالی رمة الاطهر الاقدس النافذ فی کل الاشیاء تعالی تعالی

امرہ الاعز الاکبر المہین علی من فی الارض و السماء .

ای برادران و خواهران روحانی وقت آنست که پاس این بشارت

عظمی و موہبت کبری سلسلہ وقایع مهمہ تاریخیہ را از بدایت این تاسیس

جلیل الی یومنا بیا و آوریم و در تأثیرات عجیبہ عظیمہ اش که در مدت شصت

متدرجا در این ارض با وجود مقاومت مرکز خلافت عظمی و مأمورین دولت
 و هیئت مفتشین و فقه ضالّه ناقضین و مبشرین بر کین ظاهر و پدیدار گشته
 تفرس نمایم و در انجام و اتمام این مشروع خطیر سعی طمع مبذول داریم الی ان
 یظهر ما کتر فی الواحه و نطق به سانه و نزل من قلمه الاغر المبارک
 المینع .

جمال قدم و اسم اعظم روحی لادنی عبد من عبیده الفداء در اواخر ایام از
 قلعه محصنه حکما قصد مدینه مکرّمه حیفاج نمود و بعد م مبارکش تل الهی را مستر
 ساخت جشن اعظم در طلاء اعلی برپا گشت کوم الله بهتزاز آمد و بهما
 کرمل نمودار شد و در دامن اش خمیه مبارک منصوب گردید و آیات باهرا
 لوح کرمل در جوار مقام حضرت ایلیا بصوت مرتفع از لسان اطهر جاری شد

وسان عظمت بتعریف و توصیف بقعه از بقاع آن که در قلب آن جلوه
 ناطق گشت و اراده الهی در آن عین باسعال عرش رب اعلیٰ علیٰ حبیب
 نبی بمبایش و مظهر قلبش و مبشر جمالش با آن بقعه مشرفه تعلق گرفت و مقام
 محمود از فرم مظهر مخاطباً بعضی عظمش تعیین گشت و باصبع اقدس در آن
 مکان مقدس اشاره نمود و پس از صد و در امر محکم در استعال عرش مظهر آن
 محیی رحم بمقر اولیه اش در سخن اعظم مراجعت فرمود طولی نکشید که
 بهار افاق زندان غارب گشت و غصن وحید اعظمش در بحبوجه طوفان
 نقض مطابقاً لما امره محبوبه الالهی بتنفیذ دستور صادر از فرم مقدسش قیام
 فرمود و ارض اعلیٰ اولین قطعه مبارکه مشرفه بقدم جمال الهی در آن
 مقدس با وجود و سانس ناقصین ناکصین استیفاء گردید سپس تابدت

موعوده جمال اہنی دستور خصن بقا و انتقال عرش اعلیٰ از ارض ظاہرینہ مگر
 حکما صادر گشت و در ہمان ایام صندوق مرمر و تابوت مقدس بر حسب
 ارادہ مبارکہ اش حاضر و ہیا گردید و از بندہ وستان آمانا سالماً وارد مدینہ مبارکہ
 حینفا شد و سنگ اساس آن مقام مقدس را خصن بہا بہست مبارکش نہاد
 طولی نکشید کہ بتقین و تحریک دشمنان و ناقضان پرکین از مدینہ کبیرہ
 فرمان سلطانی بسجونت یوسف بہا در قطعہ محضہ عکا بختہ صادر گشت
 ولی با وجود موانع لائقہی و متاعب و بلا یابی بی منتی جاوہ خصوصی مقام اعلیٰ
 و قطعہ فی دیگر از اراضی مجاورہ آن استیاع گردید و حجرات بنیان مرصوب
 رعنا لکل عدو لدود و مکار عنود بنیروی بازوی مرکز منصوص عمدت و دود مرفع
 گشت و این انتصار عظیم و نصرت مبین محرک عرق عصیت حکام جہول و

برادران حسود و مورث رعب و توهم و اضطراب خلیفه ظلوم گردید و در خلال این
 احوال عرش مظهر که از دار الحکله طران و دینه اصفهان و کرمانشاهان و
 دارالسلام و تبرشام و ارض بابا باصل ارض اقدس پنجاه سال پس از شهادت
 آن حضرت واصل و در حجره فی ارجحرات بیت مسکونه حضرت عبدالبهار مخفی
 و پنهان بود بدینجه جمل کرمل باوجود بسجودت غضن برومنده الهی وارد گشت
 و در مکان معلوم مستورا عن الابصار مقروما و می یافت متعاقب این قضایا
 انقلابی جدید رخ نمود و بامر سلطان جابر بیت ضار که خاسره نقشین تعیین گردید
 و بدینجه حکا اعزام و اعضای آن بیت بدلاست و تشویق و تائید محرکین و
 ناقضین و مأمورین و بعضین پریس با رسال لواج و تقشش آن مقام مقدس
 پرداختند ولی بفرموده حضرت عبدالبهار بعت صاعقه غیرت درخشید و عرش

تو پ خدا مرتفع گشت و اعضای آن بهیت خائناً خاسراً بیدیه کبیره عت

تمام مرجعت نمودند و در اثر انقلاب اعظم سلطان عداً گرفتار گردید و بدار لاهور

راجع شد و در بحر اغنق عهد البهار مرتفع گشت و بگرون عبد الحمید پدید بقیا و سپس

حمامه و فارقنس زندان حکما برهید و در مدینه حیفادر ظل مقام سبی الا نوار نقطه اولی

مقر و ماوی حبست و در همان سنه که خصم خصیم مخلوع و مسجون گردید در یوم عید

سعید نوروز معان با یوم هفتتاح اولین مؤتمربهائی بایران امریکت راجع

بتائیس مشروع رفیع اشان ام المعابد غرب عرش مطهر پس از آنکه مدت

سشت سال از محل مجلی منتقل بدست حامل امانت الهیه و مجبری اراده از لینه نانه

و ناشر لواشر لیت ربانیه در حضور جمعی از بایران خاور و با خرد در تابوت مرمر در مقر

اطرا استقرار یافت و سنه بعد یوسف بهابیدیا مصریه رحلت نمود و از آن

بمالک غریبہ شافت و در خیابش معانخانہ فی حبت زارین و مسافین
 در جوار آن مقام مقدس تاسیس و قطعہ فی حبت از اراضی مجاورہ ابتیاع گردید و منضم
 بروقات اولیہ آن مقرانی گشت سپس نازہ جنگ و جدال مشتعل گشت
 و انقلاب ثالث دورہ شاق رخ نمود و جمال پروبال تحریک ناقصین ^{خصل}
 بر تہدید تحریب مقام حضرت ذوالجلال و اعدام غضن بی ہمال قیام نمود
 و حاقبہ الامر مغلوب و مخدول و منکوب و مقتول گردید و خلیفہ مخلوع و معزول
 محقق گشت در آن ایام بر انقلاب کہ نیز ان جنگ مشتعل و غضن منشعب از
 اصل ستیم در معرض خطر عظیم واقع بیانی از فرم مطہرش صادر در صحنی کہ در
 مقابل آن مقام اطہر جالس و نظر مبارکش بان میان مقدس متوجہ قولہ
 غریبانہ «نشہ مقام اعلیٰ ساختہ شود.... اشارتہ میشود و اگر ما بقدر سادہ ایم»

پس از سنین معدوده فحسن مشعب از ندره الهیه از عالم ادنی برستق اعلیٰ صورت
 نمود و بر حسب دعوت کتب مقدسه و الواح منبعه صادره از مخزن قلم سلطان
 احصیه و بشارات صریحه مرکز عهد رب البریه هجرت بنی اسرائیل و در اث
 کلیم و انبا خلیل با رض میعاد نعت تراید و تقدیمی سریع یافت و در اتباع اراضی
 واقع در صفا آن جبل مقدس مدینه حیف و اطراف آن اولیای امور و صاحبان
 جدید الورد و بجدت تمام و نشاط کامل قیام نمودند و چون خطر متوجه بان مقرر
 اطرا گشت فدائیان امر الهی و حامیان حصن حصین امین یزدانی در خاور و باختر
 کشته و احده در محافظه اراضی مجاوره آن مقرر است از تسلط و تصرف
 بیگانگان بمبت بلع بگاشتن و قطعات مسعود متعدده فی که امتدادش
 از قلعه کوه تا مدینه حیف و در سمت شمالی و جنوبی و شرقی و غربی آن مرکز نوار

واقع مستتابعاً مالک گشته سپس قسمتی از این اراضی موقوفه با وجود اعتراض
 و مخالفت این ناقض کسب بنام شعبه جدید التاسیس محفل روحانی مرکزی بنیاد
 امریک انتقال یافت و این اراضی واقع در قلب آن جبل و تا بعد آن مقام
 اطربا بما بر حسب فرمان صادر از مرکز حکومت و مندوب ساحمی دولت
 بیته انگلیس از رسوم دولت معاف گشت معارضین این قضایا طبقات مقام علمی
 کما و عدنا مولانا و محسبونا متدرجاً امتداد یافت و حجرات ثلاثه متصل بان مضمحل
 منوره بر حسب دستور مقدسش بنا گشت و بنای اصلی ضریح مطهره احکال گردید
 رفقه رفقه حدائق مقام اعلی در حوال این مرقد اطربا تاسیس گشت و بر رونق اراضی
 وسیعه و جلوه طبقات ممتده و ابتهت و نصارت آن بقعه مشرفه مرتفعه پیروز
 گلزار مقام اعلی ترنگاه عموم از طبقات مختلفه و اجناس مستنوعه و ادیان و مذاهب

مقدده گردید و جنبه و طبقات مستطله در ظل آن بانوار مقدوده و صبح لامعه روشن
 و منور گشت و مصداق طبقات من النور نور علی نور ظاهر و نمایان گردید
 زمین اطهرین غصن شهید بها و محذره کسبه می ام حضرت عبد البهار با وجود عمر
 و احتجاج بدیع شنیع بیوفاز جوار مدفن اسلامیان در خارج مدینه عکابجوار مرقد
 و رقه مقدسه علیا خانم اهل بها و در قرب آن مقام اعزاز شرف اعلیٰ نقل
 گشت در شکوه عظمت تاسیس عظیم ایشان جمال قدم در آن جبل مقدس
 بفرود و محور و مرکز دوائر و تاسیسات و معابد اداری امریه که در آینده حسب
 اشارات و رموز الواح مقدسه در دامنند این مزرعه الهیه تاسیس خواهد شد
 تعیین گشت و تباشیر و عود و بشارات لوح کرمل اسکار و پدیدار گردید نقشه
 نقشه بدیعه قبه غیبیه آن مقام بر محمد و احشام محیی انام و مجسمه محبله آن مطابقاً

لما اراده المحبوب تعیین و آن رسم بدیع در یوم احتفال عید موسمی بخت حساب
آن مقام رفیع در مجمع جمعی از مجاورین و عاکفین کعبه مقصود ارائه گردید و تصمیم
قطعی در تهیه مقدمات تشیید این بنیان زرین و متین پیروان امر حضرت
رب العالمین در شرق و غرب عالم بهائی ابلاغ و اعلان گشت پس مهندس
این نقشه و بنا کشور است ایلیا با وجود انقلاب متراید و اضطراب شدید در بقعه
نورآه متوکلآ علی الله جهت تهیه اعمده مجلد رواق مقام اعلی برپا گشت و
پس از اشتهر معده ده مقارن عید سعید نوروز چهل سال پس از استقرار عرش
مطهر در تابوت مقدس با وجود موانع لایحصری اولین سنگ این بنا که چون صد
حافظ این لؤلؤ لالا و گوهر گرانهاست منصوب گشت و مواد لازمه
از اجار منقوشه و مرمر مستاز که مجموعش از بیست و شش متجاوز است با جماعت

بساحل ارض اقدس واصل و بسیرت تمام آن اعمده مجلده که از حیث در
 دلون و ارتفاع و جسامت و متانت و ظرافت در این صفحات کیاب
 بل بی نظیر و عدیل حول ضریح مقدس از طرف شرق و غرب و جنوب و شمال
 مرتفع و مترکز گردید و متعاقباً تاج برواق این مقام که قسمی از آن از رخام و بقیه
 حمر آرد و خضرا که رمز شهادت و علامت سیادت آن مظلوم عالم است
 ملون و با سیم اعظم در صدر و زوایای اربعه آن مطرز و ندرتیب و مزین منصوب
 و بر اتساع و ارتفاع و اهبت و جلال و اشتها مرقد سبی الانوار رفیع البنیان
 قومی الارکان بشمار حضرت رحمن بعینه و دو طبقه اولای این بنیان تمام
 و انجام یافت و مرحله اولیه در تشیید آن منتهی گشت و جمهور واردین در این
 این بقعه مشرفه علیب اردور و نزدیک و شرقی و غربی و وضع و تشریف

دانشا و بیگانه و دوست و دشمن از جلوه این مقام و ظهور این عزت و احتشام
و سطوع این انوار و کشف این اسرار بعضی والد و بعضی حیران و بعضی مستبصر و
بعضی در آتش غضب و حسد سوزان .

در توفیق محمد شاه که از قلعه ماکو از قلم آن مظلوم وحید و سبحون فرید نازل
این خطاب جا نگه از مدون قوله ما اصلی بیسانه و ما اینهی ذکره : « قسم بخداوند
اگر بدانی در عرض این چهار سال چهار بر من گذشته است از حرب و جهد حضرت
نفس را بسفیر نمریسانی از خشیه الله الاء و انکه در مقام اطاعت امر حجه الله برانی
و جبر کسر آنچه واقع شده فرمائی قسم بسید کسبه اگر بدانی در چه محل ساکن هستم
اول کسیکه بر من رحم خواهد کرد حضرتت میبود در وسط کوهی قلعه ایست در آن
قلعه از رحمت آن حضرت ساکن و ابل آن منحصراست بدو نفر مستحفظ و چهار

حال تصور فرما چه میگذرد ، و ایضا میفرماید عربیان و تعالیت عظمته : « در این

جبل فرو مانده ام و بموقعی آمده ام که احدی از اولین بستلانشده و احدی بمسم

از نذیبین متحمل شده فحمد اثم حمداً لا حسن لی لانی فی رضا مولائی و ربی

و کانی فی الفردوس مستعد بذکر الله الاکبر و ان ذلک من فضل الله علی

والله ذو الفوز الکبیر . »

یا احبنا الرحمن و بدهاة خلقه ملاحظه نمایند که در این مدت شصت سال از بدایت

تأسیس این مشروع اعراض غم و خروج مظلوم عالم از سجن عظم و صد و شصت سال از بدایت

جمال قدم و محیی رمم مخاطباً لغضنه الاعظم الاکرم در آن جبل مقدس مکرم الی یوسنا

بذابا وجود موانع جسمیه و انقلابات بائنه و دسائس مختلفه و مخاطرات عظیمه و

تهدیدات شدیدیه از ترک و عرب و آلمان و عجم چه نصرتی و چه ظفری نصیب

حامیان و مروّجان این مشروع عظیم گشته و چه صد ماتی و لطماتی وارد بر مظلّین
 و معارضین و مخالفین آن وارد شده زه نقض و وسیله منتسبین شجره الهیه و به ظلم
 و جنای خلفا و اقطاب شریعت اسلامیّه و نه طغیان و فساد رؤسای احزاب
 سیاسیّه و نه تهدیدات و اندازات رؤسای عسکریه و نه مکاید طوائف و اقوام
 معضه ادنی خنسه فی در این بنیان مرصوص تاخیر و تعویقی در تحقق و عودیه
 و تبدیل و تغییر در خطه مرسومه و فتوری در عقیده اراده متعالیه نافذ و مست
 عظیم الشان بی نظیرش احوادث نمود و فقه مخالفین و مستهزین و مفسّدين و منضمین
 و مظلّین کل متراپا مستتابعاً در ارض اقدس اقالیم مجاوره آن و بواسطه مختلفه
 و اسباب غیبیه و در اثر انقلابات عجیبه حسیمه از اوج عزت بحیفی و ذلت ^{نیزند} معیا
 بعضی مغلوب و بعضی مغلوب و مقهور و بعضی اسیر و مقول و بعضی پریشان و

و مفکوک کشته لیطهر ماصدر من فمه الطاهر الصادق الامین و سطر من
 قلمه الاعز الاقدس المنیع امیت که در بیان عظمت شأن صاحب این
 مقام در جهان توفیق مکرم نازل گشته قوله عز ذکروه و جعلت عظمتہ الالانی انا
 رکن من کلمة الاولی الی الی من عرفها عرف کل حق و یدخل فی کل خیر و
 من جهلها جهل کل حق و یدخل فی کل شیه « قد جعل الله کل مفاتیح الرضوان
 فی یمینی و کل مفاتیح السیران فی شمالی » « من عرفنی و راءه ایقین و کل خیر
 و من جهلنی و راءه السجین و کل شر » و حال که تصمیم قطعی در نصب قواعد و ماس
 ارکان قبسه ذمبیه این مقام رفیع ایشان اتخاذ گشته و لوازم ضروریه آن فراهم
 و مهیا گردیده مشروع بنامی طبقات تسعه این مقام اشرف اعلیٰ نیست که اولین
 طبقه آن متجاوز از بیست و پنج سال قبل افتتاح یافته و بیش از ده سال در اثر

تحرکات ناقصان حسود و بیوفایان عسود معوق و معطل مانده در شرف انجام
و اتمام است و بنای دو طبقه اخیره آن عنقریب بتایدات الهیه منتهی گردد و
آنچه دلخواه حضرت من اراده الله و وعده صریح مرکز عهد الله بوده کما علقتم
پذیرد و این جاده مجلل و زیبای که امتدادش از مقام اعلی تا شهر حفا و محاف
اعظم خیابان آن مدینه مکرّمه است و با شجار و ریاحین مختلفه مزین و بسج
مُضییّه لامع منور و منظور نظر ابالی این سامان است و مایه ابتهاج و افتخار
ولاة امور در این ارض من بعد حسب الاشارة مرکز عهد الهی شاهرا
ملوک و سلاطین ارض مبدل گردد و این تاجداران عظام و محسّرمان کعبه
رحمن پس از وصول بساحل ارض مقصود و زیارت و طواف قبله اهل بها
مطاف ملاء اعلی در برج عکابین مدینه مکرّمه مشرفه توجه نمایند و بحمل کرمل

صعود نمایند و بکمال شوق دولت و انجذاب بسوی این مقام محمود شتابند و
از راه این طبقات خاضعا خاشعا مستندلا منکسر اتقرب بان مرقد متور
مظهر جویند و در باب حرم کسب یا تاج را بر خاک اندازند و سجد و کنان ترا
شکستیزش را تقبل نمایند و بکنک بکنک یا علی الاعلی گویند در رواق
مقدسش طواف نمایند و بکمال عجز و ابتهال آیات با برات لوح کرم را تلاوت
نمایند و در صدق و چمستان های وسیع بدیعه این مقرر است و حطیره عناو
جنت علیا مشی و سیر نمایند و رواح معطره اش را استنشاق کنند و از اثار طیبیه
جنت بدیعه اش مرزوق گردند و آلام و محن و بلا یا و زاریا و اسارت و سحر و سخت
و شهادت آن مظلوم عالم را با چشمی اشکبار و قلبی سوزان یک یک یاد آرند
و بهار کرم و اثار عظمت و قهاریت و غلبه و سیطره محیطه قهار العالمین را در

اطراف و اکناف این بقعه مرتفعه برای العین مشاهده نمایند و تسبیح و تحمید
 آنکه کرمل پروازند و پس از ادای فرائض زیارت و طواف مراقبه مطهره در جوار
 مقام اعلی و اشترک در صلوة و تلاوت آیات جنات در مشرق الاقطار
 آن جیل مقدس و استفاضه کسب دستور از مرکز اداری بین المللی امن بین
 در آن جوار پرواز زیارت اماکن مستبر که تاریخیه و ادیان مختلفه در آن حص
 با قلم مجاور عراق توجه نمایند و بسوی مدینه شریف و فرائض حج بیت
 الاظم را بجا آورند و از آن کشور مقدس بمهد امر الله موطن صلی شایع
 امر اعظم بسیار گردند و زیارت بیت مکرم در مدینه شریف از اماکن مستبر
 در ارض طار و ارض خا و نقاط احسنی که بعد دم مبارک جمال قدم و شبر
 آن نیز اعظم مشرف و از دم عاشقان و شهیدان و فدایان امرش نیا

پروازند و از آن دیار بجا لک و اوطان خویش هر یک چون کرده ناراحت
 نمایند و با قلب متبشر و روحی پرستوج بشکر از عنایات مبذوله حضرت
 مخفی الاطاف و تسایش و نیایش حضرت بدیع الاوصاف زبان گشایند
 و بر آنچه لازمه عبودیت صرفه محضه حقیقیه استان جمال بیمال حضرت
 ذوالجلال است بعربی متین قیام نمایند .

ای برادران و خواهران روحانی شایسته و سرادار آنکه در این مقام
 بعضی از آیات بابر و خطابه‌های مهیجه همیشه لوح عظیم کرمل را یاد آریم و در
 بشارت عظیمه و رموز مستوره مکنونه و اشارات خفیه منسبه اش از کئی
 تفرس نمایم قوله عزاجلاله و جل کبریا نه : « حَبَّذَا هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي فِيهِ
 تَصَوَّحَتْ نَفَحَاتُ الرَّحْمَنِ فِي الْأَمْكَانِ حَبَّذَا هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي فِيهِ

الذمى لا تعادله القرون والاعصار حسب هذا اليوم اذ توجه

وجه القدم الى مقامه اذ انادت الاشياء وعن وانحصر الملا

الاعلى ما كرمل انزلى بما اقبل اليك وجه الله مالكت ملكوت الاسماء

وفاطر السمار... طوبى لعبد طاف حولك وذكر ظنورك وبروزك

وما فرقت به من فضل الله ربك... يا كرمل شيرمى صهيون قولى

اتى الملكون سلطان غلب العالم ونور ساطع به اشرفت الارض

ومن عليها... اسرعى ثم طوفى مدينة الله التى برزت من السماء

وكعبته الله التى كانت مطاف المقربين والمخلصين الملائكة العالين

هذا يوم فيه شير الحبر والبروا خبر بما يظهر من بعد من عنايات قهر

الملكوت المستوره عن العقول والابصار سوف تجرى سفينة الله

علیک و یطراہل البہار الذمی ذکر ہم فی کتاب الاسما تبارک

مولی الوری الذمی بذکرہ انجذبت الذرات و نطق لسان العظمتہ

بماکان مکتوما فی علمہ و محسوسا فی کثر قدرتہ انہ ہوا لہمین علی من

فی الارض و السماء باسمہ المقدر لعنیر المنیع»

چہ خوش سرودہ در این مقام غیب خوشنوا گی گلشن بہار شاخسار عبودیت نقطہ

بناسبت استقرار عرش علی اعلی در آن بقعہ مشرفہ مقدسہ علیا ؛

بیال می کوہ کرمل بر زمین و آسمان یکسر کہ یک عالم شکوہ و فرزندان در نو شد پیدا

ز اجارت سرودش آید جوش ہر سرودش کنن ز اشجارت جوش آید خروش سدرہ سینا

اگر خوانم ترا جنت ز رویت می کشم غلبت کہ جنت از تو در ہیبت بود ای جنت علیا

تو را دو العرش اگر خوانم سزا باشد روانم کہ عرش اکبر اعظم نمود اندر دولت ماوا

توای کوه مقدس مرکز فردوس اعلانی که بم مجرای کوشتر آمدی هم مغرس طوبا

توئی آن مغرب اعظم که غارب در توشه خورشید توئی آن مشرق اعلی که مشرق از توشه بیضا

سزدگر کعبه گرد و طائف حول تو چون کشتی مقام عرش اعظم رب اعلی نقطه اولی

چو گشت آن منظر واحد بذیل اقدس راقده فلک شد در برت ساجد ملک شد بر در پیکر

چو گشتی مرکز اشراق آن خورشید لاهوتی شدی هر دم مطاف قدسیان عالم بالا

توای ارض مقدس شادمانی کن که شد ساکن بخت نه در عکا و باب الله در حیفنا

ای و الهان جمال کسب یا در این سنین اخیر هر چند ارض اقدس منقلب و در معرض

خطر عظیم واقع و ناقصان عهد بها و استر با دستبین بی وفا فرصت را غنیمت

شمرده بگفته و فساد مشغول و با انواع وسائل در ایجاد مشکلات جدید و ساعی و جاه

دیاران ستم دیده صابر صادق جمال ابی در موطن اصلی حضرت کبریا در پیچه تعلیب

گرفتار و مخاربات و مراسلات با یاران راستمان در اکثر بلدان و محالک
 شرقیه معوق و محتل و قلوب عاشقان و ناصران امریزدان از این سبب و افتنان
 و حرمان تسرین حزن و اندوه بی پایان دلی شکر مولای بهیت را که با وجود این
 محن و فتن و موانع و مشاکل و مصاعب و مصائب امر عزیز الهی بویا فویا مدارها
 و دایره خدمات یاران با وفا و تمسکین بعبسوده و تقی انا فانا در اتساع آیین
 نازنین ذوالجلال در خاور و باختر اشتهارش بیشتر و سعله اش افزون تر و اساک
 نظم بدیع در متجاوز از صد کشور محکمتر و وعود الهیه طاهر تر و با برتر و انداد است
 غنییه نا قدر و جلوه مشروعات خظیره بدیعه متعدد و مختلفه یاران عظیم تر و پر تو
 تائید ساطعتر و تصرفات قوه قدسیه مکنونه الهیه سر تعمیر و عجیب تر چنانکه بگرا
 و مرآت تائید گشته در بحسبوجه انقلاب آثار نصرت و ظفر نمودار و در اثر محنت

و ابتدائی فتح و انتصاری جدید آشکار و جلوه فی بدیع و تملک فی شدید پدید تاریخ پر

بیجان مشعشع محیر العقول صد سالہ امر حضرت یزدان مثبت این قول و موید

این بیان است ملاحظہ نماید از بدایت طلوع فجر ہدی از ارق اقلیم فارس

در سنہ ستین الی یومنا ہذا کہ بدایت عہد ثانی عصر تکوین کہ عصر ثانی اولین

دور مقدس کور بہانی است ہر انقلابی کہ دست دشمن ستیمکار در جامعہ پروا

امر کردگار احداث نمود علت استحکام اساس و اسباب اشہار و باعث

اتساع و مورث انتصار امر الہی گشت در عہد اول عصر رسولی دور بہانی

توقیف و توبیح و تحقیر مبشر امین الہی در مدینہ طیبہ شیراز و تبعید بحیال آذربایجان

و حبس و اسارت در دو قلعہ ماکو و چہرئق منجر بصدور ام کتاب دورہ بیان

و تشریح احکام و تالیس میثاق مولی الانام و اعلان استقلال شریعت جدید

در ارض بدشت در مجمع اصحاب و اطهار و اثبات قائمیت در عاصمه ایالت
 آذربایجان در مجلس حکومت بواسطه نفس شایع امر مقدس گشت سپس حوادث
 مؤلمه هائله مازندان و فی ریز و رنجبان و شهادت شهدای سبزه و مصیبت کبر
 قتل نقطه اولی در مدینه تبریز و ندب کبری در ارض طاه و محبوبیت جمال ابهی در
 سیاه چال طهران نتیجه اش حلول سنه تسع و اختتام شریعت بیان و ظهور
 و عده رب اعلی و نقطه اولی و افتتاح عهد مشیح جمال اقدس ابهی که در آن
 سنه بفرموده حضرت عبدالجبار جنین امر بمقام احسن التقوم رسید .
 و در عهد ابهی اخراج جمال کبریا از ارض طاه و ضیبت آن کوکب در می افتد
 برایت کبری و هجرتش بجمال کردستان و بروز علامات اولیه نفاق
 در جمع مؤمنین در اسلم عراق و موطن اصلی تیر آفاق کل مقدمه نهضت جدید

در جامعه سپردان امر حضرت رب البریه و محبوب نجات یوم ظهور
موجود در مدینه است و اظهار امر محیی نام در دار السلام و استقرار مکلم طور بر سر
ظهور کشف نقاب از وجه جمال تسویم و تحقق بشارات حضرت ذیال
و ظهور مالک یوم الدین در انتهای واحد و ابستدای شانین و صد در توفیقاً
در سائل و تفاسیر و ادعیه و الواح مخصوصه از قلم اصلی و ظهور سلطوت و اقتدار
امر الله و غلبان محبه الله در قلوب و نفوذ کلمه الله در ارواح و نفوس تا بحین
صد و شصت رجه کبری در ارض سر و ظهور فتنه عیسا صما و ارتفاع نفاق عتق
اعظم و فصل کسب و ظهور سنین شداد و کسوف شمس بهار و نشر ارجیف و
اباطیل و بروز فتنه و فساد در مدینه کبیره کل باعث طلوع و سطوع شمس حقیقت
از برج اسد و ظهور سه شانین و اعلان امر المحی بملوک و سلاطین و وزراء

و کلا و امراء و سفراء و رؤسای ادیان و ائم در شرق و غرب عالم گشت
 و ایضاً نفی سلطان قتیوم با خبر بندگان دنیا متغای مجربین و سارقین و
 دخول در سخن اعظم و محبوبیت سلطان ظهور در عرف محروبه تشنه نظام و پریشانی
 دوستان در دو خطه عراق و ایران ظهور فتنه جدیده در دینیه حکما و قتل نفوس
 معلومه و حصار جمال ابی در مقر حکومت و محبوبیت خصن اعظم و جمعی از اصحاب
 صلوات تحقق و عود هر یک کتب مقدسه و مقدمه نزول کتاب مقدس اقدس
 و نزول دینیه مقدسه و اور شلیم جدیده از آسمان و تعیین مرکز عهد و پیمان تبیین
 اصول نظم بدیع الهی و فتنی بحسب راجع مظلوم عالم از سخن اعظم مرجع حکما و استقرار
 در قصر مشید و ارتفاع خیام عز در کرم الهی و تعیین مقر استقرار عرش نقطه اولی
 در آن جبل مقدس گشت و در یوم میثاق عهد ثالث و اخیر حصر پر انوار دور

بهائی طوفان نقص و محبوب اریح اختلاف و انتشار رکھد و فرار در بقعہ نور آہ
 پس از عروب شمس بہاء و حسنوف بدریشاق در سنین معدودہ منجر بفتح آقاہم
 غربتہ و ارتفاع علم امراتہ در دو قارہ اوروپ و امریکہ و دروزا ترین فرات
 از باختر و وصول عرش اعلیٰ بدینہ حیف و اہتیاغ ارض اعلیٰ در جہل کرمل و وضع
 حجر اساسی مقام اعزاسنی بدست غصن برومند بہاگشت پس تجدید محبوبیت
 یوسف بہا در قلعہ عکا و مخالفت خصم آلہ خلیفہ اسلام عبدالحکیم پلید و اعزام
 ہیئت معشین و جولان ناقصین پرکین بالمال توجہ اش مدوت و واقعہ خطیرہ
 و انقلاب اعظم در مدینہ کبیرہ و سقوط و خلع و اسارت سلطان جائر و اعلان ^{طہ} شہادت
 و استخلاص منظر عبودیت و استقرار عرش اعلیٰ بدست حضرت عبدالمہجبت اور
 جہل الرب و نبای اولین معبد بہائی در مدینہ عشق و اہتیاغ اراضی ام العباہ

غرب و انعقاد اولین مؤتمرات جهانی در امریک و مسافرت پر عزت و حیثیت
مراکز حضرت احدیت بممالک فرنگ گشت .

و همچنین اشتغال ناره جنگ بین المللی و تأثیراتش در ارض اقدس و حدوث
مخاطرات عظیمه و اشتداد عداوت و تهدیدات سالار اعظم جمال بنک

دلی بآب در اعدام محسن سدره البیته و بدو روضه مقدسه مبارکه و مقام

مقدس مشیرام حضرت رب البریه و تسلسل و انقطاع اخبار و مراسلات محجابت

بین ارض اقدس و مراکز امریه در شرق و غرب عاقبت باعث مغلوبیت

و فرار و هلاک آن ظالم خونخوار و حلول سپاه انگلیز و شرف سالار اعظم در

رکاب محسن فخرم اعظم بر قدم مطهر جمال قدم و تحقق اندازات کتاب اقدس

و ارتفاع حسین برلین و سقوط امپراطوری آلمان و نسه و هجرت بنی اسرائیل

ابن خلیل و ضرب کلیم با رض میعاد و وضع ارکان مشرق الاذکار امریک
و صد و فرمان غصن بهایاران مقیم در ایالات متحده و قلم کند و تبلیغ
و بشیر امر بهادر شرق و غرب عالم گشت .

و همچنین در عصر ثانی این دور شمع الهی مصیبت عظمی عروج غصن سدره بقا
از عالم ادنی سلکوت ابھی و قیام ناقص اکبر و غصب مفتاح مقام اقدس
الطربو اسطر نعیم ثانی و حصول بحران شدید در ارض اقدس و اقلیم مجاوره و
جولان رو بهان نقص در این ارض و عریبه مشتی از ست عنصران سبک مغز
در مصر و عراق و ایران و امریک و آلمان و غصب بیت اعظم در مدینه نبویه
توأم بافتتاح عصر تکوین و تاسیس نظم بدیع و منجر با عاده کلید صریح مطهر و اثبات
تولیت آن مقام مقدس و رفع توأم و دعائم و ارکان بیت عدل اعظم و

وضع قانون اساسی جامعه در بلدان و ممالک شرقیه و غربیه و تسجیل محافل روحانی
و تاسیس اوقاف و اشیاع اماکن مشرکه و اراضی اولین معبد بهائی در وطن
شایع امر الهی و تشیید خطرات قدس در عواصم ممالک مختلفه و تاسیس مدارس
تأسیسات و اشیاع اراضی وسیعه در جبل کرمل و بنای حجرات ثلاثه در قرب آن
مقام اعلی و استداد طبقات و تاسیس محفظه آثار و تخریب و تعمیر و ترمیم و تنویر
و تزیین قصر مشید جمال کردگار و معافیت آن از رسوم دولت و اقتحاف باب مجاهد
بین انسانی جامعه اعضای محافل روحانیه و ولایة امور گردید .

و همچنین صنوفا و فوغای علمای سنت و جماعت در قطر مصر مرکز عالم عربی
و اسلامی و هجوم صلیف دشمنان جدید و کشف نقاب از وجه اسرار کنونه
و احکام مستوره متعنه و صدور حکم انفصال شریعت بهائیه از ادیان مسیحه و

اخراج از جامعه اسلامی و نسبت کفر و کجاد و ارتداد پیروان شریعت جدید
 الهیه و فسخ عقد ازدواج و منع دفن اموات و وقوع امتحانات حدیده و حدود
 قضیقات بشدیده و ظهور محن و بلا یا در ترکستان و قفقازیا و حجاز و استملاک
 اولین معبد بهائی در دینیه عشق کل مقدمه اعلان رسمیت امر معال و اثبات ^{تعلیم}
 و اشتها رسمیت آیین ذوالجلال و خروج از کناس و معابد و عدم مراجع به محاکم
 شرعیه اسلامیة و اقامه شعائر امریه و تدوین احکام کتاب اقدس و تقدیم ^{نشان}
 بولایة امور و اعلان تعطیل عمومی در آیام تسعه محرمه و وضع عهدنامه و طلاق نامه
 بهائی در بلدان متعدد بواسطه محافل روحانیة و تاسیس مقابر بهائی و اعتراف
 برسمیت عهدنامه بهائیان در ارض اقدس و اقبال علیا حضرت ملکه رویا
 با در جمال اسی و انتقال رسیدن الطیرین بجزایر مقام اعلی و عشق بافتتاح و بنفشه ^{شع}

هفت ساله یاران امریکا که مرحله اولی در حبه امی فرمان حضرت عبدسبأ
 بعلمداران حزب مظلوم است و اتمام ترمینات خارجہ ام المعابد غرب و
 تأسیس محافل روحانیہ در بریک از عواصم جہوریات مرکزی و جنوبی قارہ
 امریکا و احتفال عید فخر محفل مسوی بعثت حضرت رب اعلی در صد اقلیم از
 اقلیم شرقیہ و غربیہ عالم گشت .

و حال در این سنین اولیہ فتنہ ثانی و عہد دوم عصر ثانی دور بہائی با وجود
 انقلاب و نقاشش ارض اقدس و وقوع جنگ و جدال بین عناصر و طوایف
 متضادہ متباخضہ در این سامان و یونانی اقارب و متبیین از امان دور
 و فروع سدرہ الہیہ و جنای ناقصین و تهدیدات قوم پرکین کہ با ولاد افامی تشبیہ
 گشتہ و بیات واردہ بر مومنات و مومنین در اثر تعدیات و تجاوزات و رسا

دشمنان دیرین در محمد آئین حضرت رب العالمین و عدم امکان مجابره و مسامحه
 با انسداد جامعه و محافل روحانیه در اکثر ممالک و بلدان شرقیه آثار غلبه امر الله
 و خذلان دشمنان دین الله و استقلال شریعت الله و استحکام اساس جامعه مسلمانان
 با وجهه الله و اتساع دائره خدمات و مشروعات مردجان کلمه الله در شرق
 و غرب و جنوب و شمال ظاهر و باهر و مقتدات ظفر و نصرتی عظیم در بلدان
 خاور و باختر فراهم و مینا و علامات اودیه اعلان امر الهی و اعتراف رسمی عمومی
 آئین یزدانی و تحقق بشارات باقیمه مصرحه در کتاب الهی در جهات حدیده آشکار
 و پدیدار صاعقه قهر الهی مستجاب بر اهل فتور و عصبه مغروره و ثلثه مقهوره نازل و ارکان
 آن فیه ضاله متزلزل رحیم ثانی بدیع شنیع غاصب مفتاح مرقد مظهرت بیع
 که مدت شصت سال با انواع وسائل در ایجاد خنجره در بنیان مرصوص الهی عمت

بجاست و شعاع پرتابه خلیفه ناقص‌الکبر و برادر خود و خودش که خصم له
جسور می‌شاق رب و دود بود و قرینه خصن دیگر از احسان یا بسه ساقطه کل
مستجاب به البوار رابع .

مستبین بی وفا که از صراط و صایای محکم حضرت عبدالمجتبای معترف و در اثر
ساقطان بابنا رسید متمدده و مرکز عهد الله و اقتران رابع با دشمنان
سیاسی دین الله از سده منتهی منفض و بعضی با شکسته‌گان می‌شاق جمال ابی
مرتب و اراض اعداس در اثر انقلابات داخله سیاسته خود سرانه فرار اختیار
نموده و سپس بدیل نمائیده اعداء امر بها، متوسل گشته و بحال غفلت در سر ستر
تجدیش اذبان و تزییف و تحقیر این عهد آستان مشغول در گوشه خرید و
و از سلوک متهورانه خود مایوس و از اعمال ناشایسته خویش محجول بواق

مقام اعلیٰ تا بید مونس مشروع اعراض خمسه ای و هدایت بانی ضریح مطهر علی
 مشید و اعمده اش مرتفع و تاجش منصوب و انوارش متلکاً و اسم اعظمش
 جاذب قلوب و محرر نفوس طبقاتش در کمال شکوه و جلال ممتد و سر حشرون
 و مضی حدائق و خیابانهای متعدد اش که بالوان بیضار و حسرا و صفرا و
 زبرجدی خضرا و ملون و باز بار و اوراد مختلفه مطرز و مزین گل حیرت بخش
 و بهجت انیسر معدهات نصب قواعد و ارکان استگانه قبه ثقیفه و نهبیه اش
 میا و نسرا هم وصیت اعظمش در اکناف و اطراف این صقع جلیل منتشر
 تزیینات داخله اقم المعابد عرب در قطب امریک در شرف انجام و تمام
 رکن رکن دیوان عدل الهی بهمت فارسان مضار الهی در تسلیم کند امضو
 و مغرب منضم بدور رکن دیگر در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا خواهد
 گشت

مشروعات بیهوده نقشه های بدیع یاران عزیز ایران و هندوستان و امریکا
و انگلستان و کنادا و استرالیا و آلمان و عراق و مصر و سودان بعضی با کلیل ظفر
مکمل و بعضی در شرف انتقام و بعضی کمال سرعت در تقدم

مراکز جدید در جزیره العرب و اقالیم مجاوره خلیج فارس و ممالک و جزایر واقع
در جنوب شرقی قاره آسیا بهت یاران ایران و عراق و هندوستان در شرف پیما
مشروع عظیم الشان فتح اقالیم مرکزی در قلب قاره افریقا باعث استحکام
روابط بین محافل روحانیه سپردان جمال الهی در جزائر بریطانیا و موطن جمال
الهی و قطر مصر و قاره شمالی امریکا .

مصدق و عدّه الهی باین خلیل و درآش کلیم ظاہر و باہر و دولت سراسر
در ارض اقدس مستقر و بروابط عینہ بمرکز بین المللی جامعہ بہائی مرتبط و با استقلال

و اصلت آئین الهی مقرر و معترف و ثبت عقد نامه بهائی و معافیت کافر

موقوفات امریه در برج عنکا و جیل کرمل و لوازم ضروریه بنامی بنیان مقام عالی

از رسوم دولت و اقرار بر سمیت ایام تسعه مستبر که محترم موفیق و مؤید .

قصر مبارک مرزعه که پس از خروج جمال قدم از سخن اعظم بعدوم آن محیی موم

در سنین معدوده مشرف پس از پنجاه سال بطیب خاطر بواسطه نمایندگان وزارت

ادیان تسلیم متولیان اماکن مستبر که مطهره بهائیان در ارض اقدس گشت .

حجره مسکونه مولی الانام در قسده نظام تخلصه و از اماکن معدته بهائیان محسوب گردید

تعمیر و ترمیم و تنویر و تزئین بیت انجمن جمال قدم در مدینه عنکا که در بحسب وجه انقلاب

داخلیه در سنین اولیه سخن اعظم بعدوم مبارک مشرف و در ایام مهیوب ایراج

نقص بعدوم محسن فرید و وحیدش مزین منتفی و مانده دو قصر مرزعه و بعضی زیارتگاه

زائرین و حیرت بخش داروین از دور و نزدیک گردید .

معدنات تپه نقشه اولین معبد جیل کرمل که مهندس آن بقلم مرکز عهد الهی

تعیین گشته سرابم روابط جدید با نمایندگان عصبه اعم در ممالک مختلفه

در خاور و با حشر مستحکم محافظ روحانیه جدید التاسیس در ده کشور از کشورهای قاره

اوروپا بهمت علمداران حرب مظلوم ثابت دستوار و انجمن های بین المللی

بہائی در عواصم این بلدان در اثر این فتح عظیم در برسنه مرتباً دائر عقد نامه بہائی

در خطه عراق پس از مدتی اشغال و در بیت ایالت از ایالات متحدہ امریکہ

در دو اتر رسمیت مشورت و معتبر .

متجاوز از صد محل روحانی بعضی مرکزی و اکثری محلی در دو اردوئی در قاره سما

و مرکزی و جنوبی امریکہ و ہندوستان و برما و پاکستان و اقلیم کندا و آلمان و انگلستان

و جزایر فیلیپین و مصر و استرالیا مستعمل و بدین واسطه ایران عزیز در این ممالک بتیاس
 اوقاف بهائی رسماً معتقد نشد تا آنکه امریه متجاوز از نشت لغت در اقطار عالم
 مطبوع و منتشر قلم دین الله در متجاوز از صد مملکت از ممالک مستفله و اقالیم پاره
 در شرق و غرب مرتفع و اخیراً بتایدات رب بجزود و محون و عنایت رب در
 که در جمیع شئون قانده و حافظ و حارس و هادی و ناصر حزب مظلوم است
 هیئت بین المللی بهائی که مقدمه تشکیل اولین محکمه رسمی در جامعه پاره و ان است
 یزدانی و مثنی تاسیس دیوان عدل الهی و تمرکز دست احکام مرکز بین المللی اداری
 امر الله در قرب مقام اصلی و بهر بیان سفینه الله بر حیل کرمل و ظهور ابل بهاء
 خواهد گشت در ظل مقامات معتده در ارض اقدس تاسیس گشته تا این عبد مستمند
 را که در دیامی مشاغل و خواصل لائقه و لائقه خوطه در است معاونت کند و

و تشید بنیان مقام رفیع اعلی و استحکام روابط با انسانی دولت جدید اتالیق
 در این ارض و بتهیه و سائل جهت تبدیل این مبنیت بمردانایم محکمیه مستقل سیاسی
 و اجراء تنفیذ احکام امین نروانی مساعده نماید تا بتدریج آنچه در الواح الهیه مسطور
 و مقرر است در این ارض و بلدان دیگر در شرق و غرب کاملاً تحقق یابد
 امی برادران و خواهران روحانی در این سنه جدیدیه و سنه آتیه که اشارت به
 و اراد منتهی بحسن محفل عید منوی حلول سنه تسع و ظهور و عده صریح نقطه اولی
 و تجلی روح اعظم بر قلب الطیف جمال ابی در سخن ارض طار و افتتاح عهد اعز
 ابی خواهند گشت و صد سال تمام از واقعه هائله مذبح کبری و بلیه عظمی و تو
 و تو بهین و سخن جمال قدم در آن مفراتن اعظم و شهادت نقطه جدیدیه در قد
 طیبه طاهره زکیه و قتل اصحاب باقیه و روسای معدوده حزب مظلوم

و نسب اموال و هتک ناموس و ابراق دم جمعی از قنوس بریه مقدسه
 ثابته را نسخه منقضى خواهد شد شایسته و سزاوار آنکه بیا آن بلا یای عطیمه و
 رزایای متابعه و دمار مسفوکه و اموال منسوبه و بیوت مطموره و بقاع و قرای
 مندمه و بشکرانه صون و صیانت الیه که در مدت صد سال بل ازینها
 بیمال امراته را از صر صراحتان و زوابع افتتان و ایراج حوادث و انقلابات
 عالم محافظه نموده در این شهر باقیه معدوده که بکمال سرعت در گذراست
 و تلافی هر قصور و فتوری که در این ایام واقع من بعد مستنع و محال عموم من فیها
 کشته و احدی بانچه سزاوار عبودیت این استان مقدس و فداکاری در
 بیل این مشروع اعظم مختم است قیام نمایند قیام تحیر منه سگان
 طالا اعلی قیام تسبیر منه ارواح القدسین و الکروبین فی انچه اعلیا

قیام تهنتمنه طلعات الفردوس و حوریات الانس فی الفردوس
 الابهی قیام میاہی بہ معشر البیتین و المرسلین فی جبروت البقار
 قیام نخیدہ غصن البہار الجالس عن ینین عرش العظمتہ فی صرم الکلبیہ
 قیام بقیدہ النقطہ الاولى فی مقابلہ العرش خلف سرادق القدس
 فی قطب الجنان قیام شیدہ سلطان القدم المستوی علی عرشہ الامم
 الاعظم فی ظل قباب العظمتہ فی حبسوتہ الفردوس فی ملکوتہ الابهی
 تاہمتہ تعالیٰ این مراحل باقیہ تقدیرات الیہ و تائیدات مولی البریہ طی
 و این مشروع اعراضی در ارض اقدس انجام یابد و بموجب آیام مصداق بشارت
 الیہ در کتب و صحف و زبر و الواح و اطراف و کناف عالم تحقق پذیرد و
 در این عہد و عہود آتیہ این عصر در عصر ثالث کہ عصر وہبی و در مقدس

جمال ابنی است آنچه در نهیت این امر عزیز الهی است ظاهر و نمایان
گردد و شرعیة الله جلوه حیرت انگیز در بسط عبرت نماید و علم استقلال دین آید
و قطب آفاق موج زند و شکیان وحدت عالم انسانی بلند شود و جهان بدر
بلوغ رسد و عصر ذہبی جمال قدم عالم را متور فرماید و در نهیت الهیه چهره گشاید
و سلطنت الهیه تاسیس گردد و ملکوت الله در انجمن بنی آدم استقرار یابد و
عالم ادنی آینه عالم بالا و قطعه از فردوس اعلی و جنت ابنی گردد.
البدار البدار یا احب الالباء البدار البدار یا اصحاب الراهۃ ^{لیضاً}
البدار البدار یا مظاہر الحب والوفاء الراكبین فی السفینۃ ^{کجرا}
والمروجین للشرعیۃ الخرار یلموا بنا علی السلوک فی هذا الصراط المستقیم
الممدود والاسقامۃ فی هذا السبیل الواضح المشہود وانفاق ما وجبنا

رَبَّنَا تَشِيدُ بِذَا الْمَقَامِ الْمُبَارَكِ الْحَمْدُ وَنُصِبَ بِذَلِكَ الْوَارِ الْمَعْقُودِ
 عَلَى أَعْلَى الْأَعْلَامِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَالْقِيَامِ عَلَى أَجْرَاءِ
 مَا نَصَحْنَا وَأَمْرًا بِهِ مَوْلَانَا وَسَيِّدُنَا وَمُحِبُّونَا مَا لَكَ الْعَيْبُ وَالشُّهُودُ
 وَالسُّلْبِيرُ وَالْبَهَاءُ وَالنَّجْمُ وَالنُّورُ وَالضِّيَاءُ عَلَيْكَ وَعَلَى مَنْ يَحْكُمُ
 وَيَقْدِرُ بِحُكْمِكَ وَسَيِّدَاتِكَ فِي مَسْجِدِكَ وَبِحَيْمِكَ وَعَيْنِكَ وَنُصْرِكَ وَرَفْعِ شَانِكَ
 وَبِحَقِّقِ أَمَا لَكُمْ وَتُجَدِّلِ أَعْدَانَكُمْ وَيَا خُذْكُمْ حَقْلَكُمْ مِنَ الَّذِينَ
 ظَلَمُواكُمْ جَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

نوروز سنه ۱۰۸
 بنده آسائش شوقی

تَوْقِيعُ مُبَارَكٍ

نوروز ۱۱۰ بدیع

هیت محترمه مجلله ایادی امرالله و حضرات ائمان شایسته
 راسخه بر شوق الله و جنود منصوره مجاهدان و مهاجران
 فی سبیل الله و عصبه جلیله مبلغان و ناشران نجات الله و
 اعضای محافل مقدسه روحانیه ارکان و حامیان سریع^ه
 و افراد جامعه پیروان دین الله در کشور مقدس ایران و خطه
 هندوستان و برما و پاکستان و قایم عربستان و قطر مصر و سودا
 و ترکیه و افغانستان و عراق عرب و سوریه و لبنان رجالات
 و نساء صغیرا و کبیرا ملاحظه فرمایند :

ایها المتسکون بالعروه الوثقی المصطفیون فی سبیل ربنا الهی العالی القاب
 الابهی و المجاهدون لنصرة امره الارفع الاعز الاعلی و الموسون لارکان نظام^ه

الاعظم الامتن الانسی : در این اوان که نور ز فیروز سده عاشقین
 دو تم جبهانی با عید موی دعوت سری جمال اقدس ابی روحی للبتلین فی
 سبیلہ العدا تو ام کشته دین دوشین امحم در این سنه مقدسه مبارکه در سر اسرار عالم
 بهائی بر پا دارن کن ایسی در زلف اعلی ندای جانفروزی البدار البدار یا معشره الای
 تو مواعین معا حدکم و اتقوا ما و حبکم کلکم و اہجر و اذیاریکم و اوطانکم و انصر و ابارکم
 و بلغوا الناس ما بلغکم محبوکم و مولایکم خطاب باہل بہاد و اصحاب را یہ بیضیاد
 قارات خمسہ متصلہ پہلہ کربین و حدین و ملائکہ مقربین در شیخ حسین
 بہاد و اشراک در جہاد جبهانی روحانی کبیر اکبر متصاعد و شارع قدیر و بشر
 فریدش ہر دو از اصلی غزوات جنت ابی ناظر و شاہد و نقشہ ملکوتی محسن
 امحسن و مہندس نظم بدیع جہان آرایش کہ در کتاب وصایا و الواج احرمی

ندون و مسطور در انظار عالمیان کشف و فیائق نماید مستعد نزول و نصرت
 باینان قصر شینند و گروه مجاہدین و مجاہدات در شرق و غرب و جنوب
 و شمال صف بستہ میای حسروج و هجوم و کفاحند این عبد آستان بیادان
 یاران رستان کہ اکثر در پنجه تعلیب گرفتارند مشغول و بذکرشان مالوف و از
 نتائج بلا یا تو را کم ز رانی می وارده بر آن حبیبان کہ در آتش حسرت و حرمان سوزانند
 مستحضر و متالم از شدت فوزان ما محبت با وجود مشاغل و غوائل بی حد و حصر
 کہ در نتیجہ انبساط خارق العادہ دائرہ امر اللہ از پیشش جهت این عبد را احاطہ نمود
 قلم برداشتمہ تا شتمہ فی ارقنوحات جلیلہ و امتصارات باہرہ و حوادث جسمیہ و
 وقایع تاریخیہ کہ در این دو سنہ اخیرہ در جامعہ پسران امر حضرت ربیب
 جلوه نموده در این اوراق ثبت نماید و این شہادت را بان مستغنیین بحر بلا و حاجی

لمصائبهم بعد ابراع نماید و فنده آن ستمدیکان را شاد و مستبشر گرداند.
 امی یان با وفا چه مقدار عظیم است امر عزیز الهی و چه مقدار همین درین است
 میان این معدس زردانی و چه مقدار عجیب و غریب است تصرفات قوه
 ازیه قدسیه و افعه ساریه صدائی که در مدت صد سال از نسبه تسع که میقتا
 انقضای دوره بیان و ظهور اثره این مشیر امر محبوب و مقصود عالمیان و ا
 عهد انجم غر جمال رحمن است الی یوناهند از بسط غیر اعلی روس
 الا شهاد ظاهر و با هر گشته ملاحظه نماید که شجره لا شرقیه و لا غربیه که در عهد آدم
 بدیقت الهیه در ارض مشیت غرس نموده و در ادوار سابقه در ارض معیار
 در عهد حضرت خلیل و حضرت کلیم و حضرت روح و در جزیره العرب
 در عهد حضرت خاتم و در کشور ایران و هندوستان در عهد حضرت زردشت

و حضرت بود او سایر نبیای اولوالعزم صلوات الله علیهم اجمعین در
 مدت شش هزار سال متدرجاً نشوونما نموده و بدین شهادی لالتعد و لا تحنی
 سعایت گشته و با وجود محبوب ابراج مخالف و عواصف گوناگون ریه اش
 مستحکم گشته و عصیان اوقیان و فرودش در ممالک و بلدان در خاور و باختر
 تعد و استداد یافته و بمردان ایم برک و شکوفه و گل آراسته و زمین گشته
 و سایر بر عالمیان افکنده و روح مطهره اش مشام مؤمنین و مؤمنات را در
 بیضی غیر امطر نموده این شجره الهیه شجره اصلها ثابت فی ارض الکبیرا، و فرعها
 فی السماء که ادیان صیغه در ادوار مختلفه ازین اصل قدیم منشعب و متفرع
 در نه سین در اقلیم فارس در مدینه طیبه شیراز بر اثر ظهور قائم موعود ^{نوره} ^{القطره}
 الهی تدور حولها ارواح المرسلین "ثمره ازین جنبه قدسیه اش را که در پیش

کهنون محسنون بوده پس از انقضای شش شبه ارسال ظاہر آشکار نمود و عالم
 کون این از طی مراحل طفولیت و صباوت به مقام بلوغ ذاتی برسانید و این
 شمر حتی و طب لطیف را نمونه لا شرقیه و لا غربیه «قره عیون لبسین» و نظایر
 با نام جمیع الانبیاء، «در مدت شش شبه در آسیاب محن و بلا و بیخ و ابتلا معهود
 و مصور گشت و عاقبه الامر در خطه آذربایجان در اثر زریه عظمی و شهادت
 کبری خود را در سبیل ظهور و شراق «بها، السموات و الارض» فد نمود پس در
 سنه تسع در زندان ارض طاهران سخن امتن مظلوم زیت این ذبح اعظم و حق لطف
 آن شهید اکبر افخم و فدائی موعود و مقصود امام مشعل و روشن گشت و
 برابر شجاعتی روح اعظم بر قلب مُرد و لطف جمال و قدم مظلوم عالم شحی از نور
 همین جمرا بر عالمیان و ظلمت آن زندان مبدول گشت پس آن معبود

که در طور اکبر خشنیده و طویرون از لعاش منصف گشته در مدت ده سال
 پس حجات و سجات خلیفه اهل ظل و بغضاء در مدینه اتمه مقنوع گشت پس
 از انصافی سنین مهلت در حین حرکت سلطان ظهور از دار اسلام بعد از مدینه
 کبیره مصباح محبوب و معطوف حسبوه فی شدید نبود و در انتهای واحد از بجزوه
 رضوان پر تو بر عالمیان بخلید متعاقباً در ارض ستر بر حسب وعده صبح هشتم
 حضرت رب العالمین در بدایت ثمانین مصباح الهی بفرموده جمال
 در بلور اضری مشعل گشت و انوار ساطع اش قایلیم مجاوره را روشن و منور گردانید
 سراج هر که نطق انوارش پس از شهادت حضرت رب اعلی منصرف به امر و عراف
 عرب بود در ایام توقف شارع اعظم در ارض ستر و حسن حکما چنان بر او خست
 که پر تو بر افاق روم و خطه هندوستان و قفقاز یا و بر باد و رگستان و مصر و

سودان و سوریه و لبنان بنگند این انوار ساطعه لعاشق رفته رفته باراده
غالبه الهیه از دید یافت تا آنکه بر اثر تائیس مشتاق غلیظه و شوق تهن قوم
موجود هم در سخن عظیم تجلیات این مصباح در ایام مرکز عهد محمی رمم از خاور بر
منعکس گردید و حرارت این نار ذات الوعود پس از صعود جمال کبریا بقاره امریکا
سرایت نمود و در اقصی الغرب مشعل گشت و از خطه امریکای بقاره اروپا
او خرد دره مشتاق این انوار شرقی اقصی را منور ساخت و در ماوراء البحار در قاره
نایب استرالیا مسلماً لاگت است که میفرماید «لویسترون لهنور فی لهنر انظر
من قطب البحر بقول انی محمی العالمین» «قبل اختتام عهد رسولی دور اول
کو بر معدس که معادن با افول گوکب مشتاق حی لا میوت بوده شعشعات انوار
این مصباح سی و پنج اقلیم از اقالیم شرقیه و غربیه را روشن و منور ساخت قاره است

خمره عالم از قویضات بیه با پرورش مستغیر و مستغیر گشت ادا تحقیق ماصدر
 من قلم همیشه قوله عزیزانه « و سترون ان الاشعه الساطعه من شمس
 المیثاق احاطت الافاق و زلزلت ارض شهبات و فاض غمام العهد
 و غیض غدیر نقض یومید ترون جمال العهد مستقرا علی کرسی جلال آیت
 المیثاق سنی علی الافاق » طویلی نخسید که بر اثر وضع اساس نصب قوا
 و رفع اعمده اولیه نظم بدیع جهان آرای الهی که مبشرش است علی نقطه اولی
 و واضع حکامش شارع قدیر جمال اقدس الهی و مهندس پیش مرکز میثاق بها
 نور جهان است و این سلسله الهیه بر جمهوریت مرکزی جنوبی آمریکا و ممالک
 مستقله و قایلیم تابعه در قطعات اروپا و آسیا پرتو میگذرد و در قلب عالم چنان
 فزونی نمود که معارف جنجال عید منوی بعثت حضرت نقطه اولی عده ممالک

و بلدان که در ظل رایت الهی مشهور و از انوار بهیبه اش مستنیر گشته به پناه و پشت
 بالغ گشت و در این زمین خیره دردت نه سال که فاصله بین عید موسی اول
 و ثانی اهل بهاست شکر حیات بنا بدات رب آیات بهیبت بفتح
 پنجاه (۵۰) مملکت دیگر منقحر و مجموع عدد ممالک و بلدان که در حین ترقیم این
 اوراق بقوه اسم عظیم مسخر و از اشرفات محیر العقول این نوحه جان افروز
 منوگشته بیکصد و بیست و هشت (۱۲۸) بالغ است که از قلم عیسی عظیم و عیسی
 آیات جمال قدم و مرکز عهد تو م تعین این بیان کل ام صادر قوله عز و جل
 «سراج میساق شدت اشرفش بعد از انکار رجاج است» و سخنین مفریاد
 «اگر چنانچه وقتی آید که عیسی از عالم جسمانی انفصال یابد و او قس بریزد هر سان
 مشوید زیرا سبز و خرم شود و پس از انفار قس چنان آیات نماید و برود

که عالم وجود را بطل خویش در آورد و او را قش بزرده علیا سر بر آرد و شمر و فواکمی جلوه
 کند که جهان را مغرب نماید « و حال پس از انقضای صد (۱۰۰) سال تمام
 از بروز و ظهور این لمحہ نور و شعده ظهور که در افاق نور ظاهر و با برگشته نوری که فی الحقیقه
 ولید ثمره از لیمه شجره لاشعیریه و لاغریه است که شش هزار سال قبل بد قدرت
 الهیه در ارض مشیت گشته و بر ریشش باران رحمت بی کرانش و حرارت فیض
 بی نهایتش و نسائم مہب عنایتش پرورش داده مقتببین این نور بدی نور
 جیش کبریا و کرده مجاہدین و مهاجیرین تا صیرین امر بها که با شراک در این
 اکبر افخم علی در این سنہ مقدمه مبارکہ منتظر با پس این عنایت کبری و منعم علی
 عزم را جزم نموده و حاضر و مہیا گشته که بتأییدات لایمیه باطلہ از ملکوت ابہی حیا
 قیامی نماید که در سنین عشرہ آئینہ کہ مقدمہ افعال حشر افخم اعظم و عید مسوی

ثالث عالم بهائی و صدین سال دعوت جبری جمال لایزالی دستار
 مکمل طور بر عرش ظهور است بفتح و تسخیر کجیدوسی و یک (۱۱۳۱) مملکت دیگر از
 ممالک مستقله و اقالیم تابعه و سب از همه کرده ارض نائل و منقحر کرده تا بمسند
 فصله و هدایت عده ممالک و بلدان که در مدت یک قرن بل ازید بقوه ^{عظم} اسم
 در ظل امر الله وارد گشته مضاعف گردد و شعله این آئین نازنین در ارکان عالم
 برافروزد و لیب سراجش لعنان آسمان رسد و بجلیش آفاق الوان را احاطه
 نماید و نورش جهات تاب گردد و صیت عظمت و اقتدار و قهاریت و غلبه ^{ظلم}
 و سیطره محیطش جاگیر گردد و وعده غنم بر روند بها که در دولج اصنع اقدس
 در تفسیر آیه کریمه حضرت دانیال مدون و مسطور است تحقق پذیرد قوله عز
 کلمه در آن تاریخ آثار غلو و مستناع و سمو و اعتلا از برای کلمه الله در شرق

وغرب حاصل كرد... وتعاليم الله تتمكن في الارض حتى تكلمن وتملأ الانوار
 مشارق الارض ومغارها يومئذ يفرح المؤمنون « نعم نعم هذا نعم
 ونعم نعم هذا القيام بهما استفرحت ارواح الملا والاعلى وابتزت بي كل
 الصائفين والكرويين في الافق الابهي وارتفع صوت التهليل والتكبير في
 سجود الفردوس خلف حرم الكبر سبحان شابهى الابهى سبحان رب اعلى الاعلى تعالى
 ربنا المسخر المتجير الناصر الغالب المقدر القهار له العظمة والهيمنة والاستعلاء
 والعزة لاجبائه واما دى امره واقنان شجرته وامناء شريعته وانصار دينه
 والمختارون في ملكوته

يا اجاء البها، ومطالع انواره ومظاهر اثاره وقت انت كهيمين ومباركى
 اين سنة مقدسه نظر بالواجب الهية وصحف قيمه ومعين ارتضاء وطرح درو

و بیان معانی و اثبات عظمت و اہمیت این سنہ کہ بہت بعد صین معروف
 و موصوف است متوجہ و منطف سازیم و در کیفیت و رفعت آن نظر تمہین
 نمایم حلول این سنہ مقدسہ کہ فی الحقیقہ ولید اولین عهد پرشور و آشوب
 عصر رسولی دور بجائی است و مبدأ الف سنہ مذکورہ در کتاب الہی و
 احصام دورہ شریعت بیانی و امتحان عدسہ مشعشع جمال لایزال علی غرہ محرم محرم سنہ
 «۱۲۶۹» ہزار و دویست و شصت و نہ از ہجرت رسول اکرم صلیہ علیہ الصلوٰت
 و السلام است پس از انقضای دو ماہ از دخول مظلوم عالم در سجن کبر مظلم
 در ارض ظلم کہ بام عالم در آم کتاب طغی و باقی نور موصوف و نجاب
 «قد جعلک اللہ مطلع فسرح العالمین» مخاطب کشتہ حلول این سال
 فرخندہ فال متعاقب حوادث مؤلمہ مارتدیان و نیز در تہجان و واقعہ ہلمہ

شهادت شهدای سبعة در طهران و شهادت نقطه اخروی در ارفع ریت
سوداء در خراسان و وحید عصر و نسیر در زمان در زیر و شخص شاخص و صاحب
قول نافذ در تاجان و شهادت نقطه اولی در بسیر و در بجه کبری در ارض طا
و مقارن با شهادت نقطه جدید سه حلقه نسا در دوره بیان و کاتب وحی
در این حلیل نقطه اولی در جلیقن شامین و کاتب دیگر که از ارکان شریع بدیع
محبوب گشت در بیان عظمت و عین معانی این سنه مقدسه این
کلمات در بایات از سما، مشیت رب اعلی نازل قوله جلّت عظمته « و فی
سنة التبع انتم کل خیریدر کون » « و فی سنة التبع انتم بلغا و الله ترزقون » و همچنین
میفرماید « فان لکم بعدین امر متعلمون ، و ایضا میفرماید « و اشهد ان فریق
العالم و انقیوم عدد تسعة ذلک ما تکلمن لکن سنوات فی مقاصدین

ذلک فرق بین کل عظیم و عظیم « و ایضا میفرماید « من اول ذلک
 اذ مر الی قبل ان یکل تسعة کینسات نخلق لم یظروا ان کلمات قد ایت
 من لطفه الی ما لکونه الحاکم صبر حتی تشهد خلق الاخر اذ اقل قبارک الله
 احسن الخالقین « و همچنین میفرماید « امروز بیان در مقام لطفه است و در
 اول ظهور من بطریق همیشه آمده آخر کمال بیان ظاهر میشود که ثمرات اشجار یکبارگی غرس کرده
 بچیتد « و ایضا میفرماید « و لتراقبن فرق العالم بعقبتیوم ثم فی سنة اتسع
 کل خیر یدرکون « و ایضا خطاباً للعظیم میفرماید « هذا ما قد وعدناک
 قبل من الذی ایتناک صبر حتی یقضی عن البیان تسعة فاذا اقل قبارک الله
 احسن البیدین «

و جمال قدم و اسم عظیم روحی سلطنته بفساد در این مقام باین بیان باطن

قوله عزیزانه « در این ظهور بدیع قدس رحمانی در سنه تسع در ستر نفوس معده
 مظهره زکویه در همان حسن تکمیل شدند » همچنین میفرماید « در سنه تسع این ظهور
 اعظم از مشرق اراده الهی مشرق و لایح لاینکره الاکل خافل مریب »
 و در کلام میثاق این کلمات محکمات صادره قوله عزیزانه : شصت و
 (۶۱) که در کتاب باب سنده بعد حسن تعبیر و وعد ظهور حقیقت امر و اسرار خویش نمود
 و ایضا میفرماید « فی تحقیقه در شب در روز دقیقه فی از ذکر او فتور داشت و
 جمیع تابعان را با نظر طلوع او دلالت میسرود قسمی که در مالیفات خویش
 بیان مینماید که من از کتاب اعظم صرغی و از آن بجز بی پایان شنیدی هستم و چون
 او ظاهر گردد حقیقت و اسرار و رموز و اشارات من مشهور شود و حسین این امر
 در مراتب وجود و صعود ترقی نموده بمقام حسن تقویم فائز و خلعت مبارک آمده

احسن نجایین مبین کرد و این قصه در سنه شصت و نه که مطابق حدیث بعد
 است کشف نقاب کند و تری بحال تحبها جامده و بی تمر مرا حساب
 تحقق یابد « و سخن میفرماید « در جمع الواح و کتب ذکر بجا آوردند نمودند
 و شایسته بنظر بجا آوردند که در سنه نه (۹۱) بر خیر میاید در سنه نه (۹۱)
 سعادت کلی حاصل میکنند در سنه نه (۹۱) بقا را الله فائز می شوید و از این قبل سالیان
 بسیار و جمال مبارک را با اسم من بطنیسه الله ذکر فرموده اند . «
 در مکاشفات یوحنا این آیه مدون و مسطور « وای دوم در گذشته است
 اینک وای سوم بزودی میاید « در تعبیر این آیه این کلمات از کلمات
 میاق صادر « وای اول ظهور محمد بن عبد الله علیه السلام وای دوم حضرت
 اعلی له المجد و ایشان را وای سوم یوم عظیم است که یوم ظهور رب جنود و تجلی

جمال موعود است « وایضا در تفسیر این آیه میفرماید « و این وای سوم روز
 ظهور جمال مبارک است یوم الله است و نزدیک است یوم ظهور حضرت علی
 و همچنین شیخ اجل احسانی گوید در صبح هدی در جواب نامه سید مرفوع
 که نیز بطور موعود بشارت داده و از میقات آن یوم عیب استغفار نموده چنین
 نگاشته « ان ظمئن بفضل ربک و لا تمین بما یعلون لا بد لهذا الامر من
 مقر و لكل نامسقر و لا یحین ارجوب بالتعین فتعلمن نجاه بعد حین و لا تسألوا
 عن اشیاء ان تبدلکم تسولکم و السلام »

در ذکر بلا یابی و آورده در آغاز این سنه مقدسه بر جمال قدم و مظلوم عالم در آن
 زندان مظلوم این کلمات دریات از سما شیش نازل قوله مبارک ذکره ؛
 « ما را احد نمودند و از یاد و ران که در آن ایام مفر سلطنت بوده سر برهنه پو بی

باز بحسب طهران برودند چه که یک ظالمی سواره بمراه کلاه از سر برداشت و بر عت
 تمام با جمعی از میر غضبان و فرآشان مارا بردند و چهار شهر در مکانیکه شبه و
 مثل داشت مقرر معین نمودند اما سخن که محل مظلوم و مظلومان بوده فی الحقیقه
 و خمه سنگ تار یک از آن فصل بوده و چون وارد بس شدیم بعد از ورود مارا
 داخل دالانی ظلمانی نمودند از آنجا از سه پله سر شیب که شقیم و بمقریکه معین نموده بودند
 رسیدیم اما محل تار یک و معاشره قریب صد و پنجاه نفس از سارقین اموال و
 قاطعین نفوس و قاطعین طریق بوده مع این جمعیت محل مستعد داشت خبر طریقی که
 وارد شدیم اقلام از و صفش عاجز و روح متنه اش خارج از بیان آن جمع
 اکثری بی لباس و فرسوده تعلیم ماورد علیینما فی ذاک المقام الاتن الظلم
 و ایضا میفرماید « در ایام توقف در سخن ارض طار اگر چه نوم از خمت سلاسل و روح

منتنه قبیل بود و لکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت
 اعلای راس چیزی بر صدر میریخت مثلاً برود خانه عظیمی که از قله جبل مابج فعی برابر
 بریزد و بان جهت اجماع اعضا، آثارناظر ظاهر و در آن صین لسان قرأت مینمود آنچه
 را که بر اصغار آن احدی قاورنه « و اینها میفرماید « چهار شهر در مقدمه حضرت
 سلطان بغدادی معذب که ذکر و شرح آن از قلم و مداد بر نیاید لسان از ذکرش
 عاجز و قاصر است « و در مساجاتی از قلم علی در ذکر این زرایا و بلایا نازل « لم ادر
 من امی بلانی اشکو الیک اشکویا الی عن سبحی فی شهر معلومات او عماد علی فیه
 من سلاسل الذی کسرت عنقی من ثقلها او حید الذی کان علی برحلی عما کتبت
 ایدی الاشعیر... او از گریه الهی صین الذی اخذونی و اذ مسبونی من قریه الی
 مدینه و کان اسی عرباناً و رحلی متحاباً و عنقی مخلولاً و یدای می شد و اتم جمیعاً علی

وَهُمْ عَرَفُونِي مِنْهُمْ الَّذِينَ يَعْرِفُونِي وَالَّذِينَ يَعْرِفُونِي مِنْهُمْ كَانُوا قَائِمُونَ وَمُحْرَمُونَ
 فِي أَمْرِي مِنْهُمْ كَانُوا أَنْ شَيْئِي وَالَّذِينَ يَعْرِفُونِي رَمَوْا كَلِمَتِي بِمَاءٍ مَيْسِرٍ لَمْ يَمَسَّ بِهَا
 وَخَشَبَ كَلِمَتِي مَا شَرِبُوا خَمْرًا لِانْصَافٍ وَمَا شَمُوا رَوْحًا لِانْتِصَافٍ فَوَجَّاهُ الْقَدِيمِ
 وَأَنْوَارِ وَجْهِكَ الْبَدِيعِ وَرَدُّوا عَلَيَّ مَا اسْتَحْسَبُوا أَنْ يَدُلُّهُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَسَمْتُ لِي بِحُرِّ
 عِلْدٍ وَالْمُدَّوْنِ بَحْرِي بِرِوَالِوَحٍ لَنْ يَجْلِيَ الْبَعُوضُ لَنْ تَطْلُقَ ، وَرَمَاهُ جَانِي بَكْرٍ
 مِيفَرٍ مَيدِ كَرْدِي رَاكِهِ دَرِ مِيسَانِ پَرِيدِ وَ پَرِنِيَانِ بَرِيْتِ فَرَمُودِي آخِرِ دُغْلَاهِي مُحْكَمِ
 بَسْتِي وَ بَدَنِي رَاكِهِ بِلِيسِ حَرِيرِ وَ دِيَارِ حَتِّ بَحْشِيدِي عَاقِبَتِ بَرِذَلَتِ حَبْسِ مَقَرِ
 دَاشْتِي قَلْدَنِي قَضَائِكَ قَلَادَةَ لَاحِدِ وَ طَوْقَنِي اِطْوَا قَالَا لَقَاتِ .

ودر تاریخ بسیل اعظم راجع بشدند این سخن اکبر این عبارات مدون و مسطور:
 « چون بانبار رسانید در سیاه چالی که در قدیم خزینه حمام بوده جایشان دادند

در بجزیره که در سنگینی معروف است برگردن و نذکران برایشان نهادند

و تا سه یوم مطلقاً نه اکل موجود و نه شرب و نه سکون می شود و نه نومی «

و همچنین در تاریخ خود می نگارد « در ایام حضور بارها از لسان مبارک شنیده شد که

میفرمودند جمیع این تعویذ در فتنه سه صحن شهادت رسیده در ابار طهران با

من بودند و ما با او دسته بودیم که رو بروی یکدیگر یا در خلیجی و گردن در بجزیره بودیم

من با آنها ذکر می تعلیم نموده بودم که شبها بصوت بلند خوانده میشد یک دسته می گفتند

هو حبیبی و حب کلشی دسته دیگر در جواب می گفتند و کفی نالبتد حسیبا بهمین

منوال در غمهای شوق و اشتعال هر شب تا نیمه های شب صدای ذکر مرتفع

بود بحدی که یک شب شاه در عمارت خود شنیده بود و پرسیده بود که این چه

صدات گفته بودند که بایها هر شب ذکر میکنند این صدای ذکر آنهاست ...

و هر روزی می‌آمد و اسمی را ذکر می‌نمودند که صاحب این رسم گفت هر کس که
 می‌گفت منم معلوم بود که نوبت شهادت اوست و چون پایش را از خلیجی بر
 می‌آوردند با من مصافحه می‌کرد و او را بتمام بقا و افاق اعلیٰ بشارت می‌دادم
 و خوشنود روزانه می‌کردم و با دیگران هم می‌گفتم مصافحه می‌کرد و میرفت و بعد از
 شهادتش آن میرغضب که با من اظهار محبت می‌کرد می‌آمد و تفصیل حالش را که
 چه نوع شهیدش کردند و مقام صبر و استقامتش بچه درجه بود ذکر می‌نمود هر روز همین
 سوال بود «

و اما آنچه راجع بکیفیت نزول وحی الهی و تجلی روح اعظم بر قلب الطاهر اقدس مظلوم
 عالم و محبوب اعم است این کلمات دریات ارغمنندن قلم علی صادی قوله جل
 کبریا « در شبی از شهادت عالم رویا اجمع جهات این کلمه طین اصفا شد

« اِنَّا تَتَصَرَّكَ بِكَ وَتَعْلَمُكَ لَاتَحْزَنُ عَمَّا وَرَدَ عَلَيْكَ وَلَا تَحْزَنُكَ
 مِنْ الْاَرْضِ سَوْفَ يَعْثُرُ اللهُ كَثْرَةَ الْاَرْضِ وَبِحَمِّ جَالٍ تَنْصُرُكَ بِكَ وَبِاسْمِكَ
 الَّذِي بِهِ حَيَّى اللهُ فَسَدَّ الْعَارِفِينَ » در این مقام در سوره بیکل این کلمات
 عالیات نازله فلما رأيت نفسى على قطب البلا سمعت لصوت الابدع الاله
 من فوق راسي فلما توجهت شأهت حورية ذكر اسم ربى معلقة فى لهما و
 الراس ورايت انها مستبشرة فى نفسها كان طراز الرضوان نظير من وجهها و
 الرحمن يعلن من خدها و كانت تنطق بين السموات والارض بذا يتجذب منه الاله
 و يحصل تشبه كل الجوارح من ظاهرى و باطنى يشابه استبشرت بها نفسى و
 استفرحت منها عبدا و كرمون و اشارت باصبعها الى راسى و خاطبت من
 فى السموات والارض بالله بذا لمحبوب العالمين و لكن اسم لا تفقهون هذا مجال شه

بِنُكْمٍ وَسُلْطَانٍ فَيَسْكُمُ انْ تَمَّ تَعْرِفُونَ وَهَذَا السُّرُّو كُنْتُمْ وَامْرَأَتُهُ وَعَرْمَلُنِ
 فِي مَلَكُوتِ الْأُمَمِ وَنَحْلُوقِ انْ تَمَّ تَعْلَمُونَ انْ هَذَا هُوَ الَّذِي يَشْتَاقُ لِقَاءَهُ
 مَنْ فِي حَبْرٍ وَتِ الْبَعَاثُ انْ هَذَا هُوَ الَّذِي يَشْتَاقُ لِقَاءَهُ
 انْ تَمَّ عَنْ جَمَالِهِ مُعْرَضُونَ «

وچنین در آیه تائید در آن آیات از محسن قلم ابی صا در نفس منظر ظهور سلوکی ا
 از تصریح اشاره تجلی این روح اعظم میفرماید قوله تبارک ذکره :

رشح عما از جذبہ ما میریزد سر و فَا از نغمہ ما میریزد

از باد صبا شکست خا شسته پدید این نغمه خوش از جعد ما میریزد

بحر تھا از موج تقا کرده ظهور دین طرفہ عطا از جذبہ ما میریزد

نغمہ نا قوری جذبہ لاہوتی این بر دوز یک نغمہ از جو ما میریزد

دورانما ہوا نچھپے کا کردہ ظہور

کور ہو ہوا زلفِ مامی سریر

یوم خدا از جلوہ بستہ کامل

این نفسِ حیرت از غمہ طامیر

کو شرح از غمہ دل گشتہ ہویدا

وین ساغر شہد از لعل بہا میر

آغک عراقی مین در زوای مین

کف الہی مین در شرق بہا میر

طغ بہابی مین شرح عمالی مین

کین جملہ زبک غمہ از سخن خدا میر

نخلہ طوبی مین نہ در قار مین

غمہ بہا مین کز لعل صفا میر

طلعت لاہوتی مین جوری باہوتی مین

جلوہ ناسوتی مین کز راحت باہوتی

نبیل عظیم شیفتہ و دلدارہ جمال قدم و مداح آن محی رمم در قصیدہ فی ازہا

خوش در ذکر تسع حسنین سرودہ :

گشت سائل از احمد محمود

آن بار را کہ کاظم مسعود

احمدش گفت کان رخ با بر

نبش بعد صین شود ظا هر

سنه اربعین هشتادمه ماهی

کرد با عاشقانش همراهی

ماند با عاشقانش از افضال

چهارم در سلسل و اغلال

تا که حین رفت و بعد صین آمد

سنه تسع و الیهین آمد

تسع موعود را که رب بیان

کرد و صفش چو آفتاب عیان

گفت آن شاهباز عرشی سیر

کاند او تدر کون کل انخیر

شاه ابی برون شد از زندان

جمله آفاق شد چو گل خندان

عطری از طره اش پیدا آمد

کاسسان و زمین جدید آمد

در چنین در وصف عید نوروز آن سنه مقدمه این ابیات در آن تاریخ مدون و مسطور

که در وی بر همه امکان بخش نمودی پدید

مبارک عید نوروزی که عالم زو جدید آمد

که در وی بر همه امکان بخش نمودی پدید

که یاران جام جان نوشید قیصر نو در پوشید
برضوان تقا کوشید که یار ناپید آمد

جمال اتد ظاهر شد ظهور تسع با هر شد
جهان از شرک ظاهر شد که سلطان فرید آمد

شهنشاه نام آمد ولی نامش غلام آمد
شب سحران تمام آمدنا بشری که آمد

برون شد یوسف از زندان جهان شد چو گل خندان
مبارک کتر مخفی از عرش شد کلید آمد

زمان روح رحمان شد زمین پر از دوان جان
که چشم و قلب می روشن دی العرش المجد آمد

وزید آن شهبازی ز باغ وصل خستاقی
بسرشیل نو میدی الاصبح امید آمد

و پچین عین گلبشن بهادر قیصری از قصه خویش در نعت و نهای جمال ابهی

باین نغمه مشرفم ؛

ساقی مده جامی دگر صهبای گل فامی دگر
کاینک دلامی دگر آمد چه زیبا آمده

از نقطه بعد از نه^۹ سنه با سلطوت و با همینه
با صد هزاران عینه از کشور ط آمده

ذات امکان درند اکر مشرق قدس تعالی

نور احد شمس به با صد تجلی آمده

عقل نخستین بات و روح اقدس مرآت او

و از نغمه آیات او جان درسیجا آمده

با یک جهان مجد و سرف با عالمی شور و شغف

خود با بنسین سلف آن فرودگیا آمده

شمس تقاطع شد صبح تقاطع شد

یوم خدا طالع شد رب البریا آمده

وجه لمع کبریا غیب منسج لایری

با نغمه نظر تری بر ارض عنبر آمده

غیب بقاشد جلوه کبریا عمادش پرده در

و آن غائب از بردی بصر بی پرده پیدا آمده

و همچنین در فای ایله و فایسبل خوش سخن و طوطی شکر شکن در وصف مدح نه مقدس

تسع باین نغمه اعلی مترنم :

چو گشت میقات تسع با مرحق منتهی

ز دولت امرایت از خلق الهی

چو نوحه آمد بچو شس غیرت رب الهی

نشست سلطان امر بعرش شاه منشی

بدست حق برکنند زوجه ابھی نقاب

گشت ششاه و جب کون و مکان بجز نور
بزد سر فیل روح با بر حق نصح تصور

حشر من فی الوجود بعشر من فی القبور
نشر ما فی النسخ حصل ما فی الصدور

تزل ما فی استسا بر ما فی لہرب

بشر شد مسوی من ہو بھی اعظام
بصو علی قلم دمید روح القیام

برآمد از انصاف قلوب موتی تمام
مہللا ناظرا بجمہ رب الانام

مسجا ناظرا بمن الیہ اناب

دختر من جو بدی بہر کران خوشہ چین
گروہی از انبیا قبیلی از مرسلین

بحق کمین خادش فدای روح الایمن
چو ذرہ در ساحش شمس حق یقین

دیو ک عرشی برش حقیر تر از دباب

از غمش منم بجز بیان موج موج
جنود الهام و وحی در کتفش موج موج

اهل خصائص ز وجد پرید بر اوج اوج
بسوی او شد دو ان بنجدین زوج زوج

ز شوق پر اضطرام ز وجد پر انجداب

چو سدره بیکلش بحب شر بار شد
ز جد به عشق وی جهان پر آزار شد

چو آذرین طلعتش بجلوه نوار شد
ز نو بهار جمال زمانه گلزار شد

فقاد اندر قلوب ز ما عشق التهاب

شد دل بر قطره بی ز وجد او پر جبور
زوجه بر دره تافت شمس سرد

بچه ظلمت بدل گشت بدایمی نور
شد ز قری و مدن پدید شور و نشور

روان قوم کفور قناد در چ و تاب

میسنا مالک با ذات سبحانیت
بمطهر اسم رب که شد بجان فانییت

بمشرق شمس عهد بعضن قدانیت مبرع قدس فیع یدر نورانیت

که خلق داده نجات ظلمت احجاب

یا صحاب الوفا، والراکبین فی السفینة اکھرا، ملاحظہ نائیب کہ حلول این
سہ مبارکہ مقدسہ کہ فاتحہ عہد سہی الانوار ثانی تختین عصر دور اول کور متوس
است و از قلم اعلیٰ کلک نقطہ اولی ویراعہ عھسن اعظم سدرہ منہبی پھین او صاف
عالیہ فی موصوف و در کتب انبیا و اولیا و رسالہ نجم بارخ افق ہدی و قصا
و مدائح پیروان آمین اعزاسی پھین نعوتی سعوت باچہ مصائب و نوای مصاد
و معارف کثہ و آغاز این سنہ مقدسہ سیل بلا من کل سجات در عہد امر اللہ
و باران محن و زاریا از سحاب قضا نازل و باطل جامعہ جدید اتائیس در معرض
مخاطرات عظیمہ گوناگون واقع و طوفان امتحان اوفتسان در اشد ہیجان نا

غضب شاهانه و بعضی عدوت نامورین دولت از فرار او و کلا، و علماء رسوا
 و ملت خافل و جاہل و اشتعال و فوران حاد این سنہ در ایامی واقع کہ سار
 قدیر ابریدیع خود شهید و نجوم در ہر بہ آسمان بیان آفل و فحول اصحاب و
 بعضی از صرفوات بیانہ و کتاب وحی و حال اعظم آن سید امم مقبول
 و جمعی دیگر اسیر و سجون شہادت مکرر عہد الہی در یک سنہ از آن سنوات
 پر محنت و انقلاب «بیش از چہار ہزار نفر کشتہ و حجم غفیری اطفال و نسا پیکس
 و پرستار پریشان و سرکشتہ یا پال شدہ تلف گشتند» شخص معلوم کہ خود را
 پیوای ضرب مظلوم می پنداشت مرعوب و بیاس تبدیل در بحال ما زدن
 متواری بعضی از روسای بیان خود سرانہ و جسورانہ مدعی مقامات عالیہ و برخی
 در بحال ذلت و سکنت سرگردان و پریشان و مالان در عراق عرب بفرمود

جمال قدم «حرفی از امر الله مذکور بود و قلبی مشهود» و در مهد آیین نازمین بشهادت
 نبیل عظیم که در آن ایام در آن دیار بسیار بود سراج امر خاموش و ارباب محی
 در جوش و خروش «ارکان منهدم نور الهی متفوق و معطوف و جمال لایزال یگانگانه
 امر تب قدیر در اعماق آن زندان ظلم اسیر غل و زنجیر مطابقتا لما اخبر به الرسول
 و رواه ایضاً ابن العربی فی کتابه «و یقولون کلهم الا واحد منهم تیرل فی مرج عکاء
 فی المادۃ الالهیه الی جعلها الله ماده للسماع و الطیور و الہوام» و این شهادت
 زائیر نظر امور خارجه ایران میرزا سعیدخان در نامه خویش خطاب بسفیر دولت
 علیہ در دینہ کبیرہ داده و این عبارت را گماشته و طمینان داده «بعد از
 اہتمامات بلغہ کہ در قلع و قمع فرقہ ضالہ خبیثہ بایہ از جانب دولت بآن
 تفصیل کہ آن جناب میدانید تقدیم رسید بحد الله ریشہ انہا بتوجہات خاطر

همایون سرکار علیحضرت قوشوکت شاهنشاه حجه‌دین پناه روزنامه‌کننده شد
 حال ملاحظه نماید باوجود این لطافت شدید که بریکل امر الهی در سنین اولیه دارد
 و این زوابعه عظمی که قیدیل الهی را بجز دستعالش احاطه نموده و این زلزله کبری که
 ارکان آئین جدیدالتاسیس الهی را در بدو نشاءش مرتعش ساخته بمبرور آیام
 در طی سنین و اعوام چه آثاری از جاوه هیکل زیبای امر الهی و چه ناشیراتی از آفتاب
 و اشتعال این بار موقده صمدانی و چه تاجی از ارتفاع این بنیان الهی در آفاق
 و نفس ظاهر و پدیدار شده و حال در این دو سه خیره که پایان این قرن پر انوار سردی
 آلتا راست ملاحظه نماید که جنده الله و البین سفینه الله و ما بین بر عهد الله و
 مروجین شریعت الله و ما شیرین نجات الله و حامیان دین الله و موسمین
 تقم بحب آ الله روحی لعیامهم بعد از چه قیامی نموده اند و بچه قبح و ظفری در اقطار

جهان نائل گشته اند قیام و طغری که فی الحقیقه مسک بختام این قرن
 جلیل است یاران جمال اسی جبار و فاعلاً لکولایم و خالصاً لوجه و مقطوعاً عن
 و ابرار القدره و شتهاراً الدینه بیا دین بلایا و زرایا که در نخستین عصر دور اول کور
 معده س بر موسین آئین یزدان باریده و پاس مواهب الهیه و مایهات تنایع
 که در مدت صد سال بل ازید شامل جامعه اهل بهائت و بشکرانه حفظ و
 صیانت الهیه که از بد و ظهور امر الهی الی یومنا هذا در قطعات خسته عالم با وجود
 انقلابات شدید و ختلافات مترزیده و محاربات متابعه بین ملل و امم
 نصیب بندگان اسم عظیم گشته و تمهید جهاد هم لکبیر الاکبر قیامی عاشقانه
 نموده و سمد ممت را در میادین خدمت چنان جولانی داده که ندای و اطوبی
 و اطوبی از سکان رفیق ابی مرتفع و هتاف احسنم احسنم یا اهل البها و اصحاب

الوفاء از ذروه علیا مستتابع و متواصل فاتح این قرن اعزرا تم و میلاد
 این ستر منعم مصادف با بلای ادهم و ظلمات مدلهتم و حماسش مقارن با فتح
 و ظفر عظیم در سراسر عالم چنانچه در بدایت این اوراق ذکر شد یا در ان الهی بدلت
 واعانت انسانی امر الله و برفق نقشه های محمله مسعده که در محمد امر الله
 و در ایالات متحده امریک و جزایر بریانی و جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره آمریکا
 واقلم کندا و هندوستان و برما و پاکستان و عراق و استرالیای آلمان و
 مصر و سودان طرح گردیده عده ممالک و بلدان که بیرومی اسم عظیم مستخر گشته
 یکصد و بیست و هشت (۱۲۸) رسانند و نماید الهی تجدی شامل وقوه امر بجز
 نافه گشت که در مدت یک سنه میجده (۱۸) مملکت در ظل امر الله محشور
 گشت بنایات الهیه و اعانه محافل مقدسه روحانیه و همت مجاهدین و مجاهدات

و مهاجرین و مهاجرات ممالک غربیه و شرقیه و اقطار جنوبیه و شمالیه مجموع
 مراکز امریه در جزیره العرب از ده (۱۰) و در قطر مصر و سودان اسی (۲۰)
 و در ممالک اروپا که بهمت ایران امریک در این سنین اخیر در ظل امرای
 درآمده از چهل (۴۰) و در جزائر بریتانیا از پنجاه (۵۰) و در قاره استرالیا و جزیره
 نیوزیلند و سیمایا از هشت (۸۰) و در مملکت نمسه و آلمان از هشتاد (۸۰) و در
 اقلیم کنده از نود (۹۰) و در خطه هندوستان و برما و پاکستان نیز از نود (۹۰)
 و در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا از صد (۱۰۰) و در محمد امرالیه از شصت
 و در ایالات متحده امریک از هزار و دویست (۱۲۰۰) تجاوز نموده و
 عدّه مراکز امریه در کوره ارض من اقصا با الی اقصا با به دو هزار و پانصد (۲۵۰۰)
 بالغ گشت و مستظلمین و غلّ شجره طوبی و بین از نور هدی و تمسکین بغروه و حق

این ممالک و بلدان بعضی از جنس پشم بعضی از جنس اسود و برخی از جنس
 اصفر و قلیبی از جنس احمر و اسم کل در ظل سر پرده یگانگی مجمع و از یک مصدر
 و جمل ملتین یک نظم تمسک و اصول و احکام یک شرح را مروج و از فوئدنا
 یک آئین ستیز و مستمده شرایات امریه که در مدت صد سال (۱۰۰) به چهل یک
 (۴۱) لغت از لغات شرقیه و غربیه ترجمه و طبع و منتشر گشته بود در این سفین تبعه
 اخیر بر اثر هم حالیه مترایده ناصران امر حضرت رب البریه بسی و دو (۲۲) لغت
 دیگر ترجمه و طبع و منتشر گشت و به پا روزه (۱۵) لغت دیگر ترجمه این آثار بهیه مبارک
 گردید نطق امر الله بجدی و سعادت یافت که در حتام این قمن نمایندگان از
 سی (۳۰) نژاد از نژادهای مختلفه عالم و از بیت و سه (۲۳) قبیده از قبائل متعدده
 منتشره در قاره آفریقا در ظل سوادق جمال الهی وارد و از انوار ساطعه امر معدهش

مستند شدند .

در ارض اقدس لانه و آشیانه انبیا، قلب العالم و قبله الامم مرکز عظیم انسان در
اداری پیران جمال قدم و ابراهیم عظیم در سراسر عالم مقدمات تشیید قبله رفیع
بدیعه و هبتیه مقام هبی الانوار رفیع انبیا سرمدی الآثار بیشتر موعود امام و تائیس
مرکز اداری جهانی امریحی روم فراهم ایادی امرالله که بر حسب وصایای محکم
مستند مرکز عهد جمال قدم بصیانت امرالله و ترویج کلمه الله که عظیم و طایف
آن عبیه نورانیه است ماورد و تکلف در قارات خمس و ازین بارین فوقانی و مسیحی
و کلیسی بعدد واحد معین و چهار نفر از این نفوس مشخصه معینه در ارض اقدس معتمد
خداوند خاصه و بر ترویج دستحکام مشروعات ممتد جدید التائیس این ارض قائم
بیت بین المللی بهائی که مقدمه تائیس محکم علیه در ارض میعاد و هستی با انتخاب

اعظم بیست شریعہ عالم ہبائی و تائیس دیوان عدل الہی خود اپگشت تکمیل و

و خائف اعضایش و ہیبت عاملہ اش کا اعلیٰ تعیین کر دید .

باب نہایت مقامات مقدسہ کہ در مدت دہ سال بر اثر انقلابات خارجہ

و داخلہ مسدود بود و بر وجه یاران شرق و غرب مفتوح گردید و بر جلوہ عظمت

این مقامات در انظار اولیای امور در مرکز میفرود .

مقام رب اعلیٰ و نقطہ اولیٰ روحی لفظی مسمیۃ العذار کہ جمال قدم و مظلوم عالم

اواخر ایام آقا مشرب بجن اعظم تائیس فرمودہ و قدس الاقداس را احسن اعظمش

بجورہ انقلابات ناقصین و مفتشین بید قدرت شید فرمودہ و وسائل تقال

عرش مطہرہ از ارض طابرض میعاد نسہ اہم ساختہ و در نوروز سنہ ۱۹۰۹ از

میلاد حضرت روح بدست مبارکش بر سر مطہرہ در تابوت مرمر در قلب آن

میان مقدس استقرار داده و پس از انتضای چهل (۴۰) سال در نوروز ۱۲۴۹
 بنامی و اوق آن مقام مقدس بر فوق میل و اراده خصن اعظم بهار با شرت گردید
 و در سال بعد از آن معارف عید سعید نوروز در سنه ۱۲۵۱ معادلت نصب
 ارکان هشت گانه قبیه اش در داخل آن مقام مندرجه گشته در این دو سنه
 اخیره بایات ملکوت الهی کمال سرعت وضع اساس این قبیه در خارج آن مقام
 انجام و تمام یافت و طبقه بایزاش مرتفع شد و مناره های بدیع رفیع هشت گانه
 آن مقام منیع که تاج ثانی آن بنامی انجم است منصوب گشت و متعاقب آن
 طبقه ثالث دارای نوافذ متعدد مطابق عدد حروفیات بیانیه که ارکان سرعت
 بدیع و وسائط فیض نظر آریه بوده بنا گردید و اجار او قیسه و بهیته که تاج ثالث
 آن مقام است منصوب گشت و دوازده هزار (۱۲۰۰۰) قطعه از قطعه های مذ

جهت نصب آن قبه فریحه که مساحتش بدولت و پناه متر مربع بالغ در دیده
 او ترخا در کشور هند سوارش گردید و امید و طید خیاست که در ایام رضوان
 که جشن اعظم این سنه مقدسه است و سائل نصب آن فرس را هم کرده و بانیست
 متابعه جمال حرم در پایان این سنه این مشروع عظیم و خطیر اتمام و انجام پذیرد
 و نیز در ارض مقدس در این دو سنه اخیره نقشه بدیعه اولین معبد جیل کرمل که در
 جوار این مقام مقدس من بعد تأسیس خواهد گشت ترسیم و حاضر و میباشست
 و عنقریب با بر یک ارسال خواهد شد تا بنظر نفوس مجتبه در مؤتمراتی تاریخی محفل
 این سنه مقدسه برسد و بر سرور و ابتهاج محتفلین و مشرکین در آن جشن اکبر سفیراید
 ارضی مجاوره موقوفه مقام مقدس نقطه اولی در نتیجه تیاج بیت و یک (۲۱)
 قطعه که متعلق نفوس مغرضه از معاندین بوده و مساحتش متجاوز از بیت و پنجاه متر

اتساعی سریع یافت و بواسطه غلبه مقدمات بیابان قطعاً دگر که مشرف
 بر آن مقام است و مدت سی سال است که یاران الهی طالب و شائق ملک
 آن بوده و مساحتش متجاوز از بیست هزار (۲۰,۰۰۰) متر مربع است فراهم
 و اینها در جوار قبله اهل بیت محظوظ حال ملا، اعلیٰ اجلا لا و کرمینا لهذا المقام الکریم و المعتبر
 الاقدس الاظهر الاعز العظيم در این سنه مقدسه که صدین سال بعثت آن
 موعود امام و محیی رمم است پس از خذلان ناقضین حدود و حدود و در نتیجه مغلوب
 و نبریت دشمنان دیرین امر حضرت رب العالمین که مدت شصت سال
 با ناقضین بر کین عهد جمال مسین مرتبط و در طوفان معشین معین و مؤید و همایون
 اعدای امر الله در سنین عهده بتوین و تحقیر آن مقام مقدس مشغول و تعدی
 بر اراضی مجاوره آن مقام طهر نموده. اراضی وسیعه وقف آن روضه مقدسه گشت

و مساحت موقوفات امریه در مریح عکا که منحصراً چهار هزار (۴۰۰۰) متر مربع
 بود یکصد و پنجاه و نه هزار (۱۵۹۰۰۰) متر مربع بالغ گشت و در قلب این
 ارضی موقوفه پس از انقضای شصت سال از صعود جمال احدیه در قطعه‌ای که
 مساحتش سیزده هزار (۱۳۰۰۰) متر مربع بالغ و در شمال و غرب آن مقر
 واقع بایندین الله صرم احدس نجواکل و جل تائیس گشت و شبه‌ای نبوده و
 که این بقعه نورا، و صدیقه علیا، و روضه عنا که مقدمه تشیید صریح اقدس الهرام
 ارفع ابی در سنین آتیه است در نتیجه تسطیح و تنسیق و زمین و امتداد شوارع سعده
 ابوب خمه و مصباح نصیبه متسلله قطعه‌ای از فردوس اعظم و ریاریگاه طل و
 اهم و نزهتگاه عموم از اجناس و طبقات و مذاهب مختلفه در این دیار و ایام
 مجاوره گردد .

فَضَّالَهُ نَاقِضِينَ وَكَالصِّينِ بِرُكْبَيْنِ رِثْرَثٍ غَضِبَ مَفْطَاحِ رَوْضَةٍ مَبَارَكَةٍ وَتَحْلِيَةِ قَهْرٍ

مَشِيدِ جَمَالِ أَحَدِيَّةٍ وَدَرْمِيحِ تَبْيَاحِ أَرْضِي وَسِعَةٍ وَتَأْسِيسِ مَوْقُوفَاتِ أَمْرِيَّةٍ دَرَجَوَاتِ

مَعَامَلَاتِ مَقْدَسَةٍ وَتَعَاوُدِ حَقُوقِ شَانِ دَر مَحْكَمَةِ مَدِينَةِ وَالْقَرِاضِ وَالْإِعْدَامِ رُؤَسَا

وَرِعْمَاءِ وَاعْوَانِ وَتَعَلُّقَاتِ شَانِ وَعَلَى رَأْسِهِمُ عَزِيمِ ثَانِي وَخَلِيفَةِ نَاقِضِ الْكِبْرِيَّانِ

سَيِّدِ مَمَرِ مَجْبِصَاتِ وَبِلِيَّاتِ وَنَجَاتِ كُنَاكُونِ دَرِ اِيْنِ سِنِّ اِخِيْرَةِ مَعْدَنَةِ

وَالظُّهُورِ وَبِرُؤْسِ اَنَا غَضِبَ وَسُخَطِ اَلْهِى حَيْرَانِ وَپَرِيشَانِ .

دَر قَارَةِ اَمْرِيَّةِ مَشْرُوعِ نَبَايِ مَجْدِ رَفْعِ اِنْبَاءِ اَبَدِيِّ اَلْاَثَارِ پَسِيْرُوَانِ جَمَالِ تَحْمَلِ

اَمِّ اَلْحَابِدِ غَرْبِ وَرَفْرَفِ مَدَنِيَّةِ اَلْهَيْهَةِ كَهْ جَمْرِ رَاوِيَةِ اَسْرَائِيْلِ دَرِ اِيْدِ قَدْرَتِ عَضْنِ عَظْمِ مَحْبِي

نَهَادَةِ وَصَارْفِشِ اَزْ دَوْلِيُوْنِ وَنِيْمِ دَوْلَارِ مَشْجَرِ تَبْتِ يَارِ اِنِ غَيْرِ وَعِلْمِ اَرَاْنِ حَزْرَةِ

مَظْلُومِ دَرِ اِنِ خَطِّهِ پَرُوْرِ پَسِ اَزْ نِيْچَاهِ سَالِ اِنْتِظَارِ اِنْجَامِ بَايْتِ وَاِمْتَامِ بَرْتِنِيَّاتِ

و خداش نسبت حلقه نه گانه اش بر شکوه و جلال و اہبت آن معبد افخم
بفرود و مقدمات اقتحاح سعی آن معبد جلیل کہ آیتی از آیات جشن موسی در آن
سامان است تا جسها و اکلها منہ اہم گردید .

قیمت موقوفات امریہ در آن خطہ مبارکہ کہ بفرمودہ مرکز عہد الہی « میدان
اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و مشا، ابرار و جمیع اجرار » از سہ ملیون
دولار و تعداد مراکز امریہ در کافہ ایالات متحدہ از ہزار و دویست و حدہ ایالات
کہ معترف بر سمیت و مستعجیل عہد نامہ بہائی گشتہ از بیت متجاوز شمال
آن قارہ مبارکہ در قلمیم کند کہ بفرمودہ حضرت عبدالبہاء « مستعجلش بسیار عظیم است
و حوادثش نہایت جلیل » امر الہی یوما فیوما در ارتفاع و یاران جانفشان بہ
استحکام مؤسسات امریہ مشغول و بایمیاع بنائی مبلغ چہل و نہ ہزار (۴۹۰۰۰)

دولت جت نائیس خطبہ القدر و مخطہ آثار علی بہائی در مدینہ تورتو کہ اردن
مہمہ آن اعلیم محسبات مؤید و مستقر .

نار موقدہ در اثر تاکیدات مرکز میثاق جمال قدم در جزیرہ فیجہ نایبہ گرین لند
مشعل و سراج امر بہت مہاجرین فی سبل اللہ در جزیرہ نیو فاوند لند روشن و
علم الہی در قرب مدار قطب شمال موج و قلوب از سطوح انوار نائید در آن قطار
شمالیہ قرین سرور و فرح و ابتہاج و ہمچنین در جمہوریت مرکزی و جنوبی امریک بہت
یاران و امان الرحمن جدید الاقبال در مراکز مختلفہ مستند بر آید آن اعلیم دور کن رین
دیوان عدل الہی منصوب اساس نظم مدیح در آن دیار بدرجہی مستحکم کہ در عوام
اکثر این جمہوریت بہت متعجبہ در جامعہ بہائی بہت یافتہ و محافل روحانیہ در
دولتی تسل و مساحت کافہ اراضی موقوفہ در آن صفحات کہ یکی از آن خیرا کبر بلا

دوگیری برضوان بن الهزین موسوم گشته از چهار صد و پنجاه هزار متر مربع تجاوز نمود

در قاره پر شور و آشوب اروپا بابت حضرت رب البریه و همت بسوسین

ارکان بدیت الیه و واضعان نقشه ثانی هفت ساله دو مؤثر محفل بن المللی

بهائی یکی در عاصمه مملکت لوسمبورگ و دیگری در اقلیم هند مستعد و در نتیجه مذکور است

و مساوات در ترویج امر خیر تبلیغ و اتساع دایره نشریات امریه بوابط روحانیه

بین مراکز جدید التاسیس در ده مملکت از ممالک مستقله که در سنین سبعة اخیر

در ظل امر الهی متفکّر گشته ایجاد گردید و اساس نظم بدیع مستحکم گشت در رونق

مؤسسات بدیع از دیا یافت .

در مدینه مدریدا اولین مؤثر بهائی مرکب از نمایندگان پیروان جمال اقدس اهی

که در دو مملکت پرتغال و اسپانیا ترویج امر اعراضی مالوف و مشغولند بمصده

در مدینه بروسل با این جمال حزن که در اقلیم ماثله هند و لوسمبورک و بلجیات ساکن
 و معتمد متفقاً تشکیل نخستین مؤتمر بهائی مؤید و در عاصمه ایتالیا مرکز خبر اعظم
 مروجان و حامیان امر جمال و قدم تاسیس اولین مؤتمر بهائی مرکب از
 نمایندگان مراکز امریه در آن اقلیم موفق و در مملکت سوئیس در قلب آن قاره
 پر محنت و بلا طلیعه چند هدی و شمسکین عبوده و تقی با تعداد مؤثر ثالث و رابع
 تابعان امر بهائیتی در عاصمه آن مملکت و دیگری در مدینه بازل منتظر
 و اخیراً یاران عزیز در دو کشور سوئیس و ایتالیا بکمال اتحاد و اتفاق بعضی از
 و همی طبع بهیه مقدمات اولین سخن شور روحانی در مدینه فلورانس و تشکیل
 اولین مجل مرکزی روحانی و نصب کنشانی عشرت عدل اعظم الهی در ایام
 رضوان در این سده معدده مشغول و مالوف .

در قلب قاره آفریقا مار موقده مستعمل و نمایندگان قبائل و عشایر با فو اعلیٰ متوجه
 و محل ملتین آفریقا بنامش تمسک در بیت پنج (۲۵۱) اقلیم از اقلیم تابعه در
 آن خطه وسیع علم همی مرتفع و عده مؤمنین و مومنات که در یک سده اقبال
 با مرتب متعال نموده و بعضی اصلاً مسیحی بعضی فسفرقانی و بعضی شنی اردو سیت
 و پنجاه (۲۵۰) متجاوز عده لغات متداوله در آن قاره که آثار امریه بان ترجمه
 و طبع گشته به دوازده بالغ و در بدینه کا پالا عاصمه اقلیم گویندا و در بدینه دار السلام
 در اقلیم تنگایکا و در مرکز آخری مهاجرین فی سبیل الله بوضع اساسی نظم بدیع
 جهان آرای جمال اهبی و سلیل اولین محل روحانی موفق و مقهور در عاصمه اقلیم گویندا
 محبت یاران جانشان نبائی جهت تاسیس خطیره الهدس مبلغ هجده هزار
 دلار و ۱۷۰۰۰۰ اجماع گشته و متجاوز دوازده مرکز در این دو اقلیم و اقلیم لیبیا

وکنیا و لسیریا و اقلیم دیگر که در سواحل شمالیه و غربیه و شرقیه آن قاره واقع
 می‌باشد مستعد تشکیل محفل روحانی در ایام سعید رضوانند و محافل مرکزی در جزایر بریتانیا
 و قاره آمریکا و ایران و هندوستان و برما و پاکستان و مصر و سودان که در این
 مضمین مجاهد و مساعد بیدارند بجز تمام قومی ساعی که نارموقده یوما فیوما مشغول
 گردند و نعره قبائل از دور و نزدیک بلند شود و مصداق یدخلون فی دین الله
 افواجاً در ممالک مستعده و اقلیم تابعه و شبه از مجاوره آن قاره وسیع مستعد
 ظاهر و نمایان گردد .

و همچنین در دو قاره آسیا و استرالیا جنود مجتهد امرکبب انبصحات و نصائت
 عظیمه در این دوسه اخیره منتظر و نائل برفیق نقشه جدیده می‌ارند جانانشان
 هندوستان و برما و پاکستان پرچم امرالهی در جزیره سیمان متواج و در محکم

اقالیم مجاوره همت مهاجرین و مهاجرات در آمریه در مجمع انجمن ایدویریا
 و دو اقلیم سرک و سیام و شبه جزیره ملیا و اقالیم تابعه نیال و هند و چین بعضی در
 تائیس و بعضی در زاید اراضی وسیعه همت تقویت و توسعه در سه جدید تائیس
 پنجگانی که شش ارض هزار (۱۰۰,۰۰۰) متر مربع متجاوز متاع گردید و محل
 روحانی جدید تائیس در دینه معروفه سینغاپور رسماً تسخیر گشت

و همت یاران قاره استرالیانوار سا طعه این امر بر جزایر عبیده کله دینار
 جنوب محیط اعظم رو پو فکند و مساحت اراضی موقوفه در آن قاره و جزیره مجاوره یوز
 از مقصد پنجاه هزار (۱۵,۰۰۰) متر مربع متجاوز نمود .

در مملکت ترکیه پس از مدتی رکود در جریان امور آمریه محل روحانی در عاصمه آن
 مملکت و نقاط اخری تائیس گشت و در دینه کبیره قطعاتی از ارض متبرکه شرف

بقدم مولی الامام که قیمتش از دوازده هزار دو دلار (۱۲۰۰۰) متجاوز اقیاع

گردید و مقدمات ملک ارضی دیگر که موطنی است امام مبارک در ارض سر

بوده اند اهم گشت . و نیز اخیراً همین بعنایت حضرت امین و جهت هموطنان

اسم عظیم و دو جزیره فرموز و کره بواسطه یاران الهی در چین و آمریکا در طلب

امر الهی وارد و از اشراق و بلعان نور هدی مستفیض و مستیر گشت .

یا معشر المؤمنین این بود شمه فی از انشا سیرع محیر العقول انوار این مصباح که

در مشکوه ارض طاصد سال قبل در بحبوحه طوفان بلا بر افروخت و در روز اوار

از خلف حیات خارج گشت و در بلور ارض سر مثلاً لا و مستعل گردید و از انق

حصن عجا و قبله اهل کعبه اسطوع بر افاق غریبه نمود و در نتیجه استقرار نظم بدیع

الهی شععات انوارش پس از انقضای یک قرن از مرکز جهانی عالم بهبان

بر کرده ارض از اقصی شمال تا اقصی جنوب عالم و از شرق قسطنطنیه بغرب قسطنطنیه
پرو می کنند .

اگر اندکی تأمل و تفرس نمایم ملاحظه میگردد که این آثار که در او خیرین قرن
پرانوار ظاهر و پدیدار گشته کل فی الحقیقه مقدمه ای بوده جهت انعقاد کنفرانسهای
تاریخی چهارگانه بین القارات که اهل بهادر پیمان این قرن با پس میوه
و فیوضات صد ساله امر جمال اهل و اجلا لا و کرمینا لامره و اشیاء القدره در
این سال فرخنده فال که جشن اکبر اهل بهاست در چهار فاره از قار
عالم منعقد نمایند و این مجنبنهای اربعه که در تاریخ امر الله بی سابقه است هر
مقدمه جهاد کبیر اکبر است هجسادی که فارسان چشم عمر مر م بهادر در
ده سال تا بیاید من الملأ الاعلی و بمعاونت ایادی امر الله و شین من معاش

و حامیان شریعت الله در جمیع اقطار و اقطار در آن مشارکت و معاضدت
 خواهند نمود و این جهاد جهانی روحانی نیز بنفسه مقدمه تاسیس استحکام نظم
 بدیع الهی و اقامه ارکان دیوان عدل الهی در جمیع ممالک و بلدان عالم است
 که انشاء الله تعالی هموم من فی البها در عهد آتیه عصر خوین و در طی قرن
 ثانی جهانی بان کاملاً موفق و معجز خواهد گشت .

مؤخر اول تاسیس من الله و تاسیس من لدنه در قلب قاره آفریقا در اواسط
 شهر شباه در این سه مقدمه در دیده کمپانی تحت شرف انسانی محفل مرکزی
 بهایان بریتانیا مستعد گردید و نمایندگان محافل مرکزی ایالات متحد
 ایران و بریتانیا و مصر و هندوستان رسماً شرکت نمودند و جمعی از ارباب
 امر قبه و پیشانی نغز از مهاجرین و مهاجرات و نمایندگان از زنده مملکت

وسیع و دوزاد و متجاوز از دوست و بیست نفر از یاران و اما، الرحمن در آن
 انجمن مجتمع و شکر کین اکثر از یاران جدید الاقبال از جنس اسود و حصار کل
 از زیارت شمایل مبارک نقطه اولی و تلاوت آیات کتاب قیوم الاسماء
 و مشاهده صور شجره مقامات مقدسه علیا در ارض اقدس متعجب و زکرات
 و مشاورت کل حصر در شرف نجات الله و رفع لوازم دین الله در اقلیم باقیه و
 مجاوره و رفته در شرق و غرب آن قاره وسیعه .

مؤثر ثانی انعقاد شش در قاره آمریکا در جوار ام المعبود غرب در ایام
 رضوان تحت اشرف انسانی محفل مرکزی بهایان ایالات متحده مجربان
 فرمان تسلیمی مرکز عهد و پیمان حضرت یزدان و مرکب اول از نمایندگان
 آن محفل محفل و محفل مرکزی بهایان در اقلیم کند که در تقدیر این فرمان

شریک و همبند و همچنین نمایندگان دو محل مرکزی بهایان امریکای مرکزی
و جنوبی که معین و مساعد در اجرای آن هستند و ثانیاً از نمایندگان بارین و
امار الرحمن در هر یک از ایالات متحده و ولایات قلمی کند او جمهوری
مرکزی و جنوبی قاره امریکا و هفت مشاوره در تهیه و مسائل جهت تأسیس
امرائه در اقلیم باقیه و جنوب امریکای مجاوره در دو محیط اطلس و اقیانوس

مؤتمرات انعقادش در ایام تابستان در قاره اروپا در عاصمه
اسوج تحت اشراف بحجه تبلیغی قاره اروپا که از بحجه های ملی محل مرکزی
بهایان ایالات متحده محسوب است و مرکب اولاً از نمایندگان
محافل مرکزی بهایان در ایالات متحده و جزایر بریتانیا و آلمان و
ثانیاً از نمایندگان ممالک اسوج و خروج و بیچیک و هولند و لکسمبورگ

و سوئیس و ایتالیا و پرتغال و اسپانیا و انگلستان و ویلز و اسکاتلند و جزیره آند
 و ممالک آلمان و فرانسه و فنلند و نروژ و پیش از آنکه در ایجاد و مسائل جهت
 تأسیس امر الهی در ممالک باقیه متعلقه آن قاره و جزیره مجاوره در بحر متوسط و
 اقیانوس اطلس و بحر شمال مؤتمراً مع انعقادش در فصل خریف در قاره آسیا
 در عاصمه هندوستان تحت اشراف انسانی محفل مرکزی بهایان هندوستان
 و برما و پاکستان و مرکب اولاً از نمایندگان محافل مرکزی بهایان ایران
 و هندوستان و برما و پاکستان و عراق و استرالیا و ایالات متحده و کنده
 و جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا و نمایندگان بهایان در ممالک
 مستعده و اقالیم تابعه در قاره آسیا و قاره امریکا و قاره استرالیا و جزیره موریتانی
 و تسمانیا و پیش تمهید و مسائل جهت رفع لوازم امر الهی در ممالک مستعده و اقالیم

تابعه در قاره آسیا و جزایر متعدد واقع در اوقیانوس هند و محیط اعظم
 یا اجبار البها و مظاہر قدرته بین خلقه انعقاد این سخن های اربعه چنانچه قبل
 ذکر شد تمیذات اولیه جهت افتتاح جهاد کبیر البر است که بمطوّر اجزای صایا
 مرکز محمد زنده و مفید فرمان تبلیغی مبین آیات الله مستظلمین در ظل شریعت
 کل کثرت واحد در او اخر عقد اول و عقد ثانی دوین فتن کور مقدس قیام
 بر آن خواهند نمود آغاز این جهاد جهانی روحانی معارف با جشن صدین سال دعوت
 خدی جمال قدم در سخن کبر مظلم و پاپائش توأم با بعید موسمی دعوت حمیری
 آن محبوب عالم و موعود مهم در رضوان اعظم امتدادش ده سال است و تقاضا
 اقطار و اشطار در سر جهان مصدر منبع اصلی و محرک حقیقیش اراده خالصه
 نافذہ جمال قدم و فیوضات لایمیه مبشر اسم اعظم که از عالم بالا بر جبهه

ناظر و حامی و ملهم و مؤید گروه مجاهدین و مجاهدات در میادین جهاد سالهاست
 اعظمش غصن اعظم بهاکه از ملکوت ابری دلیل و هادی و ناصر خود مجتهد پیمان است
 قوادش انسانی محافل مرکزی بهایان در قارات همه که مروجات دین الهی
 و حامیان و ناصران شریعت اند اسباب و وسائل فعاله که کافل و ضامن
 موفقیت مشترکین در این جهاد خطیر است موسسات مستبینه نظم بدیع الهی که
 مدت سی سال است یاران الهی و امار الرحمن بر وفق احکام شارع قدیر و
 و وصایای غصن بی نظیرش با ایجاد و تنظیم و احکام آن پرداخته مقدمات
 نقشه های متعدد که در این سنین اخیر در ممالک مختلفه محافل روحانی مرکزی
 و جامعه بهائی بر یک مستقلاً بطرح تفصیل آن موفق و مائل گشته و در نتیجه
 لیاقت و استعداد لازم جهت اقدام اشتراک در این جهاد عظیم و عظیم

کتاب نموده .

مقصد اصلی در مقام اول توسعه و تقویت مؤسسات امریه در مرکز جهانی
عالم بهائی در ارض اقدس و در مقام ثانی ایجاد وسائل فعاله جهت
تقویت جامعه پیروان امر الهی در دوازده مملکت از ممالک شرقیه و غربیه
که مراکز اداری جهت تنفیذ نقشه های تسلیتی علی حواهد بود .

و در مقام ثالث استحکام اساس امریه بکلیه و همجمله (۱۱۸۱) مملکت از ممالک
مستطرد و ظل امر الهی .

و در مقام رابع فتح ممالک و اقالیم تابعه و جزایر مهمه که عددش بکلیه و
یک (۱۳۱۱) بالغ و با بجال و ظل امر الهی وارد گشته .

اظهارش که در پیام عمومی این عهد از قبل تصریح و تبیین گشته بس خطیر و عظیم و

جلیل است .

هدف اول اتحاد تمهیدات اولیه جهت تشیید مقام اغراض اقدس فخر
جمال قدم و اسم عظیم در قلب حرم اقدس در ارض میعاد در مرجع حکا شمال
مدینه منوره بیضا، .

هدف دوم مضاعفه عدو اقالیم که در ظل امر الهی وارد گشته که مستلزم
ارتفاع علم دین اند و اقالیم مهمه باقیه عالم است و شامل جمیع اقالیم مذکوره
در الواج مرکز میثاق است که تا بحال در ظل لوا، معهود وارد گشته مجموع این
اقالیم یکصد و سی و یک (۱۳۱) بالغ و شامل چهل و یک (۴۱) اقلیم در قاره
آسیا و سی و سه (۳۳) اقلیم در قاره افریقا و سی (۳۰) اقلیم در قاره اروپا
و بیست و هفت (۲۷) اقلیم در قاره امریکا و از این اقالیم فتح میست (۲۹) و

اقلیم نخل مرکزی بهایان ایالات متحده محمول گشته که یازده (۱۱)، اقلیم آران در
 قاره آفریقا و هفت (۸)، اقلیم در قاره آسیا و شش (۶)، اقلیم در قاره اروپا
 و باقی در قاره امریکای واقع و فتح ششازده (۱۶)، اقلیم نخل مرکزی بهایان
 هند و برابو پاکستان محمول که یازده (۱۱)، اقلیم آران در قاره آسیا و باقی در
 قاره آفریقا واقع و فتح (۱۳)، اقلیم نخل مرکزی بهایان ایران محمول که
 هفت اقلیم آن در قاره آسیا و باقی در قاره آفریقا واقع و فتح سیزده (۱۳)،
 اقلیم نخل مرکزی بهایان کنده محمول که یازده (۱۱)، اقلیم آران در قاره امریکای
 و باقی در قاره آسیا واقع و فتح یازده (۱۱)، اقلیم نخل مرکزی بهایان بریتانیا
 محمول که هفت (۷)، اقلیم آران در قاره اروپا و باقی در قاره آفریقا واقع
 و فتح یازده (۱۱)، اقلیم نخل مرکزی بهایان آلمان و نه محمول که تماماً در قاره اروپا

وقوع ۹۱، قلممبجل مرکزی بهائیان در جنوبی امریکا محمول که هشت^{۱۸۱}
 قلممبجل از آن در قاره امریک و یک قلممبجل در قاره آسیا واقع وقوع هفت^{۱۷۱}
 قلممبجل مرکزی بهائیان در جنوبی امریکا محمول که چهار قلممبجل از
 آن در قاره امریک و باقی در قاره آسیا واقع وقوع هفت^{۱۷۱} قلممبجل
 مرکزی بهائیان استرالیا و نیوزیلند محمول که تماماً در قاره آسیا واقع .
 وقوع شش^{۱۶۱} قلممبجل مرکزی بهائیان مصر و سودان محمول که تماماً در قاره آفریقا
 واقع - وقوع شش قلممبجل مرکزی بهائیان سویس و ایتالیا محمول که
 تماماً در قاره اروپا واقع .

وقوع ۳۱، قلممبجل مرکزی بهائیان عراق محمول که دو قلممبجل از آن در
 قاره آسیا و یک قلممبجل در قاره آفریقا واقع .

هدف سوم از زیاد عدد لغاتی که آثار امریه بان ترجمه و طبع شده، یا در دست
 ترجمه است بیش از دو برابر و از این لغات جدیده چهل لغت (۴۰)،
 در قاره آسیا و سی و یک (۳۱) لغت در قاره آفریقا و دوازده (۱۲) لغت
 در بریک از دو قاره اروپا و امریک متداول و از این لغات که اکثرش
 کتاب معتمدس نخل آیل بان ترجمه گردیده سی و یک (۳۱) لغت سهم محل
 مرکزی بهایان بریطانیا و بیست (۲۰) لغت سهم محل مرکزی بهایان
 ایالات متحدہ و چهل (۴۰) لغت سهم محل مرکزی بهایان هند و برما و
 پاکستان.

هدف چهارم استحکام اساس امراند و یکصد و بیست و هجده (۱۱۸) قلم از
 اقالم عالم که در ظل امراند وارد گشته و شامل بیست و نه (۲۹) قلم در

امریک و چیل و کین (۱۴۱) اقلیم در قاره آسیا و بیت و دو (۲۲) اقلیم

در قاره اروپا و بیت و چهار (۲۱۴) اقلیم در قاره افریقا و دو (۲) اقلیم

در قاره استرالیا است - و از این اقلیم استحکام اساس امر التصدیر است

(۲۳) اقلیم محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده متحول گشته که دوازده (۱۲)

اقلیم از آن در قاره اروپا و شش (۶) اقلیم در قاره آسیا و سه (۳) اقلیم در

قاره امریکا و باقی در قاره افریقا واقع و چهارده (۱۴) اقلیم محفل مرکزی بهائیان

ایران متحول که دوازده (۱۲) اقلیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره افریقا

واقع و چهارده (۱۴) اقلیم محفل مرکزی بهائیان هند و پاکستان و برما متحول

که یازده (۱۱) اقلیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره افریقا واقع و سیزده (۱۳)

اقلیم محفل مرکزی بهائیان در جمهوریات مرکزی امریکا متحول که جمعش

در آن قاره واقع و یازده (۱۱)، اقلیم محل مرکزی بهایان بریتانیا محول که نه (۹)
 اقلیم از آن در قاره افریقا و یک اقلیم در قاره اروپا و یک اقلیم در قاره
 آسیا واقع و ده (۱۰)، اقلیم محل مرکزی بهایان در جمهوریات جنوبی امریکا
 محول که تماماً در آن قاره واقع و هشت (۸)، اقلیم محل مرکزی بهایان مصر و سو
 محول که تماس در قاره افریقا واقع و هفت (۷)، اقلیم محل مرکزی بهایان
 آلمان و سه محول که ایضا تماس در قاره اروپا واقع و هفت (۷)، اقلیم
 محل مرکزی بهایان عراق محول که جمعی در قاره آسیا واقع و شش (۶)،
 اقلیم محل مرکزی بهایان استرالیا و نیوزیلند محول که چهار (۴)، اقلیم از آن در قاره
 آسیا و باقی در قاره استرالیا واقع و چهار اقلیم محل مرکزی بهایان که از محول که
 سه (۳)، اقلیم از آن در قاره امریک و یک اقلیم در قاره اروپا واقع و یک

اقلیم مجل مرکزی بهائیان سویس و ایتالیا محمول آن در قاره اروپا واقع .
 هدف پنجم مضافه عدد مشارق ادکار در جامعه بهائی که مستلزم اقدام تشدید
 دو جسد یکی در قاره آسیا در محدوده امراتند در ارض طاکه بام العالم اوفق
 نور موصوف و منقوت و دیگری در قلب قاره اروپا در مدینه فرانکفورت که
 در قلب مملکت المان است و از آن کشور پرستعداد انوار امر الهی بفرموده
 مرکز عهد اتند ساطع گردد و اقلیم مجاوره را روشن و منور گرداند .
 هدف ششم تعیین محل و ارباب اراضی جهت تاسیس میانجیم مشرق الاکار
 جبل کربل در جوار مرکز روحانی و اداری جهانی بهائیان در ارض اقدس .
 هدف هفتم تعیین محل و ارباب اراضی لاجل بنامی یازده (۱۱) معبد که
 سه عدد آن من بعد باید من اتند در قاره امریکای شمالی در شمال آن قاره در

اقلیم کند و در مدینه تور و مو و ثانی در عاصمه جمهوری پنا ما و ثالث در جنوب آن
 قاره در مدینه سانتیاگو عاصمه جمهوری شیلی تا سیس خواهد گشت و سه (۳)
 عدد دیگر در قاره افریقا یکی در قلب آن قاره در مدینه کنیا لا عاصمه اقلیم بوکندا و
 ثانی در شمال آن قاره در مدینه قاهره عاصمه قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی
 و ثالث در مدینه جوها نیس برکن که از مدن مهمه افریقای جنوبی محسوب
 بنا خواهد شد و پنج عدد دیگر که در آینه در قاره آسیا و قاره اروپ و قاره
 استرالیا تا سیس خواهد گشت که یکی از آن در مدینه آنتد در جو اربیت اعظم ثالث است
 عالم بهابی و دیگری در مدینه دهبلی عاصمه خطه وسیع هندوستان و ثالث در
 شمال قاره اروپ مدینه استنگلم عاصمه اسوج و رابع در جنوب آن قاره در
 عاصمه ایتالیا در مدینه رومیه که مقر خبر اعظم و محور و مرجع اعلامی است دم و هم

مذاهب شعبه از امت مسیحیه است و خامس در مدینه سیدنی که اولین مرکز امر است
و از مدن مهمه قاره فیجیه نایه استرالیا محسوب .

هدف هشتم بنامی اولین مؤسسه از توابع و ملحقات ام المعابد غرب در ایالات
متحده که در تاریخ امر بی سابقه و باعث استحکام روابط بین جامعه پیروان امر
الهی و ساکنین آن دیار خواهد گشت .

هدف نهم تعیین وظائف و اتساع دایره اقدامات و خدمات ایادی
امر الله در سراسر عالم بحسانی .

هدف دهم تاسیس محکمه جهانی در ارض اقدس که مقدمه انتخاب و تشکیل
اعظم هیئت تشریعیه جامعه پیروان امر الهی و استقرار بیت عدل اعظم در ارض
اقدس خواهد بود .

هدف یازدهم تنظیم تدوین احکام مخصوصه کتاب مقدس اقدس ام کتاب
آئین بهائی ناموس اکبر «میرزا الهدی بن الوری و برهان الرحمن لمن والاه
ضمین»
و اسماوت .

هدف دوازدهم تأسیس شش (۶) محکمه ملی بهائی در اعظم مدن ممالک اسلامی
در مدینه منوره حاصمه عراق عرب و ارض طحا حاصمه کشور مقدس ایران و مدینه
قاہرہ حاصمه قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و دہلی حاصمه ہندوستان و کراچی
حاصمه پاکستان و کابل حاصمه افغانستان .

هدف سیزدهم اتساع دائرہ موقوفات بین المللی بہائی در دامنہ جیل کرمل
و برج عکا .

هدف چہار دہم بنامی محفظہ آثار بین المللی در جوار پرانوار مقام علی و در قرب

مرقد بقیة البیاء، خانم اہل بھب ورسین الہرین حسن شہید بہا و ورقہ مبارکہ ^{رحمہا}

هدف پانزدہم نامی مرقد مشور حرم نقطہ اولی در مدینہ طیبہ شیراز .

هدف شانزدہم تعین مدفن والد ماجد جمال قدم واسم اعظم و محدثہ

کبری ام نقطہ اولی و ابن خال آنحضرت و انتقال مسلمانان بکستان جاوید

بہ بیان در جواریت اعظم در مدینہ اللہ .

هدف ہفدہم تملک باغ رضوان در مدینہ اللہ و بیاع محل و متوجہ کبر

جمال رحمن در مدینہ طہران و شہد نقطہ بیان در مدینہ تبیر و محبس آن حضرت

در جبل شہید در آذربایجان .

هدف ہجدهم تزیدہ محافل مرکزی روحانی بہ پیش از چہار برابر کہ مسلم

تشکیل بیت و یک (۲۱) محل در قارہ امریک و سیزده (۱۳) محل در قارہ

اروپا و ده ۱۰۰، محل در قاره آسیا و محل در قاره افریقا و یک
 محل در قاره استرالیا و اریست و یک محل مرکزی که باید بهمت محل مرکز
 بهایان ایالات متحده در قاره امریک تائیس گردد بهت محل در جمهوری
 و جنوبی آن قاره و یک محل در اقلیم الکا در قاره شمالی واقع و ارسیده
 محل مرکزی که در قاره اروپا تائیس خواهد گشت دوازده محل بهمت
 محل مرکزی بهایان ایالات متحده در عوالم ممالک مستعده اسبوح و نروج
 و لسمبورک و بلجیک و دانمارک و هند و فرانسه و فنلند و پرتغال و اسپانیا
 و سویس و ایتالیا و یک محل دیگر بهمت محل مرکزی بهایان آلمان در
 حاصه مملکت نمه تشکیل خواهد شد دوازده محل مرکزی که در قاره آسیا
 من بعد تائیس میگردد چهار محل بهت محل مرکزی بهایان هند و پالتان

و برادر عوام جزیره سیلان و برما و پاکستان و در منطقه واقع در شرق جنوب
 قاره آسیا در دینه جا کاترنا عاصمه مجمع بجزایر ایدونی زیاده ۲۰ محل بهمت
 محل مرکزی بهایان ایران در عربستان در جزیره بحرین و عاصمه ریه و عاصمه
 افغانستان و دو محل بهمت محل مرکزی بهایان ایالات متحده در عاصمه
 ژاپان و در جزایر محیط اعظم در دینه سو و عاصمه بسیرا فوجی و یک محل بهمت
 محل مرکزی بهایان عراق در شرق ادنی در ارض با تشکیل خواهرت
 و از محل مرکزی که در قاره افریقا تشکیل میگردد یک محل بهمت محل مرکزی
 بهایان بریتانیا و موسوم بمحل مرکزی بهایان افریقای شرفی و مرکزی
 و مرکز در دینه کمالا و دیگری بهمت محل مرکزی بهایان ایالات متحده و
 موسوم بمحل مرکزی بهایان افریقای غربی و جنوبی و مرکز در دینه جنوبی بگ

و دیگری بهمت محل مرکزی بهایان مصر و سودان و موسوم بمحل مرکزی بهایان
 در شمال غربی افریقا و مرکزش در دینه تونس و محل مرکزی خیریت محل
 مرکزی بهایان قاره استرالیا در عاصمه جزیره نیوزیلند در دینه اوکلند تأسیس خواهد
 شد هدف نوزدهم نیز تعداد خطرات مس ملی بهمت برابر که مستلزم تأسیس
 بیست و یک (۲۱) خطیره در قاره امریک و پانزده (۱۵) خطیره در قاره
 اروپ و نه (۹) خطیره در قاره آسیا و (۳) خطیره در قاره افریقا و یک
 خطیره در جزیره نیوزیلند و خطیره فی دیگر در دینه لندن و این خطرات مس ملی
 در جمیع عوالم و مرکزی که در آن در سنین آتی محافل مرکزی تأسیس خواهد شد
 استمدار خواهد یافت .

هدف بیستم تدوین قانون اساسی و نظامنامه ملی بهائی و تأسیس موقوفات

ملی در هر یک از عواصم و مدن ممالک مستعده و اقالیم تابعه مذکوره
 هدفیت و یکم تریدعه و محافل مرکزی روحانی که تا بحال تسجیل^{گشته}
 پیش ازینچ برابر که تسلیم تسجیل هر یک از محافل مرکزی ملی که من بعد
 تائیس خواهد یافت و باضافه تسجیل محل مرکزی بهایان ایران و عراق .
 هدفیت و دوم تائیس شش مؤسسه مطبوعات ملی بهائی که دو مؤسسه
 از آن در قاره آسیایلی در طهران و دیگری در عاصمه هندوستان و یک
 مؤسسه در قاره شمالی امریک در شهر ولیمت و دیگری در قاره جنوبی در
 مدینه ریو دو جانیه رو و مؤسسه دیگر در قاره افسیه قیاد در مدینه قاهره و دیگری
 در قاره اروپا در مدینه فرانکفورت تائیس خواهد گشت .
 هدفیت و سوم اشتراک امام الرحمن ایران در عضویت محافل روحانی

ملی و محلی .

هدف بیست و چهارم تأسیس شعبه های محافل روحانی ملی بهائیان ایران
و عراق و بریتانیا و استرالیا و آلمان و کندا و اراضی قدس بر حسب قوانین
و مقررات حکومت جدید آتالیسیس اسپریتل .

هدف بیست و پنجم تأسیس مطبوعه ملی بهائی در عاصمه ایران .

هدف بیست و ششم تشکیل روابط بین جامعه بین المللی بهائی و هیئت امم متحد

هدف بیست و هفتم در صورت امکان تضامم یازده جمهوری که از اجزاء

اتحاد جماهیر شوروی محسوبند و دو کشور از کشورهای اروپا که مرتبط و تحت

نقود آن هیئت است بدائر نظام اداری امرالهی بواسطه محافل مرکزی بهائیان

در ایران و آمریکا و آلمان .

هدف میت و شتم که در فخر و مسکن تمام این جهاد عظیم کسیر
است اعتقاد ننگره جهانی بهائی در جوار باغ رضوان که ثلث اسحرین
عالم بهائی است بمناسبت جشن فخر اعظم که سفارن با صدین سال
دعوت جبری جمال قدم و ارتقاء آن موعود امم و محیی موم بر سر سلطنت
الیه خواهد بود و در سراسر عالم بهائی بر پا خواهد گشت .

یا اجبا، الیه، و مشاعل حبسه و منابع ذکره بین بر تبه چه مقدار عظیم و طیر
است این جهاد جهانی روحانی و چه رفیع است مقام و منزلت فارسان
مضار عبودیت و مجاهدان و باسلان این مبارزت در این عصر ^{مشع} غرض
نورانی آنچه را لسان عظمت در این روز فسیر در بان شهادت داده ساید
آوردید قول عزیزانه: « لعن الله ابر برای ناصر مقدسه آنچه که حزان ارض

بآن معاودت نماید « در این اوان که جشن کبر اهی برپا صدای الوحا الوحا
 یا احتسار البهائم جعل یجعل یا اینسار البهائم از عالم بالا متصاعد و
 هتاف یا طوبی و یا بشری و یا عثرا و یا شرفا لمن قام بکلیتہ علی نصرہ
 امر البهائم از طلاء اعلیٰ مستباح و زنه ملکوتی انصرونی انصرکم العہد شکم
 و الوفاء من ربکم و معینکم و ناصرکم از خلف سردق اهی مرتفع روم بوم
 جہاد کبیر اکبر است و زمان زمان تشریت و ہجرت و مجاہدت و مبارزہ
 و جانفشانی و استقامت در سبیل امر مالک قدر معات ظهور خود
 آئینہ و بروز اسرار مکنونہ و تحقق شہادت عظیمہ و جہاد ہتھارات باہرہ
 و وقوع و قانع خلیجہ حسیمہ در شرق و غرب و جنوب و شمال جامعہ
 پیروان این حضرت احدیہ غیث غایت باطل است و نسائم جہاد

بشارت دهنده طلوع فجر عزت امر بها در محبوب و سائل و اسباب در
 امر استقران نظم بدیع الهی کا ملا مهیا «وکل الاشیا کبیر منوره رب البریا
 «حاصل فیوضات و استعدادات لاکھنی» جنود الهام صائل و صفوف ملا
 تابیہ مصروف میدان وسیع و دشمنان دیرین در شرفه زوال الواح نصیحہ
 و ارشادات الہیہ منتشر و نقشہ ملکوتی در انظار عالمیان کشف و کیفیت
 تقیدش از قلم عصمت بہا مرقوم و ادہ افش مصحح و معلوم فسرمان سالہ
 جذبہ با صادر و اہل ملا اعلیٰ ناظر و منظور وقت قیام و خروج و هجوم و جوش
 و خروجش و کفاح و تسخیردن و فتح اقطار و غلبہ بر جہان و جہانسیان است
 اہل بہا کا امر ہم مولا ہم محبوب جسم باید چون ہوا لطیف شوند و چون نار
 مستعلیٰ گردند و از لعل ماسوی آتہ خفیف شوند و چون ایح بر اقطار و اسطوار

مرور نمایند و از طلقات و تطورات و انقلابات عالم فسرده و مضطرب نگردد
 بقوه توکل بیرون آیند و بردای تقوی مردمی گردند و بر جل استقامت
 قدم بمیدان گذارند و با تقطاعی بی نظیر و با توجهی تام و قلبی پر فوج و غمی چون
 کوه آهنین مانند اوینا و اصفیا از پیشیان در ممالک و بلدان مستند شوند
 و عالم کون را بحکمت آورند و در جبال و اوپه و براری و صحاری و جزایر ای
 جانفشنری یا بهار الابهی را بسع و ضمیمع و شریف از طوائف و قبائل و
 عشائر و مذاهب و ادیان و طبقات و اجناس مختلفه رسانند و هر چه
 را در ماوراء مدار قطب شمال مرتفع سازند و صیت آمین الهی را در جزایر واقع در
 اقصی جنوب نیکرّه غربی مرتفع نمایند آواره صحاری عربستان و جبال و
 اطلال و دشت‌های وسیع قاره آسیا و اجام آفریک گردند و در مناطقی تبعه

صعب‌المرور در هزار باسیفیک در قلب محیط عظیم آفاست نمایند آرام
نگین در حجت بخیند و تاسی بطالع انوار در حصر رسولی نمایند و مداومت
نمایند تا از خود در صحیفه عالم یادگاری گذارند که عرش الی ابد الیه بر شام
روحانیان را مظهر سازد .

ای یاران عزیز تر از دل و جان تصور نمایند که مقصد و اجر ای این پیش
و وصول با پادشاهین جهان و خطیر جهانی روحانی در این ایام پر اعتشاش و
انقلاب صعب و یا آنکه متمتع و محال است اگر یاران با وفا چنانچه لایق و
شایسته عبودیت آستان بهاست متقطعاً عن اجبات قیام نمایند و استقامت
کنند این انقطاع و قیام و استقامت چنان نفوذی در هویت عالم امکان
نمایند و تاثیر در آفاق و انفس نماید که خود حیران گردند ان او کرد و افیضان

ما صدر من سلم الميثاق « حضرت اعلیٰ روحی کہ بعد از صفر ماید لو اول است

نملہ ان غیر القرآن من ذکر باطنہ و باطن باطنہ لتقدر لان السر الصمد

قد تلجج فی تحقیقہ الکائنات چون مورد ضعیف را چنین استعداد لطیف

حاصل دیگر معلوم است کہ در ظل فیوضات جمال قدم روحی لاجبائہ العذ

چہ عون و عنایت حاصل گردد و چہ نماید و الہام متواصل شود.»

امی یاران جان شایقین مبین بدانند کہ در نتیجہ وقایع خطیرہ جسمہ کہ در پیش

است و انتصارات باہرہ کہ آثار او کیہ اش در جامعہ بہائی حال نمایان

گشتہ و در اثر مایعات لاریسیہ الہیہ و انقلابات جہان متتابعہ مزیاداً

از پس پردہ قضا ظاہر و پدیدار میگردد امر عزیز الہی در عہود آئیہ عصر تکوین کہ

عصر ثانی دور بہائی است و در عصر زمینی کہ عصر ثالث و اخیر نخستین دور کو

معدس است مراحل باقیه را در کافه ممالک و دیار که بانوار ساطعه اش در
 این قرن پر انوار منور گشته طی نماید و وعود الهیه که در خزائن صحیفه
 مخزون است کُل تحقق یابد دوره مجبوریست که اولین مرحله در نشوونمای جاب
 اهل بهاست و مرحله ثانیه مظلومیت و مقهوریت که در وقت حاضر در کشور
 ایران امر مبارک جمال الهی آن را طی مینماید هر دو منقضی گردد و دوره ثالث که
 مرحله انفصال شریعت الله از ادیان منسوخه عتیقه است چهره بگشاید و این
 انفصال بنفیه مقدمه ارتفاع علم استقلال دین الله و قرار و اعتراف بحقوق
 مسلوبه اهل بها و مساوات پیروان امر جمال الهی با تابعان ادیان معتبره
 در انظار روسای جهان و این استقلال مُمهد سبیل از برای رسمیت امن الهی
 و ظهور نصرتی عظیم شبیه نظیر قح و فیروز می که در قرن باج از میلاد حضرت نوح

«عهد قطنین کبر نصیب امت مسخه گشت و این رسمیت برور ایام تبدیل
 و سحر تائیس سلطنت الیه و ظهور سلطه منسیه شایع این امر عظیم گردد
 و این سلطنت الیه مالا تائیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوه سلیطه محیطیه
 طاهری و روحانی موسس این جهانی و تشکیل محکم کبری و اعلان صلح عمومی
 که مرحله سابع و اخیر است غنمی گردد است که میفرماید «این ظلمهای
 وارده عظیمه مدارک عدل اعظم الهی میساید.» و این عدل اعظم گنازه اس
 صلح اعظم و صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه ظل و امم این
 وحدت اصلیه کاشف سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم خواهد بود.
 و این مرحله اخیر جنبه مقدمه ظهور و جلوه نیت حقیقه الیه و بلوغ عالم برتبه
 کمال که علی المراتب است و تبدیل ارض قطعه از فردوس اعظم و اداری

حبة الابهی ، نسجان ربنا البهی الابهی وسجان ربنا العلی الاعلی و
 حال درخامہ این اوراق شمعئی از آنچه از سما شیت نیسہ آفاق وار قلم
 گہر بار کر عہد و میاق در بیان لزومیت و اہمیت امر خطیر بیخ امر اللہ
 و نصرت دین اللہ و مہاجرت فی سبیل اللہ مازل گشتہ ثبت مسجود و لیکن
 ختامہ مسک و فی ذلک کفایۃ للمتبعین و تذکرۃ و تبصرۃ للمخلصین .
 یا اہل البہار اسم سائم الریح فی الآفاق کلیم ربنا الامکان بطراز
 عرفان الرحمن و کلیم مسمی ثغر العالم و شرف الانوار ... ان حسنہ جو امن
 افق الاقتدار باسم کلیم نجات و بشوہ لعباد با حکمتہ و البیان بجد الامر
 الذی لاح من افق الامکان ایاکم ان یمنعکم شیء عما امرکم من اعلم الاعلی
 او تحرک علی اللوح بسطغان العظمتہ و الاقتدار طوبی لمن سمع صیرہ

اذ ارتفع بائس من الارضين وسموات... طوبى لمحل ولبیت و لمقام و
 لمدينة و لقلب و لمحل و لكهف و لغار و لاودية و لبر و لبحر و لجزيرة و لسكره
 ارتفع فيها ذكر الله و ثناءه... نفس حركت لوجه الله در عالم موشربوده و
 هست و در كتب قبل مقام توجه مخلصين باطراف لاجل ايت عباد مذکور
 و مسطور... امروز روز بيان است بايد اهل بها بکمال وفق و مدار اهل عالم
 را باق اعلی هدایت نمایند اجساد طالب ارواح است بايد نفس ملکوتيه
 بنجات کلمه الهیه اجساد را بار و اح تازه زنده نمایند در هر کلمه روح بدیع
 مستور طوبى از برای نفسی که باو فائز شد و مبلغ امر مالک قدم قیام نمود...
 ان يا اجبار الله لا تتقوا على فراش الراحة و اذا عرفتم بابلکم و سمعتم ما
 عليه فوموا على انصرتم انظروا و لا تصمتوا اقل من آن و ان يذخیر لکم من کتوز

ما كان ولا يكون لو اتهم من العارفين ... و نفسه اتحق سوف يزين الله و يباح كتمان
 الوجود بذكر حبه الله الذين حملوا الزايات في سبيله و سافروا في البلاد و باسمه و
 ذكره و يفتح كل من فاز بقضائهم من العباد و يستنير بذكرهم من في البلاد ...
 ان الذين باجروا من اوطانهم قبل يبلغ الامر لو يدسم الروح الامين ...
 فوالله الذي لا اله الا هو لو يقوم واحد منكم على نصرته امرنا ليغلبه الله على مائة
 الف و لو ازاد في حبه ليغلبه الله على من في السموات و الارض كذلك
 نقحاحين مذروح القدره في كل الاقطار «

در کتاب وصایا آخرین ندای جهانه ایله و فاد و محسن بر و مندره قشعی و مرکز
 میاق بجا خطاب باهل بها و جالین فلک ابی این کلمات دریات
 مذون و مسطور « ای تابان بر پیمان این طیر بال و پر شکسته و مظلوم چون

آهنگ طار اعلیٰ نماید و جهان بچپان ستابد و جسد تحت الطباق قرار یابد
 یا معقود گردد باید اقبالان شایسته را نسخه بر میشتاق اند که از ندره تقدیس رویند
 با حضرت ایادی امر الله علیهم بهاء الله و جمیع یاران و دوستان بالافعال
 بشر نجات الله و تبلیغ امر الله و ترویج دین الله بدل و جان قیام نمایند
 و قیصرانی آرام خمیرند و آنی استراحت کنند در ممالک و دیار مستشرقین و
 اداره هر بلاد و سرگشته هر قلمم کردند و قیصرانی نیاسانید و آنی اسوده کردند
 و نفسی راحت بخوید در هر کشوری نعره یا بجا آلاهی رتد و در هر شهری شهر
 آفاق شوند و در هر بخشی چون شمع برافروزند و در هر محلی نار عشق برافروزند
 تا در قلب آفاق انوار حق شادان نماید و در شرق و غرب جم غفیری در
 ظل کلمه الله آید و نجات قدس بوزد و وجوه نورانی گردد و قلوب بارانی

و نفوس سخانی گردد در این آیام آهم امور هدایت طلب و اعم است باید امر
 تبلیغ را اعم شمرد زیرا اس اساس است این عهد مظلوم شب و روز ترویج
 و تسوین مشغول گردید و قیعدنی آرام نیافت تا آنکه صیت امر اند آفاق را
 احاطه نمود و آوازه ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد یاران الهی سینه
 چنین باید بفرمایند اینست شرط و فاد اینست معضای وجودیت آستان بها
 حواریون حضرت روح بکلی خود را و جمیع شئون را فراموش نمودند و ترک سرو
 سامان کردند و مقدس و منتهزه از بهوی و بهوس گشتند و از هر تعلقی بیزار شدند
 و در ممالک و دیار منتشر شدند و بهدایت من علی الارض پرداختند تا
 جهان را احبسان دیگر کردند و عالم خاک را تابناک نمودند و پایان نگاهبان
 در راه آن دلبر سخانی جانفشانی کردند و هر یک در دیاری شهید شدند

فمثل هذا فليعمل العاطون « ودر لوحی از الواح میفرماید « وقت
 آنست که جوشش در یازده و اوج ثریا حجت ... وقت تنگ است و
 حرکت خیل الهی بی درنگ باید سبقت و پیشی گرفت و شمع نورانی افزون
 و در مقامی دیگر این کلمات در آیات از راعیه مرکز عمدت آیات البینات
 خطاب بیاران خطه امریک صادر « یقین بدانید که هر نفسی الیوم مشرب
 نجات الله قیام نماید جنود مملکت الله نماید فرماید و اللطاف و حیایات
 جمال مبارک احاطه کند ای کاش از برای من میسر میشد که پای پیاده و کوه
 فقرمان صفحات مسافرت میسر موم و نعره زمان در شهرها و دهات و کوه
 دیابان دور یا یا بهاء الابهی سکنتم و ترویج تعالیم الهی میسر موم ولی حال
 از برای من میسر نه لهدا در حسرتی عظیم هستم « و التلبیر و الیهاء و التوجه و التنا

عليكم وعلى الدين سمعوا واجابوا انداءهم بمحبوبهم وتركوا اولادهم ونسوا
اولادهم وسدوا رحمتهم وزحمتهم وسرعوا الى الاقاليم القاصيه والاقطار
الشاسعه في مشارق الارض ومغارها حب الله وخالصا لوجهه واتباعا
لامره واعزازا لدينه الاعز الاوعر الا فحم الا قدس الخبير .

نوروز ۱۱۰

تَوْقِيعُ مُبَارَكٍ

نوروز ۱۱۱ بدیع

هیئت محترمه مجلده ایادی امرالله و حضرات ائمان ثابته را سحر بر شتاق الله
 و جنود منصوره مجاهدان و مهاجران فی سبیل الله و غضبه جلیله مبلغان و ماثران
 نجات الله و اعضای محافل مقدسه روحانیه ارکان و حامیان شریعه الله
 و افراد جامعه پیروان دین الله در کشور مقدس ایران و خطه هندوستان و برما
 و پاکستان و اقالیم افریقا و عربستان و قطر مصر و سودان و ترکیه و افغانستان
 و عراق عرب و سوریه و لبنان و رجالاً و نساءً صغیراً و کبیراً ملاحظه نمایند:
 یا نصر الله الرحمن فی المدین و الدیار البشارة البشارة که در این روز شیروز و نوروز
 سه اولای جهاد کبیر اکبر جهان انسه روز آثار علو و سمو امین نازمین و با شیر
 نصرت و غلبه گروه مجاهدین و محاسبین و رافعین لواجمین امر حضرت رب العالی

اهل آسمان و زمین را هر دو با هم تنه از آورده و دله و طربنی ز ابد الوصف
 احداث نموده اهل طلا، اعلیٰ از این لطش و صولت حیران و پهلکه کُناتند
 و ارواح قدسین و کربوبین و عن در ائمه معشر انبیین و المرسلین از نهیب
 این قیام و خروج و هجوم و جوش و خروش و شتت و مجاهدت شکر حیات
 مستبشر و شادمان و پیروان جمال اقدس ابهی از این فتح و نسیروری علمداران
 حزب مظلوم در سراسر جهان در اشد هیجان و غلیان ندای جان انسانی
 حمداً لربنا العلی الاعلی حمداً لربنا البهی الابهی از حجب فارسان مضمار مجاهدت
 و مظاهر انقطاع و قدرت و شجاعت و بسالت و توکل و استقامت که در
 اقل از یک سنه بنیروی اسم اعظم و محیی رمم بفتح نود و یک ۹۱ اقلیم در
 شرق و غرب و جنوب و شمال در قارات خمشه عالم و دو محیط اطلس و اعظم

واقیانوس هند و ادو بحر متوسط و شمال مفتوح گشته اند مرتفع و صلاهی آن است بشیر و
یا اجالی و انالی قد اقربت الساعة ان ارتقوا یوم النصر از خلف سر
کبری محمل استوای عرش قائم اعظم حبش عمر مرم و مقرر سیر سلطان ملکوت
رب العجز و متابع و متواصل .

حمد و شکرًا لربنا البسی الباهی الهادی الغالب الناصر القاهر الابطحی که سینه
معدنه صدین سال بعث سری اسم اعظم و موعود مل و امام با حسن وجه منقش
گشت و عید موسی ثانی اهل بها و اصحاب رایت بیضا در این سال فرخنده
فال بنو شایسته خاتمه یافت و باعث استهار آئین حضرت ذوالجلال گردید
جشن اکبر کما یغنی و یلین بر پا گشت و انجن های اربعه بین الفارات بشاد
دهنده انعقاد ننگره جهانی اهل بها در جواریت اعظم ابی باهت و جلالی بی
نظر

و نظم و ترمیمی بیع و شور و دلهی بی مشیل و عدیل تا بیذات ختیه و جلایه رب علیل
 در قلب قاره مشعله افریقا و جوار اُم المعابد غرب در قاره امریکا و عاصمه
 کشور اسوج در شمال قاره اردپا و در عاصمه اسلیم هندوستان در قاره آسیا
 تحت اشرف انسانی محافل مرکزی روحانی بعباسیان در جزایر برطانیایا
 و ایالات متحده امریکا و هندوستان و پاکستان و برما در او افرانستان و
 موسم بهار و ایام تابستان و فصل خریف متتابعاً منعقد گردید و جمعی از اعضا
 هیئت محترمه مجلده ایادی امرالله و فنان ثابته بر عهد الله و ما شرین تقاضا
 و انسانی محافل روحانی مرکزی و محلی جامعه پیروان دین الله و برخی از
 مهاجرین و مهاجرات فی سبیل الله و جم غفیری از پیروان اسم عظیم و سالکان
 سبیل اقوم و متمسکین بحبل استین شرح انعم اشرف اکرم از رجال و نساء که تعداد

آنان از سه هزار و چهارصد (۲۴۰۰) متجاوز و از بیش از هشتاد و پنج اقلیم از
 اقلیم حبهان درین مراکز اربعه مجتمع و بعضی از حبس باین واسطه و قبلی از حبس
 اصف و حمروا سمرقند کجالت محبت و و داد و تقاضا و اتحاد و و له و توجه و اتحاد
 در ظل سپرده یگانگی مؤانس و مجالس و جمعا برایت شمایل مبارک جمال اقدس
 ابھی و حضرت نقطه اولی روحی لادنی عبید من عبید هم بعد از منقحر و فائز و
 از استماع آیات و حرلیات و ادعیه صادره از مخزن تسلیم اعلی و متجات کتاب
 سطلاب قیوم اسما و مترو از مشاهده صور متحرکه مقامات مقدسه علیادارض
 اقدس در برج عکا و جبل کرمل بالاخص قبه مرقدہ ہی الانوار نقطه اولی و ملاحظه
 نقشہ و مجسمہ بدیعہ امّ العابد ارض اقدس علیا مخطوط و مستبشر - عید اعظم رضوان
 کہ بعض قاطع عید الله و سلطان ایجاد است در این سنہ مقدسه با اتعاضای

خود ۹۰ سال تمام از بعثت جبری مالک نام در دارالسلام معارف گردید
 و این دو عید مجلل در قطع آمریکا با افتتاح ام المعبود غرب پس از اتقای
 پنجاه سال از آغاز تأسیس این مشروع خطیر توأم گشت و همچنین با انعقاد مؤتمرنانی
 بین القارات و انجمن سالیانه شور روحانی یاران آمریکا معارف گردید و بر سر
 وجود و مشف و ابتهاج حصار و شرکت کنندگان دو کلامی متوجه و مدعوین در این
 احتفال اعظم میفرزد در صحن آن بسیار رفیع الشان که بجز زادیه اش رایده قدرت
 مرکز میشان جمال ابی نهاده و قیمت اراضی و معارف بنا و ترغیبات داخله و خارج
 از دو طبعون و نیم دو لاریج و ز نموده و متجاوز از پانصد و سی هزار ۵۳۰۰۰۰ نفس بزیار
 آن معبد افخم تا بحال فائز گشته جم غفیری از یار و اعیار از طبقات و ممالک
 و مذاهب مختلفه متفاده که تعدادشان از سه هزار ۳۰۰۰ متجاوز در میقات معین

مجمع و از تریل آیات و تلاوت مناجات و قرائت مستحبات کتب مقدسه
 الهیه از زبور و تورات و انجیل و سفر تان و اشعار کلمات دریه بدیعه صادره از
 کلمات نقطه اولی و غزلیات و آیات مسیمه نازله از مخزن قلم اعلی مهتر و مستشرق
 دیگانهگان از تعالیم شایع امر الهی مستفیض و بر مقاصد اصلیه اهل بحب مطلع و
 بر عمومیت و جامعیت آئین جدید التاسیس الهی کاظم و انحف و شاهد و این آیت
 میب و عظیم که در اتمم و اقدم مرکز امر الله در قاره امریک در ظل قبه شامه
 بیضای معبد جلیل القدر قومی الارکان سرمدی الاثار یاران در آن قاره
 منعقد و در تاریخ امر بدیع بیسچوبه من الوجوه سابقه نداشته و شور و آشوبی جدید
 قلوب دوران و نزدیکان انداخته نیز با اقتحاح جهاد جهانی روحانی کسیر کبر
 و انتشار نقش بدیعه ده ساله پسران مالک قدر در خاور و باختره معان گردید

و لزومیت اجرای فرمان واجب الاذعان مرکز عهد و پیمان محبوب و
 مقصود عالمیان بر جود مجده الهیه در آن محشر عظیم ثابت و مدلل گشت و وظیف
 موقوفه مفروضه مرجوعه حمیه مقدسه و تکالیف متعدده مختلفه مجریانش راجع
 با اتحاد تمیذات اولیه جهت تشدید ضریح مطهره مقدس جمال ابی در برج
 عکاء و رفع لوازم دین الله در یکصد و سی و یک ۱۳۱ اقلیم از اقلیم دنیا و
 ترجمه و طبع آثار امریه به نود و یک ۹۱ لغت از لغات شرقیه و غربیه و
 احکام اساسی مؤسسات امریه در یکصد و بیست و هشت ۱۲۸ اقلیم از
 اقلیم مستطله در ظل امر الهی و بنای دو معبد یکی در ارض طحا و دیگری در قطب
 قاره اروپا و ابتیاع اراضی جهت بنای امم المعابد ارض مقدس و یازده ۱۳
 معبد دیگر در قارات خسته عالم و بنای اولین مؤسسه از توابع امم المعابد غرب و

تشکیل محاکم شرعی بهائی در ارض اقدس و عوالم ممالک اسلامی و استماع
 دایره اقدامات ایادی امر حضرت رب البریه و تدوین احکام مخصوصه در اتم الکتاب
 شریعت بهائیه و استماع دایره موقوفات بین المللی بهائی در ارض میعاد و بنای
 دارالآثار بین المللی در جبل کرمل و تشیید مرقد منور حرم نقطه اولی در مدینه شیراز و
 تعیین دفن والد ماجد جمال قدم و مخدزه کبری ام نقطه اولی و ابن خال آنحضرت
 و انتقال مس آنان بکستان جاوید بهائیان در مدینه الله و تملک باغ رضوان در
 مدینه الله و اسیاع سخن اکبر در مدینه طهران و مشهد نقطه اولی در مدینه تبریز و
 محسن آن حضرت در آذربایجان و تأسیس چهل و هشت ۴۸ محفل مرکزی روحانی
 ارکان بیت عدل اعظم و تأسیس پنجاه ۵۰، خلیفه العدس علی در قارات خسته
 عالم و تدوین قانون اساسی و تأسیس موقوفات ملی و تسخیر محافل مرکزی روحانی

صیدالتائیس و دو محل مرکزی روحانی ایران و عراق عرب و تأسیس شش و
 مؤسسه مطبوعات ملی بهائی و اشتراک امان الرحمن ایران در عضویت
 محافل روحانی ملی و محلی و تأسیس شعبه های شش و محل روحانی مرکزی
 و تحکیم روابط بین جامعه بین المللی بهائی و بهیت امم متحده و تأسیس مطبعه ملی
 بهائی در عاصمه کشور ایران یک یک کشف و معلوم و واضح گردید.
 در ارض اقدس لانه و آشیانه نبیاء و مرکز روحانی جهانی اهل بها و محور
 و مرجع اهلالی کافه مؤسسات نظم بدیع جهان آرامی پیروان امر ابدع الهی
 اجلاله لهنده السنه المقدسه و تکریم مقام انقطه الاولیه الازلیه مشروع محیر المعقول
 نشید ضریح اقدس المهر اکرم باب الله الاعظم و ذکر الله الاعز الا فحم بوجه کل
 اتم انجام و اتمام یافت و قبله منسب به بدیعه جمیه و همبسته مقدسه اش که تاج

نشانی آن مقام اهرست و ارتفاعش از چهل متر (۴۰) و مساحتش از دویست

و پنجاه (۲۵۰) متر مربع متجاوز و مقدمات نصب ارکان هشت گانه اش در داخل آن مقام

مقارن عید نوروز در سنه ۱۹۵۱ فرایم و حجار اولیه اش مقارن نهم روز سنه ۱۹۵۲ منصوب گشته بود

این سنه مقدسه سه شوی میلاد و دعوت ستری جمال و قدم مقارن انعقاد

مؤتمر رابع بین القارات جامعه پیدوان اسم عظیم مرتفع گشت و مرکز

محل مقدس روحانی جهانی پیروان محیی رمم در دامن کرم الهی با

دو کلمه پس از شصت سال انتظار تائیس یافت و دستور صادر از قم مطهر

کاملاً تقبیل گردید در اواسط آن سنه مقدسه در ایام عید سعید رضوان

نصب قطعه های مذرب گنبد مقام مهین مولی الانام مولا علی الله

مباشرت گردید و در یوم ناسع آن عید عظیم که با انقضای نود و نه (۹۰) سال تمام

از اظهار امر جمال اقدس ابی در مدینه و اراک سلام تقارن گشته بود چنانچه
از سانسین و مجاورین کعبه مقصود در جوار آن مقام مقدس انعقاد یافت
و محبتین کل خاضعا خاشعا تذکرا مستملا حامدا شاکرا مولاهم مقصود هم
و مبشر امر محترم و معبود هم توجیه بان ضیح منور نموده و بعضی از محتفلین در آن
یوم مقدس بطبقه اعلائی آن بنای انجم ارتقا جستند و پس از وضع شستی از رتب
سقف حجره سخن مبارک آن مظلوم در جیل پاکو در عقب قطعه فی از قطعات
مذہب تاج آن مقام محمود و طواف آن قبه شامخه جمعا بر یارت عتبہ مقد
فاز و بذکر بلا یابی وارده بر آن مولای منیرید و وحید در دوجیل باسط و شدید
و قدرت قاهره نمانده و عنایات فائده مذلوله جمال قدم واسم اعظم گجانه
محبوب و مقصود آن سلطان امم در حق مشبه امر مبرمش و اندازات و بشارت

صاحبه از قلم مقدّس که در قیوم اسما، و توقع شاه خاغل ذاهل بدون -

نوف و تقدّر گشتند قوله جلت عظمته « قسم بخداوند اگر بدانی در عرض

این چهار سال چا بر من گذشته است از ضرب و جند حضرت نفس را نفس

غیر سالی از خشیته الله الا و انکه در مقام اطاعت امر حجت الله برائی و حیر

کسر آنچه واقع شده فرمائی قسم بسید ابر اگر بدانی در چه محل ساکن هستم او

کسیکه بر من رحم خواهد کرد حضرت میبود در وسط کوه قلعه ایست در آن قلعه از

مرحمت آن حضرت ساکن و اهل آن منحصر است بدو نفر مستحق و چهار

سگت حال تصور فرما چه میگذرد. » و ایضا میفرماید :

« یا فسترة بعین قل انی انما النور قد كنت علی الطور الفواد باحق مشهورا

یا فسترة بعین انما قد شرخصا صدرک فی الامر من کلشی علی الحق باحق بیجا

امبریاستہ العین فان الله ضمن عرك على البلاد ومن عليها وهو تبه
 كان على كلشي سيدرا « تعالى تعالى قدره الشاقد الساريه في حياق كنانا
 تعالى تعالى امره القاهر الغالب على من في الارضين واستوات نبارك الله
 بدل الشار بالثور والدل بالعرذ والاضطراب بالاطمينان والشد بالرخا
 والحزن بالفرح الاكبر والسجن بالبصر الرفيع والمقام الشاخر السامي المتسلا
 الاعز الاطر الاجمل الاتقن الابدع البديع واين بيان رفيع الشان
 فوحي الاركان سرمدى الامار كه نتيجه شهادت ان سيد خييار ونفى تبعيد
 جمال مختار باين ديار ومقدمه سلطنت ابدية وسلطه ظاهره وسيطره محيطه شارع عظيم
 ونظم قدرت پروردگار است و بشارت دهنده استقرار مذمت الهيه كه وليه
 امر عزيز كردگار است و در بينه موزه فسيحه مباركه جفا مشرف و در طلب

کوه خدا نورا نشان حال بشابه ملکه در انظار آشنا و یگانه ظاهر و باهر و
 جالب انظار و جاذب افنده و قطوب جهور اغیار و ابرار در اغوشش آن
 جبل مقدس در بحبوه جنت علیا و در وسط اراضی موقوفه مقام علی اعلی
 بر عرش ضلی جالس و بردار بیضا، مرتدی و صدرش با سیم اعظم مزین در اش
 بتاج ذهبی متوج و خراش بلوین خضرا، و حمر اطلون و بحدائق وسیعته
 محاط و در مقابل اقدامش طبقات ممتده که هر یک بمصباح مضینه روشن گاهها
 طبقات من النور نور علی نور و جهش بسوی سخن اعظم ابهی الموصوف بسا
 السماء من بعلم الاعلی و قبله اهل بها لطاف ملا، اعلی در وادی ایمن
 مرج حکما متوجه و در پیش اطلال حلیل مهد مسیح صبح و محل بعثت حضرت
 روح که در قرب شاطی بنصر اردن واقع و در یارش رأس کرمل مقام حضرت

ایلیا وبقعه مرتفعه علیا کہ بعد دوم جمال اقدس ابھی وصدور لوح کربل امحر تن
 قلم اعلیٰ مشرف و معجز گشتہ و در خلفش یسین صہیون ورتیا واور شلیم
 قدیمہ البیت المقدس و محل شہادت و مدفن حضرت عیسیٰ و مقبرہ سقر
 عرش داود و بعد عظیم الشان سلیمان و مسجد قضی ثالث الحرمین عالم اسلام
 و عن درانہم جبل التیامہ شریعت موسویہ بقعہ الطور فاران الشواہد العدر
 التی فاز فیہا الکلمیم باصفا انداز من الشجرۃ المبارکہ و عن درانہم جزیرہ اعرب
 ارض الحجاز محمد شریعت محمدیہ و مدینہ شرب و بطحا مکرمہ و مدینہ منورہ
 قبلۃ الاسلام و منبع سید الانام علیہ آلاف النعمۃ و الثناء، تعالیٰ تعالیٰ
 ہذا المقام شامخ الاعظم بعظیم تعالیٰ تعالیٰ ہذا المنبع المبارک المعطر
 المعطر المتلذذ المنیع تعالیٰ تعالیٰ ہذا المعر الاغر الاقدس المبارک الرفع

يا ملة كرم عليك من التحيات لسيبها وازليها ومن اهلوت حملها
 وابها تبارك الذي شرف مقرك بقدمه وعين مقامك وذكرك في
 لوحه كتابه نعم الاقدار هذا الاقدار الذي تحيرت من افسه المتعبرين
 والمرسلين كاتني اراك في سماي مستويه على عرشك اعظيم مرتبه روائك
 البيضاء متوجهة باحباب الذهبى متللا، الانوار فيك وحولك من اديه
 باعلى السد اناطقة بين الارض والسما، وكاتني اشاهد ارواح العديسين
 والكرويين سير من اليك بكل شوق ووله وانجذاب ويشيرن بامبا لعهم
 اليك ويلوفن حولك ويستشقرن روائح ازهارك واورادك يستبرقن
 برباب مقامك ويخرن بوجهم على التراب تلقا، وجهك اجلا لا واعزازا
 لكيته الله فيك واللؤلؤ المكنون في حصنك طوبى الف طوبى لمن

بزرگ و بطونک و بچدک و سقی از بارک و بجد رواج العدس من اولاد
 و شنی حدیک و بجد متاکت جباله موجودک فی هذا العصر المشع ^{میل}
 الاعظم الاغر البدیع -

یا اولیا الله و ضرب حال وقت آن است که نظرا به نتایج و امیرا
 این جشن البراغرا کرم که در پایان صدین سال دعوت سری جمال قدم
 در سخن امن ظلم در اکثر ممالک و بلدان عالم بهمت پیروان اسم عظم تحت
 اشرف نمایندگان جامعه سالکین صراط اقوم برپا شده متوجه سازیم و در
 وقایع خسیره و تطورات جدیده امر الهی و قدمات و انتصارات با بهره
 متابعه که جند همی بر اثر صد و نسرمان رفیع و منبع ویرلیغ بلوغ قاید آسمانی
 و مرکز عهد ارفع اتقن صدانی در این شهر معدوده در میادین این عالم

خلدانی بان فائز و نائل گشته اند اندکی تفرس و تمنع نمایم شکر و سپاس
 محرک عالم وجود حضرت مجبور و جمال مقصود را لائق و سزاوار آنگاه اولیه
 این نهضت روحانی قبل از انقضای سنه اولای نقشه دهساله مشرکین در
 این جهاد جهانی در نفس و آفاق نمایان و پدیدار گشته و با شیر طلوع و
 بزوغ شمس عزت موعوده و غلبه ظاهره و سیطره محیطه امر حضرت احدیه در
 آفاق غربیه و شرقیه و جنوبیه و شمالیه کاملاً هویدا و نمودار گشته امر عزیز
 الهی بروفق تعلیمات و ارشادات و تاکیدات متتابعه سالار اعظم خاندان
 بجا که در الواح نصیحیه و کتاب و صایا مرقوم و مدون و بر طبق نقشه ملوک
 مرتسمه بعلم معجز شمیم مرکز محمد اتقن او فی در الواح معقوده صادره بافتخار
 علماء ارباب حرب مظلوم در قاره آمریکا و بوسیله مؤسسات متبینه نظم بدیع

الهی که مدت سی (۳۰) سال است بانیان این صرح مشید بتائیس
 و استحکامش مشغول و ما لو قد بسرعتی مخیر العول در تقدم و اتمار و
 تعداد پیروانش یوما فیوما در ازدیاد و دایره تصرفات عجمیه غریبه در پیشانی
 انا فانا در اتساع صیت بزرگواریش در اقطار مرتفع و آثار بهیته اش در ممالک
 و دیار متشرکین بباطن نظم جهان آرایش در معرض عالم مبطوط و دعالم و ایزد غرض
 و لایتنه زلزله شرع شریفش در کل آفاق مرفوع گروه مجاهدین و مجاهدانش
 در دله و انجذابند و ما عشق و لداد کاشش از شیخ و شاب در غایت اشتغال
 و التهاب حایسان و انصارش در بیط خبراء و تمنتت اسرارش مشهر
 احکامش ناقد رافین رایت بیضایش منصور انوارش متللا، شایب
 فضل و احسان نوس عظیم اثاثش مسترا باطل و قوه و افعه ساریه اش

در هویت کائنات مستلجم فدایانش پر شور و اشوب و رواج مسکینه آثار
 بهیه اش در اقطار و جبهه ارضانیه در نواحی قطبین شمال و جنوب در مرز
 و محبوب علم همیشه در ماوراء قطب شمال موج و سراج و ماخس در
 ابعدهن جنوبیه عالم از خط استوا استغنی پهلله سادایانش در میادین
 افریقا و امریک و آسیا و افریقا مرتفع و انتصارات با بهره ناشین
 لغاتش متواصل دستزاید و ایادی فعاله اش به بشیر و ترویج و سیر و سفر
 و استحکام بنیاد مؤسسات در قارات خسته و بقعه مبارکه مقدسه لیلانها
 مشغول و مألوف صاعقه غیرت الهی بر ناقصان عهد و حق و نااهل
 میثاق غلیظ شارع قدیرش متابعا نازل و جنین و ناله و امین دشمنان
 و خصما و دیریش از سابر و معاهد مرتفع و لوله خیم غفیری از زنجیان از

قبائل متعدد مختلفه در قلب قاره مشغله آفریکت مضاعف و اقبال سُرخ
 بوسان نزد پوستان در غرب اقصی و شرق اقصی مترادف و مستتابع زمامداران
 از نیش و صولت و انقطاع و استقامت این جنود با سله حیران و علماء
 سوء از سیحی و مسلمان بر اثر این فتح و فیه زوری فارسان این معمار
 معنوم و بر اسان ملاحظه نماید سپاهیان این حدیث عررم که در شرق و
 غرب و جنوب و شمال در قارات خمس عالم و در جزائر اقیانوس هند و
 بحرین متوسط و شمال و در محیط اطلس و اعظم منتشر و در مدن و قری و صحار
 و اجام بسیار و در او دیه و جبال منادی و در جزائر نایبه در ماوراء مدار
 قطب شمال معین شبانی قیام نموده اند و ندای قوموا عن مرا فتم کم
 و اهجروا او طانکم و اضروا امررتکم و بارکتکم که در الواح نازله از کلمات نقطه

و جمال اِهی و مرکز میثاق بهانازل اجابت کرده اند و چنان ثابت
 و استقامتی ظاهر نموده اند که در اقل یک سده بفتح نزدیکی ۹۱ اقلیم
 از اقلیم دنیا موفق و منتظر گشته اند و جمیع اقلیم باقیه مذکوره در نقشه ده ساله
 را با استثنای جمهوریات اتحاد شوروی و ممالک تحت نفوذ آن سهیت
 منهد شده اند و حضرت و ظفری نائل گشته اند که شبه آن نه در عهد ثلاثه
 حصر رسولی و نه در نخستین عهد عصر تکوین مشاهده گشته امین نازمین که در دوره
 بیان اولین عهد نخستین عصر دور بهائی در مدت نه ۹ سال نطاش بود
 کشور ایران و عراق عرب منصرف بود و در عهد ثانی عهد جمال اقدس اِهی
 در مدت سی و نه ۳۱ سال غلش در سیزده ۱۳ اقلیم از اقلیم شرقیه و در عهد
 ثالث عهد مرکز میثاق جمال قدم در مدت بیست و نه ۲۹ سال در

بیت مملکت دیگر از ممالک شرقیه و غربیه مرتفع گشته بود و پس از انقضای
 صد و ۱۱ سال از سنه ستین تعداد ممالک مستقله در خلافتش به مقدار دویست
 و ۷۸ بالغ گشته بود و پس از انقضای نه و ۹ سال در حین فتوح جواد جهانی
 روحانی اهل بحب انوار ساطعه اش یکصد و بیست و هشت ^{۱۲۸} قلم را روشن
 نموده بود حال قبل از اتمام نخستین سنه این جهاد کبیر اکبر و ائمه اش چنان
 اتساعی یافته که من حیث المجموع تعداد ممالک مستقله و اقالیم تابعه که
 در ظل شجره لاشرفیه و لا غربیه وارد بدولت و نموده ^{۲۱۹} بالغ گشته
 و از این ارقام کاغذ مستفاد میگردد که پس از انقضای سه ربع قرن از بعثت
 نقطه اولی معارن انسانی حصر رسولی نخستین عصر دوره اولی کور معدس
 که امدادش ۷۷ هجریست سال و ابتداءش سنه ستین و انتهایش

صعود مرکز میثاق جمال سین است اقل از چهل تسلیم در ظل امر شده
 وارد گشته و در مدت ربع قرن بل اقل از آن از صعود مرکز میثاق
 جمال ابی تا جشن صدین سال بعثت نقطه اولی بیش از چهل بی تسلیم
 از نواریش مستفیض گشته و در مدت نه سال که فاصله بین عید ثری
 اول و ثانی اهل بهاست پنجاه ۵۰ مملکت از ممالک دنیا منضم بممالک
 مفتوحه گشته و اخیراً در اقل یک سده از حین افتتاح جهاد کبیر اکبر الی یومنا
 هداستجاوز از نود ۹۰ تسلیم بممالک و اقالیم مستطاعه مفتوحه اضافه گشته
 و عده این اقالیم مفتوحه از حین افتتاح جهاد کبیر اکبر تا بحال سه ربع کلیه
 اقالیمی است که باید بر طبق نقشه در مدت ده سال در تصرف امر بدیع در آید
 و این اقالیم حسباً از و مراکز که بهمت یاران برگزیده امر کبریا و شاعلی حُب

و دو فاد فارسان در سولان حمال ابسی و مهربان نسرمان مقدس ضمن
 دو خط بقا حضرت عبد البها در اندک مدتی در ظل شجره ایستادگی داشته
 و در دایره نظم جدید التاسیس قوی الارکان سریع الاتباع حدیم امثال
 جهان آرای الهی وارد گشته شامل جمیع اقالیم مذکوره در نقشه ده ساله و واقعه
 در قاره اروپا باستانی جبهوریات و ممالک تابعه اتحاد شوروی و
 جمیع اقالیم واقعه در قاره امریکای باستانی اقلیم لبرادر و جمیع اقالیم واقعه
 در قاره آسیا باستانی و اقلیم نپیت و یونان و جبهوریات و ممالک
 تابعه اتحاد شوروی در آن قاره و همچنین شامل کافه جزائر بحر الردهم که قعرش
 در این ایام مفروضه آرا مگاه نفس نفس ایادی امرالله و در ساحلش مضع شهید
 فی سبیل الله واقع و همچنین جمیع جزائر بحر شمال باستانی جزیره اسپتیز برکن

واکثری از جزایر نامیه که در قطب محیط اعظم و دو اقیانوس هند و اطلس واقع
 و همچنین دو جزیره سرانگلیس و فالکلند که یکی در مادرا، مدار قطب شمال متجانز
 از همعاد ۷۰ درجه شمال خط استوا واقع و دیگری در قرب مدینه مجلا میس که
 ابعدها در جنوبیه عالم از خط استواست و در این اقالیم شمالیه که در مادرا، مدار قطب
 شمال واقع چنانچه معلوم است در اواسط تابستان آفتاب غروب نمینماید
 و در نیمه شب مشرق و نمایان است که از قلم اعلی در کتاب اقدس این آیه
 مبارکه نازل : لا والبلدان التي طلعت فيها الليالي والايام فليصلوا بالاسماء
 والشخص التي منها تحدث الاوقات انه لهور البستين الحكيم « و همچنین این
 ممالک مستوره جدیده شامل بعضی از مستعمرات بعیده است که در محیط هند
 و در ساحل اقیانوس اطلس واقع و محل تبعید و جماع مجذومین و سب و صین و

منغای مجرمین و محکومین با اعمال شاقه و برداشت آب و هوا و سکنش
 بخش و تقصیب معروف و موصوف و همچنین اقالیم دیگر که ذکرش
 در تاریخ امر الهی مذکور و مشهور است که یکی از آن اقلیم فیران است
 که در حدود صحرائی قاره آفریقا واقع و آن صحرائی است که در
 بجهت انقلاب مغتیبین جالس برابر که ظلم خلیفه اسلام عبد الحمید پدید
 عزم را جسد نموده بود که یوسف بهار در آن زندان اندازد و
 دیگری جزیره شیطان است که سفین عدیده از انوار ساطعه از سخن عظیم
 محروم بوده و محل اقامت و مرکز ریاست مطلع اعراض ناقص حد نطقه
 اولی حیه رفتار یحیی بی حیا و عدد لود جمال ابی که باین خطاب از
 قلم علی مخاطب گشته « تا نه سخن عروج الامین رأسه عن فکاک حلس

حوایات العرفات علی الرماد فی ظلمت « و دیگری ارض استر مدینه
 مبارکه ادرنه است که ذکرش در الواح شتی نازل و بایع اوصاف
 مذکور و موصوف از جمله میفرماید قوله جل جلاله : « اذا سمعت بان سراج
 ابجاز ترک مشکوة العراق لا تحزن لان فیه اسرار عظیم فسیوقد فی
 بلور اخری و هذا تقدیر من عزیر قدیم « زیرا در آن مدینه مبارکه در سنه
 ثمانین شمس حقیقت از برج اسد از اعلیٰ افق عالم اشراق نمود و در نقطه
 احراق بدخشید و بعد نموده بمشرا امر حضرت رب العالمین « مالک یوم
 الدین در ابتدای ثمانین « ظاهر و باهر گشت و ایضا این ممالک مفتوحه
 بر طبق نقشه دهساله شامل بعضی از جزائر پولی نیریا و میلانیریا و مایکرو نیریا
 که در محیط اعظم واقع و در الواح صادره از قلم مرکز مشرق بافتخار باریان و

اما از رحمن در ایالات متحدہ و کذا مصرح قولہ غریبانہ (در باید جمعی زبان
 متعلق مستندہ و معدتس ملو از محبہ اللہ توجہ بہ دستہ جزائر عظیمہ دریای
 پاسیفیک مثل پولی نیزیایا، مایکرونیزیایا و میلانیزیایا و جزائر کہ متعلق باین
 سہ دستہ است..... نمایند و مسافرت کنند و قلبی طافح بحبت است
 و لسانی مناطق بذكر اللہ و دیدہ فی متوجہ بملکوت اللہ مانس را بطوریت بچند
 بشارت دهند. «و سگان این جزیرہ از نایبہ جنوبیہ کہ بقوہ اسم اعظم است
 و زبان جمال قدم پس از افتتاح جہاد کبیرا کبہ مفتوح گشتہ مانند ساموا
 و تونگا و مارکرا و لوک و کرو لین و جلیبرت و الیس و سلیمان و ہبہ و زنجید
 و مجمع ابجزائر نواموتو اکثر ارض خنس اسمرد در قدیم متوحش و آدمخوار و جمعی از آنان
 بہت بشرین امر حضرت روح در ظل شریعت مسیحیہ وارد و حال حدہ محدود

از این نفوس مانند سرخ پوستان امریک درین ایام اخیره در ظل شریعت
بهایستند و از انوارش متعجب و در نشر آثارش بین آن قبائل متاخره
مستعدده ساعی و جاهد و از جمله قبائل و اجناس و شرادهای دیگر که در این
تختین سنه جهاد جهانی روحانی بنور ایمان منور گشته اند شراد بربر است
که مسکن آنان در ساحل بجز متوسط واقع و شراد اهالی کشور آن اسلامی شمال
قاره امریک است و همچنین قبیله ای از قبائل آن قاره که در قرب خط استوا
ساکن و سرداران قصیر القامه و در جنگل و آجام آن قاره ساکن و متوطن
و بصید و شکار مشغول و همچنین اسکیموهای جزیره گرینلند که در شمال قاره امریک
واقع و ذکر آنان و جزیره هر دو در الواح صادره از قلم مرکز عهد جمال قدم
خطاب بایران و امام الرحمن امایات کند اصح قوله عزبایه ؛

و باید اجبای الهی جانشانی نماید اگر چنین همتی نبیند یقین است که نایب
 کلیه الهیه یابد و جنود آسمانی پی در پی رسد و نصرت عظیمی حاصل گردد بلکه
 انشاء الله نداء ملکوت الله بسامع اسکیموهای الهالی جزائر شمال کندا و گرینلند
 برسد اگر در گرینلند نایزه محبت الهی شعله زنده جمیع ینجاسی آن مملکت آب شود
 و سر با اعتدال مبدل گردد یعنی قلوب حرارت محبت الله یابد آن خطه و
 دیار گلشن الهی شود و بوستان ربانی گردد و نفوس مانند اشجار پرثمر نبات
 طراوت و لطافت تزئین یابد - همت لازم است همت اگر همتی نماید
 که در میان اسکیموها نفعات الهی متعشر شود تاثیر شدید دارد .

و در لوحی دیگر میفرماید: « اگر ممکن است مبلغین بسیار ولایات کندا ارسال دارید

و همچنین گرینلند و بلاد اسکیموها مبلغین بفرستید » و نیز در این شهر اخیر بعضی از

قبائل سرخ پوستان که در جمهوریات شمالی و مرکزی و جنوبی قاره آمریکا

مست بعرفت امر حضرت رب البریه و اطلاع بر تاریخ و تعالیم بهیه اش و

مقاصد و مآرب پرورش فائز و در مفر اجتماعشان با شرکت کنندگان در

این جهاد کبیر مرتبط و معاشر و از جمله دو قبیلہ چیسو و شوانو در ایالت

و سکنسین و قبیلہ ییکا در ایالت واشنگتون و قبیلہ سلیواتر در ایالت

نوادا و قبیلہ چیسو در جمهوریات کساریکا و قبیلہ ایاشر در ایالت آریزونا -

و قبائل نواهو و زولی و همی در ایالت مکسیک جدید و قبیلہ و ما بدوت

در ایالت اکلاهما و قبیلہ سنیل در ایالت فلوریدا و از جمله قبائل متعده ایورنیا

که در این سنه اولای جهاد جهانی پیروان امر بها در ظل سر پرده امر اعز

اسی متعل نشسته قبائل مسائی و یوکوسو و مهور و یییا و بنینگ و لیکا

ولسا و میرویس است کہ منضم بدوازده ۱۲ قییدہ دیگر گشتہ کہ قبل از افتتاح
این جہاد کبیر اکبر در دائرہ سریع الاتساع نظم بدیع وارد شدہ و بعضی از افراد
این قبائل بر مہاجرت و مجاہدت قیام نمودہ و جمعی را بشریعیہ باقیہ ولایت
نمودہ و از جملہ لغات مصرحہ در نقشہ دہ سالہ یاران حضرت رب البریہ کہ تعداد
آن بہ نود و یک ۹۱ بالغ و خادمان فعال پراہتمام امر رب الانام
پس از افتتاح این جہاد مہارت بترجمہ آثار امریہ بان لغات نمودہ
لغت چہ روکی کہ از لغات ہند یہامی فارہ امریک محسوب و
لغات بابک و مالنی و پیہ موتی و فلہ می و استونی کہ در فارہ اپو
مستعمل و لغات بہ او و ملاکس و گا و سوناد و سونو و کرہ بروکسید
و دخالی و سوسو و لبا کہ از لغات قبائل آفریک است و لغات

بلوچی و سنی پوری و پنجابی و پشتو و گرجی و تودونیکو باری و لیچا و یانی
 و جاوه نی و انامی تبتی که در قاره آسیا متداول و ایضا اخیراً یاران
 جانشان مبادرت بر ترجمه آثار امریه بلغات دیگر نموده که در آن نقشه
 مذکور نه از جمله لغات موهوک و میاکیچه و کولو و کواریانی و دیاک
 و ارسو که بعضی از لغات هندھیاسی امریکائی و قبائل افریکائی
 و برخی در حبه اتر محیط اعظم متداول و در نتیجه این مساعی جلیله عدّه
 لغات که در اقالیم مختلفه آثار امریه تا بحال با آن ترجمه شده من حیث
 بعدویت و دو ۱۲۲ بالغ و ایضا از جمله محافل روحانیه که در این سنه
 جدیده بهت مجریان نقشه دهساله رسانشکل گشته و اعتبار نامه رسمی از
 طرف اولیای امور بعنوان اسنای این محافل صادر گشته محل روحانی

بهائیان در مدینه فسنه نو و سان دید که در ایالت کالیفرنیا و محل روحانی
 بهائیان مدینه تولسون در ایالت اریزونا که از ایالات متحده امریکه محسوب
 و از جمله خطرات قدس که از بدو اقتحاح این جهاد بوسیله یاران و خادمان امر
 مولای عالیان اسیاع کشته و رسماً اقتحاح یافته خطیره القدس یاران
 مدینه پاریس است که من بعد بمرکز اداری ملی بهائیان فرانسه مبدل و
 مورثانیسات یاران آن کشور خواهد گشت و ایضا خطیره القدس بهائیان
 در مدینه رنگوج که از مراکز مهمه امریه در اسیلم الکامحسوب و در مستقبل ایام
 آن خطیره نیز بمرکز اداری یاران آن قلم مبدل خواهد گشت و ایضا خطیره
 جدید الانسیس محلی یاران در مدینه اناکسالی که از مدن کشور ژاپان است
 و همچنین در ایام اشهر حسیه متمسکین بعبودۃ الوتقاسی شریعت مقدسه موقوف تحصیل

اجازه رسمی از طرف رؤسای دولت و حکومت جهت معافیت اطفال
 بهائی از حضور در مدارس در ایام تبرک محرمه منصوصه در الراج الهیه شده.
 از جمله یاران مدینه کلپولند و کنوشاومی و دولارا انگلیزیه نل و نیوتن و پرس
 جوج و ناپیتر که کل در ایالات متحده امریکت واقع و از مراکز مهمه امریه محسوب
 و همچنین بانیان نظم بدیع الهی و مجریان فرمان آسمانی و علی راسم انسانی
 نه محفل مرکزی روحانی پس از اعلان این جهاد روحانی بهائی بهیه مقدسات
 و تمهیدات اولیه لاجل اتیان اراضی معابد متعدد در قطعات خسته عالم بر درخته
 و مبالغ باهنگه در ممالک مختلفه جهت این مشروعات خطیره که مجموعش
 از دویست هزار ۲۰۰٫۰۰۰ دولار متجاوز بصرفه و طیب خاطر تقدیم
 نموده از جمله اتم المعابد قاره استرالیا در مدینه سیدنی و اتم المعابد قلمیم کنادا

در مدینه تورتو و اتم المعابد امریکای مرکزی در مدینه پاناما که در الواح صادره
 از علم میثاق مذکور و آیتش مصرح و اتم المعابد قطر مصر در مدینه قاهره
 مرکز عالم اسلامی و عربی و اتم المعابد کشور هندوستان در دهللی جدید و
 اتم المعابد عراق عرب در مدینه القدر اسلام در جواریت اعظم مولی الام
 و اتم المعابد کشور ایتالیا در مدینه رومیه محل اقامت جبر اعظم و اول و اتم
 و اعظم مرکز اداری است مسیحیه در عالم و اتم المعابد افریقای جنوبی در مدینه
 جوایس بزرگ که از حیث جمعیت و اتساع ثانی مدینه قاهره افریقا است
 و اتم المعابد کشور اسکاندیناوی در مدینه شمالیه استو کلم و اتم المعابد افریقای
 مرکزی در مدینه شهره کاپالا که اولین مرکز یاران و امام الرحمن سیاه پوت
 سفید طلب در آن قاره جسمه پر استعداد است بدو سچین یاران عزیز ثابت

قدم مستحق جمال قدم در کشور معدس ایران با وجود انقلاب امور و تشتت
 افکار و اضطراب جمهور و تضییقات متناهی و مشکلات تنوع متوکلین علی الله
 بیهیہ معدیات بنای اُمّ المعابد محمد امیر حمن در انسا مان پرداخته و در بریم
 و طرح نقشه های مختلفه ساعی و جا پد و سخنین در قلب قاره پر شور و آشوب آذربای
 مروچین امر رب الربوب و مقلب القلوب در کشور آلمان که بفرموده مرکز حیات
 محبوب امکان و مالک ادیان در استقبال ایام چنان شغل و ذراقتان
 گردد که اقالیم مجاوره روشن و نورانی نماید با وجود مصاعب و شدائد و مشاب
 لا تعد و لا تحصى که در سین جنات و انقلاب برتمسکین بعبره الوتغای امر
 حضرت رب الارباب وارد گشته بکمال جدیت و استقامت قیام نموده که
 صل بنای معبد را سرریعاً تعیین و ابداع نماید و متعاقباً بوضع اساس نصب

ارکان اولین مشرق الادکار بهایان در آن قاره پردازند و حسیراً
 در دینه مبارکه طهران افق نور ام عالم و مسقط الرأس محیی رحم تبایت
 اسم اعظم در نتیجه تصمیمات مهتمه و مساعی ستادیه و سائل محافظه و مملکت
 سجن اکبر مالک قدر محبس ظلم صیلم و محل بعثت سری جمال قدم
 در مرکز تجلی روح اعظم بر قلب مرمود الطهر اللطیف موعود مظل و امام که بر جمیع
 اماکن متبرکه در آن دینه مقدم و فی الحقیقه ثانی مقام در آن کشور
 مکرّم است فراهم گشته مقامی که در آن بعهد موده مرکز عهد مولی الامام
 «جنین امر بمقام احسن التعمیم فائز» زیرا در مدت اقامت مظلوم عالم
 در آن سجن امن سنده مبارکه که تسخیر آغاز گردید و دوره بیان منقضى شد
 وحی الهی نازل گشت و بعرض موده نفس مظلوم ظهور در عالم رویا کلمه علیاً

اصفا شد و بر اثر آن رویا آثار نار در هیکل مظهر ظهور ظاهر گشت و
 شارت کبری و خطاب بمن فی الارض و السماء و صوت ابداع اعلی از
 حوزیه روح معلق در هوا استماع گردید و ای سوّم آشکار گشت و ثمره بیعت
 بیان پدیدار گردید و در سر ستره بفرموده مولی البریه نفوس متعدده مظهره
 تکمیل شد و وعده طلعت اعلی « و فی سنه التسع انتم کل خیر بر کون »
 « و فی سنه التسع انتم بلقاء الله ترزقون » « فانکم بعد حین استعملن »
 ظاهر گشت و مصداق « استعملن بانه بعد حین » تحقق یافت و عهد ثانی
 بهی الانوار نخستین عصر اولین دور کور مقدس افتتاح گردید .

در ارض اقدس مرکز روحانی و اداری جهانی بحسانی معارف این فتوحات
 عظیمه و انتصارات با بهره جنود مجتهده الهیه در میادین خمه امریکا و افریقا

وارد پد آسیا و متعاقب تمام و انجام مشروع مقدس اغراضی تشید
 مقام و نصب قبه و جنبه مقام اهلرا فخم حضرت اعلی و نقطه اولی در آغوش کوه
 خدا و بر طبق نقشه ده ساله اهل بحب اراضی ام المعابد ارض اقدس ناحیه
 غربی آن مقام مقدس محتل زیبا در راس آن جبل در بقعه‌ئی که بقدم حمال
 ابری و صد در لوح کرم شرف و متحرک شده تعیین گردید و مبلغ صد هزار دولا
 (۱۰۰,۰۰۰) لاجل ایشیاع آن محل تقدیم و باب مخابره بانمایندگان
 حکومت اسرائیل مفتوح گشت و در نتیجه این مفاوضات طمینان تام حاصل گشت
 که این بقعه مشرفه ایشیاع و بموقوفات بین المللی بحب ایشیان منضم خواهد گشت
 و این بقعه مرتفعه قبلاً متعلق باصحاب دیر بوده و صاحبانش روسای طایفه
 از طوائف سیحیه که مرتبط بکنیه تابعه جبر اعظم در مدینه رومیه است و در ایام

جنگ بین المللی تقریباً به وقت و همت آن محل رؤسای عسکریه دولت انگلینز
لاجل دفاع و حمایت و سیانت مدینه حیفای آن بقعه را مملکت نمودند
اخیراً در نتیجه انقلاب داخله و غلبه کلمیان بر اعراب و تأسیس حکومت
مستقل اسرائیل در ارض میعاد مالکیت آن ارض بدولت جدید تأسیس
انتقال یافته در رؤسای حکومت منصوره که در این سنین اخیره پس از استوار
امور در ارض اقدس اقرار بر سمیت و استقلال آئین بهائی نموده و در حمایت
مقامات مقدسه در دو مدینه عکا و حیفای ادنی فتور و قصوری نموده و اراضی موقوفه
روضه مبارکه علیا و مقام اصلی و اماکن مشربکه و معاهد دیگر را با وجود تنوع
و تعدد از مالیات ملی و محلی هر دو معاف نموده و قصر مبارک مرزعه را بر حسب
حکم مبرم بهیت اوقاف اسلامی تسلیم بهائیان نموده و ایام مشربکه

محترمہ و متذکرہ بہائی رازنا شاخستہ حال کمال رغبت رضی و مستعد
 بیع این اراضی بہائیان گشتہ اند و این ظفر عظیم من دون شبہ و تردید نتیجہ
 حادث انقلاب اخیر است کہ در نتیجہ آن مصداق جعل اعلام ہم اسلیم و
 اسلیم اعلام ظاہر گشت و دشمنان دیرین مغلوب و حکام جدید بر اثر تحقق
 و عود و بشارت صریحہ کہ در کتب بہائیان مدون در جمیع مشون مسأ
 و موافق و مستعد ایجاد تسلیات جهت بہائیان و معاہدہ آنان در اراضی اعلی
 گشتہ اند و پسچین در نتیجہ اتمام دو قطعہ زمین کچی مشرف بر زمین اطہرین و
 متعلق بکبی از مخالفین و ناقضین محمد رب العالمین و دیگر کیمی در قرب
 صبح حضرت و قہ علیا و متعلق بشخص کلیمی و میت آن دو قطعہ از بیت
 ہزار ۲۰۰۰۰ دلار متجاوز مساحت اراضی موقوفہ بہائیان در آن جبل

مقدس به دویت هزار ۲۰۰,۰۰۰ متر مربع بالغ گشت و بالتجربه
 اراضی موقوفه در مرجع عکا و حبیل الکرمل من حیث المجموع ارزش طبعیون
 متر مربع تجاوز نمود و اینها در این ایام همیشه بر طبق قوانین و مقررات حکومت
 متبوعه شعبه های محافل ملی روحانی به بیان جزائر بریطانیا و کنده او است
 رسا در نهایت اتقان تاسیس گشت و تقدیر انتقال قسمتی از اراضی موقوفه
 بین میلی بهائیان در ارض اقدس بنام شعبه های این محل مرکزی روحانی
 که در سه قاره واقع شده اہم گردید و متعاقب این بقصار جدید که از اهداف
 مہتمن نقشہ دہ سالہ پروان امر رب مجید است تاسیس شعبہ محل ملی روحانی
 بہائیان ایران با وجود عدم تسجیل و رسمیت آن بہیت مستجبہ در آن کشور
 مقدس مبادرت گردید و در نتیجہ مساعدت و موافقت اولیای امور در این

سامان کلاً اتمام و انجام یافت و عقرب قسمتی از اراضی که در قرب
 مقام اعلی واقع بنام شعبه این محل که رکنی از ارکان دیوان عدل الهی
 محسوب اتقال خواهد یافت و برور آیام شعبه های سازم محافل روحانی مرکز
 در شرق و غرب و جنوب و شمال در ارض اقدس که قلب عالم و قبله مهم
 است تائیس خواهد شد و بدین وسیله رفته رفته و سائل ارتباط ظاهری و باطنی
 و شرعی و معنوی این ارکان متسینه بیت عدل اعظم الهی بر حسب احکام بقره
 مخصوصه در کتاب الهی و قوانین و نظمیه جدیده مشبوعه در این ارض با حسنها
 و انکلهما ایجاد خواهد گشت و این اقدام بقره باعث استحکام اساس و ازیاد
 جلوه و رونق اوقاف بین المللی بهائی و انتشار آیین الهی خواهد شد و همچنین در
 این آیام بتاید من الله نقشه بدیعه دارالاثار بین المللی بهائی که تا پیش در

جو پر انوار مقام شبہ امر ملک مختار از اهداف مہم نقشہ وہ سالہ در این
 ارض معدس اقدس است بحال وقت ترسیم و میاگشته و غمغریب
 معدمات ساختن این بنامی مجلل کہ بحسب نقشہ بدیہہ واری سچاہ سون
 است و بر زمین اطہرین مشرف و صدرش باہم اعظم مرین کاملاً فرہم
 خواہ گشت و باین تاسیس کہ تعین و احسن و احک و تم مسائل جہت جمع
 و محافظہ و ترتیب آثار سترایدہ مشتبہ مبارکہ است قلم اصلی در لوجی از الراج
 اشارہ شدہ بودہ جل اعزازہ «شان نزول شان حق است و اشارتان
 خلق و انہ لنا شرامہ بیدالنا شرات من ملکہ المعین لا بد از خلف
 سراق عصمت ربانی عبادی روحانی ظاہر شوند و آثار اللہ را جمع نمایند
 و باحسن نظم مستنعم سازند و ہذا حتم لا ریب فیہ» و این محمد جلیل بقہ

مقدمه تائیس مرکز عظیم الشان اداری جسمانی بیانیان در آن جل میں
 است و بدایت حبر بیان سفینه اللہ و تحقق بشارت عظیمہ کہ بلوچ رابع از
 تصریح در لوح کرمی قلم اعلیٰ بآن اشارہ فرمودہ است قولہ عظم سلطانہ:
 « ہذا یوم فیہ نشر البسر و البحر و خبر ما یظہر من بعد من غیبات اللہ المکتومۃ المستور
 عن العقول و الابصار سوف تجری سفینۃ اللہ علیک و یظہر اہل البہار
 الذین ذکرہم فی کتاب الاسماء مبارک مولی الوری الذمی بذکرہ انجبت
 الذرات و نطق لسان العظمۃ بما کان کلمونامانی علیہ و محسن زمانی کثر قدرتہ انہ
 ہوا ہسین علی من فی الارض و السماء باسمہ المقدر العزیز المنیع » و شبہ
 نبودہ نیست کہ مقصود از این سفینہ کہ در آخرین لوح مذکور سفینہ احکام است
 نہ سفینہ امر اللہ کہ ملاحظہ شایع اعظم جمال اللہ سبہی در کاتبش کافہ اہل بہا

واصحاب سفینه حمر که بشارتشان را نقطه اولی در کتاب قیوم اسماء در سنه
 اولای عهد اعلیٰ ملقبت فصیحی و بجنسی طبع و در بار داده قوله ما اهل سینه و ما اهل
 عزه و ذکره « و لقد خلق الله فی حول ذلک الباب بحور من ماء الاکسیر محمرا
 بالدهن الوجود حسیوانا بالثمرة المقصود و قدر الله له سفاسن یا قوته الرطبه الحمره
 و لا یرکب فیها الا اهل البهاء باذن الله العلی و هو الله قد کان عزیزاً حکیماً »
 مقصود در این لوح عظیم که فی الحقیقه کاشف اسرار الهیه و بشارت دهنده
 دو تائیس عظیم جلیل و خطیر که یکی روحانی و دیگری اداری در مرکز جهانی
 آمین بهائی است سفینه فی است که را کیشش رجال بیت عدل اعظم که بر
 طبع و مسایای مستقیم مرکز عهد اتم اقوم مصدر تشیع احکام غیر منصوصه اند
 و این احکام در این دور بدیع از این جیل مقدس جریان یابد چنانکه در عهد

حضرت کلیم شریعتہ اللہ از صہیون جاری و ساری گشت و این جریان
 سفینه احکام اشاره باستقرار دیوان عدل الہی کہ فی الحقیقہ دارالشریعہ است
 و شعبہ فی از مرکز جهانی اداری بہ سائیان در این جیل مقدس محسوب و در
 بنائی مخصوص در قرب دارالامارین المللی کہ حال وقت تاسیس آن است
 در نقطہ فی مشرف بر این مراد شریعتہ منورہ و در جوار مقام اعلیٰ استقرار خواهد
 و در قرب این دو بنیاد رفیع البناء، و این دو معہد قوی الارکان بنائی بزرگ
 کہ دارالولایہ و مرکز تبیین و تاویل تفسیر احکام مفصوہ است و مؤید و متمم
 ہیئت شریعیہ است سد جہا مرتفع خواهد گشت و نیز بنیانی دیگر متضمین
 اہلیہ ثلاثہ خواهد شد کہ مرکز ترویج و دارالانتساب است و معرہ استقرار آبادی
 امر اللہ کہ رجب نص قاطع کتاب و صایا مانور بحافظہ و صیانت و حمایت

امرالله وخط وحدت جامعه و امتسار دین الله و ابلاغ کلمه الله و این امیه
 جلیله سامیه که بطرز زیبا و بند سه فی بدیع متدرجاً در حول این مراقد تائیس
 خواهد یافت کل از تقرحات این مرکز اداری عظیم اشان ثابت الارکان
 عظیم الاتساع پیروان امر مالک الابداع و ملک الاختراع محسوب و این
 مرکز اداری جامعه بهائیان عالم مقبضه محور تائیسات نظم بدیع آن محیی رحم و منبع
 جود و کرم در فرودت اصلیه دول و ظل و امم و متبر سلطنت و جلوه گاه سلطه
 روحانیه و زمینیه و مرجع اصلاحی پیروان امر اتم اکرم و محل انعکاس و معرض
 تجلیات عرش مصور رحم بر آفاق عالم و منبع مدیت الهیه که اصلی و ابغی ثمره
 امر اسم عظیم است و در حضرت مالک ذبی دور بهائی و در ادوار آیه اشراش کاملاً
 پدیدار و فیضاتش چون سیل جارف سحر بر عالمیان خواهد گشت این است که

میفرماید قوله تجر کسبر بایه در لغوی سوف نظوی الدیاء و ما فیها و مبیط باط

آخرانه کان علی کل شیء قدیرا

و شبه فی نبوده و نیست که مرکزی در ارض اقدس انسب و اجمل و اجمل و اعزاز

مراقده شریفه ثلاثه که در سنین اخیره در جوار تربت سوره مغنیه نقطه اولی تأسیس یافته

از برای این ابنیه عالی که من بعد بمردو انام در دامن کرم الهی مرتفع خواهد گشت

مستوره زیر این سه نفس زکیه مطهره و سه ودیعه الهیه و سه لطیفه ربانیه و سه کثر

ثمنی نسبت شجره الهیه اند و یادگار جمال احسبیه و مرکز محمد موسی البریه در بلایا

دارده بر مظلوم عالم از تنفی و غربت و کربت شریک و سیم و بنیایات فائده

مخص در زبر و صحف و الواح و ادعیه اش با بدیع اوصاف موصوف تبه

و معاشان بسی عظیم است و قدر و مترتشان بشهادت قلم علی و کلمات مرکز

میاق جمال ابی بغایت رفیع کی شہ و سدرہ منتی خانم اہل بہار سراج طارا اعلیٰ
 بقیۃ البہار و ودیعتہ و دیکری غصن شہید دو حہ بقا المخلوق من نور البہار و
 ثالث الورق المبارکۃ اعلیٰ صاحبۃ البہار موس جمال ابنی ام حضرت
 عبد بہار در لوحی کہ با شرف سلم علی مرقوم و در محفظہ فی مخصوص در قرب ورقہ
 خانم اہل بہار محفوظ و آیاتش مثابہ باج در شک قبہ مضع سورس نقوش این
 کلمات در بات نازل : « کتاب من لدنا لنتی سمعت و غارت و اہما تور
 من ہذا الاصل العتدیم ظہرت باسمی و ذراقت رضائی المعدس البدیع ۶
 سقینا ہامرہ من منی الاحلی و احسہ ی کوثری اللیح علیہا بحالی و عرف
 فیصی البسیر » و همچنین در لوحی دیگر قلم علی چنین شہادتی دادہ قولہ جل
 احسانہ « یا ایہا الورق المبارکۃ النور، قد جعدناک من خیرۃ الاما، و ایہا
 ک

معاملہ ہی الوجہ الذی ما سبقۃ النساء کذکلت فضناک وقد ناک فضلاء
من لدن مالک العرش والشری ، و ذریعۃ تمام شامخ ارفع خصن اللہ الاطر
پس از صعودش با فتح اعلیٰ این بیان اعلیٰ از محسن قلم ابی صادر قولہ عزنا
و طوبی لک با وفیت میثاق اللہ وعہدہ الی ان فدیۃ نفسک امام جب
رکب العیز المہتار انت المظلوم و جمال العسیوم قد عملت فی اول ایامک
ما نحت بالاشیاء و ترزلت الارکان طوبی لک و لمن توجہ الیک و یزید
ترتیب و تقرب بک الی اللہ رب ما کان و ما یكون طوبی لک و لذین تمسکوا
بذیلک الممدود ، « و سچین سفیر ما ید : « ہذا یوم فیہ استشهد من خلق من
نور البہاء اذ کان سبحاننا بیدی الاعداء ان یا دال الابدیہ قد تشرفت بک
تمک الارض و ما حولہا انک انت و دبیۃ اللہ و کمنہ فی ہذا الہدیار سرف

يظهر الله بكت ما اراد ان له الحق علام الغيوب انما تذكر اسرار وجودك

ليست بس اهل الرقود و تشتغل الوجود بنا و ذكر اسمي بعزير الودود «

و بيمين سفري ايد « اي رب قد فديت ما اعطيتني سحوة العباد و اتحاد من في البلاد «

و دلوحى كه پس از ارتقا، ام حضرت عبد البها، الورقة المباركة العليا از قلم جمال

صا دة اين غمايات لا تحصى مبذول قوله عز ذكره « يا نواب يا ايها الورقة المنسوبة بين

صدرتي و المرانسة مسى حيك بحبلى و غمايتى و حميتى التى سبقت الوجود قد ضى الله

عناك من قبل و من بعد و اخصك لنفسه و صطفاك بين الالما و اخذت و جعلت

معاشرة بيك في اليا لى و الايام اسمى مرة اخسرى منى الله عنك فضلا من عنده

و رحمة من لده و جعلت صاحبة له في كل عالم من عوالمه بلوبى لانه ذكرتك و اراد

رغباتك و خضعت عندك و سكت بحبل حبك و و دل من اخر مقامك الاعلى

و ما قدر لك من لدى الله ملكاً لآسما، و اعرض عنك و جاهدنا

عند الله رب العرش العظيم .

قلم مرکز میثاق نیز آفاق در لوحی از الواح در جواب سوال کی از باران

راجع تفسیر اصحاب پنجاه و چهارم کتاب اشعیا صریحاً شهادت داد

که این اصحاب راجع بقره طیب ام عبدالبهاست و در این کتاب این

آیات و اصحات حیات مدون :

« دیت تو آنها را تصرف خواهند نمود ... مریس زیرا که محل نخواهی شد

و مشوش مشوزیرا که رسوا خواهی گردید ... زیرا که آفریننده تو که

اسمش رب بحسنو است شوهر تو است و عدوس اسرائیل که بجای تمام

جهان مستحی است ولی تو میباشی . اینک من سنگهای تو را در سنگ می

نصب خواهیم کرد و بنیاد تو را در یاقوت زرد خواهم نهاد و منارهای تو را
از نعل و دروازهایت از سنگهای بهرمان و تمامی حدود ترا از سنگهای گران
قیمت خواهیم ساخت ۱۱

و اینها نمبر و آیام و تباہیات لاریبسیه ستمره مولی الانام و سابق الانعام سرود
از طیف علام تائیس ثالث در این جبل در رأس کربل که ستم این دو تائیس
عظیم است باشدت خواهند نمود و بشیید ام المعابد ارض اقدس و توابع
و محتاش کاملاً اقدام خواهند کرد و این تائیس ثالث مرکز عبادت است
و رکن ثالث تائیسات بتیه اهل بهار در ارض اقدس بعد از تائیس اول در قلب کربل
که از حیث رتبه و مقام بر کافه تائیسات آتیه در این جبل مقدم مقام علی اعلی
مطلع الانوار تائیس ثانی در رأس آن جبل مشرق الاذکار تائیس ثالث در آن

جو پر انوارِ مرجع ابرار و اخبار و مرکزِ ترقی و ترقی امورِ جامعہ پسران امر
 کردگار - تعالیٰ تعالیٰ قدرۃ النافذۃ فی حقایق المکنات - تعالیٰ تعالیٰ ہر
 المکنونۃ المودعۃ فی ہویۃ الموجودات - تعالیٰ تعالیٰ سیطرۃ الغالبۃ علی کل
 الاشیاء - تعالیٰ تعالیٰ سلطنتۃ المویطۃ العاہرۃ علی من فی الارضین و السموات .
 یا حبیب اللہ و ہدایۃ خلقہ از جملہ دلائل و علامات شمول تائیدات الیہ و ظہور
 و بروز نصرت و غلبہ ظاہرہ امر سلطان احدیہ در این سنہ جدیدہ کہ آغاز جماد کبیر
 است خذلان و ہبوط و سقوط و انعدام دشمنان حدود و حدود و عنود است کہ پس از
 شاہدہ آثار و علامات حیرت انگیز ارتعاع امر اللہ و استہار دین اللہ و نفوذ
 کلمہ اللہ و فوران نارِ متجہ اللہ و نصرت و ظفر حاسیان و ثابان بر میاقائے
 و شور و ولہ ناشرین نفعات بہتیمین و قیام امادی امر اللہ و استحکام اساک

شرعیة الله و حسن روح و خردش و تشنگی مباحرین و مجاهدین فی سبیل الله عز و جل
خاصرا بمقر خود راجع و بگروه ناقصین و مضین و معرضین و معاندین و متکبرین
که در سنوات اخیر و متابعان با نسل السافلین ساقط گشته میهن گشته .

آوازه بیخافس محله ساقطه در قمریادیه ساقطه و بادنی در کسبین راجع گشت این
گرم شب تاب که قصد مبارزه با آفتاب جهات تاب نمود و این قطره منتهی آنست
که مقاومت با امواج طمطم بحسب اعظم راسل و آسان شمرده بود و از رواج کشته
خاطر روحانیان سنین جدیده مکرر و آرزو دار اعمال قبیحه شنیع اش اشد و بیگانه
متمرد از هجوم ضعیفش بر شعائر و مقدسات و معتقدات اهل بحب آعمیون ملا
اعلی کریمان و در اعراض و اعتراض از خروافات نفی در ادوار سابقه ثابت
و جسور و طبیعت عاقبت الامر مخدول و منکوب گشت و مایوسا خاصرا بیدر

افضل اساطین راجع شد و در اجیف و شبهاست و ایه و نه یانات و او با ما
 و مقاصد فاسده اش کل هب ما نشاگر دید این نفس بیمایه بی پایه که کسی سال
 بادشمان دیرین در کین امرت العالمین مرتبط بود و بر عم باطش کشف قناع
 نموده بود تا امر عزیز الهی را رسوای عالم نماید و نظمش را پریشان و پروانش را
 متفرق نماید و سر اجش را منطقی و جلش را سرنگون و بیادش را منهدم سازد
 بالمال هیا هو و هر چه اش کرده بعوضه فی الوداد خاموش شد و از احداث تفرقه و
 اشتقاق و انقسام و انشعاب در جامعه پیروان امر حضرت رب الارباب
 کاملاً مایوس گشت و پس از مشاهده آثار جلیه حلوا امر الله و امتناع دین الله با
 سقر راجع گشت بل التقریر من نفسه و بحکیم استعید بالله من وجهه و لقاءه تالله
 یلعنه کل ماصد من قلمه و خرج من فمه تالله و تعاله قد ضی الله علیه و تحه با^{لکن}

فرید پیدایم در سیاه شہوات مصداق « دین لکل حمزة لمره الذی جمع مالاً و
 عدوہ » کہ مدت چهل سال از صراط امر منحرف و اعمالی را در ایام مسافرت مرکز
 شایق بعباب بقره امریکا و قبل از آن ترکیب بولیس و تزویری ظاہر و در شہوتی
 منہک کہ از شدت تاشہیکل میشاق لرزان و تفرش میگشت پس از انقضای
 باد شہمان مرکز محمد جمال ابنی در ارض اقدس علناً ارتباط یافت حاجتہ الامر
 بادست تہی بدار البوار راجع گشت .

فلاح مغرور و بلجج کہ بجاغت اصول و نقض مبادی نظم بدیع جہان آرای الہی
 پرداخت و از وصایای محکمہ الہیہ کاملاً منحرف گشت و باعث تشویش افکار
 و غفلت و محرومیت جمعی از جویشان و اعوایش گردید عاقبت در آتش اندوہ
 و حسرت سوخت و بخران بسین دچار گشت .

این نفوس واهی میبختند ساهی ساقطه که حب جاه و مال و ریاست و منصب
 و مقام از صراط مستقیم الهی کما غلامسخر ف ساخت و در ایام انقلاب و محبوب
 اریاح شدید استخوان و افتتان امرالله را موهوم و موهون شمرده و طبعه صبیان
 انگاشته و از صراط مستقیم لغزیده و در اواخر ایام حیات پرتباهان هر یک
 برای العین مشاهده نمودند چگونه امر مظلوم عالم صییش ذائع و شایع گشته و زنده
 عالم انداخته و تجلیاتش آفاق اکوان را احاطه نموده و میمان را نورانی
 نموده و طمش در قارات خمه مرتفع گشته و وحدت جامعه پرورش محفوظ مانده
 و موسسات بدیعه اش منظم گشته و احکامش استهار یافته و معابد و خطایش در
 انظار جلوه نموده و نظم بدیعیش علم انسه اخته و شعله جهان امورش در قلوب عباد
 و اما، و شیخ و شاب و و وسیع و شریف از اجناس مختلفه و مذاهب متعدد ^{گشته}

و وجود صریحی که در کتب دو مؤسس بی نظیرش و مرکز شایق شارع علمش موند
تحتق یافته و روح تعالیم جا پندرس در پیکل عالم جاری و ساری گشته .

و از حسن تصادف خاتمه حیات پر وبال این مؤسس صحیحه با افتتاح عهد شامی
دومین عصر نخستین دور کور مقدس معارف گردید عهدیکه آثارش با طرح نقشه های
بدیعه متعدده محافل مرکزی روحانی اهل بهار در اقوالیم مختلفه عالم و صدین سال
دعوت سسری جمال قدم و تشیید صریح بشرا امسرم و احتفال انجم اکرم در
سراسر عالم و اتحاد انجمن های اربعه بین القارات در سنه مقدسه و افتتاح امم المعابد
غرب در فاره امریکه و اعلان جهاد کبیر البر و نصب قبه ذهبیه صریح مطهر
و ظهور مقدمات اولیه و تباشیر تاسیس مرکز اداری جهانی اهل بهار در ارض اقدس
و خذلان دشمنان امرالهد در خاور و باختر توأم گشته .

امر اعزاجی در این اوان که افتتاح عهد ثانی دوین فتنه بهائی و پایان
 سه اولای عباد روحانی جهانی اهل بهاست عیش در تجاوز از دست
 ۲۱۰ مملکت موج پیروانش پیش از دو هزار و پانصد مکر در شرق و غرب و
 جنوب و شمال ساکن در ارض اقدس مقام سبب الانوار خورشیدش که مصارف تشیید
 و نصب قبه و همسایه اش از ربع طیون دو لار متجاوز در قلب کرمل مرتفع و
 متسللاً اوقاش در دو دینه عکاء و حفا به چهار میلیون دو لار بالغ و مساحت اراضی
 تابعه و مقام معدش در برج عکاء و حسیل کرمل از ثلث میلیون متر مربع متجاوز
 موطن اصلی دو موسس حلبیش اوقاف ملی و محلیش لاتعد و لاتحصی و مساحت
 اراضی بعد پیروانش از سه میلیون متر مربع و قیمت مرکز اداری تابعانش در عاصمه
 آن تسلیم از چهار طیون تومان متجاوز در ایالات متحدہ امریکت محدثت

البته قیمت ادقافش از سه میلیون و مصارف معبد رفیع البنا، پیروانش از
 دو میلیون و نیم و سینه‌ایه منحل مرکزی تا باعانش از نیم ملیون دو دلار متجاوز و تعداد
 زائرین آن معبد عظیم از نیم میلیون متجاوز قیمت خطا رفیق س علی تا باعانش در
 اقالیم مختلفه از دو ملیون دو دلار و ادقافش در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره
 امریک از نیم میلیون متر مربع و قیمت ادقافش در خطه هندوستان و برما
 و پاکستان از یک میلیون روپیه متجاوز . در قاره افریقا عیش در متجاوز از چهل
 اقلیم موج و تعداد پیروانش از جنس اسود از شصت متجاوز و عده مراکز امریه تقبذ
 (۱۵۰) بل ازید بالغ و تعداد قبائل که در ظل ظلیلش مستطیل از شصت متجاوز در مکه
 مکرّمه قبله اسلام و نجف اشرف و کربلای معلّا و مدینه کاظمین و عاصمه کشور طای
 مرکز جبر عظیم و اتم و اتم دم طائفه امت مسیحیه و در عاصمه قطر مصر مرکز عالم اسلامی

و عربی و در دین کبیره که سنین جدید مرکز خلافت مجبوله و محل استقرار دو عدد
 لد و شارع امر حضرت احدیه بوده در سولان و سادیان امرش و مجاهدان در
 سبیلش نصب علم نبین و هدایت فاطمین و وضع اساس نظم بدیع و نصب ارکان
 شرع اشرف مستین بعرض خلل نا پذیر مشغول و مألوف جمعی از دشمنانش که
 سالیان دراز در جو اربعین حطمش ساکن و متوطن و با وجود عنایات لاتحصایش
 با ناقضین عهد و شقیش معاشره و مرتبط مغلوب و ممتت و حیران و سرگردان
 در جزیره شیطان عصبه غرور ضرب ناعن اعظم بحی بی شرم تکی خاموش بل مفقود
 و معدوم لا تسمع منهم صوتاً و لا یرکبوا باطل ناقضین شیاق غلیظش پس از لطامات
 شدید که مستتاباً بر عتی تحیر العقول بر ارکان آن فیه ضاله وارد منظوی و بقیه
 این سرزده قلیله و ثله معنوره در شه فدا اعمال و اضحلال و منحصراً بحیث صد ساله

عاجز و مصلوح که از فم میشتاق حتی لایوت بظفر شیطان موصوف شستی از
 سفهای لبها که در گوشه‌ی خون شوش کور خزیده و از احقر و اضعف عباد و محسوب
 اذ اظهر و محقق ماصدر من قلم مرکز المیشتاق و اخیر غنیم فی لوح من الواحه قوله بارک
 ذکره «بگو ای بیچارگان بلعام با جور چه کسوری یافت و قیافه عطا یادید
 و ابولهب و ابوجهل چه اجر عمل دیدند و اشیم زیمیم چه فوز عظیم جست و یحیی چه حالی یافت
 عقریب شامین در جهان خضر با مقرو ماومی خوابید یافت شد ایداد چه کرد
 نمرود و عنود چه از دستش برآمد - نسیم عون بی عون چه ظفری یافت کا و نسوس
 چه سعادتی جست و تعی تسمی چه غلبه حاصل نمود و حال آنکه با حقیر و علم و خیل و چشم تقاضا
 امر آنه خواستند و با لشکر خود نوار سازند و مهاجمه برابر نمودند عاقبت خائب و خاسر
 گشتند شما ای صبیان با این عشق شکره چه خواهید کرد ۱۰»

بشارت کبری که در خاتمه این اوراق این عبد آستان بیاران و ستم دیدگان ایران
 و بالخصوص جمهور آمار الرحمن در آن سامان که در خدمات امریه لیل و نهار آسای و جانیه
 میدیدند که در این عید رضوان که سگ انعام نه اولای جهاد کبیر البر است
 و اقتحاح نخستین نه عقد ثانی دوین قسرن بهائی است و در سنوات آتیه جمهور بر تاس
 از سن بیت و یک ۲۱ بالا کا ملاحق مشارکت با رجال ادر خصوصیت محافل روحانی
 محلی و ملی خواهند داشت تسبیح در توجیه تطورات اخیر و خدمات با بهره ستاره خواهد
 روحانی در آن سامان و خارج کشور ایران کا ملا مرتفع و مساوات تام حاصل ولی امید
 چنانست که بر اثر این فتح و فیروز می پس از مدتی انتظار و اشتیاق آمار مومنان
 موافات وقت را عقیمت شمرند و فرصت را از دست ندهند و در این ایام اقتفا
 بمساوات اداری نموده در میدان تبلیغ و مهاجرت فائق بر رجال گردند و در میدان

مجاهدت کوی مثنوی را از آنان بر بایند و شجاعت و جسور و منقطع است در جامعه پروان
 امر الله مبعوث شوند و بخواهند بر آن روحانی خویش در امریک که در فتح ممالک
 بر جمال سبقت جسته اقدام نمایند و بالآخر بر اثر فقر المبلغان
 آیه توکل و انقطاع و قسبه ما محبت الله ما ناروت مثنوی نمایند و چنان جمعی بنیاد
 که عموم من فی الجب ا حیران گردند و ملا اعلیٰ تحسین نمایند و مدای جمال ابی از
 افق اعلیٰ از خلف سر ادق کبریا مرتفع گردد که بشری بکن با انانی از اکیات
 اعتقادات الناطقات بزرگی و دانشهات لغاتی و ارافات للواء
 دینی لمبین من العالمین « عالم نساء » بشهادت قلم میثاق « در این
 دوره از فیوضات جمال ابی در جوش و خروش است و از صبا الطاف
 ست و مدحش روز بروز در ترقی است و غریب ملاحظه می نمایند که بین نساء

غرضی چنان منجذب مبعوث شوند که سبب حیرت گردند شمع روشن شوند و بطریق
بیخ و برهان رب ذوالمنن گردند»

ای دلدادگان جمال ابنی روحی کلم و محبت کلم و قیام کلم العزاء انظروا ثم اذکروا
ما اترکتم کما کز العهد و الميثاق فی لوح من الواح قوله تعالی و لقدس ذکره
« ملکوت الهی در نهایت قوت ولی شکر حیات جو باید تا تا ایدات متابعا
بچشد... میدان واسع است و وقت جولان است و هنگام ظهور قدرت
دقت دل جان»

یا اجبار البهائم، یوم یوم شماست و وقت و شما آنچه الیوم لازم و واجب
و معانیس تا نید الهی است قیام جم غفیری از مؤمنین و مؤمنات ایشخ و
و شاب و غنی و فقیر دامت و ادیب و سیاه و سفید بر نصرت دین بین است

باید کل کثرت و واحده در سنین تسعه باقیه قیامی عاشقانه و دلپسینه نماید و در
 بیضه غیر انتمشگر دزد و بفرموده جمال قدم «قدم تقطاع بر کل من فی الارض
 و استوات گذارند و استین تقدیس بر کل ما خلق من الماء و الطین برافشاند»
 و با قلبی فارغ و روحی خفیف و دلی انسر و خسته و عمری ثابت و قدمی راسخ در
 اتساع دایره امر الله و آثار نجات الله و استحکام اساس شریعت الله و ارجاع
 صیت دین الله و از دیا و عدد پیروان مذہب الله لیل و نهار اجمت بکارند
 لغز و زمان و یا بجهت الالبھی گویان بسوی اقالیم غیر معقوده و مراکز جدید ان
 بتابند و بتاسیس مراکز مسفره که بمنزله نقاط مسوکل علی الله مبارک است نمایند
 و این مراکز مسفره را با سرعت مایکن در نتیجه تبلیغ و هدایت نفوس قولاً و عملاً
 بجاعات که بمنزله حروف فائده بدل نمایند و جماعات را متعاقباً بمجاہل محلّه که بتابند

کلمات تماماً تبدیل شدند و در از یاد این محافل روحانیه محلیه در ممالک
 مختلفه متاد یا همت بکارند تا وسائل انقاذ انجمن های شور روحانی متدرجا بکار
 متانت فراموش کرد و محافل ملی روحانی که بمثل آیات بی مانند تشکیل کرد
 و ارکان دیوان عدل الهی مرتباً منصوب شود و بر این ارکان قریباً بیان الهی
 که بیت عدل اعظم و مثابه کتاب مبین است مرتفع گردد و مؤسسات نظم بدیع
 الهی باین تاج سعادت عظمی متوج گردد و در دامن کرم الهی جل جلاله در معرفت
 معین استقرار یابد - ملاحظه نمایند قلم اعلی چه شارات عظیمه فی در الواح داده
 و چه وعده های صریحی از قلم محترم اعلایش نازل فرموده - در سوره بیکل این
 کلمات در بایات مسطور لا سوف نحسب الله من اکم الامم القدره ایادی القوه
 و اعلمه و یضرن احلام و یطرن الارض من نس کل مشرک مردود و یقومن

على الأمر ونصرت البلاد باسمي المقدر لعتي يوم ويدخلن خلال الديار وياخذنهم
كل العباد هذا من بطش الله ان بطشه شديد «

و همچنین در این سوره مبارکه این آیات باهرات مدون «سوف یغث الله
کبأیدی خالته و اعضاء قاهسه ثم یخرجن عن خلف الاستار و یصرن
نفس الرحمن بین الامکان و یصحن بصیحة یتمیز منها الصدور کذلک رقم فی لوح
مسطور یظیرون بسطوة یاخذ الخوف سکان الارض علی شأن کلام یظیرون
و ایضا میفرماید افسوف یرتفع الذاء فی کل مدینه و تجد الناس خائفین و
وجلین من سطوة الامر و کذلک کان الامر فی الالواح مقضیا «

و ایضا میفرماید «عقربا رجم اقطار عالم ندای بلنی بلنی و لیسک لیسک
مرتفع خواهد شد چه که مغزی از برای احدی نبوده و میت « و ایضا میفرماید

«سوف يظهر الله من هذا الاق نورا وتدره وبهما تظلم الشمس ويحجوا
من تكبر على الله وتنفسي وجوه المخلصين وسوف تحيط انوار وجه ربك
من على الأرض انه على كل شيء قدير»

«ايضا سيفرمايد «سوف ترون الكل مقبلين الى الله وبالكين على ما فات عنهم
في آياته انه هو البتس العليم» وايضا سيفرمايد «سوف يرون المشركون دايما
النصر وسمعون اسم الله من كل الجهات يومئذ يقولون انما اتنا بالله قل الله
اعلم بما في صدور العالمين» وايضا سيفرمايد «سوف يرون الموحدون
اعلام الظهور في كل الاشطار» وايضا سيفرمايد «قسم كتاب اعظم كه امر الله حاط
نمايد وجميع ارض را اخذ کند» وپس چنين از قلم شياق نويد الما صدر من بع اسم الله
اي كلمات دريات صادر لا قيا سوا من روح الله سينكشف القناع باذن الله

عن وجه الامر ويطع هذا الشعاع في آفاق البلاد وتعلو معالم التوحيد وتحقق اعلام
 آيات رحمة محمد على الصرح المشيد « وایضاً میفرماید : «عقرب نور توحید آفاق
 شرق و غرب را چنان نورانی فرماید که مجال انکار بحیث احدی منبذ «
 ای برادران دخواه سران روحانی حال وقت قیام است و یوم خروج و
 هجوم و خروش و زمان زمان مهاجرت و مجاهدت و نشر انوار هدایت و
 جنات و ستیز باطلات ضلالت ایام درگذراست فرصت را باید غنیمت
 شمرد و آایا حسره خلیفنا علی ما فرطنا فی جنب الله .

الوحا الوحای یا معشر المؤمنین و المؤمنات . العجل العجل یا عبدا لله
 و امامه فی المدین و الدیار قوموا علی انصر کلیتکم و دعوا الدنیا و اخرها من
 و انکم و اترکوا اوطانکم و اوطانکم و اوطانکم و اوطانکم و اوطانکم و اوطانکم
 و اوطانکم و اوطانکم و اوطانکم و اوطانکم و اوطانکم و اوطانکم و اوطانکم

رَحْمَةً وَبَارِكْ لَكُمْ فِي شَيْءٍ مِنْهُمَا وَوَعَدَكُمْ مَقْصُودَكُمْ وَمَحْبُوبَكُمْ وَوَالِدَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 بَعِيَا لَكُمْ مِنْ مَعَاذِكُمْ تَهْتَلُ شَائِبٌ فَيْضٌ مَوْلَاكُمْ وَمَوْجِدُكُمْ وَبِهَابِ جِسْمِكُمْ أَوْطَانُكُمْ تَهْتَلُ
 خِيَاتِ أَمْرٍ مَجْبُودِكُمْ وَمَسْجُودِكُمْ وَبِاسْتِعَاثِكُمْ تَرْتَعِزُ بَيْنَ أَعْدَائِكُمْ وَخَصْمَائِكُمْ وَ
 بِإِنطَاعِكُمْ تَنْدُكُ جِبَالٌ أَوْ هَامٌ رُوسَا لَكُمْ أَنْ تَمُتُمْ أَتَدَاكُمْ عَلَى بَدَا الصَّرَاطِ
 فَوْعْرَةً رَحْمَةً وَجَلَالَةً وَعِظْمَةً وَعِلَاقَةً رُوحِ الْعَدَسِ نَفِثٌ فِي فَمِكُمْ وَرُوحِ الْإِيمَانِ مُلْهِكُمْ
 فِي فِتْنَتِكُمْ وَرُوحِ الْأَعْظَمِ يَحِيطُ بِكُمْ مِنْ يَمِينِكُمْ وَسَارِكُمْ وَخَلْفِكُمْ وَقَدَاكُمْ أَنْ اسْتَبْقُوا
 فِي خِدْمَةِ أَمْرِكُمْ هَذَا خَيْرٌ لَكُمْ عَمَّا تَطْلُعُ الشَّمْسُ عَلَيْهِمَا أَنْ أَنْتُمْ بَابِرَهُ مَوْتُونَ
 وَهَذَا خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ نَفْسِكُمْ أَنْ أَنْتُمْ تَعْلَبُونَ وَتُحِبُّونَ

عَلَيْكُمْ وَعَلَيْكُمْ جَمِين

نوروز ۱۱۱

توقیع مبارک

نوروز ۱۱۳ بدیع

مستخرجاتی از توفیق مسیح مبارک حضرت ولی امر ائمه

مؤرخ نوروز ۱۱۳۳ بیع خطاب باجای شرق

یا معشر المؤمنین و المؤمنات ایسکیم من هذه البقعة الاحدیة المبارکة
المقدسة المطهرة التوراة بقلب خافق بحببتکم و فواد منجذب بنفحات
ذکرکم و لسان ناطق بشنائکم و محامدکم و عین دامعة لضرکم و اضطها
و روح مهتر بشارتکم و عظیم و لائکم و ولهکم و اشتغالکم و صبرکم
و اصطببارکم و شبائکم و استقامتکم و خدماتکم و مجهوداتکم و فوقاتکم
تکریماً لاسمه الاعز اعزیز و اجلاً لظهوره الامنع المنیع و اعزاً لایشاقه
الامتن المستین و تعظیماً لشعار دینه الاقوم القويم و اثباتاً لاصول نظمه
الابیع البیدیع و امداداً لجهاده الاکبر الکبیر و کشفاً لاسرار

شرحه الامجد المجيد وتمهيداً لاعلان امره الاوعر الفخم الانور الاقدس
 المبرم المحظير صلوات الله والطافه وعزّه وبهائه عليكم يا حبايبه
 وامانه وخيره خلقه ورعاة اعنانه ومشاعل حبه ومصباح هدايته واماره
 طوبى لكم الفطوبى لكم يا عزائمكم وياروحاكم بما احببتم نداءه ووفيتم بيمينكم واثبتتم
 اقدانكم على صراطه واعصمتتم بحبله وحلمتم الشدايد في سبيده وتركتم اذكاركم
 وبجرتكم او طانكم تقيذاً لامره وافترقتم من اقاربكم وخذتم راحتكم طلباً لرضاه
 ودعوة الناس في مشارق الارض ومغاربها لاستقلال في ظلمه و
 اقتديتم بالذين سبقوكم من آباءكم واجدادكم في هدايته خلقه وتبذلتهم
 والانعطع عن كل ما سواه والترج من صهيب الشهادة حباً بحاله وبذلتهم
 ما وهبكم ربكم لاعزاز دينه وترويج مبادئه وكشف اسراره وتعميم نعمه اليه

واستحكام دعائم نظمہ واثبات استتقلال شریعتہ واثبات صفت
 امرہ الاعظم العظیم تاملہ تنظرکم فی ہذا بحین عیون اہل ملا الاعلیٰ وتبصر
 بانفسکم سکان رفرف البقار ویشیرن لکم اہل سرادق الاهی وتہلل
 لضرکم وطفركم وجوہ حوریات القدس فی اجنۃ اعلیٰ وتسبح ملائکہ الام
 حول حرم الکبریاء ویجدکم فی مقابہ عرش سیدکم ومحبوبکم مرکز عہدہ
 الامن الاسنی ویبارککم بکم وموسیکم لبقطۃ الاولیٰ مبشر امرہ الاسنی
 سلطان الرسل قرۃ عین الانبیاء ویحاطبکم لسان العظمتہ فی سجودہ
 الفردوس جمالہ الہی الاهی مبعث الرسل بارککم وموجدکم بان یا
 اجبانی وحفظہ اماتی وحدۃ خلقی طوبی لکم بشری لکم مرحی بکم من
 ہذہ الملتحہ العظمیٰ انتم الناصرون لامری انتم الشاربون من حین حبتی

انتم اعلام نصرتی فی مملکتی انتم المختارون فی ملکوتی انتم المسکتون علی
 وسادة عرشی طوبی لمن تآسی بکم و سکت فی منہا حکم تا صدیویدہ روح الام^{عظیم}
 کما یدناکم من قبل و من بعد ان استقیموا علی بذ الصراط ایاکم ایاکم ان
 تحوکلتم جنود بحب بارة و سطوة انفرادیة ایاکم ایاکم ان تمسککم عن اذارسالات
 ربکم و مولاکم و محبوبکم دولہ تاکت اولومتہ لکم او صولہ ظالم او شوکہ تاکت
 سوف یدم علیہم العذاب کما یدم علی الذین کانوا من قبلہم وان
 ہذا الوعدہ غیر مذبذب ...

ای یاران ارجمند دریغ و افسوس کہ در کشور مقدس ایران موطن صلی
 جمال موعود مہد آئین رب و دو دجہور نکاش از شععات انوار این امر عظیم
 تا بحال پس از تجاوز از صد سال مہلت غافل و ذاہل در سبات عمیقند و

بجا بوس ثقیل گرفتار و بر صنام او هام عاکف
 قلوبشان از نفاش محروم و ابصارشان
 مرمود و اسیر قیود و رُبَعِد ابعند بل معترض
 مخالف و در اظفار سراج و تاج امر و ابجلال
 سعی و جاهد تراجم فی وادی الاوہام
 ہائین و فی جوہر لاجین ...

این است کہ از قلم اعلیٰ این کلمات و ریات و این شہادت
 عظمیٰ نازل قولہ صلت عظمیٰ :

"قسم بافتاب حقیقت کہ اگر آن حضرت در مملکت
 دیگر ظاہر میشد البتہ مقامش فرتفع و امرش
 ظاہر و نورش باہر و کلمہ اش محیط میشت ...

و از قلم میثاق مؤید الما صدر من اعلم الاعلیٰ
 این شہادت اتم

اونی نازل " این کوکب روشن اگر از مطمح انجمن اروپا طالع شده بود
 حال ملاحظه میفرمودی که چه شور و ولعی بود و چه دلوله و طربی " و ایضاً
 میفرماید " شمس حقیقت اگر در سارا قایم اشراق نموده بود تا بحال
 شعله اش جهانگیر گشته بود زیرا اهل آن اقلیم قدر این فضل عظیم ^{نستند} _{نستند}
 ولو مؤمن نبودند سرور بودند ... "

ای بموطنان جمال قدم و اسم اعظم روحی لضرکم الفدا سلطان قدم
 مسلی اعظم میفرماید قوله ما اعلی بیانه و ما ابھی عزه و ذکره " یا حاتمہ الوفا
 خاطبی الضعفاء انه اذا وجدتم الضراء اشتدت الباسا امتدت الارض
 ارتفعت و ابجال ارتعدت زوابع الشدائد احاطت و بحور البلیا نجات
 و اریاح الرزایا نجات و طوفان الامتحان احاط الامکان علیکم بصبر جمیل

فی سبیل ربکم بحلیل "قل یا حرب یتہ ایاکم ان تحوفکم قدرۃ العالم او
 تضعفکم قوۃ الامم او یمنعکم ضوضا اہل الجبال او تحزنکم مطاہر الجبال کونوا
 کالجبال فی امر ربکم لمقتدر العزیز المحتار "قل ایاکم ان تضعفکم اقویار الارض
 او تحوفکم امراء الہلاد توکلوا علی اللہ و فوضوا الامور الیہ اذہ ینصرکم باحق و ہوا لمقتدر
 علی ما یشاء و فی قبضتہ زمام الاقتدار "ایاکم ان تحزنکم سطوۃ الظالمین و
 ظلم المعتدین" لا تحزنکم کثرتہ الاعداء سوف یحبیبہم اللہ جبار و لاسمع ضوضا
 الا کظین الدباب اذہ کان کل شیء علیما "قسم باسم عظیم کہ این جہای ادا
 رخانی عظیم از عقب چنانچہ صریحا میفرماید "غفریب معرضین نام و خاص
 مشاہدہ شوند و مقبلین بحال غر و کتین ہذا حتم عند ربک" و ایضا میفرماید
 "اگر در این ایام مشہود و عالم موجود فی الجہد بر خلاف رضا و جبروت قضا و

شود و دستنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی
 جلوه نماید و شمار اورجیبیع آن ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و زر فی مقدر
 است البته بجمع آنها رسیدن فایز گردید " ید غیبی در کار است و محبت حقیقی
 ناظر و مراقب و بیدار اریاح عدلیه بار اوده از لیه نافذه مولی لهریه در میقات معلوم
 مرور نماید و این ظلمهای وارده بفرموده مظهر احدیه تدارک عدل اعظم مینماید
 و این انقلاب و هیجان بفرقه مستدسه نجات و استخلاص آن ستمیدگان و
 شیفتگان روی جمال رحمن ارقیو د صد ساله امریزدان در آن سامان است
 و منتی بجلول عصر جدید و ورود جامعه پیروان امر رب مجید بر مرحله ثالث که
 مرحله انفصال آئین بدیع و مینع از شرع منسوخ و عیشی است خواهد گشت
 تمهید ارفع علم استقلال وینه الاعزاز اشرف الالفم اعظم کلمات دریا

که در این مقام از قلم علای محی الانام صادر بیاد آورید قوله الاصلی «لعمریته
 مظلومیت بسیار محبوب است... ایام غلبه ظاهره خواهد آمد و لکن این لذت را
 نخواهد داشت و اگر درست ملاحظه کنی عظمت امر را با حالت مذکوره مشاهده کنی
 ای یاران رشید پر وفا چه قدر شکرانه لازم و چه قدر حمد و شانسزوار که
 در حمل این ثقل عظیم و تحمل این بلا، او هم آن یاران مکرم تاسی بحال قدم
 بمشراهم عظیم و غضن فرید آن منجی عالم و سید اُمم و محی رمم نموده و وقت آن
 است که این بلا یا و زرایای لاتعد و لا تحصى را بنحاطر آورید و در شدت وحدت و
 امتداد و اتساع و تنوع بیات و صدمات وارده بر مظلوم عالم و بشرات
 و بدهنده امر مبهم و غضن انجم عظیم تفکر و تمعن نمایند در این مقام این کلمات و
 عبارات خزن انجیز از قلم علی جاری تعالت عظمه «قسم باقیاب معانی

کہ از ظلم این ظالمان قائم خم شده و مویم سفید گشته اہستہ اگرمین بدی
 العرش حاضر شوی جمال قدم رانیشانی چه کہ طراوتش از ظلم مشرکین تبدیل
 شدہ و نضارتش تمام شدہ تا نندہ قلب و فواد و حشا جمع آب شدہ و
 لکن بعقوۃ اہد بین عباد و حرکت میں ہائیم " تا نندہ یا اعرابی لو تظنونی
 لمن تعرفونی و قد ابيض سکت السود من سابع البلیا و طهرت الف لام
 علی ہیئۃ الدال من توالی اقصایا ثم اصفرہذا الوجه المحمر المہیر " تا نندہ
 قد استی طیر العدس تحت الظلم بین طیور الغضا، منهم من یضرب بمنقارہ و
 منهم بمسیرہ و منهم بجنبہ و منهم باظفارہ کذلک کان البلاء من سحاب الغل علی
 بیکل اظیر مرشوحا " و کان قد اتی ثعبان الصخر و فتح فمہا لیبغضی عن
 ورائی غضنفر الغضب و یرید ان یسقتنی و عن فوقی یا محبوبی سحاب الغضا

و میطر علی امطار البلاء و عن تخی نصبت ریح الشقا لیجرح اعضائی و بدنی
 « لعمریه اگر قسم علی از این صین الی الیوم الذمی لا آخوله خود را بنحطاب
 یا مظلوم مخاطب سازد حق دارد ظلم از هر قسمی و هر شانی از آن ارباب بعد
 بر مشارق نور و مطالع ظهور دارد و لکن بر این مظلوم وارد شده آنچه که شبیه
 گذشته و ندارد » قسم بافتاب افق محبوب که نقطه اولیه در ایام خود بخیر
 محزون بوده و بر طایم گریسته « در کل صین در دست بشمر کین و خولی
 بیدین و شداد عناد و نمرد و مردود و فرعون طعون و یهود عنود و بوجهل حسد
 و قابیل بغضار مبتلا بوده و ستم « تا نند قد احاطنی حزن لن برین
 الابداع شبهه . . . و انک لو ترید ان تعرف اسرار الامر فاخرج عن
 المدینه التي کنت فیها ثم ادخل فی اعزاز ثم اسکن فی نفسک ثم اصمت

عن كل الاذكار ثم توجه بقديك اذا سمع صبح الاشياء وصرخهم في
خزني وكذلك نطق عيكت في سر الاشارات جواهر الاسرار لعل تطلع
بما لا تطلع به احد من الخلق " فواته لو تطلع احد على ما ورد على ليكن
في العراء ويفزع المعاشرين ولن يتانس باحد ولن ياكل من شئ
الى ان يعدي نفسه في حبه هذا الجبال المنيرة وكلما ورد على في الظاهر
ليس عندي شئ حتى اذكره لكم يا معشر المحبين بل بما ورد على في البطن و
هذا ما لا يقوم معه اهل السموات ولن يحمله كل من في الملك جمعين تاته
لن اقدرا ان اذكر حرفا منه ولو اذكر حرفا منه لست نطق عنه السموات و
الارضين " لو تحمل الفاسن البحر ما دام المصابي تاته لست نطقه ولن سفند
وكر مصابي التي كانت عن افق اقصاء مشهودا وانك ان تريد ان

تعرف اثر آنها فاستنشق الهوا، ثم كل شئ ان وجدت رائحة آدم
اذا فكر فيما ورد على جمال القدم من سائر هوالا، الذين كفو بايتمه وآياته بعد ان
خلق بقوله انفسهم وكل من في الملك مجرعا، حال ملك غيب و مشهور
جميع مشهور و بشان في ضرب وجود و مبارکش وارد شده که اگر جمع بحر غیب و
شود مداد شوند و کل من في الملك اقلام و جمع من في السموات و الارض
راقم لبتة از ذکرش عاجز شوند، " و في كل يوم ما كان غذاء الامن
قطعات كبده و شرابه من قطرات دمه " قسم بخورشید سار توحید که
اگر خورشید سار ظاهره بر خزن جمال احدیه مطلع شود ابد از افق خود
طالع نشود و میص نور و ضیا، از خود بیدارند، " ای امه الله بهنگامیکه
در بساط آسایش جالس شوی بذكر این مسجون مشغول شو، و اگر غریبی شایده

نمائی از غربت و کربت این غلام روحانی ذکر نما قسم بقطه وجود
 که بلایانی وارد شده که ذره آسرا آسمان و زمین و جبال حمل نتواند نمود
 ذکر مصائب غلام مستور به و آنه بکل شیء عظیم " یا عین ابی لضرعی
 و ابتلانی و یا قلب ضجج بماورد علی نفسی قسم بذكر اعظم که بلایانی بر این
 عبد وارد شده که مظلومان عالم از اول دنیا الی حین بر مظلومیتم خود
 ینمایند " یا لیت کنت فانیاً و ما ولدتی امی و ما سمعت ماورد علی من
 الذین هم عبد و الاسماء وقتلوا امرئها و خالقها " فاه آه لیس لی
 من ام لتبکی علی عالی و لالی من اخت لعرمی راسها فی عزانی و یصیباتی
 و لاعمدی من مونس لیوانسی فی بلانی اویرافقتی فی ابتلانی " فاه آه
 فوالدی قد اسکف و رقار المحزون فی صدر لبعث لیسیت کلمات

من اول يوم الذی شربت لبن المصفی من ثدی امی الی حسینؑ
 اکسبت ایدی الناس وکان بعد یعلم کل ما کان الناس هم لا یعلمون
 ودر قصیده ورقانیة از قلم مطہوم عالم نازل :

”فطوفان نوح عند نوحی کا دمعی وایقا و نیران کخلیل کلوعتی

وخرنی ما یعقوب بش اقلہ وکل ہمار ایوب بعض بلتی

و از قلم میثاق در ذکر بلائی واردہ این کلمات خزن انجیز صادر :

”الهی تری وحدتی و غربتی و کربتی و تشاہد نحل جسمی و ذہول نفسی و

و خوف بدری و کسوف شمسی و ضعف ارکانی و لرزل اعضائی و ترشح

وجودی و تضییق صدری و خفقان قلبی و زہاق روحی و عدم شہرچی

و شدہ بلانی فی سببیک و کثرة ابتلانی فی محبتک ای رب

استأصدت الرزواع دوحى الناشئة واقطعت الزلازل ارمسى النابتة
واخذتى اعاصير البلوى واهلكتنى شدا الباساء والضآر "يا محبوبى"
انحنى ظمى وبيض شمى ذواب لحنى ولبى عطى وقطعت كبدى وجرق
قلبى واتقدت نار الالى من اضالعى واحشائى "ترانى بد فالكل سهام
وغرضاً لكل نضال وخائضاً فى غمار البلاد وغريقاً فى بحار المصائب و
الارزآر... ارفعى اليك لان الارض ضاقت على واهياة مريرة لى
والآلام تمتوج كالبحور والاعزان تحجم بهجوم لطبور على الحب المنثور فنهارى من
الالى ليل بهيم وصباحى مساء مظلم بهوم عظيم وعذبنى عذاب وشرابى
سراب وعذائى علقم وفراشى اشواك وحياتى حسرات ومياهى عبرات
داوقائى سكرات وبعزتك لقد ذهبت عن كل شى ولا اكا وافرقت من

لیلی و نهاری و خدائی و عشائی و سهری و رقادی بما شدت الازم
عظم لی البلاء و عرض داء لیس له دواء .

ای عاشقان جمال ابھی قدر این موهبت کبری را بدیند که در این بلایا و رزیا
بشرف ساهمت با مظلوم عالم و مرکز شاق محی رمم مشرف نازل گشته
اید و قطره ای از این عظم بلایا چشیده اید و این تاج افتخار را بر سر خاوه
در ذکر مصائب داروه بر مستقیمین در آن سر زمین از قلم علی نازل قوله
عظم سلطانه "مصائب و بلایای شما بشما به کنوز است و در خزائن امانت
الهی محفوظ و مصون" و ایضا میفرماید "و نفه الحق سوف یرین آیه
و یساج کتاب الوجود بذکر احب ساء الدین حملو الرزایانی سبیده" فواء
لوکان للدنیا و ما فیها قدر عند الله علی قدر بعوضه لن یصل الذله فیها

علی احد من المومنین " فاعلموا بان البلیا والمحن لم ینزل کانت موکله
لاصفیاء لله واجتانه ثم لعباده المنقطعین " نفس این بلایا و در زیاده اجال
ابھی و عمن عطش و الراح شتی طالب و آمل و وقوع و صد در ش راحه
شاکر در ایستقام از قلم علی نازل قوله تبارک ذکره " فاعلم ثم ایقن انانی
اول یوم فیه ارتفع صریر لعنم الاصلی من الارض و السماء انفضت ارواحنا
اجسادنا و بانسانا و امواتنا فی سبیل الله العلی اعطینم و نفعنا بذک من
اهل الانشاء و الملأ الاصلی شیء بذک ما ورد علینا فیه الصراط المستقیم
لعمری لو اذکر حلاوة بلایا التي اكون فیها لتنفذ اللواح و تضعق الاقدام و
ربک علی ما اقول علیم " لعمری احب البلاء فی سبیل الله موجد الاشیاء
کما یحبون الناس ابصارهم بل ازید و شیء بذک ربک العزیز المحمدر

"لعمري ان السجني ميمى وهو ابي من كل البيوت ان نعم من العارفين ولو
 ان يدي قد فحمت باب السجني ولكن قلبي يحب ان يكون فيه ان ربت لهو
 المبين الحكيم" "قل ان البشري والسجني قصرى والبلاء اكليل البها
 ان اعرفوا يا اولى الابصار من افق الذلة اشرفت شمس اسمى العزيز" "قد جعل الله
 البلاء اكليلاً لرأس البها سوف تستضي من الآفاق" "قد زين رب
 البها باكليل البلاء كذلك قسى الامر في لوح كان بنام الله محتوماً" "طوبى
 حين اذنى فيه يعدى العلام في بسيل الله الملك العدل الحكيم وطوبى لان
 فيه ينعك دم العلام حباً لمحبوب العالمين فيا حبه الساعة كان لعلام
 فيها مطروحاً على الراب من يدي الله مقصود العارفين فومجوبى الحق اريد
 ان اذنى في سبيده بلا عن كل العالمين لو نعم من العالمين عزيز على بان

يقتل احد في سبيل الله وانا باقى في الارض وبذلك يحزن قلبي ويكدر
عيشي لو انتم من المؤمنين " وكذلك ارفعكم ميثاق نازل :
" بالبلاء استضاء وجه البهار وباللباساء والضراء بتم شعر كل عبد لبهار
" يا امه الله اذ اجبت دعاء في حق عبد البهار تذل الى الملكوت
الاعلى واهتلى وقولى رب رب زدنى بلا عبد البهار فى سبيلك واملأ
له كأس المصاب والرزايا وامطر عليه سحاب الامتحانات وزين عنقه
بالسلاسل والاعلال فى السجون والقلاع فى محبتك واجعل دمه مسفوكا
فى سبيلك وارزقه اجلوس على صرير الصليب بموهبتك حتى تأخذه
نشوه صهبا العدا ويطير بها الى جوار رحمت الكبرى فى ملكوت الاعلى
هذا هو الدعاء فى حق عبد البهار لان بذه غايته القصى وسنة الكبرى

وموهبة العظمى التي تميّزنا في كل حين " يا امّة الله لا تحزني ولا تسدّرتي
 من البلياء التي احاطتني لانني استبشر بها وافرح بها لانها نزلت وترتل
 علي في سبيل الله واعلم انني ولدت في البلاء ورضعت من ثدي البلاء
 ونشيت في البلاء وبلغت في البلاء وشببت في البلاء وشببت في البلاء
 فما احلى البلاء في سبيل الله وما اشهى نعمته البلاء في حب الله وما اعذب
 كاس البلاء في محفل العجلى عند مشاهدة نور الكبرياء ليت انجوم سهام
 وصدري يدف لها في سبيل الله ولا اتمنى الا ان اعلق في الهواء ويرش
 الف رصاص على صدري في محبة لبحار او تقطع جسدي اربا اربا او
 يرموني في قعر البحار او يجر عوني كاسا من سم الهلاك في محبة اجمال الا
 بذمتي آمل في رعاية مقصدي واعظم مطمئني ومنتق رجاتي "

ای تمسکین بعروہ و ثقی التی لانضمام لها این فستنه و آشوب و
 انقلاب اخیر که در موطن معدس مولای علیم و خیر نبغه اشک گشت
 به شهادت کل از آشنایان و بیگانه و یار و اختیار باعث اشتها و ارتفاع
 صیت آمین کردگار در کل اشکار گردید این هجوم عنیف از طرف عصبه
 مغزوره فنه خادعین و کفرین و مبطلین بر شعائر و مقدسات این امر
 نازنین و یگانه مجا و منجی اهل زمین و ضوضا و غوغای باغین و طاعین نعو
 و اهیه سافلہ لاهیه ساهیه بمشابه صور اعظم و نفخه اکبر و نقره مخم
 صیت امر اکمل و اتم را در خافضین مرتفع ساخت و ولوله اش در بسط
 خاک رزه فی حیرت انجیر بنید اخت و صیت امر الله را دفعه واحد بمقامتی
 رساند و جلب نظر نفوسی را نمود که تا بحال حرفی از این ظهور اعظم

نشینده و ادنی اطلاعی از تصرفات و فتوحاتش در عالم نداشته اهل بها
 کشته و احدی من دون تامل و تردد و بعزمی مستین بکمال همت و جدت
 و با قلبی ملو از آثار و تأسف و محبت و شفقت متوکلین علی الله انظر انشاء
 القاهه المقدر القدير بر دفع و معاضدت و معاونت و مساعدت
 ستمیدگان برادران و خواهران روحانی خویش در آن اعظیم پر بلا موطن صلی
 جمال اجماعی قیام نمودند قیام استمرحت منه قلوب اهل طار اصلی
 و در اعلان مقاصد اصلیه پیران این امر عزیزی و نظم نزر و سا
 و امراء و وزراء و کلا و احتجاج شدید بر روایت کذب و افتراء بین و تشریح
 مبادی سامیه جامعه راجع به عقاید اصلیه و سینه مرد جان امر حضرت
 رب البریه و اقرار و اعتراف بحقیقت در سالت شارع شریعت اسلامیة

و توجّه اهل بحب با امور روحانیّه و تمسک آنان بجلّ لمبستین تعالیم سماویّه
 و عدم مداخله در امور سیاسیّه و تجنّب از احزاب و فرق مختلفه متنازعه و
 اثبات اصالت و استقلال و عمومیت شریعت بدیعه الهیّه و انقیاد
 تام و اطاعت احکام و مقرّرات حکومت مستبوعه خویش در ممالک متفرقه
 متعدده و همت بیع بگماشتند ...

اینها المقتبون من نور الهدی این انقلاب اخیر در موطن اصلی امرت
 قدیر از جهتی علت اشتهار امین الهی و انتشار صیّتش در کلّ اقطار گشت
 و از جهتی دیگر اساسش را در قلوب پیروانش در کلّ اقطار تقویت نمود و
 مستحکم ساخت جمعی از کوره نظران در بدوین ضوضاء و غوغا چنین تصور
 نمودند و بخود وعده دادند که این مقاومت و مهاجرت و اشتداد و زجر

عقوبت و تندباغ و غضب و جدت و لطش و صولت و سطوت ارباب
 مکاربت و اندازات و تحویفات خصم الدامر حضرت احدیت و سیل
 افترا و تمت عنقریب ریشه شجره مثمره مرفوعه لا شرقیه و لا غربیه را در مطن
 و منبت اصیده اش دفعه واحده قطع و قطع نماید و سراج و تاج را کالاه
 خاموش نماید و جمعی از عشاق جمال ابھی و پرورده بی عنایت حضرت
 عبد البصیر آزاد در ممالک و دیار پریشان و ناپوس نماید و از ضراط مستقیم
 منحرف سازد و زلزله بارکان جامعه در کافه ممالک اندازد و شعله نار محبت^{تند}
 در افنده صافیه مونسین و مونسات و موقنین و موقوفات بفسد و شل
 یاران را استمان را مشتت نماید و رخنه در صفوف جنود مجتهد احداث
 کند و جنت انشاق و انشباب و تفرقه و اضحلال و انقراض گردد

هیسات هیسات " بس باطنوا و سارما حکمو اذ هم یخوضوا و یطعبوا و
 یرجوا و یرتوا حتی یقضی الله امرًا کان مفعولاً اشغالاً ظلم و اعتراف
 و تسایع محن و بلایا و اشهد اذ رزایا ادنی حلی در وحدت جمع اهل بها
 و فتوری در عزم متمسکین بعزوه و ثقی احداث نمود بلکه علت استباه
 نفس و باعث تقویت بنیه امر الله گردید و روح جدیدی در کالبد
 مروجین دین الله و مهاجرین و مجاهدین فی سبیل الله و ناشرین^{بیت} بها
 و ایادی و انمای امر الله و موسسین شریعت الله و حامیان حصن الله
 و راکبین سفینه الله بید عباد الله و اما الله فی مشارق الارض و مغاربها
 چون سدستین مقاومت یل ترقات و اباطیل و اراجیف و اکاذیب
 اولو الطغیان را نمودند و کمال جد و جهد بقلوب مطمئنه و اقدام را^{سخه}

و ارواح منجذبه و افنده مشتمله در هدایت نفوس غافل و انتشار روح
 مسکینه و ندای بملکوت سلطان احدیه و تکذیب اقاویل و ابطال دغنی
 اعتراضات جدید و قدیم و دشمنان امر رب البریه و کشف اسرار و رموز سریه
 سماویه و اثبات مقاصد صلیبیه روحانیه و رفع شبهات و توهمات نفوس
 مجتبه و اتساع نطق جامعه بجهانیه و تثبیت در ممالک و جزائر عبیده
 و فتح اقالیم غیر مفتوحه و تنفیذ نقشه بدیعه دساله پیش از پیش شمت بگماشتند
 لیثبت ماصدر من اعلم الاصلی فی الراح شتی قوله الاصلی " بالبلای اعلامه
 و سناذکره " قل البلیا وین لهد المصباح و بهایزاد و نوره ان کنتم
 من العارفین " بلانی عنایتی ظاهره ناز و نعمه و باطنه نور و رحمته "
 " بالبلای اعلامه فی القرون الماضیه سوف تجد الامر مشرقا من افق العظمت

بقدره و سلطان " " قل ان البلا ما زلما زعناه في اهلته و سوف
 تمت منه سبلات ينطق كل حبة منها انه لا اله الا هو العزيز الحكيم " "
 " قد جعل الله البلا اكليلاً لرأس البها . سوف تستضي منه الآفاق " قل
 ان القضاء مؤيد لهذا الامر و البلا معين لهذا الظهور " " انما لم نزل انفعنا
 سدرات الامر بما اعراض الدم ان انتم من العالمين " قل ان اعراض
 من كل معرض منا و لهذا الامر و به انشأ امر الله و ظهوره من العالمين " قد
 جعل الله البلا غاوية لهذه الدكرة تخضراً و ذبالة لمعصبا الذي به
 اشرفت الارض و السماء " " بظلمهم رفعنا الامر و انشأ ذكر اسم ربك في البلا
 بمعهم ظمرا لاقبال و بظلمهم طلع نية العدل تفكر و التعرفوا يا اولي الاباء
 " مرة بايدي الظالمين يرفع امره و اخرى بايدي اولياء الذين يرون

العافلون كلف تراب و يطعون بما نطق بعلم الاعلى في الافق الابهى
 قل يا هاهنا ترتفع هذه السدة بما اعز انكم ولكن انتم لا تشعرون في انفسكم و تكون
 من العافدين " لو سيرون النور في البراز يطيف من قطب البحر وينو
 انى محي العالمين " ...

ياران راستان در اين ايام انقلاب و افتنان بايد نظر را باين بيان
 صريح كه از قلم مهم معجز ششم مولاي خبير و عليم نازل متوجه سازند و در آنچه
 اجبار فرموده تمعن و تفرس نمايند قوله الاسنى " اليوم قوامى رؤى
 اديان باجمعهم متوجه تثبت انجمن رحمن و تعزيت و تحريف بيان حضرت يزدان
 است و خود مادى و ادبى و سياسى جهان از هر جهت مهاجم چه كه
 امر عظيم است عظيم و عظمت امر در انظار واضح و لائح " و ايضا سيفرا

آمر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمع مل و امم شدید
 است شدید عنقریب نعره قبائل افریکت و امریک و فریا و فرنگ و
 تاجیک و ناله هند و اُمت چین از دور و نزدیک بلند شود و کل
 جمیع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان آلهی بتاییدی
 از ملکوت ابھی بقوت ایقان و جنه عرفان و سپاه پیمان جنه
 خنالک مهزوم من الاحزاب ثابت و آشکار کنند " ملاحظه نمایند
 که بصریح عبارت میفرماید " مقاومت و مهاجمه جمع مل و امم شدید
 است شدید " و شبه ای نبوده و نیست که مقاومت یس امرای
 و هجوم بر مقدسات دین الله از طرف جمهور ماس و زمانه از ان هر دو
 در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنین از طرف روسای کناس در

دو قاره اروپا و امریک و مشرقین حضرت روح در دو قاره استرالیا
 و امریک و قطب و روسای ادیان عتیقه هند و چین در جنوب
 شرقی قاره آسیا و شرقی قضی خواهد بود شور و آشوب اخیر
 اولو الطینان در اسیم ایران بنفنه مقدمه حدوث ولوله فی اعظم و
 انقلابی اشده و سبجانی کبره در قائم سائره جهان است ریزا
 میفرماید "کل جمیع قوی بمقاومت برخیزند" و این انقلاب اعظم
 مقدمه اعلان امر الله در تمام کره ارض و غلبه بند الله و انهرام و
 انقراض اعداء الله و تبته عمومی اهل عالم و اقبال دول و امم و تحقق
 بشارت " یدخلون فی دین الله افواجا " خواهد بود ...

نفس این جهاد کبیر کبره و این قیام و خروج و جوش و خروش و

ترک اوطان و تشّت در ممالک و دیار و نصرت و ظفر در میدان مجاهدت
 و هدایت جم غفیری در ممالک و جزائر مقدّسه از جناس و طبقات و اسن
 و الوان و طوائف مختلفه متنوعه مهندسه سبیل و وسيله تسریع این اصطدام
 حیرت انگیز و جنگ و ستیز بین اصحاب سیار و یمن است چنانچه علماء
 اولیه اتساع نطاق این مبارزه در سینین اخره در قاره آفریقا و جزائر
 بعیده محیط اعظم در نتیجه مقاومت و تحریکات بهترین ظاہر و نمایان
 گشته و بدیج در اثر همت و بسالت و شجاعت و استقامت و اقدامات
 مستمره مترایده گروه مجاہدین و مهاجرین این مقاومت بسائر طوائف
 و مذاهب سرایت نماید و رعب الهی را متدرجاً در قلوب زمامداران اندازد
 و بر شدت وحدت این رزم روحانی و اتساع دائره معرکه اش بیفزاید

جمال قدم سلطان الامم و محی الرمم بسپاهیان دلیرش در این
 انقلاب عظیم کاملاً اطمینان داده و باین بیان اکل و اتم و عده نصرت
 داده قوله تبرک بر یانه " لعمری لایزل علی الاحب الایما هو خیر لهم
 یشد بذاک قلم ته المقتدر العزیز المحبوب " و ایضاً میفرماید
 انه ما قدر من قلم المقتدر لاجبانه الایما هو خیر لهم و
 سند بان یوفقم علی القبر والاصطبار لستامعتم البلیایا
 عن صراط ته العزیز لعیلم ...

ایدکم منه یا احب البهار و ایدوی امره و خلفا حبه علی ما ترفع به
 معاتکم و تهتل و جوه آبانکم و اجد ادم و قطر خفیات امر محبوبکم و مولایکم
 و تهج الویه لنصره فی بلد انکم و اوطانکم و تهتذ اروح المعربین

في ملكوت ربكم وبارئكم ، تقشعرجلوبواعدائكم ، خصمانكم ، وتحقق آمالكم و
ابدانكم في خدمته امره لا عز الا قدس الابع البديع ، تنفذ الجهاد
الاشرف الارفع الامنع الا محضم يحظير ، ولكم منى الف تحية وشاء
من هذه البقعة النور ، زادكم الله في خدمته امره ونصرته دينه وشركته
واجلالاً و قدرة و رجالات .

نوروز ۱۱۳ بیع

فهرست اعلام

الف (۱)

۲۶۲	ابراهيم زعيم
۱۰۸ - ۲۲	ابن
۲۰	ابن العربي (شيخ)
۵۲۱ - ۴۸۹	ابن خال
۳۹۹ - ۳۷۶ - ۲۰۴	ابناء خليل
۱۰۶	ابن عمران
۳۷۷	ابن ناقص اكبر
۴۵۵	ابيض
۲۵۵	اتابك اعظم (تقى سفاك)
۱۲۵ - ۱۲۲	اتابك سفاك
۵۲۷	اتلال خليل
۵۲۹ - ۵۲۵ - ۴۹۴	اتحاد شورى
۲۴۲	احسا
۲۵۴	احسن القصص
۵۱۷ - ۴۵۵	احمر
۵۴۱ - ۱۶۱ - ۱۵۵ - ۱۴۹	ادرنه
۴۱۹ - ۲۹۲	ادم
۱۲ - ۱۴ - ۱۲۰ - ۲۵۷ - ۲۰۴ - ۲۹۲ - ۲۹۴ - ۴۲۱ -	آذربايجان
۵۲۱ - ۴۸۹	
۲۵۷	اردبيل
۲۴۷ - ۲۴۴	ارجنتين (آرژانتين)
۱۶۶	ارض اخرى
۲۰۰ - ۱۹۲ - ۱۸۹ - ۱۸۴ - ۱۷۸ - ۱۷۲ - ۴۵ - ۲۶ - ۵	ارض اقلس
۲۲ - ۲۱۵ - ۲۱۲ - ۲۰۶ - ۲۰۱ - ۲۲۲ - ۲۲۲ - ۲۰۵	
۲۸۰ - ۲۷۲ - ۲۶۸ - ۲۶۵ - ۲۵۲ - ۲۴۶ - ۲۲۸ - ۲۲۲	
۴۰۶ - ۴۰۴ - ۴۰۲ - ۴۰۱ - ۳۹۹ - ۳۹۸ - ۳۹۱ - ۳۸۲	
۴۹۴ - ۴۷۸ - ۴۷۲ - ۴۵۹ - ۴۵۶ - ۴۱۲ - ۴۰۹ - ۴۰۷	
۵۵۸ - ۵۵۷ - ۵۵۶ - ۵۵۵ - ۵۲۲ - ۵۲۱ - ۵۲۰ - ۵۱۷	
۵۷۶ - ۵۷۵ - ۵۷۲	
۴۹۱ - ۳۷۲ - ۲۶۴	ارض باء
۳۹۴ - ۲۰۴ - ۱۲۵	ارض بدشت
۵۲۸	ارض حجاز
۲۸۷ - ۲۰۴	ارض خاء
۲۵۸ - ۲۱۷ - ۲۰۴ - ۱۵۹ - ۱۵۶ - ۱۴۸ - ۹۲ - ۲۲ - ۲۱	ارض سر
۴۷۰ - ۴۲۲ - ۳۹۵ - ۳۱۲ - ۲۰۸ - ۲۰۷ - ۲۰۶ - ۲۶۷	
۵۴۱	
۲۵۵	ارض شين

۲۱۹۳-۲۲۵۹-۲۲۴-۱۸۹-۱۳۷-۱۲۴-۱۱۸-۱۹	ارض طاء
- ۴۲۹- ۴۲۱- ۲۹۴- ۲۸۷- ۲۷۲- ۲۶۱- ۲۵۹- ۲۲۶	
۵۲۰- ۴۸۸- ۴۸۴- ۴۷۰- ۴۵۷- ۴۲۰	
۱۶۱- ۸۲	ارض عراق
۲۰۴	ارض مازندران
۲۸۵	ارض مقصود
۵۵۵-۴۷۹- ۴۵۷- ۴۱۹- ۲۹۹- ۲۷۶- ۲۷۸- ۹۲- ۸۲	ارض ميخاد
۵	ارض نوراء
۱۲۹	اركان دولت
۲۴۰	ارمني
۲۴۰	ارنوطی (زبان)
۲۲۵- ۱۹۶- ۱۸۸-۹۴- ۶۰- ۵۹- ۴۹- ۴۰- ۲۷- ۲۶	اروپ (اروپا)
- ۲۴۵- ۲۴۲- ۲۲۸- ۲۲۶- ۲۲۵- ۲۲۱- ۲۱۹- ۲۴۴	
- ۲۷۴- ۴۶۵- ۴۵۴- ۴۲۴- ۴۲۲- ۴۰۸- ۲۹۷- ۲۵۶	
- ۴۹۲- ۴۹۰- ۴۸۶- ۴۸۴- ۴۸۲- ۴۸۲- ۴۸۰- ۴۷۹	
۶۲۰- ۴۵۵- ۵۵۱- ۵۴۶- ۵۲۸- ۵۲۰- ۵۱۶- ۴۹۲	
۵۴۹- ۵۴۱	آريزونا
۱۵۹	اساقفه
۴۹۰- ۴۷۵- ۴۶۵- ۲۵۵- ۲۲۴- ۲۴۰	اسپانيا
۲۴۲-۲۴۱-۲۲۲- ۲۲۵- ۲۱۴- ۲۲۵- ۲۲۱- ۲۰۵- ۹۴	استراليا
- ۴۶۹- ۴۶۸- ۴۵۴- ۴۵۲- ۴۲۲- ۴۰۹- ۴۰۶- ۲۵۶	
- ۴۹۴- ۴۹۲- ۴۹۰- ۴۸۷- ۴۸۴- ۴۸۲- ۴۸۱- ۴۷۵	
۶۲۰- ۵۵۷- ۵۴۹	
۵۵۰- ۴۸۶	استكلم
۲۴۴	استوا (خط)
۵۴۶	استوني
۵۶۸- ۵۵۵- ۵۵۴- ۴۹۴- ۴۰۶	اسرائيل
۲۵۲- ۲۷۵- ۲۴۲	اسكاتلند
۵۵۰	اسكاندينياوى
۵۴۴- ۵۴۲- ۲۵۱- ۲۴۴- ۲۴۰	اسكيمو
۵۷۷- ۵۴۰- ۲۲۴- ۲۵۶- ۲۵۰- ۲۲۸- ۱۹۰- ۱۶۲	اسلام
- ۵۵۰- ۵۴۲- ۵۲۸- ۴۸۶- ۴۰۰- ۲۵۹- ۲۲۲- ۲۲۶	اسلامى
۵۷۷	
۶۱۲- ۵۵۵- ۵۲۱- ۴۰۱- ۲۸۲- ۲۵۴- ۲۲۹	اسلاميه
۴۵۵- ۵۱۷- ۵۴۲	اسمر
۴۷۲- ۴۵۵	اسود
۵۱۶- ۴۹۰- ۴۷۴- ۲۵۵- ۲۴۰	اسوج
۴۸۶	اسوجى
۲۲۴-۴۰۶- ۲۵۶- ۲۴۶- ۲۲۹- ۱۸۸- ۹۴- ۴۰- ۲۷	آسيا
- ۴۸۲- ۴۸۲- ۴۸۱- ۴۸۰- ۴۷۹- ۴۷۶- ۴۷۵- ۴۶۸	

٥٢٧ - ٥٢٢ - ٥١٦ - ٤٩٢ - ٤٩١ - ٤٩٠ - ٤٨٦ - ٤٨٤	آسيا
٤٢٠ - ٥٥٤	
١٧٢	اشراقات
٤٤٧ - ٤٤٤ - ٤٤٥ - ٤٤٤ - ٤٤٢	اشعار
٨٠	اصحاب راية البيضاء
٢٧٢	اصفهان
٥١٧ - ٤٥٥	اصغر
١٢٩	اصحاح
٥٥٥ - ١٢٩	اعراب
٥٥٤ - ٥٠٠ - ٤٢٤ - ٢٨٤ - ٢١٩ - ١٢٩	اعلى (حضرت)
٢٧	اعلى (رب)
٥٥٨ - ٥٥٥	اعلى (مقام)
٩٤	آفاق غربية
٢٢١ - ٢١٤ - ٢٥٨ - ٢٢٩ - ٢٠٥ - ٩٤ - ٤٠ - ٢٢ - ٢٧	آفريكا (آفريك)
٤٨٢ - ٤٨٢ - ٤٨٠ - ٣٧٩ - ٤٤٤ - ٤٠٤ - ٢٥٤ - ٢٢٨	
٥١٦ - ٥١٢ - ١٩٨ - ٤٩٢ - ٤٩٢ - ٤٩٠ - ٤٩٠ - ٤٨٤	
٥٥٠ - ٥٢٧ - ٥٤٤ - ٥٤٥ - ٥٢٢ - ٥٤٠ - ٥٢٤ - ٥٢٢	
٤٢١ - ٤٢٠ - ٥٧٧ - ٥٥٢	
٥٥٠	آفريقاي جنوبي
٥٥٠	آفريقاي مركزي
١٥٢ - ٤٩٠ - ٤٨٨ - ٤١٦ - ٢٤٤ - ٢٤٢	افغانستان
٢٤٢	افغانى (سيد)
١٧٨ - ٢٢	افنان
٩٤	اقاليم شمال
٢٩٤ - ٢٤ - ٢٢	اقس (كتاب)
٥٢٩	اقهانوس اطلس
٥٢٩ - ٥٢٤ - ٥١٥ - ٣٧٤	اقهانوس مند
١٢٩	اكراد
٥٤٨ - ٤٩٠ - ٢٥١ - ٢٢٠ - ٢٢٥ - ٢٢٤	آلاسكا
٢٢٤	آلبانيا
٢٢٤	آل عثمان
٢٦٥ - ٢٥٨ - ٢٤٠ - ٢٢١ - ٢١٢ - ٢٠٤ - ١٩٧ - ١٩٤ - ٤٨	آلمان
٢٢٥ - ٢٢٢ - ٢٢٢ - ٢٢٥ - ٢٢٠ - ٢١٧ - ٢١٥ - ١٢٤	
٢٥٢ - ٤٠٨ - ٤٠٤ - ٢٩٩ - ٢٩٨ - ٢٨٢ - ٢٥١ - ٢٤٤	
٤٩٤ - ٤٩٠ - ٤٨٥ - ٤٨٤ - ٤٨٠ - ٣٧٥ - ٣٧٤ - ٣٥٤	
٥٥١	
٤٠٠ - ٥٨٤ - ٥٨٤ - ٥٢٢ - ٥٤١ - ٤٢٢ - ٢٠٧	الواح
٢١٤	الواح سلاطين
١٤٠	الواح صهام
١٩٢	الواح وصايا
٤٢٧	

الف (۴)

۲۴۲	امارات كويت
۱۶۶ - ۲۷۹ - ۴۲۹ - ۵۲۱	ام الكتاب
۲۹۲	ام الكتاب دورة بيان
۵۵۴ - ۵۶۹	ام المعابد ارض اقدس
۲۲۴ - ۴۰۲ - ۴۰۵ - ۴۶۲ - ۵۱۶ - ۵۱۸ - ۵۲۰ - ۵۷۵	ام المعابدغرب
۱۵۹	اميراطورآلمان
۱۵۹ - ۲۲۴	اميراطورروس
۱۵۹	اميراطور نمسه
۱۷۸	امت يحيى
۱۰۴	امران
۴ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۱ - ۲۲ - ۴۰ - ۴۷ - ۴۸ - ۶۰ - ۹۲ - ۹۴	امريكا (امريك)
۱۸۴ - ۱۸۸ - ۱۹۰ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۲۰۴ - ۲۱۱	
۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۲	
۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۶۴ - ۲۰۸ - ۲۱۲ - ۲۱۴ - ۲۱۹ - ۲۲۰	
۲۲۷ - ۲۲۰ - ۲۲۲ - ۲۲۶ - ۲۲۸ - ۲۴۶ - ۲۵۶ - ۲۷۴	
۲۷۷ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۴۰۲ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۲۲	
۴۲۴ - ۴۵۲ - ۴۵۴ - ۴۵۹ - ۴۶۲ - ۴۶۴ - ۴۶۸ - ۴۷۰	
۴۷۲ - ۴۷۴ - ۴۷۹ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۲ - ۴۸۵ - ۴۸۹	
۴۹۰ - ۴۹۲ - ۴۹۲ - ۵۰۸ - ۵۱۶ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۱	
۵۲۲ - ۵۲۸ - ۵۴۲ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۵۲ - ۵۷۵ - ۵۷۷	
۵۸۱ - ۶۱۹ - ۶۲۰	
۱۵۹	امريك (رؤساي جمهور)
۵۵۰	امريكاي مركزي
۵۲۱	ام نقطه اولي
۵۲۲	امم متحده
۱۵	امير كبير
۲۲۱	امين
۵۴۸	آناكاسكي (مدينه)
۵۴۷	انامي (لغت)
۸۵ - ۱۰۴ - ۲۸۵ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۵۱۹	انجيل
۱۹۷ - ۲۰۲ - ۲۰۶ - ۲۱۱ - ۲۱۶ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۴۰ - ۲۶۲	انگلستان (انگليز)
۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۷۷ - ۲۹۸ - ۴۰۶ - ۴۰۸ - ۴۷۵ - ۵۴۹	
۵۵۵	
۴۲۰	انيس
۲۸ - ۲۱۲ - ۲۶۴ - ۵۷۱	آواره
۲۵۱	اوپرناريك (مدينه)
۴۵۹	اوترخنا (مدينه)
۲۲ - ۸۷ - ۱۶۶ - ۱۷۲ - ۲۰۹ - ۲۹۶ - ۵۲۸	اورشليم
۴۹۲	اوكلند
۱۶۲	اولاد افاعي
۶۲۸	

الف (۵)

۱۱۸ - ۱۲۲
 ۲۱۱ - ۱۲ - ۱۵۵
 ۵۴۵
 - ۲۴۸ - ۲۴۲ - ۲۴ - ۲۲۹ - ۲۱۵ - ۱۸۷ - ۱۸۶ - ۱۸۲
 - ۲۷۵ - ۲۷۲ - ۲۷۲ - ۲۵۴ - ۲۰۸ - ۲۰۶ - ۲۵۴ - ۲۵۰
 ۵۴۹ - ۵۴۸ - ۵۴۲ - ۴۹۱ - ۴۸۰
 ۸۲
 - ۴۸۱ - ۴۷۵ - ۴۶۶ - ۳۷۹ - ۳۵۵ - ۳۲۴ - ۲۴ - ۲۰۵
 ۵۷۷ - ۵۵۰ - ۴۹۰ - ۴۸۶ - ۴۸۵
 - ۱۱۸ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۲۱ - ۲۱ - ۱۶ - ۱۴ - ۵
 - ۱۷۸ - ۱۷۴ - ۱۶۲ - ۱۴۲ - ۱۲۶ - ۱۲۴ - ۱۲۲ - ۱۲۲
 - ۲۴۱ - ۲۲۵ - ۲۵۲ - ۲۲۹ - ۲۲۲ - ۲۲۴ - ۱۹۶ - ۱۹۲
 - ۴۶۸ - ۴۵۰ - ۴۱۹ - ۴۱۶ - ۴۰۶ - ۳۹۹ - ۳۹۶ - ۳۶۴
 - ۴۹۴ - ۴۹۲ - ۴۹۱ - ۴۸۸ - ۴۸۰ - ۳۷۵ - ۳۷۵ - ۳۷۲
 - ۵۹۲ - ۵۸۰ - ۵۵۷ - ۵۵۱ - ۵۳۵ - ۵۲۲ - ۵۱۲ - ۵۰۱
 ۶۲۰
 ۳۵۲ - ۲۴۰
 ۵۲ - ۲۰
 ۲۱۲ - ۱۹۵ - ۱۰۷ - ۹۲
 ۴۹۱

اول من آمن (مرآت اوليه)
 اهل بيهان
 اياشر (قبيله)
 ايالات متحده

ايام شداد
 ايتاليا

ايران

ايرلند

ايقان (كتاب)

ايلها (حضرت)

ايندونيزيا

ب (۱)

۱۲۵
 ۵۲۲ - ۸۸ - ۷۷
 ۱۲۱
 ۴۶۶
 ۵۴۶
 ۵۲۱ - ۴۹۵ - ۴۸۹
 ۱۴۵
 ۶۰ - ۴۰
 ۹۰
 ۱۰۸
 ۵۲۴ - ۵۱۵
 ۵۲۴ - ۵۲۲ - ۵۱۵
 ۴۹۰ - ۳۴۲
 ۱۱۹
 ۴۰۲ - ۳۷۸ - ۲۶۴
 ۲۲۰
 ۳۴۶ - ۳۱۴ - ۲۴۲ - ۲۰۵
 ۵۴۲

باب اعظم
 باب الله الاعظم
 بارفروش
 بازل
 باسك (لغت)
 باغ رضوان
 باغ نجيبه
 بالكان
 بحر الاحمر
 بحر الاعظم
 بحر شمال
 بحر متوسط
 بحرین
 بدشت
 بدیع
 بدیع بدخصال
 برازيل
 بربره (نژاد)

ب (٢)

٢٩٨ - ٢٢٢ - ٢١٧ - ٢٥٥ - ٢٠٤	برلين
٤٢٢-٤١٤ - ٤٠٨ - ٢٢٤ - ٢٢٢ - ٢٢٥ - ٢٠٨ - ٢٢١ - ١٧٢	برما
٥٧٧-٥١٤ - ٥١٢ - ٤٩١ - ٤٨٠ - ٤٧٥ - ٤٦٨ - ٤٥٤ - ٤٥٢	
٢٢٩	برماني
٤٤٤	بروكسل
٢٧٢ - ١٤٠ - ٩٢	برية الشام (برالشام)
٤٩١-٤٨٤ - ٤٨٢ - ٤٨ - ٤٧٤ - ٤٧٢ - ٤٠٤ - ٢٢٥ - ٢١٤	بريطانيا
٥٥٧ - ٥١٤ - ٤٩٤	
١٧٢	بشارت
٢٠٨ - ١٥٩	بخارقه
٥٢٨ - ٢١٠ - ١٠٩	بطحا
٤٢٢ - ٢٩٩ - ١٢٥	بغداد
٢١٩ - ٩٢ - ٤	بقعة (مباركه) بيضا
١٠٥	بقعة طور
٤٨٩	بقية البهاء
٤٩٠ - ٤٧٤ - ٤٤٤ - ٢٥٥	بلجيك
٢٢٤	بلغار
٢٤٠	بلغارى
٢٢٥	بلوچستان
٥٤٧	بلوچي (لغت)
٥٤٥	بنينگ (قبيله)
٢٩٨ - ٢٧٤	بنى اسرائيل
٥٢٨	بوتان
٤٢٠	بودا
٢٢٢ - ١٧٢	بودائي
٤٠٠	بوجهل
٥٤٤	به او (لغت)
٤٢٢ - ٢٢٤ - ١٨٧ - ١٨٤ - ٥٨ - ٥٠ - ٤٤ - ٤	بهاءالله (حضرت)
١٢٤	بهاثيان
٤٠٧	بهجي
٤٢١ - ٢٩٢ - ١٠٤	بهان
١٥٥ - ٥٧	بهان فارسي
٢٨٧ - ٢٢٠ - ٢١٤ - ٢١٢ - ١٤٠ - ١٢٩ - ٤٨ - ٢٤ - ٤	بيت اعظم
٥٥٠ - ٥١٥ - ٤٨٩ - ٤٨٤ - ٢٩٩	
١١	بيت الحرام
٥٨٤ - ٥٤١ - ٥٢١ - ٤٨٧ - ٢٩٩ - ٢٠١ - ٢٢٠	بيت العدل اعظم (بيت عدل اعظم)
٢٠٩ - ١٠٨	بيت الحم
٥٢٨	بيت المقدس
١٤٢	بيت الله
٢٤٠	بيت الله الاعظم
٤٢٠	

پ (۲)

۱۷۸	بهت عکا
۲۸۷ - ۲۶۹ - ۱۶۰	بهت مکرم

پ (۱)

۵۴۸	پاریس
۵۴۲	پاسیفیک (دریای)
۲۶۲	پاشای عدرا
- ۴۸۲ - ۴۸۰ - ۴۷۵ - ۴۶۸ - ۴۵۴ - ۴۵۲ - ۴۱۶ - ۴۰۶	پاکستان
۵۷۷ - ۵۱۶ - ۵۱۲ - ۴۹۱ - ۴۹۰ - ۴۸۸ - ۴۸۲	
۵۵ - ۴۸۶ - ۲۴۷ - ۲۴۲	پاناما
۵۴۷	پشتو (لغت)
۴۹۰ - ۴۷۵ - ۴۶۵ - ۳۵۵ - ۳۲۲	پرتقال
۵۴۹	پرنس جورج
۲۴۰	پلندی
۵۴۷	پنجابی (لغت)
۴۶۹	پنجگانی
۵۴۲	پولی نیزیا
۵۴۶	پیپه مونتی (لغت)

ت (۱)

۶۱۹ - ۲۲ - ۲۷	تاجیک
۴۲۷	تاریخ نیپل
۵۴۷	تبتی (لغت)
۵۲۱ - ۴۸۹ - ۴۲۰ - ۲۹۴ - ۲۰۴ - ۲۵۷ - ۲۵۶ - ۱۲۲ - ۵۱	تبریز
۴۶۷	تبتکانیکا
۱۷۲	تجلیات
۳۸۲ - ۲۲۹ - ۲۷	ترك
۴۲۲ - ۴۰۱ - ۲۰۸ - ۲۲۰ - ۱۷۲ - ۹۲	ترکستان
۵۱۲ - ۴۹۱ - ۴۶۹ - ۴۱۶ - ۳۲۴	ترکیه
۴۸۵ - ۴۵۴	تسما نیا
۵۲۵	تکریزیا (لغت)
۵۴۷	تو (لغت)
۳۸۵ - ۱۰۴ - ۸۵	توراب
۵۱۹ - ۲۰۸ - ۱۵۹	تورات
۵۵۰ - ۴۸۶ - ۴۶۴	تورنتو
۴۲۰ - ۳۸۴ - ۳۸۱	توقیع
۸۹	توقیع رضوان
۵۲۵	توقیع شاه
۸۸	توقیع منیع نوروز
۵۴۸	تولسون

ت (۲)

تونس
تونگا

۴۹۲ - ۲۰۵
۵۴۲

ج (۱)

جاکارتا
جاوه شی
جبال آذربایجان
جبال کردستان
جبرئیل امین
جبل البرز
جبل سینا
جبل طور
جبل کرمل
جزائر استرالیا
جزائر ایندونزیها
جزائر بریطانیا
جزائر بحر الروم
جزائر بحر شمال
جزائر پاسیفیک
جزائر پولی نزیها
جزائر فالکلند
جزائر فیلیپین
جزائر محیط اعظم
جزائر محیط شرق اقصی
جزیره اسپیتزبرگن
جزیره العرب
جزیره ایرلند
جزیره ایسلند
جزیره سلان
جزیره شیطان
جزیره فرانکلین
جزیره فرموز
جزیره کلدونیا
جزیره گرینلند
جزیره نیوزیلند
جزیره نیوفاوندلند
جمال
جمال اقدس ابهی (جمال قدم)

۴۹۱
۵۴۷
۲۵۵ - ۱۱۹
۱۲۲
۵۴۷
۲۲۴
۵۲۸
۲۲
۴۸۵-۲۷۲-۲۵۲ - ۲۲۶ - ۲۱۲ - ۲۰۱ - ۱۸۹ - ۱۷۲ - ۹۲
۵۵۷ - ۵۱۷ - ۴۸۸
۲۵۶
۴۶۹
۴۶۸ - ۴۵۴ - ۴۵۲ - ۲۴۱
۵۲۸
۵۲۸
۴۹۹ - ۱۸۸
۵۴۱
۵۲۹
۴۰۹
۶۲۱ - ۴۹۱ - ۴۷۴ - ۲۴۶ - ۲۲۲ - ۱۹۶ - ۹۴ - ۴۰
۱۹۶
۵۲۸
۵۲۸ - ۴۵۴ - ۴۱۹ - ۴۰۶ - ۲۵۱ - ۲۴۴
۴۷۵ - ۲۴۲
۲۴۴
۴۹۰ - ۴۶۸
۵۷۸ - ۵۴۰ - ۲۱۷ - ۲۶۱ - ۲۲
۵۲۹
۳۷۰
۴۶۹
۵۴۲ - ۴۶۴ - ۲۵۱
۴۹۲ - ۴۷۵ - ۴۶۹ - ۴۵۴
۴۶۴
۲۷۴ - ۲۶۲ - ۲۰۲
- ۱۱۴ - ۱۱۲ - ۱۱۰ - ۱۰۲ - ۸۴ - ۸۰ - ۵۰ - ۲۲ - ۹۱
- ۱۲۵ - ۱۲۴ - ۱۲۳ - ۱۲۲ - ۱۲۵ - ۱۱۹ - ۱۱۸ - ۱۱۵

ج (۲)

۱۳۶ - ۱۴۲ - ۱۴۸ - ۱۵۰ - ۱۶۴ - ۱۷۴ - ۱۷۷ - ۱۸۱ -
 ۱۹۶ - ۱۹۸ - ۲۰۰ - ۲۱۷ - ۲۲۴ - ۲۳۵ - ۲۵۸ - ۲۶۹ -
 ۲۷۴ - ۲۸۴ - ۲۹۲ - ۳۰۰ - ۳۰۴ - ۳۱۹ - ۳۳۴ - ۳۵۵ -
 ۳۷۰ - ۳۷۸ - ۳۸۲ - ۳۹۴ - ۳۹۱ - ۴۰۷ - ۴۱۰ - ۴۲۱ -
 ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۱ - ۴۳۴ - ۴۵۰ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۶۶ -
 ۴۷۶ - ۴۷۹ - ۴۹۵ - ۵۰۰ - ۵۱۴ - ۵۱۷ - ۵۲۰ - ۵۲۲ -
 ۵۲۴ - ۵۲۸ - ۵۲۰ - ۵۲۵ - ۵۴۰ - ۵۴۲ - ۵۵۱ - ۵۵۲ -
 ۵۶۰ - ۵۶۵ - ۵۷۵ - ۵۹۵ - ۶۱۲ - ۶۲۲

جمال القدس ابھی (جمال قدم)

جمال الحسین

جمال پروبال

جمال تہہ کار (پیر کفتار)

جمال سفاک

جمہوریات جنوبی امریکا

جمہوریات مرکزی و جنوبی قارۃ امریکا

جنوب

جوهانسبورگ

جیلبرت

ج (۱)

۵۴۶
 ۱۱۹ - ۲۹۲
 ۵۴۵
 ۵۴۵
 ۲۲ - ۴۰ - ۹۴ - ۱۹۶ - ۲۲۹ - ۲۱۴ - ۲۲۲ - ۲۶۰ - ۴۷۰
 ۶۱۹

چہ روکی (لغت)

چہریق

چہپیر (قبیلہ)

چہریمو (قبیلہ)

چین

ج (۱)

۲۵۹
 ۱۵۹ - ۲۵۹ - ۲۰۸ - ۲۳۲ - ۲۵۵ - ۴۶۶ - ۴۸۶ - ۵۵۰ -
 ۵۷۷ - ۵۵۴
 ۲۵۲
 ۱۰۲
 ۱۱ - ۲۲ - ۱۰۹ - ۱۱۸ - ۱۶۱ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۴۲ - ۵۴۱ -
 ۱۴ - ۱۳۲ - ۱۳۹
 ۲۴
 ۴۶۱ - ۴۷۹
 ۴۸۶
 ۱۱۸
 ۱۷ - ۱۲۴
 ۹۲ - ۱۶۱

حاجب غدار

حجر اعظم

حیشہ

حہیب

حجاز

حجنت (حضرت)

حدیث

حرم القدس

حرم نقطۃ اولی

حروف حی

حزب باہی

حزب شیطان

ح (٢)

١٤	حسين بشرويه
٢٥٥	حسين بركين
١١٩	حسين شقي
١١٢ - ١١٤	حضرت اعلى
١٩٠ - ٢١٢ - ٥٠١	حضرت روح
١١٨	حي (حروف)
١٩٤ - ٢٢٤ - ٢٧٠ - ٢٧٢ - ٢٧٤ - ٢٧٤ - ٢٨٥ - ٢٩٧ -	حيفا
٥٢٤ - ٥٥٥ - ٥٧٤	

خ (١)

١٢٥	خادم الله
٤٤٩	خال اعظم
١٤١	خان بربندليس
٤٢٠	خراسان
٢١ - ٦	خضم الد
٩٤	خضم الدود
٥٢٢ - ٥٢٩ - ٥٢٢	خط استرا
٢٢	خلافت عثمانيان
٢٥١ - ٢٦٤ - ٢٧٧	خلافت عظمى
٤٠٤	خليج فارس
٩٢ - ١٤٧ - ١٥٥	خليفة اسلام
٢٢ - ١٠٤ - ١٠٥ - ١٠٧ - ٢٠٨ - ٤٠٤ - ٤١٩	خليل
٤٠٠	خولى

د (١)

٥٢٢ - ٥٥٨ - ٥٢١	دارالاناربهين المللى
٥٤٢	دارالتشريع
١٩ - ٢٠ - ١٢٤ - ١٢٩ - ٢٧٢ - ٢٩٥ - ٤٢٢ - ٤٦٧ - ٥١٨	داراللام
٥٥٠ - ٥٢٤	
٢٥٥ - ٤٩٠	دانمارك
١٤٤ - ٢٩٥ - ٥٢٨	دانيال (حضرت)
١٤٤	دجال
٥٤٤	دغالى (لغت)
٥٤٩	دولا
٢٤٢	دهجى (سيد)
٤٨٤ - ٥٥٠	دهلى
٥٤٧	دياك (لغت)
٢٢٢ - ٥٥٨	ديوان عدل الهى

(۱) ذ

۱۴۲ ذبیح کعبه وفا
۲۶۰ ذئب

(۱) ر

۴۵۷ - ۴۲۴ - ۴۲۲ - ۱۱۹ رب اعلى
۸۴ رحيق المختوم
۱۷۲ - ۱۲۶ - ۱۷ رساله ابن ذئب
۱۴۰ رساله ملوك
۴۲۹ - ۳۴۲ رسول اکرم (حضرت)
۲۷۲ رضوان ۱-۵
۴۶۵ رضوان بين النهرين
۲۶۰ رقتاء
۱۷۲ رسم مطهر
۵۵۶ - ۴۰۱ - ۳۷۸ - ۲۴۱ رمسين اطهرين
۵۴۸ رنکورج (مدينه)
۶۲۰ - ۵۴۲ - ۵۲۷ - ۴۵۷ - ۴۱۹ - ۱۰۹ - ۱۰۴ - ۱۰۲ روح (حضرت)
۱۰۲ روح الامين
۳۳۳ - ۳۱۷ - ۲۶۵ - ۲۴ رؤس
۱۵۹ - ۹۲ رؤسای بيان
۲۴۰ روسی
۵۵۵ - ۳۶۷ - ۲۱۱ روضه مبارکه
۴۲۲ روم
۳۳۴ رومانیا
۱۴۷ رومیلی
۵۵۴ - ۵۵۰ - ۴۸۶ - ۳۵۵ - ۳۳۳ - ۲۵۹ روميه
۴۹۲ رهودوز انيرو
۳۰۸ - ۱۵۹ رهبان
۲۶۱ رئیس الظالمين

(۱) ز

۵۳۴ زردبوستان
۱۴۹ زردشت
۳۳۳ - ۱۷۲ زردشتی
۲۱۰ زعيم ثانی
- ۴۲۹ - ۳۹۴ - ۳۰۴ - ۲۵۵ - ۱۲۹ - ۱۲۲ - ۱۲۰ - ۱۴ زنجان
۴۳۰
۳۳۳ زنگی
۵۳۳ - ۲۴۴ زنگيان
۱۴۵ زورا
۵۴۵ زولی (قبيله)

ز (٢)

٥٢٨ زبیتا
٥١٩ زبور

ز (١)

٥٤٨ - ٤٩١ - ٢٤٠ - ٢١٤ - ١٩٤ - ٩٤ زاپان
٢٢٩ زاپانی

س (١)

٥٢١ - ٢٩٨ سالار اعظم
٢٠١ سالارغدار
٢١٠ سالار نقض
٥٤٢ - ١٥٠ سامری
٤٨٤ سانتیاگو
٥٤٨ سان دیکو
٥٤٥ ستوانو (قبیلہ)
٤٤٥ ستیلوارتر (قبیلہ)
١٩٥ سجن
٢١٨ سجن آذربایجان
٤٢٥ - ٤١٠ - ١٢١ سجن ارض طا
٢٤١ - ٢٢٥ - ٢٢٢ - ١٧٥ - ١٤٤ - ٩٢ - ٤٢ - ٢٤ - ٢٢ سجن اعظم
- ٤٢٢ - ٤٠٧ - ٢٩٤ - ٢٨٢ - ٢٧١ - ٢١٢ - ٢٠٨ - ٢٠٥
٥٧٨ - ٥٤٠ - ٥٢٧ - ٤٥٧
٥٥٢ - ٥٢٠ - ٥٢١ - ٤٨٩ - ٢٧٤ - ٢٢٧ - ٢٢٩ سجن اکبر
٥٢٤ سجن ماکو
٢٠٥ - ١٢٢ سجن مظلم
١٠٥ سدرۃ السبنا
٨٢ سرالتنکيس لرمزالرشيس
٢٢٤ سرب
٢٤٠ سربی
٤ سردارنقض
٥٤٥ - ٥٢٤ سرخ بوستان
٥٤٢ سرخ بوستان آمربک
٤٤٩ سروک (اقلیم)
١٤ سعید
١٢١ سعید العلماء
٤٥٠ سعیدخان (میرزا)
٢٥٤ سعیدشقی
٤٢٧ سقرحضرت دانیال
٢٤٠ - ١٥٥ - ١٤٧ سفیرعجم
١٥٥ سفیر ملک پاریس

س (٢)

٨٧	سفينة الاحكام
٥٤٥	سكنيين (ايلات)
٢٥٧ - ٢٢ - ١٦ - ١٢	سلطان ايران
١٩٥	سلطان جبار
٢٢٢ - ١٩٥ - ١٦٢ - ١١٨	سلطان عثمانيان
١٢٢	سلطان عجم
٥٤٢	سليمان
٢٠٠	سليمانيه
٥٤٥	سنبل (قبيله)
٤٠٠ - ٢٢٤ - ٩٥	سنت وجماعت
١٢٠	سنة تسع
١٥٩	سني
٥٤٤	سوتو (لغت)
- ٤٥٢ - ٤٢٢ - ٤١٦ - ٤٠٤ - ٢٤٤ - ٢٥٢ - ٢٠٨ - ١٦	سودان
٥١٢ - ٤٩٢ - ٤٤٨ - ٤٨٤ - ٤٨١ - ٤٥٤	سورة رثيس
١٦٠	سورة نحصن
١٦٠	سورة ملوك
٢١٦ - ٢٠٧ - ١٥٦	سورة هيكل
٤٤٠	سوريه
٥١٢ - ٤٢٢ - ٤١٩ - ٢٤٤	سوسو (لغت)
٥٤٤	سورا (لغت)
٤٩١	سويس
٤٩٠ - ٤٨٥ - ٤٨١ - ٤٧٥ - ٤٤٤ - ٢٥٥ - ٢٠٥	سهام
٤٤٩	سها
١١٠	سهاه چال
٤٢٧ - ١٢٤	سهداصفهاني
٢٤١	سهدلثيم اصفهاني
١٢٥	سهد مرفوع
٤٢٤	سهنقاپور
٤٤٩	سهنني
٥٤٩ - ٤٨٧	

ش (١)

٢٢٨ - ٢٠٨ - ٢٤	شام
١٢٥	شاه
١٧٤ - ١٥٥ - ١١٨	شاه ايران
١٢٩	شاهزادگان
٢٤٢	شاه عبدالعظيم
٢٠	شاه غدار
٤٤٩	شبه جزيرة مليا

ش (۲)

۶۰۰	شداد
۶۲۰ - ۵۲۴ - ۴۲۲	شرق اقصی
۱۱۸	شريف مكه
۲۴۲	شط العرب
۴۰۴	شعاع پرتبناه
۶۰۴ - ۴۴۱ - ۲۹۰ - ۲۹	شعر
۴۰	شمال
۶۰۰	شمر
۱۲۶	شهران
۴۵۰	شيخ ابن العربي
۴۲۴	شيخ اجل احسائي
۲۵۶	شيخ الاسلام
۱۴۱	شيخ خبيث
- ۲۸۷ - ۲۰۲ - ۲۰۱ - ۲۶۹ - ۲۱۷ - ۱۶۵ - ۱۱۸ - ۱۱	شيراز
۵۲۱ - ۴۸۹ - ۴۲۰ - ۲۹۲	
۲۲۴ - ۲۲۰ - ۱۵۹	شيعة
۹۱	شيعة اثني عشرية
۲۱۶	شيعيان
۱۹۶	شيكاهو
۴۸۶ - ۲۴۷ - ۲۲۰	شيلي

ص (۱)

۷۷	صاحب الزمان
۱۹۴	صحراى فيزان
۱۷۶ - ۸۶	صحيفة الحمراء
۱۴۰	صحيفة فاطمية
۱۵۵	صدر اعظم عثمانى
۲۱۹	صلح اصغر
۱۵۴ - ۸۲	صلح الاعظم
۵۶۲ - ۲۵۸ - ۲۰۹ - ۱۷۲ - ۱۰۹ - ۲۹ - ۲۲	صهيون

ط (۱)

۱۲۴	طائفة بابيه
۹۱	طائفة شيخيه
۸۲	طاغوت
۲۵۶ - ۱۲۰ - ۱۵	طاهره
۴۱۰	طاهره زكبه
۱۲۴	طاهره مطهره
۱۷۲	طرازات
۲۶۰	طف (ظالم ارض)
۵۵۲ - ۲۵۶ - ۱۲۰ - ۱۲۲ - ۱۱۰ - ۱۰	طلعت اعلى

ط (٢)

٢٥٦	طلعت قدوس
٨٤	طلعة الاولى
١٠٨ - ١٠٢	طور
١١٠	طور الاكبر
٢١٠	طور سينا
٥٢٨	طور فاران
٨٢	طور بون
٨٢	طهور ليل
٢٠٢-٢٥٦ - ٢١٧ - ١٧٢ - ١٢٥ - ١٢٦ - ١٢١ - ٢٤ - ١٧	طهران
٥٥٢-٥٢١-٤٩٢-٤٨٩ - ٤٢٨ - ٤٢٥ - ٤٢٠ - ٢٩٤ - ٢٧٢	

ع (١)

٤٠٠	عالم عربي
٢٥٨	عالي
١٧٤ - ١٣٧	عالي پاشا
١٩٤-١٩٠ - ١٧٨ - ١٤١ - ٦٤ - ٦٠ - ٥١ - ٥٠ - ٢٢ - ٨	عبدالبهاء (حضرت)
- ٢٩٧ - ٢٧٤ - ٢٧٢ - ٢٦٩ - ٢٠٠ - ٢٤٢ - ٢٢٦ - ٢١٥	
٦١٤ - ٦٠٩ - ٥٦٥ - ٥٢٨ - ٤٦٢ - ٤٠٤	
٢٥٩	عبدالحسين (شيخ)
٥٤٠ - ٢٩٧ - ٢٧٤ - ٢١٢ - ٢٦٢ - ١٩٠ - ٢٥	عبدالحميد
٢٦٠ - ١١	عتبات
١٧٤	عثمان (سلطان آل)
٢٠٤	عثماني
١٢٠	عثمانيان
٢١	عثمانيان (خلافت)
١٥٠	عجل
٢١	عجل سامري
٢٨٢ - ٢٠٦	عجم
٢٤٢	عدن
١٤٢ - ١٢٨ - ١٢٥ - ١٢٤ - ١٢٢ - ٩٢ - ٥٠ - ٢١ - ١٩	عراق (عرب)
- ٢٥٥ - ٢٢٩ - ٢١٧ - ٢١٢ - ٢٠٤ - ١٧٢ - ١٦٢ - ١٥٠	
- ٢٥٢ - ٢٤٢ - ٢٤١ - ٢٢١ - ٢٢٨ - ٢٢٥ - ٢١٩ - ٢٠٨	
- ٤١٦ - ٤٠٨ - ٤٠٦ - ٢٩٩ - ٢٩٦ - ٢٩٤ - ٢٨٧ - ٢٦٤	
- ٤٩١ - ٤٨٨ - ٤٨٤ - ٤٨١ - ٤٧٥ - ٤٥٢ - ٤٤٩ - ٤٢٢	
٥٥٠ - ٥٤١ - ٥٢٥ - ٥٢٢ - ٥١٢ - ٤٩٤ - ٤٩٢	
٢٨٢ - ٢٢٩ - ٢٠٦	عرب
٥١٢ - ٤٩٨ - ٤٩١ - ٤١٦ - ٢٦٤ - ٢٤٢ - ١٩٦	عربستان
٥٧٨ - ٥٥٠ - ٤٨٦ - ٢٥٩ - ٢٢٦	عربي
١٢٥	عزيز (سيد كاتب وحى)
٢١٨	عصر تكوين

ع (٢)

٢١٨	عصر رسولي
٢٢٤ - ٢٠١ - ١٩٤ - ١٧٥ - ١٧١ - ٩٢ - ٢٢ - ٢٠ - ٦	عكا (مرج)
٢٧٤ - ٢٧٢ - ٢٧٢ - ٢٧٠ - ٢٢٧ - ٢٠٦ - ٢٧٨ - ٢٤٢	
٥١٧ - ٤٨٨ - ٣٧٩ - ٤٤١ - ٤٠٧ - ٢٩٦ - ٢٨٥ - ٢٧٨	
٥٧٦ - ٥٥٧ - ٥٥٥ - ٥٢٧ - ٥٢٠	
٣٧٠ - ٣٢٢ - ٢٥٨ - ٢٠٤ - ١٧٤ - ١٤٢	عكا (حصن)
١٥٩ - ١٢٩	علما (اسلام)
٢٤٢	عمان
٤٤٤ - ٢٩٠	عندليب
٥٢٨ - ٢٦٧ - ٢٢٢	عيسى (حضرت)
٢٩٢	عيسى بن مريم

ع (١)

٥٢٤	غرب القصى
١٤٢	عصن ابهى
١٨٢ - ١٧٧	عصن اكبر
٢٧٨	عصن اطهر
٤٤٨ - ٣٢٥ - ٢٩٦ - ٢٨٢ - ٢٢٤ - ١٧٤ - ١٧٢ - ١٤٤	عصن اعظم
٣٧٧ - ٤٤٢ - ٤٥٨ - ٤٥٧	
٢٩٨	عصن افخم
- ٥٤٤	عصن الله الاطهر
٢١١ - ١١٢ - ٨٨ - ٧٩	عصن الله الاعظم
٥٤٥ - ٤٨٩	عصن شهيد

ف (١)

٤٢٠ - ٢٩٢ - ٢٠٢ - ١١٨ - ٩٢	فارس
٢٤٤ - ١١٢	فاثق ارمنى
٨٢	فتنة العمياء
٢٠	فتوحات كليه
٢٠٥	فخرمبلغين ومبلغات
٢٤٠	فرانسوى
٥٤٨ - ٤٩٠ - ٣٧٥ - ٢١٥ - ٢١٤ - ١٩٧	فرانسه
٤٩٢ - ٣٨٥	فرانكفورث
٥٤٨	فرزنو (مدينه)
٤٠٠	فرعون
٥١٩ - ١٠٤ - ٨٥	فرقان
٤٤٧ - ٤٥٤	فرقانى
١١٨	فرقانيه
- ٢٧٧ - ٢٤٥ - ٢١٧ - ٩٢ - ٤٤ - ٤٢ - ٢٩ - ٢٢ - ٢٧	فرنگ
٤١٩ - ٢٩٨ - ٢٢٤	

ف (٢)

٥٧٢	فريد
٨٢	فزع الاكبر
٥٧٢	فلاح
٢٢٤ - ٢٢٢ - ٢١٢	فلسطين
٤٤٤	فلورانس
٥٤٥	فلوريدا
٥٤٤	فله مي (لغت)
٢٥٨	فواد
١٧٤ - ١٤٧	فوادپاشا
٢٥٧	فوج ناصري
٤٩١	فيجي
٥٤٠	فيزان
٢٥٤	فيون
٤٩٠ - ٤٧٥	فينلانڊ
٢٤٠	فينلندي

ق (١)

٤٠٠	قابيل
٢٢٤ - ٢٤٥ - ٩٢	قاجاريه
١٨٢	قارة اروپ
٢٠٥	قارة جنوبي امريكا
٥٥٠ - ٤٩٢ - ٤٨٨ - ٤٨٤ - ٢٤٠ - ٢٢٧ - ٢٢٧ - ٢١١	قاهره
٤٢٠ - ١٥٤ - ١١٨ - ٨٢ - ٥٢ - ١١	قائم (موعود)
٥٢٧	قبلة اهل بهاء
١٢١	قدوس (اسم الله الاخر نقطة اخرى)
٢٤٩ - ٢٠٩ - ٢٨٥ - ١٢٨ - ١١٢	قرآن
١٢٤	قزوين
٥٠٢	قسطنطين كبير
٢٠٨ - ١٥٩	قيس
٤٠٧ - ٢٩٤ - ١٤٢	قشلة نظام
٢٢٤ - ١٧٢	قصر رفيع (جمال قدم)
٤	قصر مبارك
٥٥٥ - ٤٠٧	قصر مزرعه
٤٠٠ - ٢٩٤	قصر مشهد
١٢٧	قصيدة ورقائيه
٥٢٤ - ٢٤٤	قطب شمال
٥٢٢	قطبين شمال وجنوب
٤٢٢ - ٤٠١ - ٢٠٨ - ٢٢٠ - ١٤٠ - ٩٢	قفقازيا
١١٩	قلعة ماكو
٢٤٨ - ١٤٩ - ١٤٠ - ١٢٤ - ١٢١ - ١٢٩ - ٤٢	قلم اعلى
٤٤٨ - ٢٤٧ - ٢٤٩	
٤٤١	

۱۱۰ - ۱۱۸ - ۱۵۶ - (۲۵۱ - ۲۵۷ - ۲۰۴ - ۲۱۴ - ۲۷۲)
۵۱۷ - ۵۲۵ - ۵۶۱

ک (۱)

۴۸۸	کابل
۱۷۸ - ۱۵	کاتب وحی
۵۷۷ - ۱۴۱	کاظمین
۵۴۸	کالیفرنیا
۴۶۷ - ۴۷۲ - ۴۸۶ - ۴۹۱ - ۵۵۵	کامبلا (کمپالا)
۱۸۷ - ۱۹۸	کانادا
۵۶۸	کتاب اشعیا
۸۷ - ۸۸ - ۱۶۶ - (۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۸۵ - ۲۰۴ - ۲۱۸ - ۲۱۹)	کتاب اقدس
۲۲۷ - ۲۲۲ - ۲۶۵ - ۲۷۸ - ۲۰۰ - ۲۰۲ - ۲۰۹ - ۲۱۶	
۲۱۸ - ۲۲۹ - ۲۵۹ - ۲۹۶ - ۴۰۱ - ۴۸۸ - ۵۲۹	
۴۸۲	کتاب انجیل
۱۲۱ - ۱۲۶ - ۱۴۰ - ۲۴۰	کتاب ایقان
۱۶۰	کتاب بدیع
۴۹ - ۲۴۲	کتاب بهاء الله و عصر جدید
۱۱۹ - ۱۶۷ - ۲۱۸	کتاب بیان
۲۴۲ - ۲۵۸	کتاب دانیال
۱۹۹	کتاب سفرنامه
۱۶۰ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۲۰۲	کتاب عهد
۱۸۴	کتاب قیوم الاسماء
۱۴۲	کتاب نبیل اعظم
۲۱۹ - ۲۰۲ - ۴۱۷ - ۵۰۵ - ۵۲۱ - ۵۶۲	کتاب وصایا
۴۸۸	کراچی
۱۲۵ - ۱۴۲ - ۴۶۴	کربلا
۵۷۷	کربلا معلی
۲۹۴	کردستان
۲۴۰	کردی
۹۴	کرم الہی
۲۷۲	کرمانشاهان
۱۰۹ - ۱۹۵ - ۲۰۹	کرمل
۵۴۲	کرولین
۳۷۰	کرہ
۵۴۶	کرہ بو (لغت)
۲۸	کریم
۲۰	کریم انیم
۲۵۷	کریم زہیم
۵۴۵	کستاریکا
۱۲۱	کل الطعام (آیت مبارکہ)
۶۴۲	

ك (٢)

١٧٢	كلمات
٢٤٠	كلمات مكنونه
- ٢٧٤ - ٢٠٨ - ٢٠٤ - ١٠٩ - ١٠٧ - ١٠٤ - ١٠٢ - ٢٢	كليم
٥٤٢ - ٥٢٨ - ٤١٩ - ٤٠٤ - ٢٩٩	
٥٧	كليم (موسى)
٥٥٤ - ٤٥٤ - ٢٢٢ - ١٧٢	كليمى
٥٥٥ - ٢٢٤	كليميان
٥٤٩	كليموند
٤٠٤ - ٢٩٩ - ٢٤٩ - ٢٢٢ - ٢٢٥ - ٢١٥ - ٢٢٢ - ٢٢١ - ٤٥	كندا (اقليم)
- ٢٨٤ - ٢٧٥ - ٢٧٤ - ٢٧٢ - ٢٤٢ - ٢٥٤ - ٢٥٢ - ٢٠٨	
٥٥٧ - ٥٤٩ - ٥٤٤ - ٥٤٢ - ٥٤٢ - ٤٩٤ - ٤٨٤	
٥٤٩	كنوشا
٤٤٨	كنيا
٥٤٧	كوارانى (لغت)
٥٤٢	كوك
١١	كوفه
٥٤٧	كولو (لغت)
٥٤٥	كپكا (قبيله)
٥٤٤	كپله (لغت)

ك (١)

٥٤٤	كاوشوناد (لغت)
٥٤٧	كرجى
١٢	كركين
٥٤٤	كربلند

ل (١)

٥٢٨	لبرادر (اقليم)
٥١٢ - ٤٢٢ - ٤١٤ - ٢٤٤	لبنان
١٢	لرستان
٥٤٤	لپاكه (لغت)
٥٤٤	لپتا (قبيله)
٤٢٢	لندن
- ٧٢ - ٤٩ - ٤٤ - ٤٤ - ٤٢ - ٤٠ - ٥١ - ٤٤ - ٢٨ - ٨	لوح
- ٢٩٠ - ٢٨٤ - ٢٨٤ - ٢٤٤ - ١٩٩ - ١٨٨ - ١٨٧ - ١٨١	
- ٤٢٥ - ٤٢٤ - ٢٤٧ - ٢٤٠ - ٢٥٧ - ٢٤٢ - ٢٩٨ - ٢٩١	
- ٥٤٤ - ٥٤٥ - ٥٤٤ - ٥٥٩ - ٥٤٤ - ٥٠٨ - ٤٢٢ - ٤٢٧	
- ٥٩٥ - ٥٩٤ - ٥٨٢ - ٥٨٢ - ٥٨١ - ٥٧٩ - ٥٤٨ - ٥٤٧	
- ٤١٨ - ٤١٤ - ٤١١ - ٤٠٩ - ٤٠٨ - ٤٠٤ - ٤٠٤ - ٥٩٨	
٤٢٢	
٤٥	لوح القدس
٤٤٢	

ل (۲)

۲۶۰	لوح برهان
۶۸	لوح پنج شمع
۱۷۶	لوح رویا
۱۶۲ - ۴۰	لوح رئیس
۷۴	لوح قرن (احیای شرق نوروز ۱۰۱)
۵۶۰ - ۵۵۴ - ۵۲۸ - ۲۸۸ - ۲۸۶ - ۲۷۸ - ۲۷۰ - ۲۴۲ - ۱۷۲	لوح کرمل
۱۲۷	لوح کل الطعام
۱۲۷ - ۱۲۶	لوح مریم
۴۹۰ - ۴۷۴ - ۴۶۶ - ۴۶۵ - ۲۵۵	لوکسمبورگ
۴۶۸	لیبریا
۴۶۷	لیبیا
۵۴۷	لیچاویانی (لغت)
۱۶۴	لیمان

م (۱)

۴۶۵	مادرید
۵۸۱ - ۴۵	مارشاروت (میس)
۵۴۲	مارکزا
۴۲۹ - ۳۹۴ - ۳۹۲ - ۲۵۶ - ۲۵۵ - ۱۲۹ - ۱۲۲ - ۱۲۰ - ۴۱	مارندران
۴۴۹	ماکو
۲۸۱	مالتی (لغت)
۵۴۶	ماوراء النجار
۱۸۲ - ۴۰	ماوری
۲۴۰	مایکرونیزیا
۵۴۲ - ۵۴۱	مبشر اعظم
۱۹۸	مبشر فریدش
۹۴	مبشرین ملت روح
۹۲	مجد
۵۷۸	مجمع الجزایر نواموتو
۵۴۲	مجوس
۱۵۹	محبوب ابهی
۱۲۸	محفظه آثار بین المللی
۴۸۸ - ۴۰۰ - ۲۲۲	محکمه کبری
۲۵	محمد بن عبدالله
۴۲۲ - ۲۹۲	محمد رسول الله
۲۲۸ - ۱۸۱ - ۱۰۶ - ۱۰۴ - ۱۰۲ - ۵۷	محمد شاه
۲۸۱	محمدی
۲۲۲	محمدیه
۵۲۸ - ۲۲۶	محمره
۲۵۷	محمود
۲۵۶	

٥٢٤ - ٥١٤ - ٢٢٢	محيط اطلس
٥٢٧ - ٥١١ - ٥٢٩ - ٥٢٤ - ٥١٤ - ٢١٢ - ٢٧٤ - ٢٤٩	محيط اعظم
٢٧٨	مخدرة كبرى ام حضرت عبدالبهاء
٥٢٧ - ٢٢٨ - ١٨٤	مسيح (حضرت)
٥٢٤ - ٢٤٧ - ٢٥٤ - ٢٢٢	مسيحي
٢٢٤ - ١٩٠	مسيحيان
٥٧٧ - ٥٥٤ - ٥٥٠ - ٥٢٢ - ٥٠٢ - ٢٨٧ - ٢٥٤	مسيحيه
١٢٩	محي انام
٤٢	مدينه (رساله)
- ٢٩٥ - ٢٨٧ - ٢٥٩ - ٢٢٠ - ٢٢٤ - ٢١٧ - ٢١٢ - ١٢٩	مدينة الله
٥٥٠ - ٥٢١ - ٢٨٩ - ٢٨٨ - ٢٨٤ - ٢٢٢	مدينة الله دارالسلام
٢٠٤	مدينة بهيه
٢٢٢	مدينة بيضاء
١٨٩	مدينة بيضاء (منوره)
٥٢٨ - ٢٧٩ - ٢٧٨	مدينة طهران
١٢٥	مدينة عشق
٢٧ - ٢٥ - ١٩٥ - ١٩٨ - ٢١٤ - ٢٤٩ - ٢٥٩ - ٢٩٧ - ٢٠١	مدينة عكا (محصنه)
١٥٩ - ١٩١ - ٢٠٧	مدينة كبيره
٢٢ - ٩٢ - ١٤٥ - ١٤٧ - ١٤٩ - ١٥٥ - ١٩٤ - ٢٠٤ - ٢٥٨	مدينة مجلانيس
- ٢٩٥ - ٢٧٤ - ٢٧٢ - ٢٢٤ - ٢٢٢ - ٢١٦ - ٢٠٨ - ٢٠٤	مرآت ازليه
٢٩٧ - ٢٢٢ - ٢٥٠ - ٢٤٩ - ٥٧٨	مركز ميثاق
٢٢٤ - ٢٢٠ - ٢٢٧ - ٥٢٩	مركز نقض
١٢٥	مجرى
- ٥٧٢ - ٥٢٧ - ٥٢٥ - ٢٠١ - ١٨٩ - ١٧٧ - ١٢٤ - ١٢٥	مجرستان (مجارستان)
٢٢٤	مجوس
١٨٢ - ١٩١	مساكن (قبيله)
٢٤٠	مسجد اقصى
١٩٨ - ٢٠٥ - ٢١٤ - ٢١٥ - ٢٢٤	مسلمان
٢٠٨	مشارك اذكار
٥٢٥	مشرق الاذكار
١١٠ - ١١٢ - ٢١٠ - ٢٤٧ - ٥٢٨	مشرق الاذكار امريك
٥٢٤	مشرق الاذكار ايران
٢٨٥	مهر
- ٢٥٩ - ٢٢٤ - ٢١٤ - ٢٤٥ - ٢٢٠ - ١٩٤ - ١٩٥ - ٢٧	
٢٨٧ - ٢٩٩ - ٥٥٢ - ٥٤٩	
١٩٨	
٢٢٤	
٢٤ - ٢٩ - ٩٢ - ٩٥ - ١٤٠ - ١٤٢ - ١٩٧ - ٢٠١ - ١٢١	
٢٢٥ - ٢٢٤ - ٢٢٧ - ٢٢٢ - ٢٠٨ - ٢١٩ - ٢٢٠ - ٢٢٥	
٢٢٨ - ٢٥٢ - ٢٤٤ - ٢٧٤ - ٢٩٩ - ٢٠٠ - ٢٠٤ - ٢٠٩	
٢١٢ - ٢٢٢ - ٢٥٢ - ٢٥٤ - ٢٤٨ - ٢٧٢ - ٢٨١ - ٢٨٤	

٥٧٧ - ٥٥٠ - ٥١٢ - ٤٩٢ - ٤٨٨ - ٤٨٦	مصر
٢٠٨ - ١٥٩	مطارد
٤٢٢ - ١٧٩ - ١٦٧	مكاشفات يوحنا
٢٤٢	مكزيك
٥٤٥	مكسيك جديد
٥٧٧	مك
٩٤	معبد اعظم
٤	معبد أمريكا
٤٠١ - ٤٠٠ - ٢٩٧	معبد بهائي
٤٥٩ - ٤٠٨	معبد جبل كرميل
٥٢٨	معبد سليمان
١٠٤ - ١٠٢	معراج (محمد)
١٢	معتد
٢٤٠	مفاوضات
٤٨٨ - ٤٠٩ - ٢٢٢	مقام اعلى
٥٢٧ - ٢٧٠ - ٢٤٧	مقام ايليا
١٥٩	ملاً انجيل
٥٤٤	ملاكس (لغت)
١٥٩	ملت روح
٢٥١	ملت كلبيم
٩٢	ملت فرقان
١٢٥	ملك ايران
٢٢٢ - ٢٥٨	ملك باريس
٢٢٢	ملك عجم
٢١٧	ملك عجم ناصرغدار رئيس القالمين
٢٧٧ - ٤٤	ملكه
٢٢٤	ملكة انگليز
٥٢٨	ملكة كرميل
٢٢٨ - ٤٧	ملكه (علياحضرت)
٤٠١	ملكه رومانيا
١٥٩	ملكة لندن
٥٢٨ - ١١	ملكة مكرمه
٩٤	ملكة معظمه
٢٢٤	ملكة نيك طينت
١٥٥	ملوك ارض
١٨٥	ملوك أمريكا
٢١	ملوك قاجار
١٥٥	ملوك مسيحيه
٩٤	ممالك جنوبيه
٧٥	ممالك شرقيه

م (۴)

۵	ممالك فرنك
۹۲	ممالك عثمانيان
۵۷۶	ممالك متحدة امريك
۵۴۵	ممبرو (قبيله)
۴۲۷-۴۲۶-۲۷۵ - ۲۷۰ - ۲۰۲ - ۱۷۹ - ۱۶۵ - ۵۵ - ۲۴	مناجات
۲۷۷	مفدوب سامي
۵۴۷	مفنى پورى (لغت)
۴۲۲ - ۴۲۱ - ۱۲۵ - ۱۱۹ - ۷۶	من يظهره الله
۲۲۲	موسوى
۲۹۲	موسى بن عمران
۱۰۵	موسى كلیم
۵۴۷	موهوك (لغت)
۴۸۵ - ۴۵۴ - ۴۵۲ - ۴۲۲ - ۲۸۷	مهدامرالله
۲۵۹	مهدى
۷۷	مهدى منتظر
۵۴۹	مى
۵۴۷	مهاكيچه (لغت)
۵۴۲ - ۵۴۱	مهلانيزيا

ن (۱)

۲۲۲	ناپلئون
۱۵۵	ناپلئون سوم
۱۷۲	ناصرالدين ظالم
۲۶۱	ناصرجاشر (ظالم عجم)
۲۱۷ - ۱۵۰ - ۲۱	ناقى اعظم
۲۲۰	ناقى اكبر
۲۰۰	ناقض انبى
۴۶۲-۴۰۴-۲۹۹ - ۲۵۲ - ۲۲۷ - ۲۲۰ - ۲۶۲ - ۲۲۲ - ۴۲	ناقض اكبر
۵۲۲	ناقضان
۱۴۹	ناقض عهد
۲۰۶	ناقضين
۸۷	ناموس اكبر
۵۴۹	ناپليز
۴۵۰ - ۴۴۲ - ۱۲۶	نابيل اعظم
۴۶۹	نہال
۵۷۷ - ۱۴۲	نجف اشرف
۱۶۲	نصارى
۴۹۰ - ۴۷۴ - ۲۵۵	نروج
۲۴۰	نروجى
۸۲	نقى الناقى

ن (۲)

۱۴۶ - ۱۳۵ - ۱۳۱ - ۱۲۹ - ۱۱۴ - ۱۰۶ - ۷۷ - ۵۶ - ۱۷	نقطه اولی
- ۲۵۱ - ۲۴۵ - ۲۳۲ - ۱۹۵ - ۱۸۹ - ۱۸۴ - ۱۶۷ - ۱۵۱	
- ۳۱۲ - ۳۰۷ - ۳۰۰ - ۲۹۶ - ۲۸۲ - ۲۶۱ - ۲۵۷ - ۲۵۵	
- ۲۷۴ - ۲۶۹ - ۲۶۴ - ۲۵۹ - ۲۴۲ - ۲۳۶ - ۲۳۲ - ۲۱۴	
- ۵۱۶ - ۴۷۲ - ۴۵۹ - ۴۴۸ - ۴۲۰ - ۴۱۰ - ۳۹۴ - ۳۹۰	
۵۹۲ - ۵۶۴ - ۵۶۱ - ۵۳۷ - ۵۲۶ - ۵۲۴ - ۵۱۷	
۴۸۹	نقطه اولی (ام)
۴۸۹ - ۳۱۷ - ۱۳۹ - ۱۳۴ - ۱۱۳ - ۱۰۴ - ۸۲	نقطه بیان
۴۳۰	نقطه جدید
۶۰۰	نصرد
- ۲۵۱ - ۲۳۲ - ۲۱۷ - ۲۱۵ - ۲۱۴ - ۲۶۵ - ۲۰۴ - ۱۹۷	نصه
۴۹۰ - ۴۸۴ - ۴۸۰ - ۴۷۵ - ۴۵۴ - ۳۹۸	
۵۴۵	نوادا
۵۴۵	نواحو (قبيله)
۶۲۳	نوروز ۱۱۳
۵۲۷ - ۳۳۷ - ۳۰۹ - ۳۲۴ - ۱۷۲ - ۱۰۸	نهر اردن
۴۲۴ - ۱۲۶ - ۱۷	نیاوران
۵۲۸	نیبت
۱۵	نیر آفاق
۴۳۰ - ۴۲۹ - ۳۹۴ - ۳۰۴ - ۲۵۵ - ۱۳۹ - ۱۳۲ - ۱۲۰ - ۴۱	نیریز
۵۴۷	نیکوباری (لغت)
۵۴۹	نیوتن
۴۸۴ - ۴۸۱	نیوزیلند

و (۱)

۵۴۷	واترلو
۹۲	وادی نیل
۵۴۵	واشنگتون
۴۸۹	والدجمال قدم
۵۴۵	ویاندوت (قبيله)
۱۳۹ - ۱۲۱ - ۱۴	وحید (حضرت)
۴۴۵	ورقا
۵۶۸ - ۵۶۵ - ۵۵۶ - ۴۸۹ - ۳۷۸ - ۱۷۸	ورقة علیا (حضرت)
۲۴۲	ورقة علیا (مخدره کبری ام حضرت عبدالیهاء)
۱۱۸	وزیر اعظم
۱۵۹	وزیر خارجه عثمانی
۵۴۶	ولمتا (قبيله)
۳۷۵ - ۳۵۳ - ۳۴۲	ویلس (ویلز)
۴۹۲	ویلمت

هـ (۱)

۵۴۲	همبریدجندید
۵۴۵	همی (قبیله)
۲۰۵ - ۲۵۵ - ۴۵۹ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۷۴ - ۴۹۰	هلند
۲۴۰	هلندی
۲۲ - ۲۰۸ - ۲۴۲ - ۲۶۰ - ۲۸۰ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۹۰ - ۶۱۹	هند
۶۲۰ - ۴۶۹	هندوچین
۱۲ - ۲۴ - ۹۲ - ۱۷۲ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۵ - ۲۲۷	هندوستان
۲۲۸ - ۲۲۲ - ۲۴۱ - ۲۵۰ - ۲۵۲ - ۲۶۴ - ۲۷۲ - ۴۰۶	
۴۰۸ - ۴۱۶ - ۴۱۹ - ۴۲۲ - ۴۵۲ - ۴۵۴ - ۴۶۷ - ۴۷۲	
۴۷۵ - ۴۸۶ - ۴۸۸ - ۴۹۲ - ۵۱۲ - ۵۱۶ - ۵۵۰ - ۵۷۷	
۲۲۹ - ۵۴۶	هندی
۱۲	هندی (شیخ)
۲۴۴ - ۲۵۱ - ۵۴۷	هندیهای آمریکا (سرخ پوست)
۲۷	هیکل (سوره)

ی (۱)

۵۲۸	یثرب
۶ - ۲۲ - ۲۵ - ۲۸ - ۱۴۸ - ۱۶۰ - ۱۷۲ - ۲۶۱ - ۵۴۰	یحیی
۵۷۸	
۱۷۹ - ۲۱۲ - ۲۷۲ - ۲۷۴ - ۵۴۰	یوسف بهاء
۲۱۷	یوسف نصر الهی
۵۴۵	یکوما (قبیله)
۲۴۲	یمن
۵۴۶	یمبرویس (قبیله)
۵۴۵	یوکومو (قبیله)
۴۶۷ - ۴۸۶	یوگاندا
۶۰۰	یهود

TAWQÍ'AT-I-MUBÁRAKIH

BAHÁ'Í-VERLAG